

خبرنامه



سال دوازدهم، شماره صد و سیزدهم، آذر و دی ماه ۱۴۰۳

در مراسم هفته پژوهش مطرح شد:

### امروز علاوه بر امنیت نظامی، امنیت فکری داریم



دکتر پورنامداریان:

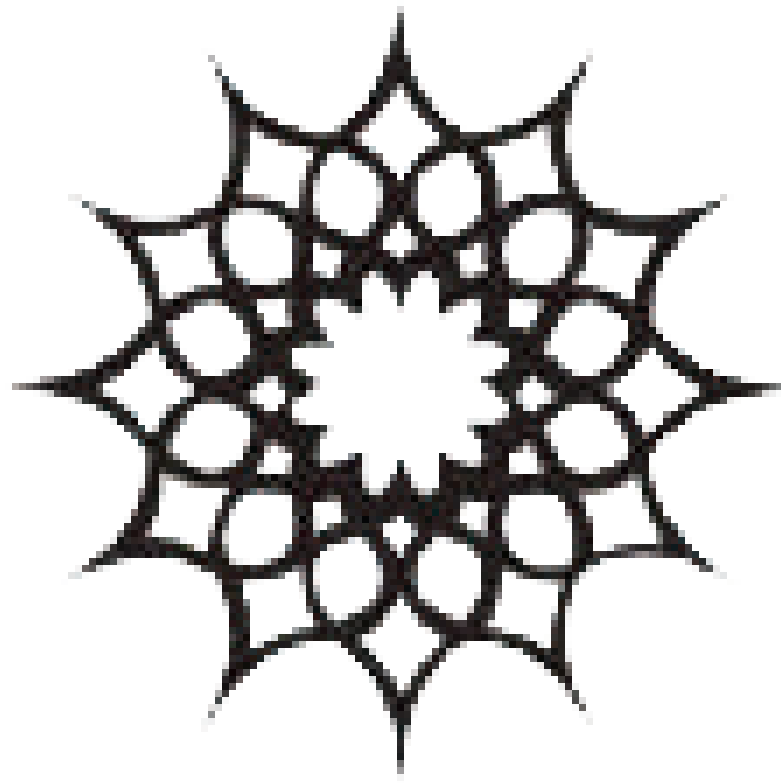
**پژوهشگر باید آزادانه تحقیق کند**



دکتر معینزاده:

**هم پژوهش تحقیقی داریم، هم پژوهش تقلیدی**





ژړو، شگه علوم انساني و مطالعات فرېنگي



بیانات مقام معظم رهبری  
در دیدار با نخبگان علمی و استادان دانشگاه‌ها

یک مسئله، مسئله تقویت روحیه پژوهش و جویندگی در دانشجویان ... از جمله کارهایی که باید انجام بگیرد، این است که جوری نظام آموزشی باید طراحی بشود که جوان ما به تحقیق، طلبکاری در تعمیق علم و دانش علاقه‌مند بشود ... باید افراد برگزیده و شاخص بنشینند نظامی را طراحی کنند که جوان ما میل به پژوهش، تعمق و تحقیق پیدا کند.

۱۳۸۷/۰۷/۱۳



# گرامی باد

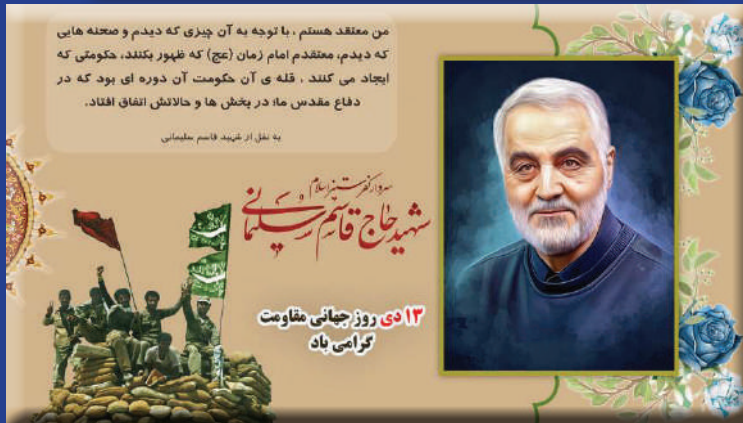
## پژوهش

### هفته

۲۸۵۲۴ شماره

جهش علوم انسانی و تمدن زایی

۱۴۰۳



### فهرست

- ۳..... مراسم افتتاحیه هفته پژوهش پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۵..... مراسم اختتامیه هفته پژوهش و تجلیل از نفرات برتر.....
- ۱۴..... هم اندیشی استادان علوم انسانی درباره تحولات منطقه.....
- ۲۱..... بررسی برنامه های هفته پژوهش .....
- ۲۳..... تصویب طرح نامه پیشنهادی رساله های دانشجویان و بررسی زمان ارائه گواهی زبان دانشجویان دکتری.....
- ۲۴..... همکاری علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مؤسسه خاورمیانه دانشگاه مرمره ترکیه .....
- ۲۸..... روز جهانی فلسفه با عنوان «تاملاتی فلسفی در باب جنگ و صلح».....

### نشست ها و سخنرانی ها:

- ۳۷..... همایش ملی «فلسفه فرهنگ».....
- ۴۸..... کتاب آرایی و تمدن اسلامی .....
- ۵۴..... شیوه های مصرف رسانه ای در خانواده.....
- ۵۸..... از شهر تا رسانه؛ گذر ارتباطی از امر واقع به امر ساخته شده.....
- ۶۵..... گفت و گویی فلسفی در باب پژوهش .....
- ۷۰..... مسائل روان شناختی در حوزه مطالعات خانواده.....
- ۷۳..... سخنرانی های پژوهشکده دانشنامه نگاری به مناسبت هفته پژوهش.....
- ۷۶..... توسعه صنعتی در قرن اخیر تاریخ معاصر ایران.....
- ۷۹..... تأملی بر تاریخ پرسش «ما کیستیم» در ایران معاصر، از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی.....
- ۸۷..... اقتصاد بازار اجتماعی» و «حقوق و اقتصاد .....
- ۹۰..... بازار کار در اقتصاد ایران؛ سیمای اشتغال و تأمین اجتماعی زنان.....
- ۹۴..... حد نوسان قیمت ها در بورس به عنوان مانعی در برابر توسعه مالی در ایران.....
- ۹۵..... فلسفه تطبیقی و فلسفه میان فرهنگی؛ وجوه تشابه و تمایز.....
- ۹۵..... نشست اول و دوم پژوهش ورزی «عصر هوش مصنوعی».....
- ۹۸..... فلسفه تطبیقی و فلسفه میان فرهنگی؛ وجوه تشابه و تمایز.....
- ۱۰۱..... نقش علوم انسانی در تمدن نوین اسلامی با تأکید بر آینده پژوهی.....
- ۱۰۳..... یادداشت: پژوهش و نویسندگی، خلوت گزینی یا جلوت گری.....

## مراسم افتتاحیه هفته پژوهش پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

«استعمارشناسی در ایران» اشاره کرد و خلاصه‌ای از کتاب و طرح پژوهشی خود با عنوان نظریه پردازی پسااستعماری از منظر زبان‌شناسی را در قالب تصاویری برای علاقه‌مندان شرح داد.

در ادامه دکتر محسن بهلولی، معاون پژوهشگاه دانشنامه‌نگاری، از اینکه اولین روز هفته پژوهش در پژوهشگاه دانشنامه‌نگاری رقم خورده است ابراز خوشحالی کرد و ضمن اشاره به زمان تأسیس بنیاد دانشنامه‌نگاری در دهه ۷۰ شمسی و مؤسس آن یعنی شادروان استاد احمد بیرشک، تألیف و تدوین و ترجمه قریب به ۸۰ عنوان دانشنامه را محصول بازرشی برای بهره‌مندی همه محققان برشمرد.

در ادامه تنی چند از سردبیران نشریات پژوهشگاه، گزارش‌هایی از روند روبه رشد مجلات پژوهشی خود ارائه دادند. دکتر فوزی، سردبیر نشریه جستارهای سیاسی معاصر، دکتر طاهره کمالی-زاده، سردبیر نشریه حکمت معاصر، دکتر علیرضا منجمی، سردبیر نشریه پژوهش‌های علم‌ودین، (و به نمایندگی از طرف نشریه فلسفه علم، به سردبیری دکتر علیرضا منصوری) ابراز امیدواری کردند با توجه به ثباتی که برای مجلات در عرصه داخلی به وجود آمده، مناسب است نشریات به سمت ثبت در پایگاه‌های بین‌المللی از جمله اسکوپوس (Scopus) جهت‌دهی شوند.

مراسم افتتاحیه هفته پژوهش سال ۲۴ آذرماه، در ساختمان پژوهشگاه دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه و در جمع برخی از اعضای هیئت علمی و کارشناسان با سخنان دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، برگزار شد.

دکتر نجفی از این زاویه که هفته پژوهش تنها یک نماد است، امر پژوهش را بر همه اعضای هیئت علمی پژوهشگاه ضروری دانست و گفت، برخلاف دانشگاه‌ها که ممکن است پژوهش در آنها اولویت نباشد، پژوهشگاه‌ها باید به موضوع پژوهش بپردازند.

دکتر نجفی در ادامه به ارتباط «علوم انسانی» و «تمدن» ذیل نام‌گذاری این هفته با عنوان «جهش علوم انسانی و تمدن‌زدایی» اشاره کرد و گفت: «فاصله بین فرهنگ و تمدن، فاصله دانی و عالی است؛ اگر سر یک خط فرهنگ باشد، آخرش تمدن است و مسلماً برای شکل‌گیری این اعتلاء و ارتقا، علوم انسانی نقش مهمی ایفا می‌کند».

دکتر نجفی در ادامه بحث تمدن و علوم انسانی، یکی از وظایف اساسی علوم انسانی را در شرایط کنونی ایجاد امید و انگیزه قلمداد و اشاره کرد: «خود این که بگوییم آینده یک آینده تمدنی است، نشان از امید دارد... به این معنا که فردای ما بهتر از امروز ماست».

پس از سخنرانی رئیس پژوهشگاه، دکتر آریتا افراشی، رئیس هیئت ممیزه پژوهشگاه، به طرح کلان



دکتر فرهاد زیویار، رئیس مرکز امام علی (ع)، به‌عنوان آخرین سخنران، آغاز شکل‌گیری این مرکز را به سال ۱۳۷۹، که با نام مبارک امام علی (ع) نام‌گذاری شده بود، ارجاع داد و ضمن تقدیر از همه رؤسای پیشین مرکز در ۲۳ سال گذشته، از دکتر مهدی گلشنی، به‌عنوان مؤسس مرکز و کتابخانه امام علی (ع) به نیکی یاد کرد و انتقال مرکز و کتابخانه آن به محل دانشنامه را فصل جدیدی در مدیریت این مرکز قلمداد کرد و از همه اعضای پژوهشگاه به‌عمل آورد تا در برگزاری کنگره‌ای با موضوع امام علی (ع) که به‌زودی موضوع آن در شورای پژوهشی طرح خواهد شد، مشارکت کنند.

پس از گزارش‌های نشریات، دکتر مهدی معین‌زاده، معاون پژوهشی، به ایراد سخن پرداخت. وی با تکیه بر شعار هفته پژوهش امسال که علوم انسانی و تمدن را در کنار هم قرار داده است، برای دست‌یابی به مفهوم واقعی تمدن از واژه‌ای یونانی با عنوان پِیستیس (πίστις/ Πίστις) کمک گرفت و اشاره کرد: «پِیستیس در یونانی به‌معنای «ساختن» همراه با حسن‌نیت، اطمینان، و اعتماد است؛ ساختنی که در آن معنایی متصور باشد. مانند ساختن یک برج مسکونی که باید حامل معنای آرامش، سکونت، و... باشد؛ در غیر این صورت ساختن هست ولی دیگر پِیستیس نیست. تمدنی هم که حاوی معنای پِیستیس نباشد در حقیقت تمدنی که ما می‌خواهیم، نیست».



سپس دکتر عبدالرحمن حسینی‌فر، مدیر کتابخانه‌های پژوهشگاه، ضمن ارائه گزارشی آماری از تعداد کتاب‌های کتابخانه‌های پژوهشگاه، ذیل ارتباط بین مدیریت دانش و کتابخانه اشاره کرد و گفت: «بحث مدیریت دانش چهار بخش دارد که عبارت است از ۱. ذخیره و تهیه و سازماندهی دانش؛ ۲. اشتراک دانش؛ ۳. به‌کارگیری و کاربست دانش؛ ۴. خلق و نوآوری در دانش؛ که حوزه کتابخانه به دو مورد اول برمی‌گردد». ایشان ضمن تشکر از آقای دکتر نجفی در خصوص فراهم شدن مقدمات راه‌اندازی کتابخانه دیجیتال، این امر را مهم‌ترین هدف مدیریت کتابخانه قلمداد کرد و خرید نرم‌افزار جدید و نیز آغاز تهیه و تأمین منابع را از جمله راهبردهای رسیدن به این هدف برشمرد.



## مراسم اختتامیه هفته پژوهش و تجلیل از نفرت برتر

باید بگیریم. خوشبختانه این پژوهشگاه که بزرگترین پژوهشگاه علوم انسانی است، جامعیت و ظرفیت علمی و امکان‌هایی دارد که می‌تواند در پژوهش‌های اساسی فرهنگی و اجتماعی مشارکت مؤثر داشته و نیز مقام و موقع علوم انسانی را به جامعه علمی کشور نشان دهد و مخصوصاً روشن سازد که علوم گرچه در آموزش و پژوهش در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها از هم جدا و با یکدیگر متفاوتند در وجود و پیشرفتشان به هم وابسته‌اند و باهم تناسب دارند.

### در شرایط کنونی نیاز به علوم انسانی مقدم بر نیاز به دیگر علوم است

به گمان من، در شرایط کنونی نیاز به علوم انسانی مقدم بر نیاز به دیگر علوم است، زیرا علوم پایه، مهندسی، کشاورزی و... وقتی کارساز می‌شوند که برنامه‌ریزان کشور در برنامه‌ای که ناگزیر باید به مدد علوم انسانی تدوین شود، شرایط بهره‌برداری از آنها را در نظر گرفته و معین کرده باشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی باید در این برنامه‌ریزی مشارکت و مساهمت داشته باشد و هفته پژوهش برای پژوهشگاه فرصت مناسبی است که در برنامه‌های خود بازنگری کند و به تدوین برنامه آینده خود بیاندیشد. شاید ذکر این مطالب در چنین مجلسی حمل بر جسارت شود، اما چون جامعه ما هنوز چنان‌که باید به اهمیت علوم انسانی و اجتماعی پی نبرده است، نیاز است بر اهمیت آن تا آنجا که ممکن است، تأکید شود. این علوم در زمان ما چندان

مراسم گرامی‌داشت روز پژوهش با تجلیل از نفرت برتر و شایسته، سوم دی‌ماه، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این مراسم که برگزاری آن به دلیل تعطیلی ادارات به این هفته موکول شد، ضمن افتتاح کتابخانه استاد پورنامداریان از نفرت برتر طبق فهرست اعلامی، تجلیل به عمل آمد. در بخش نخست این مراسم، پیام استاد پیشکسوت، دکتر رضا داوری اردکانی برای حضار قرائت شد که متأسفانه به دلیل کسالت نتوانستند در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی حضور یابند. متن پیام ارسال دکتر رضا داوری اردکانی به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بدین شرح است:

به نام خدا

برگزاری مراسم هفته پژوهش فرصت مغتنمی است که این همکار سالخورده به جناب آقای دکتر نجفی ریاست محترم پژوهشگاه و استادان و پژوهشگران گرامی ادای احترام کند. این احترام نخست، احترام به دانش و دانشمندان است و دوم با این امید و توقع صورت می‌گیرد که پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بکوشد منشأ تحولی در نگاه ما به علوم انسانی و پژوهش‌های فرهنگی باشد. ما اکنون به علوم انسانی و نقد وضع موجود آن، نیاز مبرم داریم تا آنجاکه حتی اگر بخواهیم وضع کلی علم در کشور را بدانیم باید از طریق علوم انسانی وارد شویم. یعنی اگر بپرسند ما که دانشمندان ممتاز داریم، چرا از دانش آنان چنانکه باید بهره نمی‌بریم، پاسخ پرسش را از علوم انسانی



باید وضع علوم انسانی را دریابیم و این دریافت بدون نظر انتقادی حاصل نمی‌شود.

اگر تربیت معلم نظام و سامان داشت و امکان تأمین معاش شایسته برای معلمان میسر بود، مشکل عمده‌ای وجود نداشت. باتوجه به کوشش‌هایی که در دهه‌های اخیر برای اصلاح آموزش و پرورش صورت گرفته و هیچ‌یک به‌جایی نرسیده است، به‌نظر می‌رسد که هنوز آموزش و پرورش برای ما به‌صورت مسئله در نیامده است و آن را نیاز حقیقی خود نمی‌دانیم و البته طرح مسئله آن هم آسان نیست. با این حال دانشمندان، دانشمند شده‌اند که کار دشوار و دشوارترین کارها را به عهده گیرند و انجام دهند. دانشمندان علوم انسانی اجتماعی باید به نیازها و امکان‌های جامعه خود بیاندیشند. در علوم انسانی اجتماعی نظر و عمل از هم جدا نیستند و اگر جدا شوند نه نظر راه را می‌یابد و نه عمل به‌جایی می‌رسد. ما اکنون نیاز داریم که وضع علم به‌طور کلی و به‌خصوص وضع علوم انسانی را دریابیم و این دریافت بدون نظر انتقادی حاصل نمی‌شود و پیداست که صالح‌ترین کسان برای نقد علوم انسانی، دانشمندان این علومند.

اگر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بتواند به تحقیقی جامع در وضع علوم انسانی و اجتماعی در کشور بپردازد (مقصود از این پژوهش ترتیب جداول و جمع‌آوری آمار نیست که اینها مقدمات پژوهشند) گام بزرگی برای مهمل کردن راه پژوهش‌های علوم انسانی اجتماعی برداشته است. از جسارتی که کردم عذر می‌خواهم. می‌دانید که این ناچیز مدتی افتخار همکاری و خدمت در این پژوهشگاه را داشته و به آن احساس تعلق خاطر می‌کند و امیدوار است که پژوهشگاه پیشرو در کار تحقیق و پژوهش اجتماعی فرهنگی باشد. از خداوند برای شما توفیق مسئلت دارم.

اهمیت دارند که شاید غلو و اغراق نباشد اگر بگوییم پیشرفت دیگر علوم نیز به قوام آن وابسته است. علوم اجتماعی صورت‌بندی نیازهای اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌ای است. نیازهای طبیعی، نیاز فردی و شخصی است که قدما از آن به نیاز لذاته تعبیر می‌کردند، اما آدمی در جامعه نیازهای دیگر پیدا می‌کند که از آنها به نیاز لغیره تعبیر کرده‌اند. علوم انسانی و اجتماعی بیان وضع زمان و نیازها و مشکل‌های آن و نشان‌دادن راه رفع آنهاست و چنانکه اشاره شد مسائل جامعه صورت‌بندی نیازمندی‌های آن است. دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی به مشکل و مشکل‌های موجود نظر می‌کنند و می‌پرسند که چگونه باید آنها را رفع کرد و با طرح این پرسش است که مشکل به مسئله اجتماعی انسانی مبدل می‌شود و تحقیق و تأمل در آن و جست‌وجوی راه حل و رفع مشکل و پیمودن آن راه به مدد و راهنمایی علوم انسانی صورت می‌گیرد. طرح مسئله اجتماعی موقوف به درک مشکل و اراده به رفع آن است. علوم اجتماعی وقتی در یک کشور و جامعه پیشرفت می‌کند که دانشمندان و اهل نظر مشکلات آن جامعه را دریابند. علوم اجتماعی در تاریخ هم وقتی پدید آمد که جامعه دچار بحران بود و می‌بایست چاره‌ای برای رفع بحران و عبور از آن بیابد. تسلیم‌شدن به مشکل‌ها و عادت‌کردن به آنها، درک مشکل نیست. همه ما می‌دانیم که به‌طور مثال، در کار آموزش و پرورش و مدرسه و دانشگاه مشکل بسیار است، اما وقتی می‌پرسند مشکل چیست؟ معمولاً پاسخ‌هایی داده می‌شود که پاسخ نیست، بلکه بیان بخشی از مشکل است! مثلاً در پاسخ به اینکه آموزش و پرورش چه مشکلی دارد، می‌گویند حقوق معلم کم است و چنانکه باید به تربیت معلم اهتمام نمی‌شود. البته باید به تربیت معلم اهتمام کرد و شأن معلمان و تأمین معاش آنان را مهم دانست، اما اینها مشکل آموزش و پرورش است و نه راه حل مسئله.







### دکتر نجفی: امروز علاوه بر امنیت نظامی امنیت فکری و فرهنگی داریم

دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، برای دقایقی به حضار سخنرانی کرد و در ابتدای سخن با تبریک هفته پژوهش از استادان پیشکسوت و درگذشتگان پژوهشگاه به نیکی یاد کرد و در آستانه سالگرد درگذشت دکتر کریم مجتهدی (حدود ۲۰ روز دیگر) ابراز امیدواری کرد که بتوانیم مراسمی درخور نام ایشان برگزار کنیم تا ذخیره‌ای باشد برای دانشجویان و شاگردان وی که تعدادشان کم نیست. وی تأکید کرد: اگر بتوانیم مراسمی با عنوان «روش تحقیق و پژوهش دکتر مجتهدی» برگزار کنیم، خوب است، مخصوصاً که تحقیق دکتر مجتهدی فقط در فلسفه خلاصه نمی‌شد.

اکنون ما در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس علاوه بر امنیت نظامی و سیاسی، امنیت فکری و فرهنگی هم داریم که به‌خاطر استقلال ایران و ارزش‌های انقلاب اسلامی است که باید این موارد را قدر بدانیم و ان‌شاءالله بتوانیم رسالت‌مان را درباره علوم انسانی به‌خوبی انجام دهیم. به‌رحال پژوهشگران، یاوران پژوهشی، استادان و محققان می‌توانند در این امر مهم و این استعلاء ما را کمک کنند تا بتوانیم این سخت‌افزار را به یک نرم‌افزار متحول شده، جامعه‌پذیر و مبتکرانه تبدیل کنیم.

دکتر نجفی با تشکر از دکتر داوری که پیام خود را به پژوهشگاه ارسال کردند، گفت: واقعاً پیام دکتر داوری ارزشمند و عالی است و من خودم از این پیام حدود سه نکته پژوهشی عالی استنباط کردم که باید وضع موجود را بسنجیم و نقد کنیم و با دوری از دسته‌بندی‌های سیاسی، مسائل علوم انسانی را بفهمیم. وی در بخش دیگری از سخنانش به افتتاح کتابخانه دکتر پورنامداریان اشاره کرد و گفت: این سنت خوبی است که استادان، کتاب‌های خود را به پژوهشگاه اهداء می‌کنند و امیدواریم ادامه‌دار باشد.

### دکتر معین‌زاده:

هم «پژوهش تحقیقی» داریم، هم «پژوهش تقلیدی»



دکتر نجفی همچنین به موفقیت در انجام طرح‌های مشترک از جمله طرح استعمارشناسی اشاره کرد و یادآور شد: قرار است دو طرح علمی دیگر نیز در پژوهشگاه انجام گیرد که یکی «دانشنامه علوم انسانی» و دیگری «تحول در علوم انسانی» است. در این طرح‌ها اعضای پژوهشگاه‌ها نیز مشارکت می‌کنند و بیشتر درگیر مسائل «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی» می‌شوند تا به‌نوعی به‌نظر دکتر داوری هم نزدیک شویم.

سخنران دوم مراسم هفته پژوهش دکتر مهدی معین‌زاده، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بود که در آغاز سخن با تبریک هفته پژوهش گفت: هفته پژوهش به‌نوعی از اعیاد پژوهشگران

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در بخش پایانی سخنانش با تأکید بر قدر دانستن امنیت جامعه گفت: سخت‌افزار و نرم‌افزاری که در اختیار داریم، همگی نعمت بزرگی هستند که باعث شده ما در کنار هم جمع شویم و ان‌شاءالله بتوانیم با تفکر، همت، اجتهاد و ابتکار تلاش کنیم، تحقیقات علوم انسانی را با جامعه ارتباط دهیم و از امنیتی که در کشور وجود دارد، به‌خوبی استفاده کنیم.

## گزارش دکتر وکیلی، مدیر پژوهشی پژوهشگاه



سخنران بعدی نشست دکتر هادی وکیلی، مدیر پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بود که گزارشی از روند برگزاری مراسم هفته پژوهش ارائه و از همکاری بخش‌های مختلف در برگزاری هرچه بهتر مراسم تشکر کرد.

دکتر وکیلی با اشاره به برگزاری نشست‌های مهمی با موضوع هوش مصنوعی، تمدن و ... یادآور شد: دست ما برای تجلیل از شایستگان باز بود هرچند انتخاب‌های ما تابع ملاک‌های ورودی و خروجی بوده و ممکن است کامل نباشد و کاستی‌هایی داشته باشد. حتی ممکن است شامل سلايق شخصي هم باشد که امیدوارم ما را ببخشید. به‌رحال از اینکه در مراسم هفته پژوهش حضور به‌هم رسانید، سپاسگزاری می‌کنم.



محسوب می‌شود که به شما تبریک عرض می‌کنم، اما شاید مخرج مشترک تمام خوانده‌ها و شنیده‌های ما به تعبیر دکتر داوری همان پیوند علوم انسانی و مسائل جامعه باشد. من شخصاً از پیوند علوم انسانی با جان انسان تعبیر می‌کنم که مرا یاد پرشش حضرت ابراهیم خلیل‌الله از خدا می‌اندازد که چگونه مرده‌ها را زنده می‌کنی؟ و خداوند می‌فرماید: ایمان نداری؟ حضرت ابراهیم(ع) هم پاسخ می‌دهد: ایمان دارم اما می‌خواهم قلبم مطمئن شود و ... یعنی علوم انسانی باید در قلب و جان ما رسوخ کند.

### به قول مولوی، «پژوهش تحقیقی» همیشه مشتری دارد

دکترای فلسفه علم و فناوری در ادامه بحث خود با اشاره به دو تقسیم‌بندی مولوی از علم تأکید کرد: من در خصوص پژوهش یاد تقسیم‌بندی مولوی از «علم تقلیدی» و «علم تحقیقی» می‌افتم، پس پژوهش تحقیقی، پژوهشی است که با جان آدمی پیوند داشته باشد. بسیاری از کارهایی که ما انجام می‌دهیم، اگر به مولوی عرضه می‌شد، می‌گفت که این کار تقلیدی است (اصلاً طرح و پژوهش خودم را مثال می‌زنم). «پژوهش تحقیقی» پژوهشی است که با جان آدمی پیوند خورده باشد و برای همین است که می‌گفت «جان نباشد در خبر جز آزمون». کدام علم است که می‌تواند عین جان بوده باشد؟ علمی که مشکلی از جان برخاسته باشد و جان این مشکل را با سویدای وجود و سویدای قلبش لمس کرده باشد. لازم نیست اسامی بزرگی باشد، همین نزدیک‌ترین مسئله‌ای که از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است را اگر معیار بگیریم، روی آن کار کنیم و هر چیزی راجع به آن بگوئیم، «پژوهش تحقیقی» است که به قول مولوی همیشه مشتری دارد: علم تقلیدی و بال جان ماست / عاریه‌ست و ما نشسته کان ماست

مشتری علم تحقیقی حقست / دائماً بازار او با رونقست

دکتر معین‌زاده تصریح کرد: در علم تحقیقی من از وجود خودم گره‌گشایی می‌کنم و مشکل خودم به‌شکل علمی مطرح می‌شود که دیگران هم می‌توانند از آن استفاده کنند. یا اینکه حافظ می‌گوید:

ماه‌م این هفته برون رفت و به چشم سالیست / حال هجران، تو چه دانی که چه مشکل حالیت

چون حافظ مسئله خودش را مطرح کرده است، ما هم مسئله خودمان را در مسئله حافظ بازمی‌یابیم که بازگشت به مسائل اصیل، تپنده، و هم‌جوشنده درون انسان می‌تواند کاربردی‌سازی علوم انسانی و جامعه یا ارتباط علوم انسانی و علاقه‌مندانش را تأمین کند.

## دکتر پورنامداریان: پژوهشگر باید آزادانه تحقیق کند



در دوره پیشامدرن، یک حقیقت واحد وجود دارد و راه رسیدن به حقیقت نیز واحد است، در دوره مدرن حقیقت، واحد و راه‌های رسیدن به حقیقت، متفاوت و در دوره پسامدرن، حقیقت، متکثر و راه‌های رسیدن به حقیقت نیز متکثر است. همچنین در هیچ مؤسسه تحقیقاتی، موضوع تحقیق نباید سفارشی باشد؛ چراکه پژوهشگر به حقیقتی که می‌تواند آن را در جهان متن کشف کند، دیگر دست پیدا نمی‌کند و آن گوشه از حقیقت تا همیشه پنهان خواهد ماند. در واقع اگر پژوهشگر در تحقیق خود آزاد باشد، می‌تواند به قله کمال، قله صلح و قله آزادی دست یازد.

در این مراسم ضمن گرامیداشت یاد اساتید برجسته پژوهشگاه، دکتر قیس آل‌قیس استاد پژوهشگاه زبان و ادبیات، دکتر ناصر تکمیل‌همایون استاد پژوهشگاه علوم اجتماعی، دکتر کریم مجتهدی استاد پیشکسوت فلسف، از دکتر محمدتقی پورنامداریان استاد پیشکسوت زبان و ادبیات فارسی قدر دانی شد. در ادامه ضمن قدردانی از اساتید پیشکسوت پژوهشگاه، دکتر ابوالقاسم رادفر استاد پیشکسوت ادبیات، دکتر مصطفی عاصی استاد پیشکسوت زبان‌شناسی، دکتر بیوک‌محمدی استاد پیشکسوت علوم اجتماعی، دکتر محمدتقی راشد‌محصل استاد پیشکسوت زبان و فرهنگ‌های باستانی، دکتر مهشید میرفخرایی استاد پیشکسوت زبان و فرهنگ‌های باستانی، از پژوهشگران برتر و شایسته تقدیر، نیز قدردانی شد.

آخرین سخنران مراسم هفته پژوهش، دکتر تقی پورنامداریان، استاد برجسته زبان و ادبیات فارسی بود که برای دقایقی سخنرانی کرد و گفت: من قصد نداشتم در این مراسم سخنرانی کنم، اما چون از من درخواست شد که برای دقایقی سخنرانی کنم، چند کلمه‌ای در مورد پژوهش حرف می‌زنم درحالی‌که خیلی‌ها صلاحیت‌شان برای قرار گرفتن در پشت این تریبون، بیشتر از بنده است.

وی در ابتدای سخنان خود بیان کرد: پژوهش که معادل عربی آن تحقیق است، یعنی کشف حقیقت. طبق دیدگاه «ویلهم دیلتای»، روش تحقیق در علوم مادی (طبیعی) تبیین است و روش تحقیق در علوم انسانی تأویل است و تأویل یعنی برگشتن به اول یا برگشتن به حقیقت یک چیز. البته هر کسی به اقتضای ذهنیت خویش، به روش خود موضوع مورد نظرش را تأویل می‌کند و هیچ تأویلی را نمی‌توان قانونی ثابت انگاشت.

استاد پورنامداریان در ادامه افزود: تا قبل از قرن بیستم در تحقیق به‌خصوص در حوزه علوم انسانی، فهم را در مرکز تحقیق قرار می‌دادند و با آمدن قرن بیستم (هایدگر و شاگرد او گادامر) بودن ما، نوع زیستن ما و تجربه ما، بر فهم و شناخت مقدم می‌شوند و از آنجاکه شیوه زیست هر کس با دیگری فرق دارد، فهم ما از موضوعات، متکثر و متنوع است. در ضمن از آنجاکه ذهن ما از تجربه‌های پیشین انباشته است؛ بنابراین پیش‌داشته‌های ذهنی ما در تأویل ما اثر می‌گذارد.

### دوره‌های تکامل انسان

دکتر پورنامداریان تأکید کرد: دوره‌های تکامل انسان شامل سه دوره پیشامدرن، مدرن و پسامدرن است.



**جهش علوم انسانی و تمدن‌زایی**

**مراسم گرامیداشت روز پژوهش**

با سخنرانی:

- دکتر موسی نجفی (رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
- دکتر مهدی معین‌زاده (اعوان پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه)
- دکتر هادی وکیلی (مدیر پژوهشی پژوهشگاه)
- دکتر محمدتقی پورنامداریان (استاد برجسته زبان و ادبیات فارسی)

همراه با:

- افتتاح کتابخانه دکتر پورنامداریان
- رونمایی از کتاب‌های منتشرشده پژوهشگاه
- اهدای جوایز

دوازدهمین سالگرد تاسیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن تمدن



### پژوهشگران برتر:

۱. دکتر الهام ابراهیمی گروه پژوهشی مدیریت
۲. دکتر سمیه سادات شفیعی پژوهشکده علوم اجتماعی
۳. دکتر مالک شجاعی پژوهشکده فلسفه

### پژوهشگران شایسته تقدیر:

۱. دکتر سید نورالدین محمودی پژوهشکده اخلاق و تربیت
۲. دکتر آتوسا رستم بیگ پژوهشکده زبان شناسی
۳. دکتر مهدی کریمی مرکز اسناد فرهنگی آسیا

### پژوهشگران فعال در حوزه بین‌المللی سازی:

۱. دکتر احمد شاکری پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات
۲. دکتر آریتا افراشی پژوهشکده دانشنامه نگاری
۳. دکتر محمدعلی سلمانی ندوشن پژوهشکده دانشنامه نگاری

### اعضای هیأت علمی مؤثر:

۱. دکتر یحیی فوزی پژوهشکده علوم اجتماعی
۲. دکتر حمیدرضا دالوند پژوهشکده زبان شناسی
۳. دکتر الهام ملک زاده پژوهشکده تاریخ

### دانشجویان برتر:

۱. مهسا عرب پور دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی
۲. ساسان مژده شفق دانشجوی دکتری فلسفه دین
۳. سید محمد مهدی دزفولی دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام

### مجلات برتر (مسئولان اجرایی نشریات):

۱. دکتر زهرا حیاتی برای نشریه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبیات جهت دریافت رتبه الف و Q1
۲. رضا حسینی مسئول اجرایی نشریات پژوهشگاه
۳. مختار مومنی برای نشریه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبیات جهت دریافت رتبه الف و Q1

### کارشناسان برتر:

۱. دکتر مهلا آرین پور پژوهشکده دانشنامه نگاری
۲. دکتر آمنه بختیاری پژوهشکده علوم اجتماعی
۳. دکتر امیر اعتمادی انتشارات
۴. دکتر شاهین آریامنش پژوهشکده زبان شناسی
۵. دکتر مجتبی جهانگردی تحصیلات تکمیلی
۶. دکتر بهزاد اصغری معاونت پژوهشی





## افتتاح کتابخانه تخصصی زبان‌شناسی



### افتتاح کتابخانه استاد پورنامداریان



## هم‌اندیشی استادان علوم انسانی درباره تحولات منطقه

صادق یک و دو از سوی دیگر و نتایج و پیامدهای آنها پرداخت و ادامه داد: این وقایع بزرگ و بی‌سابقه پیامدها و تأثیرات شگرف سیاسی، اقتصادی و... در جهان و منطقه داشت. وی سپس به امکان بررسی تحولات منطقه از دو منظر و رویکرد تمدنی و یا سیاسی اشاره کرد و گفت:



رویکرد تمدنی، نگاه کلان‌تری است که نگرش تاریخی به وضعیت غزه و رژیم صهیونیستی و تقابل آنها را هم شامل می‌شود. در این رویکرد تمدنی، می‌توانیم تقابل دو تفکر، دو هستی‌شناسی و اعتقاد را میان فلسطین و رژیم صهیونیستی شاهد باشیم. یکی از ابعاد مورد توجه

نخستین نشست از سلسله نشست‌های «هم‌اندیشی استادان علوم انسانی درباره تحولات منطقه» با محوریت «تحولات منطقه و نقش ایران در این تحولات» و «کنش‌گری استادان در حوزه تأثیرگذاری بر تحولات منطقه» چهارم آذرماه با حضور جمعی از استادان و پژوهشگران علوم انسانی و همچنین علاقه‌مندان به مباحث و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به‌ویژه در ارتباط با تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

### دکتر حسینی: تحولات اخیر منطقه از دو منظر و رویکرد تمدنی و سیاسی قابل بررسی است

در ابتدای جلسه، دکتر سیدرضا حسینی، «مسئول کانون بسیج استادان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی»، به عنوان مدیر علمی این نشست ضمن سلام و عرض خیر مقدم به حاضران و تبریک هفته بسیج، گفت: هدف اصلی این هم‌اندیشی همفکری و بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و نظرات استادان و پژوهشگران علوم انسانی است.

دکتر حسینی در ادامه به تحولات رخ داده در منطقه پس از اقدام حماس علیه رژیم صهیونیستی از یکسو و پاسخ ایران به شرارت‌های این رژیم طی عملیات‌های وعده





## دکتر اکبری: یک بحث جدی درباره شرایط منطقه تحلیل نظم آینده است



دکتر حمیدرضا اکبری، عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل پژوهشگاه، با تأکید بر اینکه تحولات یک سال اخیر چنان تأثیری بر شرایط منطقه داشته است که امکان بازگشت شرایط به حالت پیش از تحولات ۱۵ مهر و ۷ اکتبر وجود ندارد، گفت: یک بحث جدی درباره شرایط منطقه، تحلیل نظم آینده است که دیگر با گفتمان سابق نمی‌توان درباره آن اندیشید. در واقع یک مسئله مهم این است که آیا جمهوری اسلامی می‌تواند با مواضع پیشین خود به کنش‌گری در زمینه نظم جدید پردازد یا باید تغییر گفتمان دهد تا بتواند نقشی مؤثر در پی‌ریزی نظم آتی داشته باشد؟ این مسأله، شناخت دقیق‌تر اتفاقات و وقایع روی داده را الزامی می‌سازد. چنان‌که اشاره شد نقش استعمار در نظم منطقه‌ای بسیار مهم است.

دکتر اکبری با اشاره به اینکه نظم حاکم بر منطقه، پس از جنگ جهانی دوم، نظم استعماری بود، ادامه داد: در واقع غرب با شکل‌گیری اسرائیل پس از بیانیه بالفور، کانون استعماری را در منطقه حفظ کرد. در این بیانیه بر تشکیل کشوری به اسم اسرائیل تأکید شد و نه فلسطین. فلسطین در تعیین حدود سایر کشورها مشخص می‌شد. کشورهای عربی ابتدا با جنگ تلاش کردند تا موازنه استعماری را تغییر دهند اما شکست خوردند. تشکیل دو دولت نظم منطقه‌ای مورد حمایت کشورهای عربی است که خود این کشورها پس از استعمار در منطقه شکل گرفتند. ایران به عنوان

در این رویکرد رقابت و مقابله‌ای است که میان تمدن غربی و عثمانی از گذشته وجود داشته که در نتیجه آن، شاهد نقش‌آفرینی پررنگ استعمار در شکل‌گیری اسرائیل هستیم و جنگ‌ها و صلح‌های صورت گرفته بعدی را ذیل این رویکرد می‌توانیم تحلیل کنیم.

### اقدام حماس را می‌توان در راستای احیای مسئله فلسطین ارزیابی کرد

اما در رویکرد سیاسی، یکی از مسائل مورد توجه این است که اقدام فلسطینیان را کنش بدانیم یا واکنش؛ آیا حمله حماس، حمله‌ای پیش‌دستانه بود یا واکنشی در برابر سال‌ها جنایت و تجاوز رژیم صهیونیستی به فلسطینیان بود که در این دوره از تاریخ به دلایل متعدد صورت گرفت؟ یکی از تحلیل‌های صورت گرفته این است که فرماندهان حماس و شخصیت‌هایی همچون سنوار و... در شرایط خاصی قرار گرفتند؛ آنان شاهد این بودند که با وجود جنایات متعدد رژیم صهیونیستی، روابط کشورهای مختلف از جمله کشورهای عربی با اسرائیل در حال عادی شدن بود و این باعث فراموشی فلسطین و وضعیت مردم غزه و حذف آنها از سیاست شده بود. از این‌رو به منظور احیای مسئله فلسطین این اقدام را انجام دادند.

### این وقایع چهره واقعی ظالمانه و زشت اسرائیل، آمریکا و قدرت‌های غربی را برملاء کرد

مسئول کانون بسیج استادان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه مباحث خود به ارزیابی و تحلیل راهبردی و تاکتیکی تحولات منطقه اشاره کرد و گفت: یکی از اهداف اصلی و تعریف شده رژیم صهیونیستی از ترور فرماندهان و کشتار اعضای محور مقاومت و مردم فلسطین، آزادی گروگان‌های اسرائیلی بود که نه تنها در این زمینه موفقیتی کسب نکرد، بلکه با کشتار مردم بی‌دفاع فلسطین و لبنان، چهره واقعی ظالمانه و زشت اسرائیل، آمریکا و قدرت‌های غربی برملاء شد.

دکتر حسینی در پایان صحبت‌های خود از اعضای حاضر در جلسه خواست تا دیدگاه و نظر خود را درباره موضوع و محورهای هم‌اندیشی و موضوعاتی که در تحلیل و بررسی‌های صورت گرفته مورد غفلت واقع شده‌اند، مطرح کنند. سپس پژوهشگران و اعضای حاضر به طرح دیدگاه‌های خود ناظر به موضوع هم‌اندیشی پرداختند.

رویکرد امت‌محور است که جمهوری اسلامی داعیه‌دار آن است و رویکرد دیگر، مبتنی بر بحث شیعه و سنی است. در این زمینه چند مسئله مهم وجود دارد و باید ارزیابی کرد که هر یک از این رویکردها چه فرصت‌ها و آسیب‌هایی دارند؟ یک بحث مهم دیگر این است که ایران چگونه می‌تواند با بهره‌گیری از مباحث گفتمانی، به محور مقاومت وحدت دهد و در نتیجه نقش و جایگاه ایران در منطقه و محور مقاومت تقویت شود.

**دکتر توکلی: عملیات گروگان‌گیری و تبادل اسراء به‌عنوان یک روش مبارزه با اشغال‌گری و ابزار زور ضعفا در مقابل اقویا، به سازمان مقاومت فلسطین تحمیل شده است**



دکتر یعقوب توکلی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه با اشاره به اطلاعات نادرست و ناکافی در کشور در مورد جریان مقاومت گفت: پروژه شکل‌گیری و ایجاد اسرائیل در منطقه در واقع پس از شکست ناپلئون در

کشوری که قدمتی طولانی داشته است، در قبال این نظم منطقه‌ای عموماً رویکرد ایدئولوژیک داشته و آن را نمی‌پذیرد اما اگر نگاه استراتژیک و راهبردی داشته باشیم، هرچند حالت مطلوب این است که ایران ناظم باشد، اما می‌تواند نظمی را بپذیرد که منجر به ایجاد موازنه شود. بر این اساس می‌توان تحولات اخیر را چنین مورد بررسی قرار داد که آیا این تحولات منجر به خروج از نظم استعماری می‌شود یا نه و آیا ما در این نظم، کنش‌گر و فعال هستیم یا خیر؟

**پذیرش هر نوع شرایط و نظم جدید در منطقه، آغاز یک روند و نیازمند دقت لازم است**

این پژوهشگر مسائل سیاسی با قابل بررسی دانستن اقدام حماس، عملیات‌های وعده صادق ۱ و ۲ و سایر اقدامات ایران و جبهه مقاومت در برابر حذف جریان مقاومت در منطقه در ارتباط با حذف و فراموشی مسئله فلسطین ادامه داد: یک تحلیل از اقدام حماس این است که این اقدام واکنشی به حذف و فراموشی مسئله فلسطین بوده است که در جریان توافق ابرهیم یا معامله قرن به پیشنهاد آمریکا میان اسرائیل و امارات و به تدریج سایر کشورهای عربی حاصل می‌شد. وی به تحلیل‌های موجود دیگر در این زمینه و نقش ایران در جبهه مقاومت اشاره کرد و ادامه داد: باید توجه داشت که پذیرش هر نوع شرایط و نظم جدید در منطقه، آغاز یک روند است و مواجهه با این شرایط، نیازمند دقت لازم است و نمی‌توان به سادگی با آن مواجه شد. دکتر اکبری با اشاره به رویکردهای مختلف در بحث گفتمان مقاومت گفت: در این زمینه یک رویکرد،



تشدید تنش و کشتار فلسطینیان و فرماندهان مقاومت در منطقه روی آورد. ناچار گروه‌های مقاومت همچون انصارا... یمن و حزب‌با... وارد درگیری شدند. دکتر توکلی نتیجه این درگیری و تنش را قرار گرفتن اسرائیل در ناامن‌ترین و بدنام‌ترین دوران تاریخش برشمرد و ادامه داد: حقیقت رژیم صهیونیستی برای جهانیان آشکار شده و اکنون این رژیم در وضعیت بسیار نامناسبی به لحاظ جایگاه جهانی قرار دارد چنان‌که حتی شاهد بودیم حکم جلب نتانیاہو و گالانت از سوی دادگاه کیفری بین‌المللی (لاہه) صادر شد.

### دکتر زیویار: حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های مقاومت مبتنی بر رویکرد تمدنی و ایدئولوژیک است

دکتر فرهاد زیویار، عضو هیأت علمی پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی با اشاره به سابقه دیرینه جریان مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی حتی پیش از حمایت ایران از گروه‌های مقاومت گفت: پس از شکل‌گیری رژیم صهیونیستی با حمایت همه جانبه اعم از حمایت‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی و... قدرت‌های غربی، این ذهنیت برای غربیان شکل گرفته بود که هیچ کشوری توان مقابله با اسرائیل را ندارد. اما آنها در محاسبات خود از این نکته غفلت

عکا برنامه‌ریزی شد تا غرب بتواند با ایجاد یک پایگاه نظامی در منطقه، برنامه‌های خود را برون‌سپاری کند. اسرائیل با جمعیتی حدود ۱۱ میلیون نفر که اکثراً نیروی نظامی هستند بر این اساس شکل گرفت تا قدرت‌های جهانی و بین‌المللی اهداف خود را دنبال کنند و حفظ این پایگاه برای آنها بسیار مهم است. دکتر توکلی سپس به تشریح وضعیت بسیار سخت زندگی فلسطینیان به‌ویژه در زندان‌های رژیم صهیونیستی پرداخت و گفت: عوامل شکنجه‌گر اسرائیلی در زندان‌های این رژیم، تجارب و سنگدلی بسیاری از طریق گذراندن دوره‌های آموزشی کامل موردنیاز یک شکنجه‌گر کسب می‌کنند و تمام آنچه را که ذهن یک شکنجه‌گر نیاز دارد، در اختیار دارند. از آنجا که رژیم صهیونیستی بر منطقه سیطره کامل داشته و قدرت نظامی بیشتری دارد، با سرکوب و دستگیری فلسطینیان، اسرای فلسطینی را به شدت شکنجه و آزار می‌دهند، چنان‌که تعداد زیادی از اسراء در زندان‌های این رژیم به شکل‌های مختلف به شهادت می‌رسند. لذا گروه‌های فلسطینی با عملیات‌های مختلف همچون ۷ اکتبر و به گروگان گرفتن اسرائیلی‌ها، تلاش دارند تا اسرای فلسطینی را از بند این رژیم جنایتکار رها کنند. درواقع این عملیات و عملیات‌های مشابه، یک عملیات تبادل است که به عنوان یک روش مبارزه با اشغال‌گری و ابزار زور ضعفا در مقابل اقویا، به سازمان مقاومت فلسطین تحمیل شده است چراکه فلسطینیان به دلیل کمبود امکانات و تجهیزات در برابر این رژیم مسلح و تحت حمایت قدرت‌های غربی، ناچار از اتخاذ چنین روندی بودند. وی در ادامه به برخی از عملیات‌های گروگان‌گیری و تبادل اسراء که در سال‌های مختلف همچون ۲۰۰۴ یا ۲۰۰۶ و... اشاره کرد.

از یک‌سو شرایط سخت زندگی برای فلسطینیان از سوی دیگر شرایط منطقه و جهان همچون جنگ اوکراین امکان عملیات ۷ اکتبر را فراهم کرد این پژوهشگر علوم سیاسی سپس به فراهم شدن شرایط برای عملیات هفت اکتبر گروه‌های مقاومت فلسطینی پرداخت و گفت: از یک سو شاهد حصر و شرایط سخت برای قریب به دو و نیم میلیون نفر فلسطینی به دست رژیم صهیونیستی بودیم و از سوی دیگر شرایط منطقه و جهان همچون جنگ اوکراین و تمرکز بر آن از سوی قدرت‌های غربی، امکان چنین عملیاتی را برای گروه‌های مقاومت فراهم کرده بود. فرماندهان مقاومت همچون یحیی سنوار از این موقعیت استفاده کرده و این عملیات را انجام دادند. اما برخلاف عملیات‌های تبادل پیشین، اسرائیل به جنگ‌افروزی و



یاران ایشان در برابر رژیم ظالم و ستمگر اموی که هم به لحاظ تعداد و هم امکانات بیشتر بودند را می‌توان مشابه قیام گروه‌های مقاومت علیه رژیم صهیونیستی با تجهیزات و امکانات پیشرفته دانست که هر دو منجر به مشروعیت‌زدایی از ظالمان شده که غیرقابل بازگشت است چنان‌که حتی حکم محکومیت و دستگیری رئیس و وزیر رژیم صهیونیستی صادر شد.

### دکتر محسنی: نقش تبیینی استادان علوم انسانی در

#### مورد مسائل و وقایع مختلف بسیار مهم است

دکتر فریاسادات محسنی، عضو هیأت علمی پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی با تأکید بر اهمیت ایفای نقش تبیینی استادان علوم انسانی در مورد مسائل و وقایع مختلف کشور و منطقه گفت: اگر توالی اتفاقات و وقایع در منطقه را مرور کنیم ممکن است به تبیین ما از موضوع کمک کند. توالی وقایعی همچون جنگ روسیه و اوکراین، جنگ سوریه، جنگ غزه و لبنان، عملیات طوفان الاقصی و سپس عملیات‌های وعده صادق یک و دو، تصویر بهتری از جغرافیای منازعه که وسیع‌تر از منطقه است در اختیار ما قرار می‌دهد. تروئیکای اروپایی تلاش کرد تا ضمن تحریم و موضع‌گیری علیه ایران، مانع حمایت ایران از محور مقاومت شود.

وی سپس به برخی دستاوردهای جبهه مقاومت اشاره و تأکید کرد: باوجود حمایت‌های همه‌جانبه و گسترده غرب از رژیم صهیونیستی و ممانعت از محکومیت و

کرده بودند که منطقه هویت و شناسنامه‌ای داشته و بر اساس همین عقبه هویتی و تاریخی، افرادی همچون عبدالناصر به مقابله با رژیم صهیونیستی پرداختند. وی با مهم دانستن توجه به رویکردهای واقع‌گرایانه و در نظر گرفتن مسائل واقعی در زمینه شکل‌گیری نیروهای مقاومت علیه اسرائیل در منطقه، حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های مقاومت را مبتنی بر رویکرد تمدنی و ایدئولوژیک دانست.

### مشروعیت‌زدایی صورت گرفته از رژیم صهیونیستی در

#### افکار جهانی غیرقابل بازگشت است

دکتر زیویار در ادامه به مشروعیت‌زدایی صورت گرفته از رژیم صهیونیستی در افکار جهانی پس از عملیات گروه‌های مقاومت پرداخت و گفت: گروه‌های مقاومت فلسطینی و حتی حزب‌ا... لبنان امکانات و تجهیزات چندانی در برابر اسرائیل نداشتند و حتی حزب‌ا... پایگاه آموزشی مشخصی در لبنان جهت آموزش نیروهای خود نداشت. حمایت ایران از محور مقاومت و تجهیز آنها از یکسو و انفعال کشورهای عربی و حتی همراهی با رژیم صهیونیستی باعث شد که حتی یحیی سنوار، که فردی سنی بود، به صراحت اعلام کند که محو شیعه و تعالیم شیعی شده است.

وی با بیان برخی تشابهات میان حرکت گروه‌های مقاومت فلسطینی با قیام عاشور ادامه داد: هرچند تفاوت میان این دو قیام بسیار است اما در برخی ابعاد می‌توان مشابهت‌هایی یافت. قیام امام حسین (علیه السلام) و



چین و روسیه در جهان است، توجه خود را با ایجاد جنگ اوکراین از یکسو و تنش تایوان با چین از سوی دیگر معطوف جلوگیری از بهبود موقعیت آنها کرده است. به همین دلیل نقش حفظ جایگاه خود در منطقه را در این شرایط به اسرائیل داده است.

دکتر ملکزاده با اشاره به اهمیت نقش آفرینی پژوهشگاه در تحلیل علمی و عمیق مسائل و وقایع مختلف پیشنهاد داد تا با تشکیل حلقه‌های مطالعاتی، فارغ از تعصب به تحلیل و تبیین وقایع مختلف پرداخته شود و برنامه‌ها و اقدامات عملیاتی جهت پیشنهاد به مسئولان و تصمیم‌گیرندگان کشور تهیه گردد.

### دکتر افراشی: تبیین و فهم‌پذیر کردن سیاست‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران در همراه کردن آحاد جامعه اهمیت دارد

دکتر آریتا افراشی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه دانش‌نامه‌نگاری پژوهشگاه با ضروری دانستن مسئله فهم‌پذیر کردن و تبیین سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان برای همراه ساختن آحاد مردم گفت: متأسفانه بسیاری از مردم از دلایل سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران همچون سیاست حمایت از محور مقاومت آگاه نیستند و این عدم آگاهی زمینه را برای موضع‌گیری‌ها علیه این برنامه‌ها و سیاست‌ها در وقایع مختلف فراهم کرده است.

جلوگیری از تجاوزات و جنایات این رژیم در نهادهای بین‌المللی همچون شورای امنیت، با تلاش‌های مختلف سرانجام دادگاه کیفری بین‌المللی لاهه علیه نتانیاها و گالانت حکم صادر کرد و این دستاوردی مهم برای جبهه مقاومت بود؛ چراکه تاکنون هیچ موضعی در نهادهای مختلف بین‌المللی علیه رژیم صهیونیستی صورت نگرفته بود. دستاورد دیگر جبهه مقاومت ناامن و متزلزل شدن وضعیت اسرائیل بوده است.

### دکتر ملکزاده: در شرایط کنونی و به دلیل تنش‌های آمریکا با روسیه و چین، نقش اسرائیل حفظ جایگاه آمریکا در منطقه است

دکتر الهام ملکزاده، عضو هیأت علمی پژوهشگاه تاریخ ایران پژوهشگاه، با تأکید بر اهمیت توجه به نقش آمریکا و سیاست‌های آن در ایجاد نظمی نوین در منطقه گفت: پس از شکل‌گیری اسرائیل با وجود مخالفت‌ها و مقاومت‌های صورت گرفته، سلسله وقایعی در منطقه و جهان همچون ترور احمد شاه مسعود، واقعه ۱۱ سپتامبر و سپس جنگ‌های بعدی در منطقه رخ داد که نباید در آنها نقش آمریکا و سیاست‌های این کشور را از نظر دور داشت. در واقع این تنش‌ها و جنگ‌ها، نشانگر دست‌های پنهان و آشکار آمریکا در حوادث و منازعات منطقه در جهت تحقق اهداف و برنامه‌های این کشور است. در مقطع کنونی نیز از آنجا که آمریکا بیش از هر موضوعی نگران پیشرفت



### دکتر توکلی: باید با اتخاذ سیاست‌های داخلی و خارجی مناسب، زمینه برای بهبود وضعیت کشور و منطقه فراهم شود

دکتر فائزه توکلی، کارشناس پژوهشکده تاریخ ایران پژوهشگاه با اشاره به همزیستی ادیان مختلف توحیدی در منطقه گفت: در منطقه خاورمیانه ادیان مختلف همچون اسلام، مسیحیت و یهودیت از گذشته دور حضور داشته‌اند و صهیونیسم با سرمایه‌گذاری وسیعی که انجام داده، برنامه‌های مختلفی را جهت تفرقه میان پیروان ادیان مختلف و حتی درون ادیان باعث تنش‌ها و انشقاق‌های مختلفی در منطقه شده است که آسیب‌های زیادی برای مردم به دنبال داشته است. وی بر اهمیت تشکیل وفاق میان پیروان ادیان مختلف تأکید کرد و با اشاره به روی کار آمدن ترامپ در آمریکا و پیش‌بینی ناپذیر بودن سیاست‌های وی در قبال مسائل مختلف گفت: هر چند نامشخص است که ترامپ چه سیاستی را در قبال ایران و غزه دنبال کند اما ضرورت دارد ایران با اتخاذ سیاست‌های داخلی و خارجی همچون تقویت وحدت و همدلی در داخل کشور از یکسو و پیگیری وفاق و گفت‌وگو میان ادیان توحیدی در منطقه از سوی دیگر، زمینه را برای اصلاح و بهبود وضعیت کشور و منطقه فراهم کند.

### گودرزی: اکنون حفظ موجودیت رژیم صهیونیستی تبدیل به دغدغه غرب و رؤسای این رژیم شده است

آقای بهنام گودرزی، کارشناس پژوهشگاه با اشاره به اهمیت توجه به ابعاد مختلف شکل‌گیری طوفان الاقصی و عملیات‌های گروه‌های مقاومت، توجه و تأمل

در دستاوردهای آن را یادآور شد و گفت: یکی از ابعاد مهم عملیات طوفان الاقصی توجه به دستاوردهای آن است و چنان‌که رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در بیانات خود متذکر شده‌اند، این عملیات سیاست‌های آمریکا را در منطقه محو و نابود خواهد کرد.

وی سپس به ابعاد مختلف سیاست‌های آمریکا در منطقه پرداخت و ادامه داد: ۱. در بعد سیاسی آمریکا با پیمان ابراهیم در پی عادی‌سازی روابط میان اسرائیل و کشورهای عربی بود که ابتدا امارات، سپس بحرین و مراکش و سودان و حتی عربستان سعودی وارد این توافق شده بودند که با این عملیات، این توافق عقیم شد. ۲. در بعد اقتصادی، این هدف دنبال می‌شد که کریدور هند، امارات، عربستان و رژیم صهیونیستی جایگزین کریدور شمال به جنوب که ایران در آن قرار می‌گرفت شود و این پروژه نیز دچار شکست شد. ۳. در بعد فرهنگی نیز مسئله فلسطین که به تدریج در حال فراموشی و انزوا بود، مجدداً احیا شد و امروز حتی شاهد آن هستیم که مثلاً در مسابقات فوتبال، تماشاگران علیه بازیکنان تیم این رژیم شعار داده و در هلند که یکی از بزرگ‌ترین حامیان اسرائیل بود، مردم با طرفداران تیم اسرائیل درگیر می‌شوند. ۴. در بعد امنیتی یکی از مهم‌ترین نتایج و پیامدهای عملیات طوفان الاقصی این بوده است که اکنون حفظ موجودیت رژیم صهیونیستی تبدیل به دغدغه غرب و رؤسای این رژیم شده است و این را شاید بتوان معنایی از سخن رهبری دانست که فرموده‌اند مقاومت و عملیات طوفان الاقصی، اسرائیل را به ۷۰ سال عقب بازگرداند.



## در پنجاه و هفتمین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه صورت گرفت: بررسی برنامه‌های هفته پژوهش پژوهشگاه

اعضای هیأت علمی پژوهشگاه‌ها با اعضای مراکز و گروه‌های مستقل پژوهشی گفت: در پژوهشگاه‌ها میانگین جمع امتیازات ترفیع اعضای هریک از آنها، به عنوان حد نصاب لازم برای اعمال کامل فوق‌العاده جهش علمی ملاک قرار گرفته است و برای اعضای مراکز و گروه‌های مستقل پژوهشی، میانگین جمع امتیازات ترفیع کل اعضای پژوهشگاه محاسبه شده و ملاک اعمال کامل فوق‌العاده جهش علمی قرار خواهد گرفت. سپس اعضای شورا به بحث و تبادل نظر درباره نحوه احتساب میانگین و صورت‌های مختلف نحوه احتساب آن پرداختند.

### بررسی برنامه‌های هفته پژوهش پژوهشگاه

سپس برنامه‌های در نظر گرفته شده برای مراسم هفته پژوهش سال جاری پژوهشگاه مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این بخش، دکتر هادی وکیلی، مدیر پژوهشی و مسئول برنامه‌های هفته پژوهش پژوهشگاه، ضمن قدردانی از همکاری پژوهشگاه‌ها، مراکز و گروه‌های مستقل پژوهشی و تشریح اقدامات صورت گرفته به منظور برگزاری شایسته مراسم هفته پژوهش، گفت: مراسم هفته پژوهش سال جاری از ۲۴ تا ۲۸ آذرماه در پژوهشگاه برگزار خواهد شد. وی یادآور شد شعار هفته پژوهش پژوهشگاه با عنوان «جهش علوم انسانی و تمدن‌سازی» تعیین و انتخاب شده است.

پنجاه و هفتمین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پنجم آذرماه، با حضور اکثریت اعضا برگزار شد. در این جلسه علاوه بر بررسی برنامه‌های هفته پژوهش پژوهشگاه در سال جاری، در ادامه مباحث مطرح شده در جلسه گذشته شورا نحوه احتساب امتیاز میانگین ترفیع به تناسب پژوهشگاه‌ها، مراکز و گروه‌های مستقل پژوهشی به منظور اصلاح فوق‌العاده جهش علمی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه مورد بحث و بررسی اعضای شورا قرار گرفت. بخش دیگری از جلسه شورا، به تبادل نظر درباره ابعاد و جوانب مختلف برنامه پژوهشی پیشنهادی دکتر علیرضا ملایی توانی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه تاریخ ایران، درباره تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی اختصاص داشت.

### بررسی نحوه تعیین حد نصاب لازم برای اعمال فوق‌العاده جهش علمی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه

در ابتدای جلسه دکتر مهدی معین‌زاده، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه با اشاره به مباحث جلسه گذشته شورا درباره نحوه اصلاح فوق‌العاده جهش علمی، به تبیین فرایند تعیین حد نصاب در نظر گرفته شده برای هریک از پژوهشگاه‌ها، مراکز و گروه‌های مستقل پژوهشی پرداخت. وی در ادامه با اشاره به تفکیک صورت گرفته میان تعیین حد نصاب برای



### بحث و تبادل نظر اعضای شورا درباره یک برنامه پژوهشی

بخش پایانی جلسه شورا، به بحث و تبادل نظر اعضای شورا درباره برنامه پژوهشی پیشنهادی دکتر علیرضا ملایی توانی، عضو هیأت علمی پژوهشکده تاریخ ایران در زمینه تاریخ‌نگاری رسمی انقلاب اسلامی و ابعاد و جوانب مختلف آن اختصاص داشت.

در این بخش دکتر ملایی توانی به تشریح انواع تاریخ‌نگاری‌های صورت گرفته از انقلاب اسلامی و جریان‌های مختلف در این حوزه و هدف خود از این پژوهش پرداخت. سپس اعضای شورا به طرح نکات و مسائل درباره ابعاد و جوانب برنامه پژوهشی پیشنهادی پرداختند. ضرورت و اهمیت تفکیک میان تحلیل تاریخ‌نگارانه، فلسفه تاریخ و نظریه‌پردازی درباره تاریخ‌نگاری در برنامه پژوهشی پیشنهادی؛ ابهام و شبهه درباره اصطلاح رسمی در عنوان برنامه پژوهشی؛ ارزش‌گذاری‌های صورت گرفته در تاریخ‌نگاری‌ها؛ ضرورت تعیین شاخص‌های مدنظر برای ارزیابی تاریخ‌نگاری‌ها؛ تمایز و تنوع تاریخ‌نگاری در دوره انقلاب اسلامی با دوران پیشین به ویژه دوره پهلوی و... از مهم‌ترین محورهای مورد بحث اعضای شورا بود.

دکتر وکیلی در ادامه با اشاره به برگزاری مراسم تقدیر و اهدای جوایز به نفرات برگزیده در مراسم هفته پژوهش ادامه داد: مطابق برنامه‌ریزی صورت گرفته نشست‌ها و برنامه‌هایی با عناوین «ارتباطات اسنادی کتابخانه‌ای و مجلات پژوهشگاه» در روز شنبه ۲۴ آذرماه؛ «هوش مصنوعی و علوم انسانی» در روز یکشنبه ۲۵ آذرماه؛ «نقش علوم انسانی در تمدن نوین اسلامی با تأکید بر آینده‌پژوهی» در روز سه‌شنبه ۲۷ آذرماه؛ و «جامعه و علوم انسانی» در روز چهارشنبه ۲۸ آذرماه برگزار خواهد شد. همچنین برای مراسم اصلی هفته پژوهش که روز دوشنبه ۲۶ آذرماه برگزار خواهد شد بخش‌های متنوعی همچون تجلیل و قدردانی از استادان برجسته و پیشکسوت؛ پژوهشگران ممتاز؛ پژوهشگران برتر؛ پژوهشگران شایسته تقدیر؛ پژوهشگران دانشجویی برتر و... در نظر گرفته شده است.





## «جلسه شورای تحصیلات تکمیلی انجام شد» تصویب طرح نامه پیشنهادی رساله‌های دانشجویان و بررسی زمان ارائه گواهی زبان دانشجویان دکتری

جلسه شورای تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه، سیزدهم آذرماه، با حضور حداکثری اعضای شورا برگزار شد. در ابتدای جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، پس از درود و صلوات بر پیامبر خاتم (ص) و اهل بیت علیهم السلام، به دکتر ابراهیم التجایی، عضو جدید شورای تحصیلات تکمیلی، خوش آمد گفت.

پس از صحبت‌های رئیس پژوهشگاه، اعضای شورا به بررسی دستور جلسه پرداختند. از جمله موضوعات مورد بررسی و تصویب عبارت بودند از:

• بررسی و تصویب زمان ارائه گواهی زبان دانشجویان دکتری؛ براساس این مصوبه مقرر شد تمامی دانشجویان نهایتاً تا قبل از برگزاری آزمون جامع، گواهی زبان خود را ارائه کنند و از این پس شرط شرکت در آزمون جامع ارائه گواهی زبان خواهد بود.

• بررسی و تصویب طرح نامه پیشنهادی رساله‌های دانشجویان مقطع دکتری؛ مطابق دستور جلسه مقرر شورا، طرح نامه پیشنهادی رساله سه نفر از دانشجویان دوره دکتری پژوهشگاه مورد بحث و تبادل نظر اعضا

مورد تصویب همراه با اصلاحات قرار گرفت. اسامی دانشجویان و موضوع طرح نامه آنها به قرار ذیل هستند:

• طرح نامه پیشنهادی رؤیا اشرفی، دانشجوی رشته «زبان‌های باستانی ایران» با عنوان «مادیان یوشت فریان: متن انتقادی فارسی میانه، حرف‌نویسی، آوانویسی، ترجمه و تعلیقات به همراه بررسی متن پازند»

• بررسی و تصویب طرح نامه پیشنهادی رساله‌های دانشجویان مقطع دکتری؛ مطابق دستور جلسه مقرر شورا، طرح نامه پیشنهادی رساله سه نفر از دانشجویان دوره دکتری پژوهشگاه مورد بحث و تبادل نظر اعضا

• طرح نامه پیشنهادی سیدمهران حسینی سنگ‌تراشانی، دانشجوی رشته «زبان‌های باستانی ایران» با عنوان «خوانش، بازسازی و تحلیل قطعه دست‌نویس‌های ایرانی میانه غربی مانوی به خط سغدی از مجموعه تورفان در برلین با رویکردی نسخه‌شناسانه و متن‌شناسانه»



## در جلسه‌ای مشترک تاکید شد: بهمکاری علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مؤسسه خاورمیانه دانشگاه مرمهره ترکیه

برگزاری این جلسه تأکید کرد: برای ما این جلسه بسیار مهم است و امیدواریم بین این دو نهاد علمی و پژوهشی فعالیت‌های مفید و تأثیرگذاری صورت گیرد.

### دکتر حسینی: با ترکیه مرز مشترک، دین مشترک و فرهنگ مشترک داریم

در ادامه جلسه، دکتر حسینی (رئیس مرکز پژوهشی اسناد فرهنگی آسیا) ضمن ابراز خوشحالی از برقراری ارتباط مجازی دوطرفه، تأکید کرد: در بحث همکاری با مؤسسات علمی ترکیه و این مؤسسه مورد نظر دو رویکرد کلان را می‌توانیم مدنظر داشته باشیم. رویکرد نخست، رویکرد سیاسی و رویکرد دوم، علمی و فرهنگی است. در رویکرد سیاسی سه موضوع تقابل؛ رقابت و تعامل در روابط میان کشورها می‌تواند حاکم باشد. ما از دوره‌های گذشته با کشور ترکیه در زمان خلافت عثمانی و در دوره صفویه دوران تقابل را بین دو کشور تجربه کردیم، اما در دوره‌های بعد این تقابل به تعامل و رقابت تبدیل شد. در موضوع رقابت، هر کشوری منافع ملی خود را دنبال می‌کند و طبیعی است که دو کشور ایران و ترکیه در روابط خود رقابت هم داشته باشند که این منفی نیست و حتی رقابت می‌تواند

«مرکز اسناد فرهنگی آسیا» پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بر اساس سیاست کلی تأسیس این مرکز، جلسه‌کاری با مسئولان «مؤسسه خاورمیانه و کشورهای اسلامی» مستقر در دانشگاه مرمهره استانبول برگزار کرد (به صورت برخط). در این جلسه که چهاردهم آذرماه برگزار شد، از طرف پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دکتر محمدعلی فتح‌اللهی (رئیس پژوهشکده مطالعات سیاسی، روابط بین‌الملل و حقوق)، دکتر سیدرضا حسینی (رئیس مرکز پژوهشی اسناد فرهنگی آسیا) و افسرالملوک ملکلی (کارشناس پژوهشی مرکز اسناد فرهنگی) و همچنین از طرف «مؤسسه خاورمیانه و کشورهای اسلامی» مستقر در دانشگاه مرمهره؛ دکتر حسن کورکوت (رئیس مؤسسه و معاون رئیس دانشگاه مرمهره) و دکتر سرهان آفاجان (معاون رئیس مؤسسه) به همراه جمعی از اعضای هیأت علمی این مؤسسه حضور داشتند.

### اظهار امیدواری دکتر کورکوت در خصوص انجام فعالیت مشترک دو نهاد علمی

در ابتدای جلسه دکتر حسن کورکوت، رئیس مؤسسه و معاون رئیس دانشگاه مرمهره، ضمن ابراز خرسندی از



از منظر، فرهنگی و تمدنی یا از باب مسائل سیاسی مورد توجه، بررسی و پژوهش قرار بدهند. ما با چنین نگاهی، مسائل مشترک علمی بسیاری داریم که فارغ از مسائل سیاسی، می‌توانیم فعالیت‌های مشترک انجام بدهیم.

### تأکید دکتر کورکوت بر گسترش همکاری‌های علمی میان دو مرکز

دکتر کورکوت: رئیس مؤسسه خاورمیانه و کشورهای اسلامی گفت، با صحبت‌های دکتر حسینی یک چارچوب در خصوص فعالیت و همکاری مابین دو نهاد علمی پژوهشی به‌دست آمد. ما در این حوزه‌ها فعالیت‌های خوبی می‌توانیم داشته باشیم. در دو کشور دوست و برادر، در این منطقه با توجه به مسائل و مشکلات پیش آمده می‌توانیم فعالیت‌های مهمی انجام دهیم. ابتدا اجازه می‌خواهم مؤسسه را معرفی کنم. اساس فعالیت مؤسسه تربیت دانشجو در مقطع فوق لیسانس و دکتری برای رشته‌های موجود است. ما از کشورهای مختلف خاورمیانه و حتی ایران دانشجو می‌پذیریم. در کنار آن، از فعالیت‌های مهم دیگر مؤسسه برگزاری کنفرانس‌ها، سخنرانی‌های ملی و بین‌المللی، و همچنین انجام پروژه‌های پژوهشی داخلی و بین‌المللی است. دانشگاه مرمره بزرگترین دانشگاه ترکیه‌ای است و ما در این دانشگاه پنج زبان ترکی، عربی، انگلیسی، آلمانی و فرانسه آموزش می‌دهیم. زبان دانشگاه ترکی و انگلیسی است. دانشگاه، روابط بین‌الملل گسترده‌ای دارد و کنفرانس‌ها و همایش‌های

مثبت هم باشد. موضوع همکاری و تعامل بین ایران و ترکیه در زمینه‌های مختلف می‌تواند انجام گیرد. ما مرز مشترک، دین مشترک و فرهنگ مشترک داریم بنابراین، موضوع‌های مشترک بسیاری برای همکاری خواهیم داشت.

در مسئله روابط سیاسی سه رویکرد تقابل، رقابت و تعامل را مطرح کردیم، اما رویکرد مهم‌تری که می‌تواند مورد توجه بسیار قرار بگیرد، حوزه مرتبط با موضوع‌های علمی، یعنی رویکرد علمی و فرهنگی است. در رویکرد علمی و فرهنگی، سه مسئله کلان را باید مورد توجه قرار دهیم ۱- تاریخ و موضوع‌های تاریخی ۲- مسائل مربوط به حوزه استراتژیک یا راهبردی ۳- تمدن و موضوع‌های مربوط به آن.

دکتر حسینی ادامه داد: در حوزه موضوع‌های تاریخی، روابط دو کشور از گذشته تاکنون می‌تواند مورد نظر علمی ما قرار بگیرد. در حوزه راهبردی، همکاری‌های دو کشور در حوزه‌های سیاسی - امنیتی، و اقتصادی مورد نظر است. مسئله مهم‌تر، رویکرد علمی و فرهنگی است که باید مورد توجه قرار گیرد و بحث تمدنی و رویکرد تمدنی در صدر کارها قرار گیرد.

در رویکرد تمدنی، نوع سبک زندگی مورد نظر اسلام هم در ترکیه و هم در ایران، یک سبک دینی و نگاه مشترک است که با سبک زندگی در غرب، متفاوت است. به‌نظر من، مرکز اسناد فرهنگی آسیا و پژوهشکده مطالعات سیاسی، روابط بین‌الملل و حقوق در ایران و مؤسسه علمی و پژوهشی شما در دانشگاه مرمره، می‌تواند این رویکردهای متفاوت علمی را



است که بازتاب بیرونی بسیاری دارد. به‌طور معمول هر روز در پژوهشگاه چنین نشست‌ها و همایش‌هایی برگزار می‌شود. در پژوهشگاه روابط بین‌الملل که مسئولیت آن بر عهده این جانب است، تحولات منطقه و خاورمیانه موضوع اصلی مورد بحث است. در سال گذشته همایش بزرگی با موضوع نظم جدید در صحنه بین‌المللی که در حال شکل گرفتن و وقوع است، برگزار کردیم و نقش کشور ما در این نظم بین‌الملل جدید چگونه می‌تواند باشد بحث و گفت‌وگو شد. آنچه مسلم است امروزه کشورها به دنبال جایگاه مناسب خود در این نظم بین‌الملل جدید هستند و به تعبیری ما می‌توانیم نظم جدید، سرنوشت جهان آینده با تحولاتی که در خاورمیانه، اوکراین، فلسطین، سوریه و حتی در لبنان رقم می‌خورد را بحث کنیم و به‌نظر می‌رسد، درک صحیح علمی و دانشگاهی از تحولات امروز و آینده منطقه دارای اهمیت ویژه‌ای است. و این مهم از طریق ارتباط و فعالیت مشترک علمی برای شناساندن نوع نگاه و طرز تفکر طرفین ایران و ترکیه، به‌دست خواهد آمد. اینکه، نگاه و تفکر ایران و ترکیه در خصوص تحولات و نظم نوین منطقه به واسطه شناخت تفکر و اندیشه اندیشمندان این حوزه، چگونه است و جایگاه دو کشور در این تحولات کجاست؟ دکتر فتح‌اللهی در پایان سخنانش تأکید کرد؛ ان‌شاء‌الله این جلسات ادامه داشته باشد و بتوانیم ارتباط، تعامل و فعالیت‌های مشترک مفیدی باهم داشته باشیم. خانم ملکی از طرف پژوهشگاه این ارتباط‌ها را دنبال خواهند کرد.

### دکتر کورکوت:

#### فعالیت‌های دوجانبه اهمیت استراتژیک زیادی دارد

در ادامه جلسه، دکتر کورکوت گفت، از دکتر فتح‌اللهی بسیار سپاسگزاریم. موضوع خیلی مهمی را مطرح کردند. در بین دو جنگ جهانی در ۳۰۰ سال گذشته وضعیت منطقه در حال تخریب است. از این منظر فعالیت دوجانبه می‌تواند اهمیت استراتژیک زیادی داشته باشد.

### دکتر آفاجان:

#### فعالیت‌های مشترک بسیاری می‌توانیم به انجام برسانیم

سپس دکتر سرهان آفاجان ضمن ابراز خرسندی و تشکر از برگزاری این جلسه بیان کرد: در جلسه‌های بعدی موضوع‌ها را به‌صورت جزئی‌تر بررسی خواهیم کرد و برنامه‌های مشترک، بخش‌های سیاسی، تاریخی، فرهنگی، جامعه‌شناسی و ... را برنامه‌ریزی می‌کنیم. بخش‌های مختلف این پژوهشگاه با مؤسسه

بین‌المللی بسیاری برگزار می‌کند که می‌توانیم با شما هم این فعالیت‌ها را داشته باشیم. ما این جلسه را جلسه معرفی و آشنایی در نظر می‌گیریم و حوزه‌های کاری و فعالیت‌های مشترکی که انجام خواهیم داد را در جلسه بعدی نهایی خواهیم کرد.

### درخواست دکتر سرهان آفاجان برای معرفی پژوهشگاه

دکتر آفاجان در سخنانی کوتاه گفت: خیلی از شما و استادان محترم تشکر می‌کنم. من در خصوص پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اینجا چندبار صحبت کرده‌ام، از نزدیک آمده‌ام و با توانمندی‌های پژوهشگاه آشنا هستم و حتی یک‌بار با دعوت خانم ملکی در پژوهشگاه و برای مرکز اسناد سخنرانی داشته‌ام. با این حال درخواست می‌کنم دوباره معرفی مختصری از پژوهشگاه داشته باشید.

### دکتر فتح‌اللهی: درک صحیح علمی از تحولات منطقه

#### اهمیت ویژه‌ای در پژوهش دارد

دکتر محمدعلی فتح‌اللهی: ضمن اشاره به اینکه، پژوهشگاه ۱۵ پژوهشکده دارد، اسامی پژوهشکده‌ها را چنین برشمرد: پژوهشکده‌های فلسفه؛ اقتصاد؛ زیان‌شناسی؛ زبان و ادبیات فارسی؛ مطالعات اجتماعی، مطالعات سیاسی، روابط بین‌الملل و حقوق؛ اندیشه سیاسی انقلاب و تمدن اسلامی؛ تاریخ ایران؛ اخلاق و تربیت؛ مطالعات فرهنگی و ارتباطات؛ مطالعات قرآنی؛ تاریخ و فلسفه علم؛ دانشنامه‌نگاری؛ گروه پژوهشی مطالعات میان فرهنگی؛ گروه پژوهشی مدیریت؛ گروه مطالعات راهبردی سیاست و امنیت؛ مرکز تحقیقات امام علی؛ مرکز اسناد فرهنگی آسیا؛ شورای بررسی متون؛ طرح جامع اعتلای علوم انسانی؛ مرکز نقد و اعتلای علوم انسانی؛ مرکز نوآوری و توسعه فن‌آوری.

دکتر فتح‌اللهی همچنین، در خصوص اعضای هیأت علمی پژوهشگاه و دیگر فعالیت‌های پژوهشگاه شرح داد: پژوهشگاه حدود ۱۵۰ استاد و عضو هیأت علمی دارد. آموزش تحصیلات تکمیلی در مقطع فوق‌لیسانس و دکتری دارد. استادان پژوهشگاه پروژه‌های تحقیقاتی دارند و موظف هستند، پژوهش کنند. همچنین این امکان وجود دارد که پژوهشگران پژوهشگاه با پژوهشگران خارج از کشور و دیگر پژوهشگران ارتباط پژوهشی داشته باشند. در مورد داوری و راهنمای رساله‌های دانشجویان و مشاوره رساله‌ها پژوهشگاه می‌تواند از پژوهشگران خارجی نیز استفاده کند. یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های پژوهشگاه برگزاری کنفرانس‌ها و همایش‌های ملی و بین‌المللی

۷- دکتر محمد بدرالدین (بدر اتین) حوزه مطالعاتی اقتصاد، تاریخ و علوم اجتماعی میان‌رشته‌ای و اهل مالتا هستند.

۸- دکتر عمر کوچ ائیت حوزه مطالعاتی، تاریخ مدرن تاریخ سیاسی و روابط بین‌الملل خاورمیانه و آفریقا؛ و علوم اجتماعی و تاریخ اخیر و تاریخ عثمانی کار کرده و اهل وان ترکیه است

دکتر سرهان آفاجان همچنین بخش دیگر فعالیت خود را در خصوص مجله‌هایی که هم در پژوهشگاه و هم در مؤسسه چاپ می‌شود، عنوان کرد و توضیح داد: ما دانشجویانی داریم که روی ایران کار می‌کنند و حتماً دانشجویان شما هم هستند که روی ترکیه کار می‌کنند و می‌توانند برای کار پژوهشی به ایران و ترکیه سفر کنند. این رفت‌وآمد پژوهشی می‌تواند هم در سطوح دانشجویی و هم در سطح استادان و اعضای هیأت علمی میان دو مؤسسه برقرار شود.

در پایان جلسه نیز دکتر حسینی ضمن تشکر از اعضای دانشگاه مرمهره تصریح کرد: درخصوص تحولات و مسائل غزه می‌توان در جلسه آینده صحبت و برنامه‌ریزی برای فعالیت مشترک داشته باشیم. لازم به ذکر است این جلسه به‌صورت برخط و از طریق صفحه مجازی پژوهشگاه برگزار شد و افسرالملوک ملکی، پژوهشگر پژوهشگاه علوم انسانی، مسئولیت ترجمه هم‌زمان را برعهده داشت.

ما شباهت بسیاری دارد و کارهای متناسب و مشترک هم قابل انجام است.

در ادامه مدیران و اعضای مؤسسه خاورمیانه و کشورهای اسلامی دانشگاه مرمهره این چنین به معرفی خود پرداختند:

۱- دکتر حسن کورکوت، رئیس مؤسسه و معاون رئیس دانشگاه مرمهره، حوزه تحقیقاتی ایشان علوم اجتماعی میان رشته‌ای، روابط اجتماعی و روابط بین‌الملل؛

۲- دکتر سرهان آفاجان، معاون رئیس مؤسسه و عضو هیئت علمی، حوزه تحقیقاتی وی روابط بین‌الملل، جامعه‌شناسی عمومی و علوم اجتماعی،

۳- دکتر ووگار ایمان بیلی، حوزه تاریخ، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، و تحقیقاتی در حوزه اوکراین، روسیه و خاورمیانه دارند. اهل نخجوان هستند

۴- دکتر سلین مظفر بولمه، معاون مدیر مؤسسه، حوزه مطالعاتی روابط بین‌الملل که روی مسائل اسرائیل و فلسطین و همچنین مسائل ایران و آمریکا کار پژوهشی انجام داده است

۵- دکتر عالیم آرلی، حوزه مطالعاتی تاریخ، فلسفه علم، مطالعات شهری، جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، آموزش و پرورش و تحقیقات آموزشی، مردم‌شناسی و نفوذ مردم‌شناسی در خاورمیانه

۶- دکتر علی ارکن، حوزه مطالعاتی تاریخ سیاسی و روابط بین‌الملل در خاورمیانه



## روز جهانی فلسف با عنوان «تأملاتی فلسفی در باب جنگ و صلح»

### جنگ و صلح از منظر حکیم باباافضل کاشانی



سخنران دوم نشست، دکتر سیدمصطفی شهرآیینی بودند که سخنرانی خود را با موضوع «جنگ و صلح از منظر حکیم باباافضل کاشانی» این‌گونه شروع کرد: حکیم افضل‌الدین کاشانی، رساله‌ای دارد با عنوان «ساز و پیرایه شاهان پرمایه» که در این رساله، می‌کوشد تبیینی حکیمانه و بر پایه نظام اندیشه خویش از انسان کامل یا همان پادشاه در میان آدمیان به‌دست دهد. او نخست تبیینی از سلسله‌مراتب موجودات عالم به‌دست می‌دهد که از جماد، نبات و حیوان بر ساخته شده است و در میان حیوانات نیز آدمی پادشاه حیوانات است چرا که از موهبت خرد برخوردار بوده و به برکت عقل می‌تواند از ستیزه و کشاکش میان حیوانات که در ساحت حیات حسی به سر می‌برند، خود را برهاند و به صلاح و سامان عقلانی برسد.

وی ادامه داد: جانور را به مرتبه و مقدار فزون یافتیم از بی‌جان، که جانور از خاصیت بی‌جان بی‌بهره نبود و به خاصیت جان افزون آمد و از گوه‌ران زنده بعضی مردم بودند و بعضی نامردم و مردم را به مرتبه و فضیلت برتر از نامردم یافتیم، چه خاصیت همه گوه‌ران زنده و مرده او را بود و خاصیت مردمی بر سر و از مردم بعضی سرور و فرمان‌پذیر که سروران و فرمان‌گزاران را خاصیت هر مردمی بود و به خاصیت تدبیر و کارسازی به فرمان فزون بودند.

به‌مناسبت روز جهانی فلسفه، نشست «تأملاتی فلسفی در باب جنگ و صلح»، به‌همت پژوهشکده فلسفه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سوم آذرماه، با حضور سخنرانان و صاحب‌نظران این حوزه، برگزار شد.

### جنگ، پدر همه چیزهاست



در ابتدای این نشست، دکتر مهدی اصفهانی مباحث خود را با موضوع «جنگ، پدر همه چیزهاست» ارائه کرد و این سخنرانی با تدقیق در جمله معروف هراکلیت آغاز شد که وی در آن جنگ «Πόλεμος» را پدر همه چیزها می‌خواند. بخش نخست این گفتار به‌طور مختصر پیغام وجودشناسانه و معرفت‌شناسانه این سخن را مورد توجه قرار می‌دهد. در بخش دوم به این مضمون در سنت عرفان اسلامی پرداخته شد.

با این که خصومت در قرآن کریم و در سنت مفسران عرفانی قرآن کریم از صفات ناپسند انسان (أَ وَ لَمْ يَرَ الْإِنْسَانَ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ (۷۷) (س) و صفات اهل جهنم است (إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ (۶۴) ص) اما در یک مورد قرآن کریم از تخاصم در ملا اعلی سخن می‌گوید (مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَى إِذْ يَخْتَصِمُونَ (۶۹) ص). هدف درک وجود شناسانه و شناخت شناسانه این سخن در قرآن کریم است و در این مسیر به تفاسیر مختلف این آیه در سنت عرفانی پرداخته شده با استناد به چند متن این آیه در افق تخاصم میان اسماء برای ظهور و تثبیت نقش انسان در عالم تفسیر می‌شود.

## معناداری زندگی در کشاکش صلح و جنگ



سخنران سوم، دکتر امیر صادقی بود که مباحث خود را در مورد «معناداری زندگی در کشاکش صلح و جنگ» این‌گونه مطرح کرد و گفت: بدون تردید یکی از مهمترین علل فلسفی بروز بحران در زندگی بشر فقدان منظر و جهان‌بینی درخور برای مواجهه انسان با جهان خود است. فهم انسان از جهانش که او را در مسیر معناداری یا عدم معناداری زندگی راهبری می‌کند، نقشی تعیین‌کننده در زیست بشر و حتی تصمیم او برای زنده ماندن یا پایان‌بخشیدن به زندگی دارد. در این حال شاید مهمترین واقعه‌ای که فهم بشر از زندگی در جهان را در طول تاریخ تحت تأثیر خود قرار داده وضعیت خود و جامعه او در نسبت با صلح و جنگ بوده است. تجربه زندگی در صلح و امنیت یا در جنگ و پیکار تمامی شئون زندگی بشر را دربرمی‌گیرد. ما برای درک عمیق‌تر پیوند معنای زندگی و نسبت انسان با وضعیت جنگ و صلح در نخستین گام وضعیت آرمانی که کانت آن را صلح جاویدان می‌نامد و شاید بشر حتی در هنگامه جنگ سودای آن را داشته باشد بررسی کرده و با به‌چالش کشیدن این آرمان تأملی پدیدارشناسانه در باب آن خواهیم داشت. این تأمل ما را به این واقعیت می‌رساند که وضعیت زیست اجتماعی اکثری بشر، نه صلح آرمانی دائمی و نه جنگ خانمان‌سوز همیشگی بوده، بلکه چه صلح و چه جنگ در برهه‌های مختلف تاریخی و مکان‌های مختلف جغرافیایی متناوباً در جریان بوده و هست. دکتر صادقی ادامه داد: به‌نظر می‌رسد موقعیتی که لازم است انسان برای زندگی بشناسد، وضعیتی در میانه صلح و جنگ است. بدون تردید با فهم و دریافت این موقعیت که در لایه‌های مختلف معنای صلح و جنگ قابل کنکاش است، مواجهه با

اما چنان‌که در دو سطر پایانی در فراز بالا می‌خوانیم در میان آدمیان نیز این موهبت امری بالفعل و از پیش داده نیست، بلکه هر آدمی بسته به کوشش و مجاهده‌ای که در راه خردورزی دارد از حیوانات فاصله می‌گیرد و به آرامش و صلاح می‌رسد و پادشاه آدمیان یا انسان کامل آن کسی است که در مراتب خردورزی در اوج باشد و هرگونه ضدیت و ستیزه در او رنگ باخته باشد: و پادشاه را چون پیوند خرد تمام گشت، وی را مخالف نبود و خلاف همه مخالفان بوی باطل شود و چون تأمل رود در لوازم بیضدی پدید آید که، چون بیضدی بر پادشاه درست گشت از روی خرد؛ خلافت خدای تعالی آنکه وی را حقیقت شد.

اما در نگاه باباافضل گرچه «پادشاه، تمامتر مردمست»، این پادشاه پیش از آنکه با دانش خویش «رعیت و مملکت اصلاح همی‌دارد»، «مملکت نفس خویشتن را به صلاح همی‌دارد»، یعنی تا خود را به صلاح و سامان عقلانی نرساند، به کار اصلاح مردم نمی‌پردازد. کار پادشاه پروردن است و پروردن، رسانیدن باشد: شایستگان تمامی را به تمامی، و بدو کار راست شود: یکی آنکه هرچه یار و مدد باشد شایسته را در وصول کمال به وی نزدیک گرداند و دیگر آنکه هرچه آفت رسیدن به کمال بود آن را از وی دور دارد و چون معلوم است که کمال مردم به خرد است، پرورش مردم به نزدیک داشتن خردمندان بود با مردم...

این پادشاهی نه وراثتی و نه غضبی و نه انتصابی که تنها بر اساس میزان ظهور عقلانیت در آدمیان است و نشان‌ویژه تحقق خردمندی نیز به سر بردن در آرامش، صلح و سازگاری با دیگران (از آدمیان و همه دیگر آفریدگان خدا) است. «ویلیام چیتیک» درباره سنت فلسفی که باباافضل در آن می‌اندیشد در کتاب قلب فلسفه اسلامی که درباره آثار باباافضل نوشته است چنین می‌گوید: در این سنت انسان‌ها را تنها بر پایه وحدت جهان انسانی و جهان طبیعی می‌فهمند؛ در این سنت هیچ جایی برای اختلاف افکندن در میان انسان‌ها و کیهان نیست. در تحلیل نهایی، جهان طبیعی برون‌یافتگی گوهر انسان، و نفس آدمی درون‌شدگی قلمرو طبیعت است. انسان‌ها و تمام عالم، در هم تنیده‌اند و پیوندی عمیق باهم دارند، و هر دو مانند دو آینه یکدیگر را بازمی‌تابانند.

اما جنگ که خواسته و دانسته در این بحث بدان نپرداختیم، ریشه در بی‌خردی آدمیان دارد و برخاسته از سیطره قواعد حیات حسی بر زیست خردمندانه است و نشان از آن دارد که خردمندان دایر مدار امور نیستند و بی‌خردان که جز در صورت انسان نیستند بر امور سیطره یافته‌اند.

جامعه تلاش کنند. در این معنا درک وضعیت بین جنگ و صلح بودن به جامعه انسانی و آحاد آن کمک می‌کند تا ضمن معنابخشی به زندگی به بهبود آن همت بگمارند، کاری که در صورت عدم درک وضعیت این‌چنینی و تصور حاکمیت وضعیت ثبات کامل و پایدار شاید غیرممکن به‌نظر برسد.

در تاریخ اندیشه غرب نیز شاید بتوان با بازخوانی آثار بسیاری از متفکران از منظر این مفاهیم، نسبت معناداری زندگی و موقعیت میانه صلح و جنگ را دریافت. بی‌جا نیست اگر برای توصیف این وضعیت نه جنگ و نه صلح، از فلسفه هگل بهره ببریم که در آن نسبتی دیالکتیکی بین جنگ و صلح برقرار است. جنگ و صلح هیچ‌یک ایستا و پایدار نیستند بلکه در دیالکتیک متضادها واقعیتی جدید شکل می‌گیرد. از نظر هگل این فرایند تکرارشونده بی‌معنا نیست و زندگی را از معنا تهی نمی‌کند، بلکه بخشی از فرایندی است که تاریخ طی می‌کند و افراد با مشارکت در این فرایند می‌توانند هدف و در نتیجه معنایی برای زندگی خود بیابند و بخشی از حرکت به‌سوی تبدیل‌شدن جامعه‌ای صلح‌آمیزتر و متعادل‌تر باشند.

در کنار چنین نگاهی می‌توان به نگاه رواقی اشاره کرد که در جهان پر از تعارض، فارغ از صلح و جنگ بیرون از طریق پذیرش، تمرکز بر آنچه می‌توان انجام داد و نظم و نظام شخصی به‌نحو معنادار زیست و به‌تعبیری نزدیک به اندیشه بودایی به صلحی درونی دست یافت.

از سوی دیگر در میان آگزیستانسیالیست‌ها می‌توان به‌نظر سارتر اشاره کرد که از دیدگاه او زندگی در

موضوع معناداری زندگی از طریقی دیگر گذر خواهد کرد؛ انسان خود را در این موقعیت بازمی‌شناسد و با امکان‌ها و محدودیت‌های جدیدی مواجه خواهد شد که لاجرم افق‌های متفاوتی را در عمل و نظر پیش روی او خواهد گشود.

### وضعیت نه صلح و نه جنگ

برای فهم موقعیت بشر در وضعیت نه صلح و نه جنگ، که از آن به وضعیتی «در میانه صلح و جنگ» تعبیر می‌کنیم، می‌توان به آراء فیلسوفان و متفکران و نویسندگان در سنت ایرانی و اسلامی و همچنین اندیشمندان غربی مختلف پرداخت. هرچند اغلب کمتر اشاره صریح و مستقیمی به موقعیت میانه صلح و جنگ می‌توان یافت، اما می‌توانیم با تأمل در اندیشه آنان از این منظر، مفاهیم و نظریاتی را که به این حوزه مربوط می‌شوند دریابیم. در سنت ایرانی و اسلامی، در حکمت و عرفان، مفاهیم جنگ و صلح در کنار هم قابل ردیابی هستند و می‌توان در اندیشه فلاسفه بزرگی نظیر ملاصدرا و فارابی به انحاء مختلفی به حیطه این بحث وارد شد. آنجا که از دیدگاه ملاصدرا، حرکت جوهری انسان حتی در شرایط بحران ادامه دارد. این حرکت فرصتی است برای پالایش روح و دستیابی به کمال. جنگ و صلح به‌عنوان تجلیات تضادهای دنیوی، انسان را به‌سوی شناخت عمیق‌تر از حقیقت هدایت می‌کند، یا فارابی باینکه در مدینه فاضله تأکید می‌کند که جامعه آرمانی باید از تعارض‌ها و بی‌ثباتی عبور کند، در عین حال معتقد است افراد در این شرایط ناپایدار و پیش از وصول به شرایط آرمانی وظیفه دارند با فضیلت‌های اخلاقی و خردورزی، برای بهبود





وضعیت بین صلح و جنگ را می‌توان از طریق مفاهیم بنیادین اندیشه او، یعنی «وجود» (Sein)، اصالت و تاریخ‌مندی دازاین درک کرد. چنان‌که می‌دانیم از نظر هایدگر جهت‌گیری دازاین به‌سوی مرگ است یا به تعبیر دقیق‌تر دازاین وجود به جانب مرگ است. نکته این جاست که وضعیت میانه صلح و جنگ، وضعیتی است که در آن افراد می‌توانند دریافت و بیداری فراتری نسبت به شکنندگی زندگی و اجتناب‌ناپذیر بودن مرگ را تجربه کنند.

مرگ، در هنگامه جنگ، نزدیک و ملموس است و در دوران صلح، اغلب مبهم است، اما در وضعیت نه جنگ و نه صلح، فضایی مرزی و بینابینی وجود دارد که می‌تواند تأمل وجودی ژرفی را برانگیزاند. همان تأملی که فرد را از وضعیت درافتادگی و زندگی داسمنی می‌رهاند. در این وضعیت فرد با خودینه‌ترین امکانات خود مواجه می‌شود. از این ره‌گذر است که دازاین می‌تواند زندگی اصیل خود را محقق کند و خویشتن خویش را بازتاب دهد.

یکی دیگر از مفاهیم مهم اندیشه هایدگر که در این میان دخیل است، دلهره یا به واژگان دیگر همچون خوف، بیم یا اضطراب وجودی است؛ دلهره در وضعیت «نه جنگ و نه صلح یا در میانه صلح و جنگ بودن». در دلهره یا خوف سر و کار ما با اصل بودن محض عریانی است که اگریستنس دارد. شاید بتوان گفت وضعیت «در میانه بودن» حس بی‌بنیادی را برمی‌انگیزاند، در این وضعیت ساختارهای آشنای معنایی (مثل وضوح هدف جنگ یا ثبات صلح) غایبند. این غیاب شاکله‌های آشنا زندگی داسمنی را ناممکن می‌کند و (خود)گشودگی بی‌بدیلی را برای دازاین به ارمغان می‌آورد. در این خودگشودگی است

چنین وضعیت ناپایداری در میانه صلح و جنگ مستلزم «مسئولیت شخصی و انتخاب اصیل» است. نگاهی به اندیشه «هانا آرنت» نشان می‌دهد از نظر او، انسان‌ها در ساختارهایی که در میان صلح و جنگ در نوسانند، به دام الگوهای خشونت عادی‌سازی شده درمی‌افتند، آن هم بدون آنکه به عواقب گسترده‌تر آن بیندیشند. از نظر آرنت در این وضعیت معنای زندگی را باید در مقاومت در برابر انفعال، رخوت و انتخاب فعل اخلاقی در محیطی که به لحاظ اخلاقی عمیقاً مبهم است، جست‌وجو کرد.

از منظر «نیچه» فرد می‌تواند با پذیرش این ناپایداری و طبیعت غیرقابل پیش‌بینی این وضعیت به خلق ارزش‌ها و معانی برای خود پردازد.

در میان فلاسفه پست‌مدرن می‌توان از «فوکو» یاد کرد که به پرسش از دو مفهوم صلح و جنگ یا درگیری دعوت می‌کند و بدون نفی هیچ‌یک از این دو مفهوم بر این باور است که زندگی در این وضعیت باید پرسش دائمی از این دو مفهوم و چگونگی شکل گرفتن ارزش‌ها و کنش‌های ما تحت تأثیر درکمان از این مفاهیم باشد.

برای نمونه و متناسب با فرصت این جستار به امکانی که فلسفه هایدگر برای مواجهه با موقعیت میان صلح و جنگ در نسبت با پرسش از معنای زندگی برای ما می‌گشاید، اشاره می‌کنیم. برای این کار به سراغ مفاهیمی در اندیشه هایدگر می‌رویم که می‌تواند راه‌گشای چنین پژوهشی باشد و صرفاً به اختصار به آنها اشاره می‌کنیم. (به این نکته نیز توجه داریم که در این بحث به اقتضای طبیعت آن همواره بین دو سطح اگریستنسیل و اگریستنسیال در رفت‌وآمد هستیم). صادقی شرح داد: از دیدگاه هایدگر، معنای زندگی در



## صلح و جنگ در سایه و سلطه هوش مصنوعی



چهارمین سخنران دکتر مهدی بنایی جهرمی نظرات خود را پیرامون «صلح و جنگ در سایه و سلطه هوش مصنوعی» با طرح این پرسش آغاز کرد که ما از چه روی باید به هوش مصنوعی بیندیشیم و در فضایی پاسخ می‌بایم که ضرورت این اندیشه هر روز و از جهاتی بس متکثر بر عهده ما فزونی یافته است و می‌یابد؟ این درست است که سرعت اعمال و تنوع توانایی‌های هوش مصنوعی در ما شگفتی‌ها می‌انگیزد و زبان تحسین می‌گشاید، اما تاریکی افق‌های آینده نسبت ما با آن این تشویش روزافزون را به همراه آورده که ظهور آثار قدرت آن چگونه و تا کجا ما و جهان ما را دست‌خوش دگرگونی‌های عظیم خود قرار خواهد داد؟ آیا ما در آماج دل‌نگرانی‌های فزاینده از ابهام آینده قادریم فارغ از تفکر به هوش مصنوعی بمانیم و به وجود آن و به گستره تغییرات بر آمده از آن نیندیشیم؟ آنچه امروز مجال این فراغت را بر ما تنگ و تنگ‌تر کرده بسط سلطنت هوش مصنوعی در اقلیم فاجعه‌خیز جنگ‌هاست. چگونه و از کجا می‌توان کم‌ترین تضمینی یافت که این سلطه اکنون و برای همیشه محدود به دایره نظارت و کنترل آدمی باقی خواهد ماند؟ آیا سلطه هوش مصنوعی بر ابعاد جنگ‌های انسانی، که چه بسا! قادر به تغییر ماهیت جنگ و انسان است، راه به فناء ما و جهان خواهد برد یا از وجود آن باز می‌توان انتظار داشت که پاسبان بقاء و امنیت ما باشد و بر ما راهی به امید صلحی پایدار بگشاید.

که اصیل بودن و نبودن به‌عنوان امکان‌های وجود برای دزاین آشکار می‌شود. این نکته را نیز از یاد نبریم که هایدگر انسان‌ها را موجوداتی تاریخی می‌بیند. انسان موجودی است در زمانه خود. وضعیت میانه صلح و جنگ، همچون یک گسست تاریخی است؛ برهه‌ای که نظم متصور (چه در جنگ و چه در صلح) درهم می‌شکند و در پی آن تصور ثبات و قطعیت ناشی از آن نظم فرو می‌ریزد و ابهام و ناپایداری جانشین آن می‌شود. در این برهه است که نیاز به بازاندیشی در مورد سرنوشت جمعی و مسئولیت تاریخی بیدار می‌شود. این وضعیت میانه، می‌تواند فرصتی باشد برای بازبازی امکانات فراموش شده وجود و بازتعریف مسیر وجود که از نظر هایدگر در تاریخ به بیراهه رفته است.

نکته شایان توجه دیگر این است که از فلسفه هایدگر می‌توان چنین برداشت کرد که صلح به معنی واقعی آن تنها نبود جنگ نیست، بلکه حالتی از سکنی‌گزیدن است. اگرچه شاید این صلح را باید فراتر از مفهوم صلح و به معنی وجودی آن فهمید. این سکنی‌گزیدن به معنی چیرگی بر فراموشی هستی و پرورندگان زندگی اصیل است. سکونت برقراری رابطه‌ای اصیل با وجود است. این سکنی‌گزیدن در جهان شامل اهتمام یا مراقبت (Sorge) است و حاصل آن زندگی در هم‌آهنگی با طبیعت، تاریخ، فرهنگ و هستی است. این وضعیت انسان مسئولیت خود را در قبال جهان و دیگران می‌پذیرد و به هستی گوش می‌سپارد. در پایان شاید بتوان چنین جمع‌بندی کرد که هایدگر دریافت وضعیت میان صلح و جنگ را امکانی برای تأمل وجودی می‌بیند. وضعیتی که در آن وجود خود را به رخ انسان می‌کشد و تناهی و «وجود به جانب مرگ» او را پیش‌رویش می‌نهد و او را در معرض مواجهه با خودبینه‌ترین امکاناتش قرار می‌دهد. امکاناتی که انتخاب زندگی اصیل را در برابر او قرار می‌دهد. اگر به دنبال مفهوم معناداری زندگی برای هایدگر باشیم، باید آن را در همین اصالت و زندگی اصیل جست‌وجو کنیم. زندگی اصیل بر پایه انتخاب قرار دارد، انتخابی مختص خود انسان که بنیاد اساسی وجود او را برمی‌سازد.

## روش حکمی ملاصدرا در مواجهه با آراء مخالف



دکتر طاهره کمالی‌زاده مباحث خود را درباره موضوع «روش حکمی ملاصدرا در مواجهه با آراء مخالف» این‌گونه بیان کرد: جامعه فکری جهان اسلام همچون سایر جوامع همواره شاهد اختلاف فکری بوده و تاریخ تفکر و فلسفه در جهان اسلام همواره شاهد اختلافات دامنه‌داری به‌ویژه در حوزه علوم دینی بوده است. و اتفاقاً بسیاری از حکمای مسلمان ایرانی از جمله فارابی، ابن‌سینا، سهرودی، ملاصدرا و حتی در بین متکلمان علامه طوسی ابن‌ابی‌جمهور احسائی به‌نحوی همگی جهت رفع اختلافات و به حداقل رساندن آنها راهکارهای فلسفی ارائه داده‌اند.

۱) روش جمع و تلفیق: صدر در روش حکمی، هم از بحث و استدلال عقلی حکما و هم کشف و شهود عرفا و هم از استناد به قرآن بهره‌مند می‌شود. هرچند که درنهایت این هر سه به طریق عقلی منتهی می‌شود، اما این جمع روشی درباره گفت‌وگوی ملاصدرا با گروه‌های مختلف فکری و منازع را می‌گشاید.

۲) تأکید بر وجوه اشتراک: بر خلاف شیوه رایج منازعات که در صدر یافتن وجوه افتراق و نقاط ضعف طرف مقابل هستند، صدر به دنبال وجوه اشتراک آراء و نکات قوت افکار است و این وجوه را مورد تأیید و حتی مورد استناد قرار می‌دهد.

۳) وجوه افتراق را تأویل می‌کند او از این روش هم در مواجهه با آراء حکمای پیشین و هم در مواجهه با علمای دین سود جسته است.

۴) نظریه تشکیک وجود صدر نیز صرف‌نظر از کاربرد نظری اما در مرحله عملی و در سطح جامعه و به‌ویژه جامعه فکری متفکران علوم دینی این نظریه می‌تواند در رفع تنازعات فکری به‌کار رود طبق این قاعده وجوه

افتراق و کثرت عین وجه اشتراک و وحدت است. طبق این قاعده هم وحدت وحدت حقیقی است و کثرت حقیقی است و بازگشت کثرات به وحدت است و در واقع کثرات مراتب مختلف حقیقت واحدند. بر این اساس هم آراء و نظرات مختلف به رسمیت شناخته می‌شود و کثرت آراء قابل انکار نیست و هم این آراء کثیر همه مراتب مختلف حقیقتند هیچ کدام باطل محض نیستند، بلکه به درجات مختلف از حقیقت بهره‌برده‌اند و به عبارتی در هریک از آنها درجه‌ای از حقیقت حضور دارد و وجه اشتراک همه آنها در بهره‌مندی از حقیقت است و حقیقت ارزش‌مندتر از آنست که محل نزاع باشد، بلکه وجه اتحاد است.

## جنگ‌آوران؛ تأملی درفتاد جنگ از منظر نیچه



دکتر سیدمحمدتقی چاووشی مطالب خود را در زمینه «جنگ‌آوران؛ تأملی درفتاد جنگ از منظر نیچه» این‌چنین ارائه کرد:

همان‌طور که می‌دانیم در پاره گفتاری (افراگمتی) به‌جامانده از «هراکلیتوس» آمده است: ذات همه امور و موجودات جنگ (پولوموس) است. محققان بر این عقیده‌اند جنگ تعبیر دیگری از آتش است که فیلسوف آرخه یا مبدأ آغازین موجودات می‌دانسته است. لکن، نیچه در بخشی از دفتر (کتاب) نخست چنین گفت زرتشت، ذیل ورنام جنگ‌آوران مطالبی دارد که باور داریم شرحی بر کلام هراکلیتوس است. در این مجال کوتاه می‌کوشیم تا با درنگی بر اندیشه نیچه، راهی به درک تعبیر دشوار فیلسوف تاریک بین یونان باز کنیم. نیچه وارون آنچه دیگران گفته‌اند، توضیح می‌دهد که ابرمردی ضرور است تا ارزش‌های کهنه را ویران و ارزش‌هایی نوین پایه‌گذاری کند. او که بتواند ارزش‌هایی نوین را استواری کند بی‌شک ابرمرد است. انسان دوران جدید از آنجاکه در برابر ارزش‌های یکسان‌ساز بشر کنونی تمکین کرده، به وضعیت

اسفبار جنگ‌های عظیم بین‌المللی وارد شده است. تنها راه رهایی از این وضعیت ظهور جنگ‌آورانی است که برای آزادی و بنانهادن ارزش‌های جدید قیام می‌کنند و از مرگ نمی‌هراسند. بخش جنگاوران چنین گفت زرتشت بسیار کوتاه است؛ چیزی حدود سه صفحه. با این حال، از جمله دل‌نشین‌ترین و پر مغزترین بخش‌های کتاب است که خاصه در زمانه ما قرائت و درک آن می‌نماید از مهمترین تکالیف هر دانش‌آموز فلسفه و حتی هر طالب معرفتی است.

### انسان، جنگ و صلح در لویاتان تامس هابز

سخنران پایانی این نشست، دکتر محمدمبین شاه‌جوئی بودند که عرایض خود را در باب «انسان، جنگ و صلح در لویاتان تامس هابز» این‌گونه بیان کرد: مسئولیت اجتماعی دانشگاهیان ایجاب می‌کند که درباب آنچه در جهان امروز به‌ویژه در خاورمیانه، از تراژدی جنگ، اشغال و کشتار جمعی در جریان است، با نظر به ریشه و خاستگاه آن در تاریخ اندیشه، خاصه اندیشه سیاسی، معطوف به شناسایی سرشت آدمی، تأمل و پیرامون آن بحث و گفت‌وگو کنند، به این امید که در پرتو آن، تا حد امکان، امیدها به چیرگی بر عوامل ستیزه‌جویی، و متعاقباً، شکل‌گیری اجتماعی جهانی بر ضد جنگ در افکار عمومی فزونی گرفته، در آینده‌ای نه چندان دور، ارمغان صلح پایدار و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز برای بشر خسته از ستم، ستیز و بیداد به‌بار آید.

باری، در عرصه سیاست دوره جدید، تامس هابز (۱۵۸۸-۱۶۷۹) پس از ماکیاوولی (۱۴۶۹-۱۵۲۷)، نام‌آورترین متفکر و دارای تأثیری شایان بر اندیشه‌های سیاسی زمان خویش است و پس از او، جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴) که در واقع، مبنای فکری و ارزشی نظام سیاسی متناسب با روزگار را قوام و کمال بخشید. در واقع، جوهر سیاست که از کوره اندیشه ماکیاوولی و هابز گذشت، در بوتۀ ظریف اندیشه لاک قوام گرفت و چارچوب سیاست غالب عصر جدید، یعنی «لیبرال‌دموکراسی» به‌گونه‌ای مستحکم بر جای نهاده شد و جوهر آن هم‌چنان محفوظ ماند.

«هابز» و «لاک» هر دو در قرن هفدهم میلادی زیسته‌اند و قرن هفدهم، قرنی پر حادثه و سرنوشت‌ساز در سراسر اروپا، به‌خصوص انگلستان است. صورت سیاسی تمدن جدید، هنگامی تحقق یافت که پدیده تازه‌ای به نام «ملت» و «ملیت» در تاریخ غربی رخ نمود و منشأ «قدرت» و ممالک «مشروعیت» آن به‌شمار آمد و نظام سیاسی در جهت تأمین منافع آن عمل کرد. از نظر آنچه بر اروپا گذشته و سیری که تمدن از آغاز تاکنون داشته

است، نه فکر سلطنت مطلق، از متفکرانی چون هابز و نه فکر حکومت مشروطه، از فیلسوفانی چون لاک، هیچ‌کدام با بنیاد بینش دنیای جدید، منافاتی ندارد. دکتر شاه‌جوئی شرح داد: «لیبرالیسم»، صورتی از تمدن جدید است؛ تمدنی که در آن، فرد آدمی دارای اصالت و اعتبار است؛ فردی که صاحب تمایلات نفسانی و کشش‌های طبیعی است؛ تمایلات و کشش‌هایی که چه‌بسا یکتا تعیین‌کننده زندگی و آرمان و غایت آن در شمار بوده و از مهم‌ترین عواملی است که باید در هرگونه جهت‌گیری و برنامه‌ریزی برای زندگی انسان جدا به حساب آید. با این حال، ذات تمدن جدید، نه با «فاشیسم» مغایر است و نه با «دیکتاتوری پرولتاریا»، که از قضا هر دو را نیز به‌گونه‌ای در عمل تجربه کرده است.

فلسفه هابز، فلسفه انسان دنیابین است، و سیاستی که او می‌پسندد، با این فلسفه سازگار است. وی بر غرض عملی فلسفه تأکید دارد و غایت «دانش» را «توانایی» می‌داند. فلسفه اخلاقی نزد او، عبارت از شناخت قواعد کردار در زندگی سیاسی است که نتیجه آن، توانایی بر رفع بلاها و گرفتاری‌ها، از جمله جلوگیری از جنگ است. سیاست برآمده از دل تصویری که هابز از انسان زمینی طبیعی به‌دست می‌دهد، با خصوصیات همین انسان، متناسب است و لویاتان (Leviathan)، مهم‌ترین و مشهورترین اثر هابز، متکفل بیان و تبیین سیاست مورد نظر اوست.

این کتاب در چهار بخش تنظیم شده است: درباب انسان، درباب حکومت، درباب حکومت مسیحی و درباب مُلک تاریکی. از جمله واژگان کلیدی مندرج در این اثر، دوگانه «جنگ» و «صلح» است، که البته بسامد آن، بیشتر ناظر به جنگ داخلی (Civil War) است و قابلیت تعمیم آن به مخاصمه میان دولت‌ها، طبعاً موضوع پرسشی جداگانه و پژوهشی مستقل خواهد بود.

انسان بخش نخست کتاب، انسان جدیدی بود که با تولد او، عهد تازه‌ای در تاریخ بشر آغاز و ماده و سازنده انسان مصنوعی، یعنی دولت شد. گام اول در سیر فکری هابز در وادی «سیاست»، پرداختن به وضع طبیعی چنین انسانی است، و او «حالت جنگ» را «وضع طبیعی» بشر می‌داند. یعنی اگر آدمی به حال خود رها شود، حاصل زندگی او، جز درگیری، تزاخم، بیداد و خون نخواهد بود؛ زیرا انسان‌ها در توانایی‌های بدنی و ذهنی برابرند، این برابری طبیعی سبب می‌شود که امید آنها برای دست‌یابی به هدف‌های مورد نظرشان نیز برابر باشد، و غایت اساسی برای انسان، بقا و

را از این ره‌گذر بیابد و به آن جنبه طبیعی و عقلی ببخشد؛ یعنی همان‌گونه که حق آدمی برخاسته از خصوصیت‌های طبیعی و زمینی وجود او بود، به الزام و تعهد نیز جنبه طبیعی دهد.

از این منظر، از بطن نخستین «حق طبیعی» قاعده معقول زیر استخراج می‌شود که «هر کس تا آن‌جا که امید دستیابی به صلح را دارد، باید سعی و کوشش خود را برای آن به‌کار ببرد، و آن‌گاه که نتوانست آن را بیابد، حق دارد در جست‌وجوی چیزی باشد که کمک و وسیله‌ساز جنگ است.»

از این قانون، قانون دوم به‌دست می‌آید که «هر کس باید در صورتی که دیگران حاضر باشند، تا آن‌جا که فکر می‌کند برای حفظ صلح و دفاع از خویشتن لازم است، به چشم‌پوشی از حق خود بر همه‌چیز رضایت دهد، و در برابر دیگران، به آن اندازه از اختیار بسنده کند که میل دارد دیگران در برابر او داشته باشند. انتقال متقابل حق افراد به یکدیگر، همان است که «قرارداد» نامیده می‌شود.»

پایندگی و احیاناً لذت و کام‌جویی است. این همسانی و برابری در توانایی‌ها و مقاصد، آدمیان را به ستیز و دشمنی با یکدیگر می‌کشاند. اگر دو کس، خواهان چیز واحدی باشند که نتوانند هر دو از آن بهره‌مند شوند، دشمن هم‌دیگر می‌شوند و در راه نیل به هدف خویش، می‌کوشند تا یکدیگر را از میان بردارند یا مُنقاد خویش سازند (این سخن در اثر «هانا آرنت» در باب خشونت طنین ویژه‌ای دارد).

هابز از تحلیل خود نتیجه می‌گیرد؛ «سه عامل را در طبیعت آدمیان می‌یابیم که منشأ ستیز و نزاع است: رقابت، بی‌اعتمادی و جاه‌طلبی، به ترتیب برای تحصیل امکانات بیشتر، به‌دست آوردن ایمنی و دستیابی به آوازه و آبرو. هنگامی که انسان‌ها فاقد نیروی مشترکی باشند که از آن حساب ببرند، در وضعیتی قرار خواهند داشت که «حالت جنگ» نامیده می‌شود، هرکس در جنگ با دیگری، در چنین شرایطی، زندگی بشر در انزوا، توأم با فقر، نامطبوع، حیوان‌وار و کوتاه خواهد بود.

دکتر شاه‌جویی تأکید کرد: حالت جنگ، گرچه طبیعی است، مصلحت آدمی در آن است که از این وضع به‌درآید. این مصلحت‌اندیشی، توجیه‌گر وجود دولت مورد نظر هابز است. به‌نظر او، درست است که حالت طبیعی جنگ، ریشه در انفعال‌ها و خصوصیت‌های طبیعی وجود آدمی دارد، اما انفعال‌هایی نیز هستند که منشأ صلح‌خواهی‌اند، و همین انفعال‌ها انسان‌ها را به‌سوی انقیاد در برابر یک «قدرت مشترک» می‌رانند: میل به راحتی و لذت حسی، «ترس از مرگ» و «آسیب بدنی»، اشتیاق به «معرفت» و «فنون صلح» که فراگیرنده میل به «فراغت» نیز هست، همگی انگیزه‌های نیرومندی‌اند که آدمی را به‌گریز از حالت جنگ وامی‌دارند. در این جاست که پای «عقل» به میان می‌آید؛ عاملی که شرایط مناسب برای صلح ارائه می‌کند؛ شرایطی که انسان‌ها باید بر سر آن توافق کنند و این شرایط، همان است که «قوانین طبیعت» نامیده شده‌اند؛ قوانینی که با آن‌ها می‌توان «حقوق طبیعی» افراد را مهار کرد؛ یعنی اختیاری را، که هر انسانی به‌موجب آن می‌تواند برای حفظ طبیعت خویش، یعنی حیات خود، به دلخواه به‌کار گیرد، و مآلاً هر کاری را که بنا به داور و خرد خویش، بهترین وسیله برای رسیدن به این مقصود است، انجام دهد. به‌نظر هابز، اگر الزام و اجباری جهت محدود کردن «حق طبیعی» وجود نداشته باشد، زندگی سرشار از ستیز و کشمکش خواهد بود و هیچ‌کس روی امنیت را نخواهد دید. وی در پی آن است که راه تأمین امنیت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده فلسفه به مناسبت روز جهانی فلسفه برگزار می‌کند:

## تأملاتی فلسفی در باب جنگ و صلح

**دکتر مهدی اصفهانی**  
جنگ، پدر همه چیزهاست

**دکتر سیدمصطفی شهرآیینی**  
جنگ و صلح از منظر حکیم باباافضل کاشانی

**دکتر امیر صادقی**  
معناداری «زندگی» در کشاکش صلح و جنگ

**دکتر مهدی بنایی جهرمی**  
صلح و جنگ در سایه و سلطه هوش مصنوعی

**دکتر طاهره کمالی‌زاده**  
روش حکمی ملاصدرا در مواجهه با آراء مخالف

**دکتر سیدمحمدتقی چاوشی**  
جنگاوران؛ تأملی درفتاد جنگ از منظر نیچه

**دکتر محمدامین شاهجویی**  
انسان، جنگ و صلح در لویاتان تامس هابز

**مدیر جلسه: دکتر هادی وکیلی**

زمان: شنبه ۳ آذر ۱۴۰۳ ساعت: ۱۲ تا ۱۵  
مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب

پیوند ورود به نشست:  
<https://webinar.iics.ac.ir/rooms/osg-so9-fbe-7c2/join>



زندگی انسان است. شاید کمتر کسی به صراحت و اصرار هابز در باب «اطلاق» قدرت حکومت و عدم مسئولیت آن در برابر هیچ کس و هیچ مرجع، و لزوم تبعیت بی چون و چرای شهروندان از آن سخن گفته باشد. مسلماً اوضاع و احوال دوران هابز در اخذ چنین نتیجه‌ای از مقدمات مورد نظر این فیلسوف، تأثیر داشته که نجات جامعه را در تن دادن به چنین حکومت و نظمی دانسته است.

دو رویداد مهم نیمه اول قرن هفدهم، یکی، تکامل علم طبیعی بود که جهان‌بینی تازه‌ای، ماهیتاً متفاوت با جهان‌بینی گذشته را عرضه می‌کرد و خوش‌بینی نسبت به معجزه‌گری علوم طبیعی را به‌دنبال داشت. دوم، که نفوذ عمیقی بر اندیشه هابز گذارد، وضع خشونت‌آمیز و خون‌باری بود که بر اثر جنگ داخلی انگلستان برای مردم پدید آمده بود. مطالعه هابز در باب طبیعت آدمی، وی را به این نتیجه رساند که انسان، حیوانی است که تنها به دو انگیزه، هر کار و جنبشی را انجام می‌دهد: ترس و سود شخصی. هابز در تحلیل نهایی ویژگی‌های سرشتی آدمی و با بررسی وضع و حال زمانه، از جمله آشفتگی‌های فراوان اجتماعی ناشی از درگیری‌های مذهبی و تنش‌های طبیعی دوران گذار جامعه، به‌لزام سلطنت مطلق که قابل تغییر نیز نیست، رسید، اما مهم این است که این اطلاق و بی‌حدی نیز امری طبیعی و بشری و حاصل یک تجزیه و تحلیل و تأمل عقلانی و فاقد هرگونه جنبه ماورایی، قدسی و مافوق بشری است. به‌نظر او، حکومت هرچه می‌خواهد باشد، آنچه مهم است، این که حاکمیت باید «تمام» و «غیرقابل تجزیه» باشد. به‌همین دلیل، طرفداران سلطنت که می‌کوشیدند قدرت شاه و حقانیت سلطنت را دارای منشأ قدسی و ماورایی معرفی کنند، با هابز و آراء وی، چندان میانه خوبی نداشتند. اندیشه هابز، نمایان‌گر اوضاع یک مرحله گذار و برزخی است، به دوره‌ای با استقرار بیشتر که چارچوب اساسی نظام سیاسی متناسب با وضعیت اقتصادی و اجتماعی عهد جدید تاریخ در آن توسط جان لاک، شکل نهایی خود را پیدا کرد. در پایان نشست نیز، پرسش و پاسخی میان اعضای شرکت کننده در جلسه و سخنرانان صورت گرفت.

هابز در جست‌وجوی «الزام عملی» برای برقراری نظم اجتماعی، به وجود «حاکم مطلق» می‌رسد که در واقع، قدرت مشترک قراردادکنندگان است. وی آن‌جا که «حالت جنگ» را به‌عنوان «وضع طبیعی» معرفی می‌کند، اعلام می‌دارد که برای نجات از بدبختی، چاره‌ای جز گردن نهادن به فرمان یک قدرت برتر نیست. باری، او صلح و ایمنی را منوط به وجود حکومتی توانا و برانگیخته از اراده و عقل انسان‌هایی می‌داند که قوی‌ترین انگیزه‌های آنان، خویشتن‌خواهی، فزون‌طلبی و دنیاجویی است، همان تمایلاتی که انسان‌ها را در وضع اولی و طبیعی به حالت جنگ می‌کشاند، هرچند دیگر انگیزه‌هایی هم هستند که آدمی را به صلح و آرامش فرامی‌خوانند. هابز مدعی است که انسان، مجموعه‌ای از میل‌ها و محدودیت‌هاست و همین امور، وی را با دیگران به ستیز می‌کشاند، و برای نجات از این وضع، مصلحت‌اندیشانه در صدد برمی‌آید که از سر اختیار و اراده، آزادی و حق خود را به دیگری واگذارد. بنابراین، بنیاد حکومت بر رضایت افراد و قراردادی است که میان آن‌ها برقرار شده است و از متن همین قرارداد، علاوه بر «حقانیت» قدرت متمرکز، «اطلاق» آن نیز سربرمی‌آورد. حکمران بر اثر قدرتی که به‌وسیله همه افراد کشور در اختیار او گذارده می‌شود، از چنان نیرویی برخوردار می‌شود که می‌تواند با هراسی که در دل آن‌ها می‌افکند، اراده‌های آنان را به‌صورت واحد درآورد، تا بدین طریق، صلح و امنیت در درون اجتماع برقرار شود و مردم با هم‌یاری متقابل، برای دفع دشمن خارجی آماده شوند. بدین ترتیب، مردم بر اساس پیمان‌های متقابلی که میان یکدیگر منعقد می‌کنند، خود را مصنف اعمال او می‌دانند، بدان منظور که وی بتواند با استفاده از قدرت و امکانات آن‌ها، آن‌گونه که مقتضی می‌داند، صلح را میان‌شان برقرار سازد و نیروی دفاعی مشترکی برایشان ایجاد کند.

هابز حقوق و اختیارات وسیع شخص/انجمن حاکم را در یازده مورد بیان می‌کند که جملگی از تعهد و مسئولیت مردم در برابر حاکم و عدم مسئولیت حکومت نسبت به مردم حکایت می‌کند، از جمله این که هیچ عملی از سوی حکمران، موجب لغو پیمان افراد نمی‌شود؛ چراکه حق نمایندگی در اثر پیمانی که افراد با یکدیگر بسته‌اند، به حاکم منتقل شده است، و حاکم با مردم، طرف قرارداد نیست تا ملزم به رعایت امری باشد. با این همه، به‌نظر هابز، اختیار و قدرت حاکمیت در موردی که به حیات آدمی مربوط می‌شود، محدود است؛ زیرا فلسفه وجودی دولت، حفظ حیات و تأمین

## همایش ملی «فلسفه فرهنگ»

موضوع چه نسبتی با فرهنگ دارد؟ دکتر شهرآیینی در ادامه به واژه فرهنگ پرداخت و گفت: واژه فرهنگ در زبان فارسی مرکب از دو واژه فَر و هَنگ یا هَنج است. فَر به معنای بَر، بالا، فروغ ایزدی و فره ایزدی است. این واژه هم در ادبیات دینی زرتشتی و هم در زبان متعارف حضور داشته است. هَنج به معنای برکشیدن، بالاکشیدن، استخراج کردن و درآوردن است. فرهنگ در فارسی قدیم در کشاورزی کاربرد داشته است. در زبان فارسی فرهنگیدن در کشاورزی یعنی تکثیر گیاه از طریق خوابانیدن شاخه زیر خاک. واژه دَهَنَفَرهَنج (دَهَن به معنای خروجی و فرهنگ یعنی جایی که آب از آن بیرون می‌آید) هم در خراسان قدیم و هم الان کاربرد دارد. این واژه به معنای خروجی کاریز است که آب از چاه بیرون می‌آید و دور آن سَرَسبزی و خرمنی است.

این مترجم متون فلسفی ادامه داد: کولتور (culture) فرانسوی از «کولتورا»ی (cultura) لاتینی و در برابر آنارشی (anarchy) به کار می‌رفته است. اگر ریشه‌شناسی را به یونان ببریم، گویی این واژه تقابل کی‌آس (chaos) و کازموس (cosmos) یونانی است. کازموس به معنای نظم، تناسب و اندازه است که از آن زیبایی بیرون می‌آید. عالمی که اتم‌ها بی‌جهت در حرکت بودند و زمانی که این‌ها متصل می‌شوند و سر و سامانی گرفتند، درواقع جهان کازموس پدید می‌آید. انسان درواقع عالم صغیر، همین عالم کبیر است.

نخستین میزگرد تخصصی همایش ملی «فلسفه فرهنگ» با تأکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای با موضوع فرهنگ و علوم انسانی با حضور دکتر سیدمصطفی شهرآیینی، دکتر روح‌الله اسلامی و دکتر مهدی صدفی به همت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ششم آذرماه، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

### فرهنگ و علوم انسانی در دوره نوزایی

دکتر شهرآیینی، استاد گروه پژوهشی فلسفه غرب، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، اولین سخنران این نشست، در ابتدا با اشاره به غربت علوم انسانی گفت: انگار جامعه به این مسائلی که ما درگیر آن هستیم وقعی نمی‌نهد. بنده هر جوری که بتوانم به برگزاری جلسه‌ای در رابطه با علوم انسانی کمک می‌کنم. مسائلی همچون فرهنگ و علوم انسانی ضرورت دارد، اما باید این ضرورت به فوریت هم تبدیل شود.

او در ادامه اظهار داشت: موضوعی که بنده می‌خواهم در رابطه با آن سخن بگویم فرهنگ و علوم انسانی است. حوزه تخصصی من دوران نوزایی و اوایل دوران مدرن است. من سعی می‌کنم یک ریشه‌شناسی (etymology) از واژه فرهنگ در زبان فارسی و در زبان‌های لاتینی انجام دهم. در ادامه به این مطلب خواهم پرداخت که علوم انسانی به معنای مدرن کلمه چگونه پیدا شد و این



می‌کنند چون احساس می‌کنند که آن‌ها نیازهای کلیسا را برآورده نمی‌کنند. (School)ها مجتمع شده و تبدیل به (university) می‌شوند. (university)، دانشکده اعلی، وسطی و سفلی دارد و همه در خدمت دانشکده اعلی یا دانشکده الهیات قرار می‌گیرند. آن دانشکده الهیات قرار است منویات کلیسا را اجرا کند. مدرنیته در مقابله با فضای دانشگاه‌های کلیسا ظهور می‌کند. او در ادامه اظهار داشت: من وقتی می‌گویم قرون وسطی منظورم این دوره ۱۱۵۰ تا ۱۳۵۰ است که دانشگاه‌ها شکل می‌گیرند و فلسفه فرو می‌کاهد به منطق در خدمت الهیات. یعنی به معنای واقعی کلمه فلسفه می‌شود کنیزک الهیات و قرار است منویات دین را پیش ببرد. وقتی قرون وسطی به اواخر خود می‌رسد از ۱۳۵۰ به بعد اتفاقاتی چون اختراع دستگاه چاپ، نهضت پروتستانتیسم، ترجمه آثار فیلسوفان یونان و ... می‌افتد. این اتفاقات بستری برای بیداری مردم ایجاد می‌کند تا جایی که کتاب به یک کالای عمومی تبدیل شده و (book trading) به یک شغل رایج تبدیل می‌شود.

ایتالیا در آن زمان دولت - شهری اداره می‌شد. این شهرها حکومت‌های مستقل دارند. به این دلیل سیطره واتیکان کمتر از بقیه اروپاست. تنها دانشگاه‌هایی که در اروپا دانشکده الهیات ندارند، دانشگاه‌های ایتالیاست. سخت‌گیری در دانشگاه پاریس و آکسفورد بسیار بیشتر از دانشگاه‌های ایتالیا است. در این‌جا پزشکی جای الهیات را می‌گیرد. دانشکده پزشکی دانشکده اعلی است. این قضیه زمینه ظهور نوزایی را در ایتالیا فراهم می‌کند.

این استاد فلسفه ادامه داد: به جای (school)ها در ایتالیا آکادمی‌ها ظهور می‌کنند. آکادمی‌ها نهادهای آموزشی آزادی هستند که بورژواها و پولدارهای ایتالیا این نهادها را با هزینه شخصی اداره می‌کنند. در این آکادمی‌ها موسیقی، رقص، خرید و فروش و ... هست، چیزی شبیه بازار مکاره‌ای که ما برگزار می‌کنیم. در کنار آن کارها، بحث‌های آکادمیک، علوم انسانی و فرهنگی هم انجام می‌شود. مثلاً بحث در مورد اینکه فلان آموزه فلان فرقه مسیحی درست است یا خیر. موافق و مخالفی می‌آید و تبلیغاتی در این باره انجام می‌شود. این‌ها اومانیت‌ها بودند. (Humanitas) معادل لاتینی پایدیا است. (humanitatis) هم به معنای معلم‌ان علوم انسانی است. شعار این افراد این بود که در برابر سیطره (Divinitas) یا علوم الهی و کلیسا که آن علوم را تبلیغ می‌کند ما باید به (Humanitas) بها دهیم. این الگو هم از ابن‌رشد می‌گرفتند. البته

انسان پیوسته باید در درون خودش از کی‌آس به کازموس حرکت کند. بنابراین فرهنگ را در برابر آنارشی به کار می‌بردند. کولوئره (cloère) در لاتین به معنای آبادانی، کشاورزی و کشت و کار است. از همین واژه کولونی (colony) را به معنای مستعمره داریم. کولونیز (colonize) یعنی آبادکردن از راه کشت و کار. کولونی با پلنتیشن (plantation) معنای یکسانی دارد و هر دو به معنای مزرعه هستند.

او افزود: «جان لاک» هم در آثار خود برای کولونی معادل پلنتیشن را به کار می‌برد. او می‌گوید، سرخ‌پوستان عرضه این را ندارند که کولونی ایجاد کنند. ما می‌رویم برای این‌ها کولونی ایجاد می‌کنیم. مزارعی که حصارکشی دارد و مشخص است. مثال می‌زند که در کشاورزی سرخ‌پوستان از ده هکتار زمین فرضاً ۱۰۰ کیلو محصول درمی‌آورند، اما ما از یک هکتار زمین همان اندازه محصول به دست می‌آوریم. چون آن‌ها بلد نیستند. پس ما لطف می‌کنیم و می‌رویم آن زمین‌های لم‌یزرع بدون حصار را تبدیل به کشاورزی سامان‌مند می‌کنیم. بعد هم این واژه را با اینداستری (industry) یکی می‌گیرد. معنای اصلی اینداستری، هارد ورکینگ (hard-working) و معنای اصطلاحی آن صنعت است. اینداستری، کولونیز، کولوئره و کالچر همه یک پیوستار معنایی در ادبیات دوران مدرن هستند.

شهرآینی در ادامه با اشاره به واژه بیلدونگ (Bildung) گفت: بیلدونگ معنای علم، روح، فرهنگ، تمدن، تربیت، اخلاق و انسانیت را در خود مستتر دارد. بیلدونگ یعنی ساختن چیزی و این ساختن، ساختن معمولی و طبیعی نیست. انگار هیولا و ماده‌ای است و صورتی به آن بخشیده می‌شود. کاری است که جنبه الهیاتی دارد. اگر معادل بیلدونگ را بخواهیم پیدا کنیم، آن واژه پایدیا (paidea) است. پایدیای یونانی با بیلدونگ، کولتور و فرهنگ در زبان فرهنگ فارسی یک معنا دارد. پائیس (pais) به معنای بچه است و پایدیا یعنی تربیت بچه. در ترجمه پایدیا به انگلیسی گفته‌اند که یعنی حیوانی را رام کنیم. فرهنگ انگار به مراقبت مدام و پیوسته نیاز دارد.

این عضو هیئت علمی پژوهشگاه، در ادامه گفت: دوران قرون وسطی را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد. ۳۵۰ تا ۱۱۵۰ که این دوره را من قرون وسطی به معنای مصطلح نمی‌دانم. قرون وسطی به معنای مصطلح یعنی (dark ages) از ۱۱۵۰ تا ۱۳۵۰، زمانی که دانشگاه‌ها شکل می‌گیرد. برخلاف چیزی که ما فکر می‌کنیم دانشگاه با مدرنیته نسبت دارد، دانشگاه برای حفظ وضع موجود در قرون وسطی تشکیل می‌شود. (school)ها را مجتمع



فرهنگ.

او در پایان گفت: در قرون وسطی نطق به دو معنا به خطر افتاده بود. یک معنا سیطره زبان لاتینی به مثابه زبان میانجی (lingua franca) جهان مسیحیت. (lingua franca) واژه ایتالیایی است. ایتالیا سواحل مختلفی داشت و تجار و بازرگانان در آنجا رفت و آمد داشتند. یک زبان مشترک از چند زبان ایجاد شده بود که تجار مختلف با ایتالیایی‌ها ارتباط برقرار می‌کردند. الان زبان انگلیسی (lingua franca)ی دنیای امروز است. سیطره زبان لاتین به مثابه زبان مناسک دینی و زبان کتاب مقدس و زبان دانشگاه باعث می‌شده است که ملیت‌هایی که به زبان‌های دیگر سخن می‌گفتند از دایره دانایی و فرهیختگی دور بیفتند. در اینجا نطق به معنای (speaking) از آن‌ها گرفته می‌شود. نطق به معنای اندیشیدن هم از آن‌ها گرفته شده بود چون هر چیزی بیرون از کلیسا و برنامه درسی قدغن بود. قیام علوم انسانی در واقع احیای نطق یونانی در برابر تعالیم کلیسا بود.

### فلسفه فرهنگ و مسئله اخلاق اجتماعی



دکتر اسلامی، پژوهشگر علوم اجتماعی و مدرس دانشگاه، در این نشست بیان کرد: ملاحظه و پرداختن فلسفی به موضوع «فرهنگ» طی سه دهه گذشته در ایران، نمونه‌ای از اقتباس فرهنگی از محصولات فرهنگی و تمدنی اروپای مدرن است که در برقرار کردن پیوند با مقتضیات «تاریخی» ایران اسلامی کامیاب نبوده است.

بر اساس نتایج پژوهش ایشان، بررسی مهم‌ترین شواهد این ملاحظه فلسفی از جمله معرفی فارابی به منزله «فیلسوف فرهنگ»، طرح بحث از فلسفه فرهنگ

شک است که ابن رشد به حقیقت مضاعف قائل بوده است یا خیر. این پژوهشگر فلسفه غرب در ادامه مطرح کرد: معلمان علوم انسانی آگاهانه یا ناآگاهانه در این پارادایم حرکت می‌کردند که (Divinitas) متولی (after life) و (Humanitas) متولی (worldly life) باشد. حیات دنیوی را با علوم انسانی و حیات اخروی را با علوم الهی پیش ببریم. این دو نباید در حوزه هم دخالت کنند. هدف (Humanitas) هم تأمین (good life) است. پس (Humanitas) این‌جا در برابر (Divinitas) ظهور می‌کند. ما عموماً اومانیسم را پساهاگلی و به معنای نشستن انسان در جای خدا، لائسیسم، سکولاریسم و ... می‌فهمیم. این اومانیسمی که در دوران نوزایی مطرح می‌شود هیچ ربطی به اومانیسم پساهاگلی ندارد. این‌ها فقط می‌گویند که الهیات اجازه دهد علوم انسانی هم باشد.

او در ادامه با اشاره به واژه (humanism) گفت: ریشه واژه (humanism) از (humilis) در زبان لاتین یا (humble) در زبان انگلیسی به معنای فروتن، خاکی، دون‌پایه و خاکسار است و هر دو این واژه‌ها از (Humus) به معنای خاک یا زمین گرفته شده‌اند. هومو به معنای موجود زمینی است. (Humanus) به معنای موجود زمینی، متواضع که هیچ ادعایی ندارد در برابر (Divinus) که روبه بالا دارد، مطرح می‌شود.

### مسئله فرهنگ در تفکر بابا افضل کاشانی

شهرآیینی در ادامه گریزی به مسئله فرهنگ در تفکر بابا افضل کاشانی زد و گفت: شبیه به این موضوع را هم در سنت فلسفه اسلامی داریم. بابا افضل کاشانی در همین پارادایم فکر می‌کند. او معتقد است الهیات بالمعنی الاخص نفیاً و ایجاباً کار فیلسوف نیست و امور عامه موضوع کار فیلسوف است. در باب کتاب مقدس یا قرآن می‌گوید که این گنج‌نامه یا الهی‌نامه است. او می‌گوید نباید مدام در خواندن گنج‌نامه بود بلکه باید آن را دست بگیریم و در پی گنج باشیم. پس نباید بر روی الهی‌نامه فقط مطالعات نظری کرد بلکه باید آن را دست گرفته و در بیرون راه برویم. او از ادب و فرهنگ به جای اخلاق استفاده می‌کند. بابا افضل می‌گوید چون خرد در جان گویا درنگی شد، همه زشتی‌ها بازنیکویی گردد. درنگی شدن یعنی فرهنگ‌گیده شدن و جا افتادن یعنی یک جهل مدامی داشته باشیم که من متخلق به اخلاق حسنه و فرهنگی شوم. یعنی گویی از کی‌آس به کازموس حرکت می‌کنیم. منظور او از نطق فرهنگ است. حیوان ناطق یعنی حیوان دارای

## بحران در فرهنگ دوره رنسانس با تزلزل در بنیادهای طبیعیات ارسطویی



دکتر صدفی، عضو شورای علمی گروه غرب‌شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (آخرین سخنران این نشست به ارائه موضوع خود پرداخت. او بحث خود را با یک تمثیل از فرهنگ امروز جامعه ایرانی آغاز کرد که چرا از کودکی به اشتباه فرهنگ زمانه در اذهان ما وارد کرده است که کلیسا، گالیله را به سبب این محکوم به اعدام کرد که گفته بود زمین گرد است! ایده کرویت زمین حتی پیش از دوران فلسفه نیز مطرح بوده است و ارسطو و دیگران به صراحت آن را طرح کرده‌اند، با این حال فرهنگ علاقه دارد که بحث علم مدرن و دین را در متضادترین حالت خود تصویر کند تا بتواند از این ضدیت و عناد علم جدید را برکسی بنشانند و دین را حذف کند.

صدفی در ادامه همین رویه را بر اساس نظر هگل در پدیدارشناسی روح و دانش و ایمان دنبال می‌کند. روشنگری به گفته هگل نه تنها عقل را به شیوه مناسب برتر از ایمان قرار نداده بود بلکه تنها توانسته بود شیوه‌ای جدید از عقل‌ستیزی را به میان آورد، زیرا مسائل دینی را به شیوه ساده‌انگارانه‌ای طرح می‌کرد و از این‌رو فلسفه دوباره خود ندیمه ایمان می‌شد. نقد سطحی فرهنگ روشنگری ایمان را دست‌نخورده باقی می‌گذارد و این امر مطلق را فراتر از عقل به میان می‌کشد.

او در ادامه تعریف ابن‌سینا از فرهنگ در دانشنامه علائی را پیش می‌کشد که علم فرهنگ علمی میانگین است که توانسته از مایه محسوسات و امور مادی سربرکشد، هرچند در گرفت وهم و حد کردن آن باشد، اما نمی‌تواند به ساحت عقل برکشد. این علم فرهنگ و ریاضت همان جایگاه علم ریاضیات یا حکمت میانگین یا وسطی را دارد. از این‌رو همواره متزعزع از و

چونان «فلسفه مضاف» یا «فلسفه خاص»، و امتداد چنین بحثی با تمرکز بر پاسخ به پرسش از «چیستی و نحوه وجود» فرهنگ نشان می‌دهد از یک‌سو با گردهای فرهنگ‌پژوهی در سنت فلسفه ایران اسلامی پیوندی برقرار نشده و از سوی دیگر پدیده‌های فرهنگی ایران معاصر، موضوع فرهنگ‌پژوهی نبوده است.

دقت در آثار فیلسوفان مسلمان از فارابی تا میرداماد و ملاصدرا نشان می‌دهد که آنها پرداختن فلسفی به دانش‌های گوناگون را با اهتمام به بحث درباره طبقه‌بندی علوم پیگیری کرده‌اند و به‌طور مثال درباره «دین» از علم دین و علوم دین یاد کرده‌اند، اما اندیشمندان ایران طی بیش از دو سده گذشته این رویکرد را رها کرده‌اند و معاصران با عدول از ضابطه فیلسوفان متقدم و متأخر، هرگونه مطالعه موضوع (یا برابریستا) از چشم‌انداز فلسفه را ذیل عناوین فلسفه مضاف مطرح کرده و کارکرد سامان‌بخشی فلسفه نسبت به مجموعه دانش‌ها مغفول واقع شده است. در این نشست، بحث خواجه نصیرالدین طوسی در حکمت عملی که «وضع» را یکی از مبادی «اعمال» و «افعال» دانسته و یکی از اقسام «وضع» را «آداب و رسوم» معرفی کرده است برای برقراری پیوند با فرهنگ‌پژوهی سنت معقول ایران اسلامی توضیح داده شد. همچنین به فرهنگ‌پژوهی درباره «آداب و رسوم» عزاداری ماه محرم که در ایران معاصر گسترده برگزار می‌شود و متکی است بر عاطفه و شور در حیطه گسترده دین‌داری اشاره شده و درباره تکریم و احترام «مادر» علاوه بر قرآن و حدیث (مثلاً بهشت زیر پای مادران است) توجه به هنر موسیقی (مثلاً ترانه‌های با مضمون «مادر») برجسته شده است.

وی در ادامه چنین تصریح می‌کند که در مسیر مواجهه با دستاوردهای فکری اروپای مدرن اگر رویکرد پژوهشگران مبتنی بر ملاحظه مقتضیات «تاریخی» ایران اسلامی (نه ذوق‌زدگی و نه مرعوب شدن) باشد می‌توان نمونه‌ای از هم‌سخنی میراث سنت معقول اسلامی را با بحث متفکران نوکانتی مکتب جنوب غربی آلمان توضیح داد که با دغدغه فرهنگ‌پژوهی و تأکید بر تمایز «اراده» و «عاطفه» درباره «ارزش‌های فرهنگی» استدلال کرده‌اند و در تداوم دیدگاه‌های کانت و هگل از «اخلاق اجتماعی» (در کنار اخلاق فایده‌گرا و اخلاق مطلق‌گرا) به دفاع برخاسته‌اند.

### فلاسفه همواره دیر می‌رسند

دکتر صدفی در آخر مطالب خود را خلاصه کرد و گفت: تا نتوانیم نگاهی جامع نسبت به عالم و آدم داشته باشیم نمی‌شود با چند پیشرفت علمی دانشمندان، فرهنگ را دستخوش ناآرامی کنیم. به گفته افلاطون انسان به مقتضای طبیعتش در فلسفه سکنی می‌گزیند. فلسفه نگرشی جامع به تمام امور عالم و آدم است، اما عموماً آنی که در فرهنگ رخ می‌دهد زندگی در تندباد حوادث است که زمینه بحران را در مناسبات عالم و آدم دامن می‌زند، گرچه این فرهیختگی زمینه پیشرفت و توسعه را هم فراهم می‌سازد. با این حال آدم عاقل تا خانه‌ای مستحکم بنا نکرده باشد، خانه گذشته را رها نمی‌کند و خود را به تندباد حوادث نمی‌سپارد. از این‌رو فلاسفه همواره دیر می‌رسند و پس از بر زمین خوابیدن گردوغبار حوادث دوره چونان جغد مینروا از خرابه‌ها برمی‌خیزند.

دومین میزگرد تخصصی همایش ملی «فلسفه فرهنگ با تأکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای» با موضوع فلسفه فرهنگ در غرب با حضور دکتر مالک شجاعی جشوقانی و دکتر مهدی جمشیدی برگزار شد.

ناظر به زمینه‌ای است که از آن برآمده است. ارسطو در فیزیک و متافیزیک و حکمت عملی غایت قصوا را خیر اعلی می‌داند که همه‌چیز در تکاپو برای رسیدن به آن است، اما باید توجه داشت که این خیر با توجه به نگاه فیثاغوریان (که ارسطو نیز آن را برگرفته است) محدود و متعین است، به عبارتی آنچه محدود و تعین یافته نباشد، شر و خائوس است. پولیس یونانی نیز به گفته ارسطو در اخلاق نیکوماخوس باید محدود باشد و نمی‌شود خیر فرضی قومی دیگر را به پولیس منضم کرد زیرا این انضمام حد یقف و نهایت ندارد. این نگاه خیر به دستگاه فیزیکی و متافیزیکی ارسطو نیز راه یافته است. عالم سقف دارد و سقف آن فلک اقصی یا محدودالجهات است و همه افلاک دایره‌وار بر مرکز زمین قرار دارند. این‌گونه نیست که با ایراد کوپرنیکوس و گالیله به زمین مرکزی که بحثی علمی و متقن است بتوان این نحوه نگاه انسان به عالم که در همه مناسبات او ریشه دوانیده را کنار گذاشت. به گفته فایربرند در برضد روش اتفاقاً دوران‌دیشی کلیسا را در این موضوع نباید دست‌کم گرفت: وظیفه عقلای کلیسا حفظ مردم از دسیسه‌های متخصصان است که مردم را از فاسدشدن به وسیله یک ایدئولوژی نحیف و فرضا کارآمد در محدوده تنگ اما ناتوان از فراهم آوردن یک زندگی هماهنگ حفظ می‌کنند.



## درس‌هایی از فلسفه فرهنگ برای ایران معاصر (با تأکید بر فلسفه فرهنگ / علوم انسانی ديلتای)



درس‌آموخته‌هایی از مواجهه فلسفی ديلتای با فرهنگ در ادامه دکتر جمشیدی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، به‌عنوان دومین سخنران این نشست، مباحث خود را این‌گونه بیان کرد: ما نسبت به ديلتای، در یک لحظه تاریخی مشترک قرار داریم که لحظه تأسیس است؛ لحظه‌ای که در آن، یک بنای معرفتی متفاوت، صورت‌بندی می‌شود و دیگری معرفتی نیز در تلاش است تا این رویکرد جدید، متولد نشود. این تشابه موقعیت معرفتی سبب می‌شود که بتوان از تجربه معرفتی ديلتای، استفاده کرد. ديلتای به دنبال این بود که علوم انسانی را از اسارت علوم طبیعی برهاند و برای آن، وجاهت و اعتبار مستقل بیافریند. او در پی توجیه و ساختن منزلت مستقل و علمی برای علوم انسانی بود؛ آن هم در زمانه‌ای که علوم طبیعی،



دکتر شجاعی نخستین سخنران این نشست بود که مطالب خود را چنین بیان کرد: ویلهلم ديلتای (۱۸۳۳-۱۹۱۱) فیلسوف آلمانی و از پیشگامان فلسفه قاره‌ای فرهنگ و علوم انسانی در غرب در آثار متعدد خود به‌ویژه کتاب مقدمه بر علوم انسانی، هرمنوتیک و مطالعه تاریخ و ذات فلسفه به مناسبات فلسفی تجربه زیسته و فرهنگ اندیشیده است. هرچند وی طرح فلسفی ناتمام خود را به تبع کانت، «نقد عقل تاریخی» دانسته، اما گام آغازین فلسفه‌ورزی وی از قضا با نقادی معرفت‌شناسی غیر تاریخی کانت و نظریه سوژکتیویته و مقولات کانت (گام سلبی) آغاز می‌شود و چنانکه در سرآغاز کتاب مقدمه بر علوم انسانی آورده در «رگ‌های سوژه معرفت‌شناسانه لاک، هیوم و کانت هیچ خون واقعی» را جاری نمی‌داند. وی در گام بعد به هرمنوتیک حیات تاریخی تجربه زیسته به‌عنوان بنیاد فلسفی علوم انسانی می‌پردازد (گام ایجابی). رد پیشینی کانت از سوئی و تأکید بر فهم مقولات تفکر در بستر تاریخی آن، زمینه‌ساز تاریخی کردن خود عقل است. هدف نقد تاریخی عقل، به‌هیچ‌وجه محدود به معرفت‌شناسی کانت نیست و ديلتای، این نقادی را به تمام عرصه فرهنگ، اعم از دین (و به تبع آن تجربه دینی) قانون، ادبیات، علم، تعلیم و تربیت و اخلاق و... بسط می‌دهد. شجاعی، در این ارائه به تأمل در باب درس‌های سلبی و ایجابی طرح هرمنوتیک فرهنگ و علوم انسانی ديلتای برای مباحث مطرح‌شده در حوزه فلسفه علوم انسانی و فرهنگ ایران معاصر پرداخت.

غالب و مسلط بود و تفاوت‌های موضوعی و روشی را بر نمی‌تابید و علم را در خود منحصر کرده بود. ديلتای برای این منظور، از مدخل تاریخ و فرهنگ وارد شد و کوشید از طریق اثبات و توضیح حضور تاریخ و فرهنگ در علوم انسانی نشان دهد که نباید در این قلمرو، تابع هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی علوم طبیعی بود. ديلتای برای این منظور، از مدخل تاریخ و فرهنگ وارد شد و کوشید از طریق اثبات و توضیح حضور تاریخ و فرهنگ در علوم انسانی نشان بدهد که نباید در این قلمرو، تابع هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی علوم طبیعی بود و جهان انسانی را شیء انگاشت و به روش تجربی بسنده کرد. این اتفاق، همان لحظه تأسیس است که حاصل، برآمدن علوم انسانی در قامت شاخه‌ای مستقل و معتبر از علم بود. از این جهت است که ديلتای را مؤسس علوم انسانی می‌شمارند.

اگر مسئله ديلتای، معطوف به دوگانه علوم طبیعی / علوم انسانی بود، مسئله‌های ما معطوف به دوگانه‌های



ستود. به هر حال، مشاهده دلالت‌ها و نتایج یک تفکر فلسفی در قلمرو علم اجتماعی، سبب‌ساز آشنایی با دیلتای شد و یک تجربه‌ی بی‌نظیر از انتقال معرفتی در برابر نهاد.

### علوم انسانی، بی‌تاریخ نیست

علوم انسانی در نظر دیلتای، گره‌خورده به تاریخ است و تاریخ نیز عرصه‌ی ظهور و تعین فرهنگ است. علوم انسانی، متعلق به جهان انسانی است و جهان انسانی، بر پایه شدن‌ها و تحولاتی تاریخی پدید می‌آید و به موضوع علوم انسانی تبدیل می‌شود. علوم انسانی، بی‌تاریخ نیست و هیچ گسستی میان این دو وجود ندارد. البته علوم انسانی، احکام فراتاریخی نیز دارد، ولی ماده‌ی اولیه‌ی همین احکام نیز در تاریخ فراهم آمده است. حکم بی‌موضوع و بی‌متعلق، معنا ندارد و این‌همه، در تاریخ است که امکان تولد و تحقق می‌یابد. از سوی دیگر، تاریخ نیز خودش، آمیخته به فرهنگ است؛ چراکه انسان، موجودی فرهنگی است و فرهنگ از زندگی‌اش، جداشدنی نیست. فرهنگ بر جهان انسانی، مترتب می‌شود؛ چون انسان به صورت تکوینی و طبیعی، اعتبارپرداز است و در جهان خویش، می‌آفریند و باز می‌آفریند. فرهنگ، همان مجموعه هنجارهای آشکار و پنهانی هستند که تاریخ را قالب‌بندی می‌کند و کنش‌ها و تعاملات و تعادل‌ها و تضادها و صیورته‌ها، مبتنی بر قواعد و قواعد آن، می‌آیند و می‌روند. دیلتای در نام‌گذاری علوم انسانی، از تعبیری همچون علوم اخلاقی و علوم تاریخی و علوم فرهنگی و علوم روحانی استفاده می‌کند تا نشان بدهد که این علوم، به شدت با تاریخ و فرهنگ، درهم‌تنیده و ممزوج هستند؛ تا آنجاکه می‌توان گفت علوم انسانی غیر فرهنگی، معنا ندارد و هر رهیافتی در علوم انسانی، بیش‌وکم، آغشته به تاریخ و فرهنگ است و این آغشتگی، ذاتی و جوهری است؛ به این معنی که نمی‌توان از بی‌طرفی و بی‌هویتی علوم انسانی سخن گفت و به این افسانه‌پردازی، علوم انسانی را همچون علوم طبیعی انگاشت. بافت درونی و منطق ذاتی علوم انسانی، بر همین آمیختگی و درهم‌تنیدگی دلالت دارد و از آن گریزی نیست. طرح دیلتای، گذار از تجربه‌گرایی به تفهیم است تا علوم انسانی، در سطح نماند و به لایه‌های پنهان جهان انسانی راه یابد. او در برابر وحدت هستی‌شناسانه و روش‌شناسانه علوم می‌ایستد و به سوی فرهنگی‌سازی علوم انسانی حرکت می‌کند. اگر هستی‌های جهان انسانی، فرهنگی هستند، پس باید روش مطالعه آنها نیز فرهنگی باشد.

علوم انسانی سکولار/ علوم انسانی اسلامی است؛ یعنی می‌خواهیم از همان معبر دیلتای، برای توجیه و تولد علوم انسانی اسلامی، استفاده کنیم. اگر مدخلیت تاریخ و فرهنگی در علوم انسانی، آن را از علوم طبیعی، متمایز می‌سازد، می‌توان این حکم و تحلیل را امتداد داد و علوم انسانی کنونی را علوم انسانی غربی و آغشته به تاریخ و فرهنگ آن دانست و عام و جهانی و مطلق قلمداد کرد. براین اساس، امکان علوم انسانی اسلامی به‌عنوان صنفی از علوم انسانی که ریشه در تاریخ و فرهنگ دیگری دارد نیز به اثبات می‌رسد. نباید تحلیل تاریخی و فرهنگی از علوم انسانی را به تفاوتش با علوم طبیعی، منحصر کرد، بلکه باید همین استدلال را در زمینه تنوعات و تکثرات درونی علوم انسانی نیز به‌کار گرفت و مجال نداد که علوم انسانی، به همان آفت نخستین علوم طبیعی، مبتلا شود.

سپس وی، از وبر به دیلتای رسید؛ به این معنی که به سبب آن‌که در حوزه علم اجتماعی مطالعه داشت، آثار وبر را خواند و به رویکرد تفهیمی و تاریخی آشنا شد و نام دیلتای را در این نوشته‌ها خواند و آن‌گاه برانگیخته شد که به دیلتای مراجعه کند و او را نیز بشناسد. این سخن به آن معنی که میوه‌های تفکر دیلتای، در علم اجتماعی وبر، رویدند و تفکر وبر، ریشه در روایت فلسفی دیلتای از علوم انسانی داشت. وبر هرچه که توانست، از دیلتای در راستای تأسیس علم اجتماعی بهره گرفت و از این جهت، او در نقطه صفر قرار نداشت.

### کسانی همچون وبر، سایه‌نشین دیلتای بودند

جمشیدی گفت: آنچه که در آثار وبر آمده و بر رویکرد تاریخی و تفهیمی دلالت دارد، برگرفته از دیلتای است و او همچون یک مغز متفکر، وبر را تجهیز کرده است. دیلتای در موقعیتی نشسته بود که کسانی همچون وبر، سایه‌نشین او بودند؛ او یک مسیر و مدار معرفتی آفرید که برای تولد و تکوین علم اجتماعی، یک امکان فلسفی پرمایه و غنی بود. چنین بود که قدری از عظمت وبر در دیده نگارنده کاسته شد، اما چندی بعد این درک حاصل آمد که ترجمه و تبدیل آنچه دیلتای گفته است به زبان و منطق علم اجتماعی، کاری بسیار دشوار و دیریاب است و از هر کسی ساخته نیست، فضیلتی دیگری از وبر طلوع کرد. نوشته‌های دیلتای، در اختیار بسیاری بودند، اما هیچ‌یک نتوانستند همچون وبر، این سرمایه معرفتی را به‌کار بگیرند و از آن، علم اجتماعی بیافرینند. این هنر و بضاعت، چیز کمی نیست و وبر را به سبب برخوردار بودن از آن باید

نوع داد و ستد و تأثیر و تأثرات نقد و فرهنگ است. همچنین «فرهنگ» به معنای وجه اجتماعی تفکر است. «نقد» نیز نوعی رویکرد علمی در ارزیابی پدیده است و لزوماً جنبه اجتماعی ندارد. بنابراین «تحلیل فلسفی نسبت نقد و فرهنگ» یعنی نسبت‌سنجی رویکرد علمی با امر اجتماعی است. حال این نسبت‌سنجی یا تعیین نوع رابطه نقد و فرهنگ، به‌نوعی بررسی خدمات متقابل نقد و فرهنگ است. خدمت نقد به فرهنگ این است که به‌نحوی پالایش فضای اجتماعی است و خدمت فرهنگ به نقد نیز اجتماعی شدن نقد است. حال در توسعه فرهنگ نقد که دو اثر فوق را خواهد داشت، چه باید کرد که موارد ذیل پیشنهاد می‌شود: ترویج جریان نقد فراگیر، توسعه شبکه اجتماعی نقد نظریه‌پردازی‌های علمی در باب نقد و فرهنگ و ...

#### مسئله نقد ارزش در فرهنگ؛ بازخوانی نقد نیچه از ارزش در فرهنگ در «اراده معطوف به قدرت»



دکتر اصفهانی، استادیار پژوهشکده فلسفه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، درباره مسئله نقد ارزش در فرهنگ؛ بازخوانی نقد نیچه از ارزش در فرهنگ در «اراده معطوف به قدرت» چنین بیان کرد: اینکه «ارزش» چیست یا اینکه چه چیز ارزش دارد؟ پرسشی است که به شدت با ساحت‌های مختلف انسان از جمله حوزه عمل، اخلاق و فرهنگ گره خورده است. درک درست این که «ارزش داشتن» به چه معناست و ارزش «ارزش» از کجا ناشی می‌شود وقتی آسان‌تر می‌شود که انسان با نقد ارزش‌های یک فرهنگ مواجه شود.

نیچه در «اراده معطوف به قدرت» که پس از مرگ او منتشر شد، به‌طور دقیق، کوبنده و بی‌رحمانه

البته درباره دیلتای، نباید به هم‌افقی کامل و تمام‌عیار حکم کرد؛ چون دیلتای هر چند در برابر سیطره علوم طبیعی و منطق آن ایستاد و شیء‌انگاری و تجربه‌بستگی را متزلزل ساخت، اما در نهایت، به گفتمان تجدد تعلق دارد و علوم انسانی او، ماهیت سکولار دارد. عمده‌ترین مشخصه تجدد، روی‌گرداندن از دین و ترجیح عقل و تجربه‌ی خویش‌بنیاد بر آن است و دیلتای نیز از این خصوصیت، تهی نیست. او یک متفکر تجددی است و ما تنها از این جهت که وی به اقتضاها و ضرورت‌های علوم انسانی، نزدیک‌تر شده و از تعصب‌ها و جمودهای تجربه‌اندیشان فاصله گرفته و به درک بهتری از هستی‌های جهان انسانی دست یافته، وی را ستایش می‌کنیم، وگرنه روشن است که تفکر وی، بیگانه با عالم دینی است. در تاریخ او، اراده قدسی حضور ندارد و در انسان او، تهی از فطرت الهی است و علوم انسانی‌اش، بی‌نسبت با دین است و با منطق تجددی، صورت‌بندی می‌شود. او فقط با تجربه‌بستگی فاصله گرفته و توانسته به تولد علوم انسانی کمک کند، اما همچنان در چهارچوب اصول موضوعه تجدد می‌اندیشد و از هیچ‌یک از مقومات آن فاصله نمی‌گیرد. بنابراین، بازی وی در زمین تجدد و در قالب قواعد آن است و نباید گمان کرد که وی در گستره‌ای خارج از عالم تجدد، می‌اندیشد.

سومین میزگرد تخصصی همایش ملی «فلسفه فرهنگ با تأکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای» با موضوع فلسفه فرهنگ و نقد فرهنگ با حضور دکتر سیدحسین حسینی و دکتر مهدی اصفهانی برگزار شد.

#### تحلیل فلسفی نسبت نقد با فرهنگ

در ابتدای این نشست، دکتر حسینی، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در باب تحلیل فلسفی نسبت نقد با فرهنگ سخن گفت: یکی از الزامات مواجهه با موضوع «نسبت نقد و فرهنگ»، مواجهه روش‌شناسانه است. در این مواجهه باید مفاهیم بنیادین روشن شود و تحدید فلسفی گردند. اما پیش از تحدید مفاهیم بنیادین مرزبندی با دیگر فیلسوفان نقد از جمله فوکو راهگشاست. فوکو، نقد را در دو معنای علمی و اجتماعی به‌کار می‌گیرد اولی علمی و حرف‌های دومی انتقاد یعنی نوعی مسئولیت اجتماعی برای به پرسش گرفتن حکومت بر انسان‌ها برای آزادگی است. نقد در این سخنرانی با نوع دوم فوکو بی‌ارتباط است، اما برای تحدید مفهومی عنوان حاضر باید گفت که «تحلیل فلسفی» به معنای نگاه کلینگر، بنیادی، عقلانی (استدلالی برهانی) است. «نسبت» به‌معنای تعیین

او افزود: این نظر، توجه و دلواپسی که همه از مظاهر درد هستند، زبان ما را زبان پرسش و درد، جست‌وجو از پرسش، پاسبانی از اندیشه، زبان تفکر و ای بسا! زبان هدایت کند. سخن و زبان بی‌درد حتی اگر حامل اهمیتی سترگ باشد نیز به‌ندرت شنیده می‌شود و راه به دل‌ها می‌برد. پژوهش‌های انبوه و سخنان عظیم درباب فرهنگ و تاریخ راه‌گشا نیست. تا در پژوهش به‌جای اندیشیدن به روش، دلواپس و بی‌قرار اندیشیدن به راه نشویم در حصار پژوهش‌های رسمی بی‌شمار و بی‌فرجام باقی می‌مانیم. راه تاریخ از خاستگاه دردِ تفکر گشایش می‌یابد.

این پژوهشگر فلسفه غرب با طرح این پرسش که از کجا می‌توان درد فرهنگ داشت و به ضرورت پروای فرهنگ تجدید رسید؟، پاسخ داد: در طریق ترسیم طرحی برای پاسخ باید بیابیم که تاریخ عرصه عظیم آزمون‌های ماست و فلسفه بیان آشکار و در عین حال دشوار آن است که چرا و تا کجا میان این عرصه اسیر هستیم و کدام سوی می‌تواند رویی به آزادی ما باشد؛ رسالت فلسفه از آغاز تا به حال این است. من نمی‌خواهم فلسفه را مطلق کنم. اما فلسفه می‌تواند راهی به آزادی به ما نشان دهد. شرط اینکه ما در این آزمون‌ها به پروا برسیم یک چیز است و آن این است که ما خود را در موقعیت آزمون‌ها بیابیم و غافل نباشیم. سخن گفتن از تاریخ در فراغت از تاریخ گرچه می‌تواند با روشنفکری و سیاست‌زدگی و حتی با پژوهش و علم فلسفه راست بیاید اما یک‌سره از فلسفه بیگانه است.

ارزش‌های فرهنگ غرب را نقد می‌کند. او این کتاب را «پیشگویی برای آینده» می‌خواند و می‌کوشد نشان دهد چگونه ارزش‌های مسیحیت با قرائت رایج آن به شکل‌گیری اندیشه‌های فلسفی روزگار مدرن منجر شده است. او با طرح و تفسیر معنای «نیپیلسم» ارزش‌های مسیحی و تمدن مدرن برآمده از آن را پوچ می‌خواند و ابعاد این پوچی را در حوزه‌های مختلف فرهنگ نشان می‌دهد.

در این سخنرانی پس از طرح پرسش اصلی درباره ارزش ارزش و نقد آن، به طرح الگوی نیچه در نقد ارزش در مسیحیت و فرهنگ مدرن ناشی از آن پرداخته شد و با ارائه متون، ترجمه و تفسیر آنها مسئله نقد ارزش را به کمک این نمونه روشن ساخت.

چهارمین میزگرد تخصصی همایش ملی «فلسفه فرهنگ با تأکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای» با موضوع فلسفه و فرهنگ تجدید با حضور دکتر مهدی بنایی و دکتر سیدمحمدتقی چاووشی برگزار شد.

#### «فلسفه» و «فرهنگ تجدید»

دکتر بنایی، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در ابتدای سخنان خود گفت: نظر به فرهنگ تجدید از راهگذار فلسفه، آن‌گاه از صورت رسمی و بی‌جان بگوییم بی‌حاصل خویش به‌در می‌آید که حاصل پروای ما باشد. کلمه پروا بسیار گویا و شامل است. پروا از تفکر جدا نیست و نشان از تعهد مدام ما به موضوع و توجه و نظر و دلواپسی ما نسبت به آینده دارد.



## جهان جدید؛ درنگی در دو مفهوم فرهنگ و گست در نسبت با جهان.



دکتر چاووشی، آخرین سخنران این همایش، در آغاز سخن گفت: هوسرل در رساله بحران پس از آنکه می‌نویسد دوران جدید عرصه تقابل دو اندیشه به‌طور کلان است، آنها را در دو صف و این‌گونه بیان می‌کند؛ ابژکتیویسم تقلیل‌گرایانه در برابر سوژکتیویسم استعلائی، سپس با بحث از جهان و نگاهی که به آن در این دوره شکل گرفته است، طرح خود را پی می‌گیرد. جهان در دوران جدید پس از گالیله و خاصه دکارت، همان جهان افلاطونی است که تبدیل به ایدئالیتیه فضا/مکان شده است؛ نه آنکه جهان تابع یا ذیل ایدئالیتیه‌هایی باشد، بلکه جهان نیست مگر همان ایدئالیتیه فضا. هوسرل تأکید می‌کند که این همان جهان افلاطونی است. هوسرل می‌گوید آنچه در آغاز به‌نظر می‌رسد آن است که هرگونه بحرانی ریشه در بحران فلسفه دارد. علوم کار خودشان را انجام می‌دهند و با پیشرفت‌هایی که در عصر جدید داشته‌اند نشان می‌دهند که از پی کار خویش هستند و این فلسفه است که به گرته‌برداری از علوم مسیر خود را گم کرده است. بنابراین، وقتی گفته می‌شود علوم دچار بحران هستند، منظورمان علوم از نظر دستاوردها و نتایج‌شان نیست؛ هرگز نگفته‌ایم که دستاوردهای علوم، بحران است. لکن، همین علوم پیوندشان را با زندگی و معنای زندگی از دست داده‌اند و ما از بحران چیزی جز این در نظر نداریم؛ اساساً علم جدید تحقیقی نمی‌داشت

او در ادامه به دو ساحتی بودن فرهنگ تجدد پرداخت و گفت: توجه به این دوگانگی برای فهم فرهنگ تجدد بسیار مهم است. بنده اسم این دو ساحت را فرهنگ ظاهری یا تابع و فرهنگ باطنی یا متبوع می‌گذارم. غالباً غرب را در سیمای فرهنگ ظاهرش می‌شناسند. من می‌خواهم بگویم حتی علم و تکنولوژی و تأسیس علم و بسط نظام تکنولوژیک همه در این ساحت ظاهری قرار دارند. چیزی هست که زمینه این بسط است که آن در سطح ظاهر حضور ندارد. بنایی ادامه داد: ما برای گذار دشوار خود از این نگاه ظاهرینانه و سطحی بسی به سلوک در طریقت فلسفه محتاجیم. با این سلوک خواهیم فهمید که تمام ساحت ظاهری فرهنگ، تابع زمینه‌ها و مشروط به شرایطی است که آن همه را ما ساحت فرهنگ باطنی می‌نامیم. هستی بشر جدید تحت عاملیت این فرهنگ باطنی ظهور پیدا می‌کند.

او تصریح کرد: کانت می‌گوید، منورالفکری خروج از صغارت است. ناگهان خروج رخ نمی‌دهد. اولاً خروج مسبوق است به درک موقعیت. در قدم بعدی باید در خود میل به خروج که همان میل به علم و قدرت است را دریابیم و در آخر قادر باشیم این راه خروج را بیابیم. همه این‌ها در پرتو فرهنگ باطنی رخ می‌دهد. او در پایان با طرح این پرسش که چه چیزی این فرهنگ را مایه دلواپسی ما می‌کند؟ گفت: فرهنگ باطنی از آغاز دارای تعارض بوده است؛ تعارض میان آزادی و ضرورت. این تعارض نتایج تاریخی عظیمی دارد. مجموع این عوارض تاریخی را من ذیل کلمه «مکر» توضیح می‌دهم. تعارضات فرهنگ باطنی موجب می‌شود که این فرهنگ با ما مکاری کند، چگونه؟ همواره می‌کوشد جنبه‌های مثبت خود را نشان دهد. همه‌چیز مکر دارد، اما مکر فرهنگ را نمی‌شود به راحتی تشخیص داد و از آن عبور کرد. این ضرورت هرچه بیشتر بروز کرده، جا را برای آزادی تنگ‌تر و مکر فرهنگ هم گسترده‌تر می‌کند. تفکر غرب تکنولوژی را به مثابه غایت دنبال می‌کند و تکنولوژی مظهر مطلق شدن ضرورت است یا به این سمت می‌رود. مشکل اساسی زمانه ما آن است که تکنولوژی گرچه قدرتی عظیم برای ساختن و ویران کردن دارد، اما کمترین پروایی نسبت به حیات فرهنگ و آینده بشر ندارد.



یعنی، کوشش برای رسیدن به ایژکتیویته خود را هم‌سنگ علوم تجربی کنند و از معیار اعتبار علوم تجربی برخوردار شوند. علم جدید سراسر متدیک است. این خواست یعنی، فراخوان متد یعنی، آنچه متد می‌خواهد و به آن می‌خواند از دکارت به این‌سو معیار اعتبار هر آن علمی شد که می‌خواهد علم خوانده شود و علم بماند. روشن است که دوره جدید علم به هر دو صورت خود چه علوم تجربی و چه علوم انسانی متدیک است و حقیقت دوران جدید با متدیک بودن یا شدن پیوندی وثیق دارد به‌گونه‌ای که از هم جدا نمی‌شوند.

خلاصه کنیم! آنگاه که علم به چنین وضعیتی می‌رسد دیگر موضوعی برای فلسفه باقی نمی‌گذارد؛ گویی فلسفه ناگزیر از متابعت علم است. وقتی علم عهده‌دار توتالیته موجودات می‌شود قلمرو فلسفه را اشغال کرده است و جایی برای فلسفه نمی‌ماند و جز متابعت از علم چه می‌تواند کرد. نسبت جدید انسان و عالم، و ظهور عالم در چنین قامتی برای انسان، ریشه وضعیت جدید دانش است. در نتیجه، در هر دوره‌ای نسبت انسان و عالم و ظهور عالم برای انسان است که اجازه می‌دهد معرفت شکلی تازه پیدا کند. در هر نسبتی جهان به‌گونه‌ای تازه آشکار می‌شود. این نسبت با(و) نه نگاه و رویکرد به(جهان است که در دوره ما علم را قدر نهاده و بر صدر نشانده است.

اگر از جهان زندگی جدا نمی‌شد و نسبت خود را با زندگی نمی‌بُرید؛ علم جدید با قطع نسبت از زندگی علم جدید شده است. به بیان دیگر، علم جدید اعم از ریاضی و فیزیک و شیمی و ... ایژکتیویته خود را در انقطاع از زندگی کسب کرده‌اند. علوم نه نظر به زندگی انسانی و نه ضرورت‌ها و اضطراب‌ها و اضطراب‌های زندگی دارند و مگر ایژکتیویته می‌تواند با التفات به این‌گونه امور تحقیقی داشته باشد. سوژه در علوم نادید گرفته می‌شود و عقل و آزادی آن، که با آنها سوژه سوژه است، هیچ‌جایی در علوم ندارد. در یونان و اساساً جهان پیش از دوره جدید علم و زندگی در پیوندی ناگسستنی بودند. اینک، سوژه را منزوی می‌شود تا به علم متولد شود. بحران علم در خود علم است و در آغاز قرن بیستم انسان و خاصه پس از جنگ و آنگاه که انسان تمامی ناگواری‌های خود را در علم و با علم می‌بیند به دشمنی با علم روی می‌آورد که شاید چنین دشمنی با علم در هیچ دوره از تاریخ سابقه نداشته باشد که ندارد؛ تمامی ویرانگری‌ها ریشه در علم جدید دارد، این همان چیزی است که انسان پس از جنگ جهانی اول از علم می‌فهمید؛ ریشه تمامی خشونت‌ها و ویرانگری‌ها.

### علم جدید سراسر متدیک است

و اما علوم انسانی نیز سرگذشتی جز این نداشته‌اند آنگاه که کوشیدند تا با گرت‌برداری از علوم جدید

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری مؤسسات و مراکز علمی کشور برگزار می‌کند:

## فلسفه فرهنگ

با آکادمی ویرانگری‌های آیدان‌اللهی فلسفه‌ای در جهان

میزهای تخصصی:

- ساعت ۸ الی ۱۲: فرهنگ و علوم انسانی، دین‌شناسی و فلسفه فرهنگ
- ساعت ۱۳ الی ۱۷: فلسفه فرهنگ و نقد فرهنگ، فلسفه و فرهنگ تجدد

با ارائه:

دکتر اسماعیلی، دکتر نوری‌امینی، دکتر سعید خوش، دکتر املائی، دکتر صادقی، دکتر شجاعی، دکتر جعفری، دکتر حسینی، دکتر اسفندی، دکتر مایس و دکتر جاووشی

به شنبه ۶ آذرماه ۱۴۰۳ ساعت ۱۲:۳۰ تا ۱۳:۳۰  
تهران، بزرگراه کرمان، حیاط دکتر صادق آینه‌پور، ۶۶ فرعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
لینک حضور مجازی: <https://www.conference.ir/1403/12/30>

## کتاب آرای و تمدن اسلام

و ناملموس به‌عنوان بخشی از میراث در دسترس هر حوزه تمدنی، به منبعی برای مطالعات تاریخ اجتماعی تبدیل می‌شود.

این پژوهشگر حوزه میراث فرهنگی در ادامه تأکید کرد: اهمیت این میراث فرهنگی ملموس یا ناملموس یا به دیگر سخن میراث مادی یا معنوی، بدان حد است که حوزه آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد در یونسکو، بخشی از این میراث فرهنگی را به‌عنوان میراث جهانی شناسایی کرده است و نکته حائز اهمیت و مرتبط با نشست این است که هنرهای نگارگری (۱۳۹۹/۲۰۲۰)، خوش‌نویسی (۱۴۰۰/۲۰۲۱) و تذهیب (۱۴۰۲/۲۰۲۳) که از هنرهای شاخص کتاب‌آرایی به‌شمار می‌روند، به‌عنوان میراث فرهنگی جهانی ناملموس ایران شناخته شده‌اند. همچنین آثاری چون شاهنامه بایسنقری، التفهیم اثر ابوریحان بیرونی در خصوص اخترشناسی و هندسه، خمسه نظامی، ذخیره خوارزمشاهی اثر اسماعیل جرجانی با موضوع پزشکی، مسالک و ممالک اصطخری، کلیات سعدی و جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله، در فهرست برنامه حافظه جهانی یونسکو ثبت شده‌اند و این آثار، نسخه‌های ارزشمندی در عرصه کتاب‌آرایی محسوب می‌شوند.

دکتر برومند در خصوص نقش هنرهای کتاب‌آرایی در مطالعات تاریخ اجتماعی چنین گفت: مورخ تاریخ اجتماعی با مراجعه به آثاری که به نوعی نمونه‌ای

نشست علمی «کتاب‌آرایی و تمدن اسلامی» به‌همت پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و در راستای شعار هفته پژوهش پژوهشگاه علوم انسانی و تمدن‌زایی، نهم دی‌ماه، برگزار شد.

### کتاب‌آرایی منبعی برای مطالعات تاریخ اجتماعی

در این نشست که به‌دلیل تعطیلی‌های ناشی از آلودگی هوا با تأخیر برگزار شد، ابتدا دکتر صفورا برومند (مدیر گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ ایران پژوهشگاه) به دلایل انتخاب موضوع نشست و معرفی سخنرانان پرداخت و مطالب خود را با عنوان «کتاب‌آرایی منبعی برای مطالعات تاریخ اجتماعی» ارائه کرد.

دکتر برومند در آغاز سخنانش با اشاره به حوزه دانشی تاریخ اجتماعی، شرح داد: «به‌طور کلی، تاریخ اجتماعی دانشی است که به بررسی گونه‌های متنوع مناسبات اجتماعی در بستر تاریخی می‌پردازد.» بدین ترتیب، مباحثی چون تاریخ فنون و حرف و اصناف، از جمله موارد مطرح در مطالعات تاریخ اجتماعی است. در واقع، مستندات تاریخ اجتماعی در مقایسه با شواهد مرتبط با تاریخ سیاسی، کمتر در منابع مکتوب تاریخی منعکس شده‌اند. وی سپس یادآور شد که پژوهشگر تاریخ اجتماعی بیشتر به بررسی بقایای مادی و معنوی زیست مردم می‌پردازد و در این عرصه است که میراث فرهنگی ملموس



مجسم شده و به‌نمایش درآمده‌اند. به‌طور مثال، موضوع بخشی از نگارگری‌های کتاب‌ها به نمایش مجلس بارعام دربار، شکارگاه و نبردها اختصاص دارد. جشن‌ها، سوگواری‌ها، زندگی روزمره اقشار مختلف جامعه، سلوک و زیست زنان، پوشاک، خوراک ظروف پذیرایی، سرگرمی‌ها، مسابقات، باغ‌آرایی و دیگر مواردی از این دست، همگی مستندات تصویری و حائز اهمیتی در مطالعات تاریخ اجتماعی محسوب می‌شوند.

### معرفی رشته کتابت و نگارگری

سخنران بعدی این نشست، دکتر الهام ملک‌زاده (عضو هیأت علمی پژوهشکده تاریخ و مدیر ترویج دستاوردهای پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) بحث خود را با عنوان «معرفی رشته کتابت و نگارگری» آغاز کرد و در ابتدا به ارائه تعریفی از کتابت و نگارگری پرداخت. وی سپس به اهمیت این رشته، هدف از ایجاد و فعالیت رشته کتاب‌آرایی و نگارگری، دانشگاه‌های ارائه‌دهنده این رشته تحصیلی، گرایش‌های مختلف و مفاد درسی مرتبط پرداخت و به تشریح جایگاه رشته کتابت و نگارگری در خلأ مناسبات استاد و شاگردی تأکید کرد.

دکتر ملک‌زاده تصریح کرد: در رشته کتابت و نگارگری، کار دانشجو با رنگ، قلم، کاغذ، مرکب و دوات قلم مو است. از آنجایی که این رشته شاخه‌های مختلفی از هنر را در برمی‌گیرد، در چهار گرایش مختلف نگارگری، طراحی سنتی و تذهیب، خوش‌نویسی و خیالی‌نگاری در مقطع کارشناسی ارائه می‌شود.

از کتاب‌آرایی به‌شمار می‌روند، با مجموعه هنرهای روبرو می‌شود که هر یک نشانی از پیشینه فن و هنر و روایتی از نسل‌های متمادی در انتقال تجربه‌ای اجتماعی و فرهنگی را در بر دارند. در واقع، از دید مورخ تاریخ اجتماعی، ساختار و اجزای کتابی که به هنرهای متنوع کتاب‌آرایی مزین است، گنجینه‌ای از اطلاعات درخصوص تجربیات استادکاران یک صنف هنری و فنی است. به‌طور مثال، فن صحافی و تجلید، مستلزم مجموعه‌ای از مهارت‌ها برای انتخاب و آماده‌سازی پوست و چرم، تهیه قالب‌های مسی و فولادی یا شیوه سوخت برای طراحی تزئینات جلد و اجرای آنست. درخصوص جلدهای لاک، زیرسازی جلد با کاغذ پیزوری یا ذرتی یا پایه ماشه، تزئینات و نقاشی‌ها، هر یک نیازمند مهارت‌بست است. تولید کاغذ که شاخه فعالیت بسیار تخصصی را شامل می‌شود، از جمله کاغذ آهاردار و زرافشان و کاغذ ابری یا مرمری، تولید ابزارهای فنونی چون صحافی و نقاشی به‌طورمثال، قلم‌مو، انتخاب رنگیزه و بستمان و دیگر مواردی از این دست، برگرفته از تجربه‌ای تاریخی است و بدین ترتیب، مطالعه درخصوص این موارد، بخشی از تاریخ اجتماعی را آشکار می‌کند.

این عضو هیأت علمی پژوهشگاه در ادامه سخنان به بررسی چرایی و چگونگی شکل‌گیری و تغییر و تحولات این فنون در سپهر تاریخی و اهمیت این موارد برای مورخان تاریخ اجتماعی پرداخت و یادآور شد: یکی دیگر از موارد مهم در ارتباط بین تاریخ اجتماعی و هنرها و فنون مرتبط با کتاب‌آرایی، موضوعاتی است که در قالب هنر نقاشی در کتاب‌ها و مرقع‌ها



## نقش کاتب و کتابت در کتاب‌آرایی ایران

دکتر غلامرضا راه‌پیما (عضو کمیته تخصصی هنرهای سنتی و صنایع دستی فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، عضو مؤسسه هنرمندان پیشکسوت و رئیس هیأت‌مدیره گروه موزه‌های دینیه)، سخنران بعدی نشست «کتاب‌آرایی و تمدن اسلامی» بود که با عنوان «نقش کاتب و کتابت در کتاب‌آرایی ایران» به ایراد سخنرانی پرداخت و گفت: در طول تاریخ بشر تمدن‌های بسیاری ظهور کرده‌اند و ایران به‌عنوان کشوری در چهار راه تمدن‌های بزرگ بشری همواره در ادوار مختلف تاریخی خاستگاه تمدن‌ها و فرهنگ‌های غنی بشری بوده است. این سرزمین پهناور توانسته است یکی از درخشان‌ترین دستاوردهای تمدنی را به بشریت عرضه کند و در پهنای جغرافیایی گسترده اثرگذار باشد. از جمله دستاوردهای ارزشمند و درخشان، هنر و فنون کتاب‌آرایی و کتاب‌سازی در ایران بوده و یکی از جلوه‌های ظریف آن، هنر کتابت و فنون کاتب در حوزه نوشتار بوده است.

دکتر راه‌پیما ادامه داد: کاتبان در گذشته به‌طور عام همگی به فنون و علوم مختلفی آشنا بودند، از جمله: علوم انشاء، ادبیات فارسی و عرب، علم انساب، تاریخ و جغرافیا، امثال و حکم و سایر علوم وابسته که شخص کاتب به‌عنوان منشی و یا دبیر، انجام وظیفه می‌کرد. کاتبان همواره برای نوشتن به مسائلی از جمله توجه به طهارت جسم و روح، تزکیه نفس، صفا، شأن و مسائل دیگری که شایسته یک کاتب یا منشی بود توجه داشتند.

وی در ادامه متذکر شد که از بین فنون کتاب‌آرایی، مهم‌ترین بخش یا با اهمیت‌ترین فصل کتاب‌آرایی، می‌توانست نقش کاتب باشد که سایر فنون حول محور کاتبان به فعالیت‌های خویش می‌پرداختند و عملاً در حوزه کتاب‌آرایی بیشترین سهم و نقش را کاتبان داشتند. پس از کتابت نیز، کتاب به مذهبان و جدول‌کشان و مجلدان و مصحفان و... سپرده می‌شد.

## بررسی عناصر کتاب‌آرایی ایرانی و نقش آن در تمدن اسلامی

دکتر فریبا افکاری (رئیس کتابخانه دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران و عضو هیأت امناء نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور)، با عنوان «بررسی عناصر کتاب‌آرایی ایرانی و نقش آن در تمدن اسلامی» به ایراد سخنرانی پرداخت. وی اظهار کرد: هنر کتاب‌آرایی از شاخص‌ترین هنرهای اسلامی به‌شمار می‌آید که نشان از اهمیت کتاب در تمدن اسلامی دارد و بیشتر شامل

مباحث خوش‌نویسی تذهیب تجلیل و نقاشی است. مهم‌ترین دلیل توجه به هنر کتاب‌آرایی قرآن کریم است که از جنبه‌های مختلف مانند کتابت تزینات و قرائت مورد توجه مسلمانان است. تمامی هنرهای ایرانی شامل جلدسازی، کاغذآرایی، صفحه‌بندی، تزینات جدول‌کشی، تزینات بین‌سطور و حاشیه‌ها؛ همگی در قرآن‌ها تجلی خاصی یافته است.

دکتر افکاری ادامه داد: یکی از هنرهای پیش از ورود به اسلام هنر کتاب‌آرایی مانوی است. مورخان دوره اسلامی کتاب‌ها و نسخه‌ها به تزینات و به‌کارگیری طلا و نقره از کتب مانوی بسیار مت بررسی عناصر کتاب‌آرایی ایرانی و نقش آن در تمدن اسلامی مؤثر شده‌اند در قرون نخست نگارش قرآن با توجه به قداست آن‌هایی از نسخه‌هاست که دارای تزینات خاص هستند. ایرانیان هنگامی که پذیرفتن اسلام با تأثیر از هنر مانوی در نسخه‌آرایی کتاب‌هایی چون قرآن و موضوعات دیگر کوشیدند تا به زیباسازی در نگارش و کتابت پردازند. در قرون اولیه قرآن‌نگاری اسلامی که کتاب‌آرایی، هنر چشمگیری داشته است به‌ویژه از مصورسازی مانویان که در آن‌زمان رایج بود، تأثیر بسیار گرفتند. هنر کتابت در میان عباسیان در ایران و نیز در هنر مسیحی سریانی تأثیر به‌سزایی گذاشت. حتی برخی از محققان معتقدند پس از محو جوامع مانوی بسیاری از هنرمندان آنان در دربارهای شاهان مسلمان استخدام شده و به‌شیوه خود به خلق آثار متأثر از مانوی پرداختند. همچنین برخی محققان به تأثیر اندیشه‌های مانوی در اندیشه‌های عرفانی مانند طرد حیات زمینی و نفی مادیات و پرداختن بیشتر به امور اخروی اشاره می‌کنند. دوام هنر مانوی در دوره اسلامی از دوره غزنوی به سلاجقه و سرانجام به مغول‌ها می‌توان یافت و اوج آن را در هنر ایلخانی مشاهده کرد سبک هنری مینیاتورهای دوره مغول یادآور ظرافت‌ها و ویژگی‌های هنری است.

افکاری یادآور شد: تأثیر عناصر نسخه‌شناسی ایرانی را در کتاب‌آرایی بغداد عثمانی در قرن یازدهم می‌توان مشاهده کرد. تولید نسخه‌های مصور در بغداد و گسترده‌گی آن را می‌توان دید. شکل‌گیری کارگاه‌های هنری حمایت از هنرمندان و تأمین مخارج و هزینه‌های تولید نسخه‌های خطی مصور نیازمند حامیان قوی، مؤثر و ثروتمند بوده است که در مکتب کتاب‌آرایی ایرانی و عثمانی معمولاً پادشاه و مجموعه‌های مهم و شخصی بوده‌اند مهم‌ترین حامیان هنر به‌شمار می‌رفتند. برخی عناصر کتاب‌شناسی عناصر

۴. جلدسازی؛ سبک جلدسازی ایرانی با نقوش برجسته اشیه‌ها طلاکاری تزیین شده به‌ویژه در دوره صفویه و قاجار ظهور جلدهای لاک‌ی با نقاشی‌های زیبا رواج یافت. صحافی‌های نفیس با استفاده از مواد باکیفیت و طراحی‌های دقیق انجام می‌پذیرفت و نام صحاف یا رقم‌ساز بر برخی از نسخه‌ها نسخه‌های فاخر نشان‌دهنده اعتبار کارگاه‌های صحافی در آن زمان است. سبک صحافی و جلدسازی ایرانی بر توسعه صحافی اسلامی تأثیر به‌سزایی داشت. نسخه‌های خطی نفیسی با جلدهای ممتاز تا به امروز باقی مانده است که نشان‌دهنده ذوق، سلیقه و سبک هنری رایج زمان خود بودند.

۵. عنصر دیگری که در نسخه‌های خطی دیده می‌شود، ترکیب متن و تصویر است که اغلب در قاب‌های زیبا و با فاصله‌گذاری دقیق از نقاشی قرار می‌گرفتند. این سبک موجب گسترش هنر کتابت و صفحه‌آرایی در دوره اسلامی شد.

۶. از جمله موضوعات رایج تمدن اسلامی باید به نگارش متون مذهبی قرآن، ادعیه، نهج‌البلاغه، کتاب‌های حدیث، کتاب‌های تفسیر، شروح متون فلسفی و منطقی، متون ادبی، شاهنامه، دیوان‌های شاعران، کتب عرفانی، کتاب‌های علمی، نجوم، طب و ریاضیات اشاره کرد.

اوج هنر ایرانی در دوره سلجوقیان شامل شکل‌گیری اصول کتاب‌آرایی و تذهیب اولیه است. در دوره ایلخانی پیشرفت تصویرسازی و آغاز استفاده از رنگ‌های متنوع.

نسخه‌شناسی ایرانی که تأثیر زیادی در گسترش علوم اسلامی داشته‌اند نیز توسط افکاری مورد اشاره قرار گرفت که عبارت بودند از:

۱. خوش‌نویسی است که پایه خطوط اسلامی چون کوفی نسخ ثلث تعلیق و بعدها نستعلیق می‌باشد خط نستعلیق که او عروس خطوط اسلامی است و هنر ایرانیان در آن نمود دارد به‌ویژه در دوره تیموریان و صفویان به اوج زیبایی رسیدند و خوش‌نویسان ایرانی توجه ویژه‌ای به ترکیب‌بندی دقیق و زیبایی‌شناسی متن داشتند، موجب گسترش و کتابت بسیاری از نسخه‌های دوره اسلامی شد.

۲. عنصر دوم تذهیب است که برای تزیین صفحات استفاده می‌شد به‌ویژه در سرلوح‌ها حاشیه‌ها و قاب‌بندی‌ها استفاده و در آن استفاده از رنگ‌هایی چون طلایی، لاجورد، سبز به‌طور متداول به‌کار می‌رفت و اغلب در صفحات آغازین و پایانی کتاب و اطراف سوره‌ها و دیوان‌ها و به‌ویژه در در مرقعات نمود فراوان دارد.

۳ مینیاتور. مکتب نقاشی ایرانی مانند مکتب تبریز، شیراز، اصفهان در این دوره توسعه یافت آثار برجسته‌ای چون گلستان و بوستان سعدی دیوان حافظ از موضوعات محبوب برای تصویرسازی بودند. مینیاتورها با جزئیات بسیار دقیق و رنگ‌های زنده اجرا می‌شدند و ارتباط مستقیم با متنی که به‌تصویر کشیده شده داشتند. نگارگران زبردست با همکاری کاتبان و صفحه‌آراییان خلق نسخه‌هایی فاخر و نفیس دست‌یازیدند.



آنجا که زبان رسمی بسیاری از دربارهای جهان شد. ۶. پایداری، دانش، فرهنگ دانش و فرهنگ اسلامی در طول قرون حفظ و به نسل‌های بعدی منتقل شد و به‌عنوان اسناد فرهنگی تاریخی ارزشمند به حفظ تاریخ تمدن اسلامی کمک کرد و به ارکان اصلی زایش شکوفایی تمدن اسلامی تبدیل شد. این هنر نه تنها میراث فرهنگی ایران را غنی‌تر ساخت بلکه به گسترش فرهنگ و دانش در سراسر جهان اسلام کمک شایانی کرد.

### آزمایشگاه آنالیز فنی و طیف‌سنجی کتب و اسناد»

آخرین سخنران نشست دکتر زهیر طیب (مدیر انجمن علمی تحقیق و تصحیح نسخه‌های خطی ایران و مسئول آزمایشگاه آنالیز فنی کتب و اسناد) بود که مطالب خود را با عنوان «آزمایشگاه آنالیز فنی و طیف‌سنجی کتب و اسناد» ارائه کرد. این پژوهشگر نسخه‌شناسی، صحبت‌های خود را به دو بخش تقسیم کرد و در بخش نخست با بیان اینکه از نظر طبقه‌بندی دیوپی، نسخه‌های خطی در طبقه ۰۹۰ از علم اطلاعات و کتاب‌شناسی... دسته‌بندی می‌شود، به خطای دسته‌بندی این علوم در مواردی از قبیل هم‌ردیف‌کردن شناخت نسخ خطی در کنار اشیاء عتیقه و احجار کریمه در رشته‌های کارشناسی رسمی دادگستری یا

در دوره تیموری اوج هنر خوش‌نویسی و مینیاتور با تأثیرگذاری مکتب هرات. در دوره صفویه کمال یافتگی مینیاتور و تذهیب و پیدایش جلدهای لاک‌ی و فاخر. در دوره قاجار ادامه سبک‌های گذشته همراه با تأثیر هنر اروپایی اشاره کرد. ازجمله این آثار فاخر شاهنامه بایسنقری، خمسه نظامی، قرآن، دیوان حافظ، کلیله و دمنه، جامع‌التواریخ رشیدی رساله‌های بسیار دیگر است.

دکتر افکاری در جمع‌بندی سخنانش به تأثیر عناصر کتاب‌آرایی ایرانی بر گسترش تمدن اسلامی اشاره کرد و به پنج مورد در این زمینه اشاره کرد:

۱. این تأثیر در ارتقای هنر اسلامی مؤثر بود به قرآن نگاری جلوه خاص بخشید نسخه‌های قرآن با استفاده از خوش‌نویسی تذهیب و جلدسازی زیبا الهام بخش هنرمندان سایر مناطق جهان اسلام شد خط نستعلیق و تعلیق که در ایران شکل گرفت به سایر مناطق اسلامی گسترش یافت و به هویت بصری هنر اسلامی کمک کرد.

۲. تأثیر دوم در انتقال دانش است متون علمی ادبی و دینی گسترش زیادی یافت نسخه‌های نفیس محتوای علمی و فرهنگی را با جذابیت بیشتری در اختیار خوانندگان قرار دادند. کارگاه‌های کتاب‌آرایی خود به یکی از مراکز مهم نشر علوم در جهان اسلام تبدیل شد و کتابخانه‌ها محل نگهداری و تکثیر نسخه‌های ارزشمند بودند.

۳. تأثیر بر تمدن‌های هم‌جوار بود. هنر ایرانی تأثیر زیادی بر هنرهای اسلامی و مناطق دیگر مانند عثمانی و هند گذاشت. بسیاری از هنرهای ایرانی به دربار عثمانی و مغولان هند دعوت شدند و شیوه‌های ایرانی را گسترش دادند و در کتاب‌آرایی ایرانی باعث تقویت تبادلات فرهنگی و علمی میان کشورهای اسلامی شد ازجمله این تأثیرات می‌توان به تأثیر کاغذ ابری در ترکیه عثمانی و هند اشاره کرد.

۴. تقویت پیوند دین و هنر است که با خوش‌نویسی و تذهیب متون دینی به شکل جذاب و تأثیرگذاری معرفی کردند و احترام کاتبان و خوش‌نویسان به قرآن و متون دینی سرمایه ارزشمندی برای جهان اسلام به‌شمار می‌رفت.

۵. توسعه زبان و ادبیات فارسی در جهان اسلام است. شاهنامه، دیوان حافظ، مثنوی معنوی با هنر کتاب‌آرایی به‌صورت نسخه‌های زیبا تولید شدند و به هویت تمدن اسلامی کمک کردند و زبان فارسی به‌عنوان زبان علمی و ادبی مهمی در جهان اسلام گسترش یافت تا

مداخله در نمونه امکان‌پذیر شده است و ما در کشور نخستین آزمایشگاه این حوزه تخصصی را به نشانی [labdoc.ir](http://labdoc.ir) راه‌اندازی کرده‌ایم.

دکتر طیب با اشاره به ویژگی‌های آزمایش کرین ۱۴ و لیزر رمان که عمدتاً موجب از بین رفتن نمونه آزمایشگاهی (نسخه خطی یا اسناد) می‌شوند، آزمایش طیف‌های مرئی و فرابنفش غیرمخرب را شیوه صحیح و قابل تکرار در بررسی‌های نسخه‌شناسی دانست و تشریح آن را با توجه به محدودیت زمانی جلسه به نشست مستقلى موکول کرد.

این مدیر گروه پژوهشی تحقیق و تصحیح و فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی در پایان سخنان خود از انتشار نشریه علمی پژوهش‌های نسخه‌شناسی و تصحیح متون و انتشار یافته‌های این حوزه در بالاترین سطح جهان که نمایه اسکوپوس است یاد کرد و از محققان برای مطالعه و انتشار آثارشان در این نشریه به نشانی [codicology.ir](http://codicology.ir) دعوت به عمل آورد.

تعریف دوره‌های کارشناسی ارشد نسخه‌شناسی در زیر مجموعه‌هایی خارج از دانش کتابداری و علم اطلاعات اشاره کرد و اصلاح این دسته‌بندی‌ها را بایسته نهاد علم در کشور دانست.

دکتر طیب در بخش دوم سخنرانی خود با بیان ضرورت خروج بررسی‌های نسخه‌شناسی و باستان‌شناسی کتاب از گوشه‌گیری پژوهشی و اوج‌گرفتن از اکتفاء به توصیف محض و بعضاً سلیقه‌ای و خودداری از ورود به عرصه‌های جدید دانش و آشنایی با پیمایش‌های فنی دقیق و علمی، ورود کشور به حوزه طیف‌سنجی نسخه‌های خطی را در کاری در کرانه علم و از افتخارات پژوهشی ایران برشمرد.

این متخصص نسخه‌شناسی با بیان اینکه کودیکولوژی چیزی فراتر از اجتهاد متن پایه و بصری درباره کتاب است، افزود: امروز به مدد دانش‌های نو، امکان ارزیابی و تشخیص قدمت و اصالت نسخه‌های خطی با معیارهای تکرارپذیر علم فیزیک و آزمایش بدون



## شیوه‌های مصرف رسانه‌ای در خانواده

دکتر شریفی ابرچالش‌های اصلی زیست بوم بازی دیجیتال در ایران را در محورهای زیر خلاصه کرد:

۱. ابرچالش‌های اصلی زیست بوم بازی دیجیتال:
  - (الف) عدم جامعیت و به‌روزرسانی اسناد بالادستی مرتبط
  - (ب) عدم شناخت نظام مسائل زیست‌بوم بازی از سوی نهادهای ذی‌ربط
  - (ج) بازیچه‌انگاری بازی‌های دیجیتال: عدم هماهنگی بخش دولت با روندهای نوظهور در عرصه بازی
  - (د) بحران شدید منابع انسانی و مهاجرت بازی‌سازان
  - (ه) ضعف ساختارهای تقنینی، تأمین مالی دولت و بخش خصوصی
  - (و) محدودیت‌های بین‌المللی مانند تحریم از سوی فروشگاه‌های دیجیتالی گوگل پلی و اپ‌استور
- سایر موارد در این زمینه عبارتند از:
  - ضعف رسانه‌های عمومی و رسانه ملی در فرهنگ‌سازی الگوی مصرف صحیح
  - ترک فعل نهادهای متولی
  - عدم توجه به حوزه آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص و اتصال آن به صنعت
  - فقدان سند جامع، چالش‌های حقوقی، مالیاتی و بیمه‌ای،
  - ضعف قوانین در حوزه نظارت و ساماندهی بازی در کشور
  - و ضعف ساختارهای مجوزدهی

هشتمین نشست علمی گروه پژوهشی مطالعات زنان و خانواده پژوهشکده علوم اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با محور «شیوه‌های مصرف رسانه‌ای در خانواده» نهم دی‌ماه، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌دو صورت حضوری و مجازی برگزار شد. سخنرانان این نشست، دکتر فرزانه شریفی (عضو هیأت علمی دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه بین‌المللی سوره) دکتر منصور ساعی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) بودند و دبیری علمی نشست نیز بر عهده دکتر آمنه بختیاری بود.

### روندهای مصرف بازی دیجیتال در خانواده ایرانی

سخنران آغازین نشست دکتر شریفی با عنوان سخنرانی «روندهای مصرف بازی دیجیتال در خانواده ایرانی» بودند. دکتر شریفی در راستای روند شاخص‌ترین اطلاعات مصرف بازی‌های دیجیتال در ایران به استناد آمار، گفت: چنانچه بخواهیم از چالش‌های صنعت بازی در کشور صحبت کنیم باید بگوییم، ابرچالش‌های اکوسیستم بازی کشور در چند مقوله و مفهوم اصلی قابل تفکیک است: تولید علم، تأمین مالی، محدودیت‌های بین‌المللی، ضعف اقدامات تقنینی و تنظیمی و منابع انسانی.





برای دانش‌آموزان از جذابیت بالایی برخوردار بوده‌اند. مطالعات آزمایشی و نیمه‌آزمایشی در مراکز علمی بسیاری از جمله دانشگاه‌های ویسکانسین مدیسون، چارلز و گرنادا حاکی از اثرگذاری تماماً مثبت بازی‌های جدی بر فرایند آموزشی آزمودنی‌ها در مقاطع سنی مختلف بوده‌اند.

۵- از سال ۲۰۰۶، با مطالعات و شواهد علمی در دانشگاه‌هایی همچون کالیفرنیا جنوبی و جان هاپکینز و مراکز بسیاری مشخص شد که بازی‌های دیجیتال می‌توانند در کنار روش‌های درمان سنتی یا به‌عنوان جایگزین آنها در درمان، نقش مثبتی ایفاء کنند. بازتوانی اختلالات حرکتی و تعادل در قربانیان سکته مغزی، درمان دیابت، اوتیسم، سرطان و فشارخون از جمله مهمترین خدمات بازی‌های دیجیتال به عرصه‌های درمانی هستند.

### سواد دیجیتال والدین و حق تصویر کودکان در دنیای دیجیتال

سخنران دوم نشست، دکتر ساعی بحث خود را با عنوان «سواد دیجیتال والدین و حق تصویر کودکان در دنیای دیجیتال» آغاز کرد و با نگاه بر این مسئله که تمایل انسان عصر جدید برای به تصویر کشیدن و اشتراک لحظات زندگی خصوصی خود از جمله تصاویر فرزندانش و ثبت دستاوردهای اطفال و داشتن عکس و فیلم‌هایی از لحظات خاص زندگی شان که بسیار اهمیت دارد، گفت: بسیاری از والدین به‌طور روزانه تصاویر و اطلاعات شخصی فرزندانشان خود را به اشتراک می‌گذارند. این فعالیت، اگرچه به ظاهر به‌نظر بی‌ضرر می‌آید، اما می‌تواند پیامدهای حقوقی و اجتماعی سنگینی به‌همراه داشته باشد. مهم‌ترین چالش، نقض حق تصویر و حریم خصوصی کودکان است که در بسیاری از مواقع والدین بدون آگاهی از خطرات آن اقدام به این کار می‌کنند. حق تصویر کودکان جنبه‌ای از حقوق کودک است که در عصر دیجیتال کمتر مورد توجه واقع شده است و در سال‌های اخیر با پیدایش شبکه‌های اجتماعی تبدیل به چالش حقوقی نوظهوری در فضای مجازی گشته و به‌دلیل انتشار بی‌رویه والدین و اشخاص ثالث، تبدیل به حقی دست‌نیافتنی در فضای مجازی شده است. کودکان به‌دلیل آسیب‌پذیری، عدم آگاهی و بعضاً نداشتن حق انتخاب بر تصویرشان در این رهگذر در معرض آسیب بیشتری قرار گرفته‌اند.

- توزیع غیررسمی بازی در کشور باوجود ستاد ساماندهی بازی‌های رایانه‌ای
- چالش‌های مالکیت فکری
- مشکلات فنی ناشی از تحریم
- تحریم نشر بین‌المللی
- هزینه‌های بالای تأمین زیرساخت
- عدم ورود سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و دشواری‌های تأمین مالی از صندوق‌ها
- همگرا نبودن حمایت‌های مالی حکومتی
- بودجه کم بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای
- عدم وجود نهادهای پژوهشی کافی
- ۵. نقش بازی در زندگی اجتماعی

۲- ویژگی‌های مهم رسانه بازی عبارتند از: تعاملی بودن: در بازی بر خلاف تمام رسانه‌های دیگر، فعالیت بیش از دیدن و شنیدن انجام می‌گیرد. غوطه‌وری: بازیکنان در هنگام انجام بازی از فضا و زمان جدا می‌شوند. این حالت باعث می‌شود عمق اثرگذاری بازی دیجیتال بسیار بالا باشد.

دکتر شریفی در ادامه افزود: حرکت در لبه تکنولوژی به‌گونه‌ای است که بازی یک صنعت منحصربه‌فرد تلقی می‌شود که مدام همپای فناوری پیشرفت می‌کند و به‌روز می‌شود. در خصوص قابلیت شبیه‌سازی صنعت بازی باید گفت: بازی می‌تواند دنیای واقعی را شبیه‌سازی کند بدون اینکه محدودیت‌های آن را داشته باشد، واقعیت مصنوعی، ساختگی و تقلیدی اما نه فریبنده.

۳- اثرات مثبت بازی‌های دیجیتال از اوایل دهه ۱۹۹۰ کم‌کم شناخته شد و در ابتدای سال ۲۰۰۰ به موج پژوهشی جدیدی با عنوان بازی‌های جدی تبدیل شد. بازی‌های جدی (Serious Games)، هدف اولیه خود را چیزی بیش از سرگرمی تعریف می‌کنند؛ به‌طوری‌که اولویت اصلی این بازی‌ها، آموزش و اثرگذاری مثبت در کنار سرگرمی است. به لطف بازی‌های جدی، آموزش علمی و مهارتی، درمان و پزشکی، تبلیغات و حوزه‌های بسیاری وارد عرصه‌های جدیدی شده‌اند که پیش از این ممکن فرض نمی‌شد.

۴- بازی‌های دیجیتال در نظام آموزشی برخی از کشورها، بیش از سه دهه است که جایگزین کتب درسی و روش آموزش سنتی شده‌اند. این بازی‌ها به‌دلیل قابلیت گنجاندن متون درسی و آموزش همراه با سرگرمی

### هیچ کسی نباید به طور غیرمجاز به زندگی خصوصی کودک وارد شود

دکتر ساعی افزود: از نظر یونیسف حقوق کودکان، حقوق بشر هستند. پیمان‌نامه یا کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل مصوب ۱۹۸۹ دربرگیرنده ۵۴ ماده است که ۹ ماده آن از جمله ماده‌های ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱ و ۳۴ به حقوق ارتباطات کودکان مرتبط هستند. حق تصویر را می‌توان یکی از حقوق ارتباطات کودکان دانست. در ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک آمد است؛ در امور خصوصی خانوادگی یا مکاتبات هیچ کودکی نمی‌توان به طور خودسرانه یا غیرقانونی دخالت یا هتک حرمت کرد. کودک در برابر این‌گونه دخالت‌ها یا هتک حرمت‌ها مورد حمایت قانون قرار دارد. این ماده بیان می‌کند که هیچ‌کسی نباید به طور غیرمجاز به زندگی خصوصی کودک وارد شود، از جمله انتشار تصاویر بدون رضایت کودک یا والدین. منظور از حق تصویر، حقی است که شخص می‌تواند درباره تصویربرداری از خویش، چگونگی تصویربرداری، انتشار و در نهایت استفاده از تصویر خود تصمیم بگیرد. در سال ۲۰۱۶ فرانسه برای اولین بار در دنیا، انتشار تصویر کودکان در فضای مجازی را وارد قوانین حفظ حریم خصوصی فرد کرد و جریمه سنگینی برای انتشار بی‌دلیل آن در نظر گرفت. بر اساس این قانون اگر فردی بتواند به دادگاه ثابت کند که تصویری که

والدینش در فضای مجازی از او منتشر کرده‌اند برایش شرم‌آور است، در آن صورت والدین باید تاوان یک سال حبس یا ۴۵ هزار یورو را متحمل شوند، اما در ایران قوانین ویژه‌ای در خصوص حمایت از تصاویر کودکان در فضای مجازی وجود ندارد و در صورت وقوع جرم در فضای مجازی برای کودکان به‌همین ماده ۱۶ کنوانسیون جهانی حقوق کودک و ماده ۱۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ایران استناد می‌کنند. عضو هیأت علمی پژوهشگاه اذعان کرد: شیوه‌های نقض حقوق تصویر کودکان از سوی والدین شامل انتشار تصاویر کودکان با حسن نیت و عدم آگاهی به پیامدهای آن (تولد، مدرسه رفتن، رقص و آواز خوانی و...)، انتشار عمدی عکس و تصویر کودکان در راستای بهره‌کشی اقتصادی (کودکان اینفلوئنسر و کودکان کار مجازی)، وارد کردن عمدی کودکان به کمپین‌های رقابتی زیبایی و جذابیت در فضای مجازی و کسب درآمد (کودک آزاری)، منتشر کردن تصاویر کودکان معلول و داراری بیماری زمینه‌ای و نادر با هدف به اشتراک‌گذاری روایت تجربه‌ها و رنج‌ها زندگی آن کودکان (آزار روانی) هستند که همه این‌ها به نقض حریم خصوصی، نقض حق تعیین سرنوشت، نقض هویت دیجیتال، نقض کرامت ذاتی (ابزاری به کودک و تصاویرش و سوءاستفاده) و خشونت روانی علیه کودک منجر می‌شود.



از خطرات مرتبط با اشتراک‌گذاری تصاویر جلوگیری کند. تحقیق انجام‌شده توسط کارتر و همکاران (۲۰۲۰) در استرالیا نیز نشان داد، کودکانی که تصاویر آن‌ها در رسانه‌های اجتماعی به‌طور مکرر به اشتراک گذاشته می‌شود، به‌ویژه اگر این تصاویر به‌طور عمومی و بدون تنظیمات حریم خصوصی باشند، بیشتر در معرض مشکلات روانی مانند کاهش اعتماد به نفس و احساس ناامنی قرار دارند. در تحقیق اشمیت و همکاران (۲۰۲۱) در آلمان، که شامل ۶۰۰ والدین آموزش‌دیده در زمینه سواد دیجیتال بود، نتایج نشان داد که این والدین نسبت به آن‌هایی که آموزش ندیده بودند، ۵۰٪ کمتر تصاویر کودکان خود را به اشتراک می‌گذارند و از تنظیمات حریم خصوصی به‌طور فعال استفاده می‌کنند. ویلیامز و همکاران (۲۰۱۸) در بریتانیا گزارش کردند که ۷۲٪ از والدین نگران استفاده تجاری از تصاویر کودکان خود در فضای مجازی هستند و تنها ۴۸٪ از آن‌ها از قوانین حریم خصوصی رسانه‌های اجتماعی مطلع بودند. این تحقیق بر لزوم آگاهی بیشتر والدین از قوانین و تهدیدات تجاری در فضای دیجیتال تأکید دارد. در تحقیقی توسط رابرتس و همکاران (۲۰۱۷) در کانادا، نشان داده شد که والدین آگاه به حقوق حریم خصوصی و قوانین مربوطه، به‌طور قابل توجهی کمتر اقدام به اشتراک‌گذاری تصاویر فرزندان خود می‌کنند. این مطالعه تأکید می‌کند که آموزش و آگاهی در زمینه حقوق دیجیتال می‌تواند اثرات مستقیمی در کاهش اشتراک‌گذاری غیرمسئولانه تصاویر داشته باشد.

دکتر ساعی تأکید کرد: یکی از مؤلفه‌های مهم در جلوگیری از نقض حقوق دیجیتال کودکان، مهجزشدن والدین به سواد و صلاحیت دیجیتال است. سواد دیجیتال توانایی دسترسی، مدیریت، فهم، ادغام، ارزیابی و تولید و انتشار محتوای ایمن و مناسب و برقراری ارتباطات و تعامل، مشارکت، همکاری از طریق فناوری‌های دیجیتال در زیست‌جهان دیجیتال است. مطالعات نشان داده است که والدین با سطح سواد دیجیتال بالا، به‌ویژه در زمینه آگاهی از حقوق دیجیتال، تصمیمات بهتری در خصوص اشتراک‌گذاری اطلاعات فرزندان‌شان اتخاذ می‌کنند. این والدین به‌طور معمول از تنظیمات حریم خصوصی در رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند و توجه بیشتری به خطرات ناشی از اشتراک‌گذاری تصاویر دارند. به‌عنوان مثال، مطالعه‌ای که توسط جانسون و همکاران (۲۰۲۲) در انگلستان انجام شد، نشان داد والدینی که آموزش‌های سواد دیجیتال دیده بودند، ۴۵٪ کمتر تصاویر کودکان خود را به اشتراک می‌گذارند.

همچنین مطالعه‌ای که توسط میلر و همکاران (۲۰۱۹) در آمریکا انجام شد، نشان داد که ۵۸٪ از والدین با سواد دیجیتال پایین، تصاویری از فرزندان خود را در صفحات عمومی و بدون تنظیمات حریم خصوصی به اشتراک می‌گذارند. این درحالی بود که تنها ۳۲٪ از والدین با سواد دیجیتال بالا چنین اقداماتی داشتند. این تحقیق نشان داد که سواد دیجیتال بالا می‌تواند

گروه پژوهش مطالعات زنان و خانواده  
پژوهشگاه علوم اجتماعی برقرار می‌کند:

مجلس تخصصی گروه پژوهش مطالعات زنان و خانواده پژوهشگاه علوم اجتماعی

**هشتمین نشست**

**«شیوه‌های مصرف رسانه‌ای در خانواده»**



**دکتر منصور ساعی**  
(عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و ارتباطات)  
سواد دیجیتال والدین و حق تصویر کودکان در فضای دیجیتال



**دکتر فرزانه شریفی**  
(عضو هیأت علمی گروه ارتباطات دانشگاه سوره)  
روش‌های مصرف بازی دیجیتال در خانواده ایرانی  
از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰

دبیر نشست: دکتر امه بختباری

زمان: یکشنبه ۹ دی ماه ۱۴۰۳ ساعت: ۱۰ تا ۱۲

مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب

لینک ورود به نشست:  
<https://webinar.jhcs.ac.ir/rooms/n6a-4os-miq-mlm/join>

## از شهرت رسانه؛ گذر ارتباطی از امر واقع به امر ساخته شده

بوده است. در این نظریه، علایق و منافع به‌عنوان ویژگی‌های ثابت کنش‌گران یا ناشی از شرایط خاص کنش‌گران در نظر گرفته می‌شود و یک طرفه است یعنی باور بر این است که علایق و منافع افراد بر شناخت اثر دارد و به مسیر بر عکس توجه ندارد، اما لاو و کالون به‌عنوان نخستین طراحان نظریه کنش‌گر - شبکه، گفتند که علایق کنش‌گران، خود محصول مذاکرات و تعاملات افراد با یکدیگر است. افراد در پرتو انواع اطلاعات و دانشی که به آنها پیشنهاد می‌شود، نسبت به علایق خود متقاعد می‌شوند. واژه مهمی که کالون و لاو در این نظریه معرفی می‌کنند و برای ارتباطات مهم است، ترجمه یا Translation است. آنها می‌گویند یک کنش‌گر (دوم) می‌تواند عضو گروه دیگری شود، اگر کنش‌گر نخست بگوید که دانش او وسیله‌ای است که کنش‌گر دوم، کمک می‌کند تا به اهدافش دست یابد. در این شرایط، پیشرفت ایده‌ها یا نظریه کنش‌گر نخست در زمره علایق کنش‌گر دوم قرار می‌گیرد. در این حالت، علایق کنش‌گر دوم به علایق کنش‌گر نخست ترجمه شده‌اند و علایق اولیه او رجینال او دوباره پیکربندی می‌شوند (reconfigure). علایق او حفظ شده‌اند ولی تعدیل هم شده‌اند.

نشست علمی «از شهرت رسانه؛ گذر ارتباطی از امر واقع به امر ساخته شده» به مناسبت هفته پژوهش، توسط پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات، چهارم دی‌ماه ۱۴۰۳ به‌صورت حضوری در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این نشست دکتر سیده‌زهرا اجاق، دکتر منصور ساعی، دکتر بشیر معتمدی، دکتر معصومه تقی‌زادگان و دکتر احمد شاکری به ارائه سخنرانی‌های خود پرداختند. در ابتدای این نشست، دکتر اجاق (رئیس پژوهشکده پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات) درباره وضعیت فعلی و برنامه‌های این پژوهشکده توضیح داد و گفت: طبق تصمیمی که چند سال است در پژوهشکده براساس آن عمل می‌کنیم، در هفته پژوهش، گزارشی از یکی از کارهای علمی‌مان ارائه می‌دهیم تا هم اشتراک فکری بیشتری بین ما در پژوهشکده ایجاد شود و هم مسیر مطالعاتی پژوهشکده قابل ارزیابی شود.

### استفاده از نظریه کنش‌گر شبکه در متون ارتباطی

دکتر اجاق به‌عنوان نخستین سخنران این نشست با موضوع «استفاده از نظریه کنش‌گر شبکه در متون ارتباطی» سخنرانی کرد و گفت: نظریه علایق و منافع (interest) آغاز مسیر برای طرح نظریه کنش‌گر - شبکه



تثبیت کنند. مثلاً در نمونه ماهی‌های اسکالوپ، آنها درباره وسایل و فنون به دام اندازی اسکالوپ‌ها استفاده می‌کنند و می‌گویند که اسکالوپ‌ها از محصور بودن در کیسه‌های توری نازک خوششان می‌آید یا نشست‌های مداومی با ماهی‌گیران و نمایندگان آنها برگزار می‌کنند و نمونه‌های مشابه پروژه‌ها را بهشان توضیح می‌دهند. در این فرایند، تمام پیوندهای رقیب بالقوه گسسته می‌شوند و سیستم یکپارچه‌ای تولید می‌شود. ساختارهای اجتماعی با این موجودیت‌های جدید اجتماعی و طبیعی ایجاد و تحکیم می‌شوند. این فرایند عضوایی به مرحله سوم، یعنی عضوپذیری Enrolment می‌رسد؛ یعنی افراد با طرح‌واره پژوهشگر مشارکت می‌یابند. افراد به‌طور حتم، با برنامه جدید همراه شده و رویکرد جدید را اقتباس می‌کنند.

مرحله چهارم، بسیج mobilization است: اگر پژوهشگران، کنش‌گران دیگر را در پروژه‌شان عضوگیری کنند، می‌توانند به‌عنوان سخنگوهای برای کل این زنجیره متحد عمل کنند. نتیجه تجهیز یا بسیج علاوه بر همکاری در قالب گراف‌ها و نمودارهای علمی، مقالات و راهبردهای سیاسی استخراج می‌شود.

پس از این رویدادها، زمانی که مسئله حل می‌شود و زمانی که کار علمی موفق می‌شود یا فناوری به‌خصوصی تولید می‌شود که طی فرایند بسیج به‌اطلاع عموم می‌رسد، کل فرایند، ناپدید و نامرئی می‌شود. فقط ورودی و خروجی معلوم می‌ماند و فرایند، پنهان می‌شود. این وضعیت «جعبه سیاه‌سازی» نام دارد. وقتی یک ماشین به‌طور مؤثر کار می‌کند؛ وقتی یک مسئله واقعی حل می‌شود، آدم باید تنها روی ورودی‌ها و خروجی‌های آن تمرکز کند و نه بر پیچیدگی درونی آنها. اجاق توضیح داد که هر چه علم و فناوری موفق‌تر می‌شوند، مبهم‌تر و پنهان‌تر هم می‌شوند.

دانشیار ارتباطات اجتماعی به‌عنوان نتیجه‌گیری سخنانش توضیح داد: نظریه کنش‌گر- شبکه، مدل بنیادین فعالیت علمی است یعنی افراد و نهادها (پاستور یا متخصصان شیلات و همراهانشان) می‌کوشند تا زنجیره بلندی از پیوندها، اتحادها و ارتباطات را ایجاد کنند. در این زنجیره‌ها، مدافعان برنامه حفظ اسکالوپ و پاستور سعی کردند تا موقعیت محوری به‌عنوان OPP برای خودشان ایجاد کنند. در نتیجه، مباحثات علمی اساساً آزمون‌های قدرت بین گروه‌های رقیب است. این وضعیت، یادآور یک اصطلاح نظامی است: قدرت زنجیره متحدان، شکست‌پذیری یا شکست‌ناپذیری شما را تعیین می‌کند. پس، ادعای مهم نظریه کنش‌گر-

دکتر اجاق برای تشریح این موضوع از مثال پاستور استفاده کرد و توضیح داد: پاستور، کشاورزان را در کارش وارد کرد (او در میانه قرن ۱۹ و درباره میکرواورگانیزم‌های عفونی تحقیق می‌کرد). پاستور به کشاورزان گفت که راهی برای کاهش بیماری دام وجود دارد، ولی اگر توصیه و ایده‌های او را بپذیرند. در نتیجه، پیشرفت کار فکری پاستور به علایق کشاورزان تبدیل شد. یعنی علایق کشاورزان، نتیجه و نه علت تلاش‌های پاستور بود. اهمیت ترجمه در حدی است که برای کالون، جامعه‌شناسی دانش علمی مساوی جامعه‌شناسی ترجمه و علایق، نتیجه این ترجمه‌هاست. طبق نظر کالون، ترجمه فرایندی چهار مرحله‌ای است: مرحله نخست: فرایند مسئله‌سازی یا problematization است. مدافعان استراتژی جدید روش‌هایی را پیشنهاد می‌کنند که علایق گروه دیگر را با خودشان هم تراز کنند و تعهدات جدیدی طرح می‌کنند. مثلاً در مشاهده کالون از یک مورد مرتبط با کم شدن نوعی از ماهی به نام اسکالوپ در یکی از خلیج‌های فرانسه او توضیح می‌دهد که مسئله‌سازی به این صورت پیش می‌رود که اگر ماهی‌گیران اسکالوپ بخواهند که آینده اقتصادی خود را تضمین کنند، باید بر مسئله کاهش سهام فائق بیایند و وقتی می‌توانند این کار را انجام دهند که با برنامه جدید همراه شوند. در این زبان، خواست و تمایل ماهی‌گیران به حفظ مکان صید و شغلشان به پذیرش این برنامه ترجمه شده است. چشم‌اندازهای بقای اسکالوپ‌ها هم با برنامه‌ای جدید تقویت شده است: برنامه به نفع اسکالوپ‌هاست. کالون روش این دانشمندان شیلات که برنامه خودشان را تنها پاسخ ممکن به مسائل هر فردی نشان می‌دهند را نقطه گذار اجباری (obligatory passage point/OPP) می‌نامد. اگر ماهی‌گیران می‌خواهند کارشان را حفظ کنند باید طبق opp پژوهشگران عمل کنند و اگر اسکالوپ‌ها بخواهند در خلیج بمانند، راه همین است. اگر سایر دانشمندان هم بخواهند دانش بیشتری درباره اسکالوپ فرانسوی کسب کنند، آنها هم باید از منافع نوآورانه این پژوهشگران بهره‌مند شوند، ولی آن «پژوهشگران دیگر» در برابر چنین مسئله‌سازی تسلیم نمی‌شوند. پروپزال‌ها هزینه‌هایی برای سایر actorها یا کنش‌گران دارد: زمان- سرمایه و غیره، اما آنها (دانشمندان) سایر پروپزال‌ها را انکار خواهند کرد.

مرحله دوم: فرایند عضوایی یا intersement است: مجموعه‌ای از کنش‌ها و اقدامات که توسط آنها پژوهشگران می‌کوشند تا هویت سایر کنش‌گران را که توسط مسئله‌سازی تعریف کرده‌اند؛ تحمیل و

شبکه این نیست که متحدان ایجاد می‌شوند تا حقیقت را لغو و انکار کنند، بلکه این است که متحدان موفق، حقیقتی می‌سازند در هر حوزه‌ای که در آن نفوذ دارند و در واقع، حقیقت از این اتحادها و ارتباطها پدید می‌آید.

### تعیینکننده‌های سیاسی و اجتماعی کنش‌گری رسانه‌های رسمی در پاندمی کرونا

دومین سخنران این نشست علمی، دکتر ساعی به موضوع «تعیین‌کننده‌های سیاسی و اجتماعی کنش‌گری رسانه‌های رسمی در پاندمی کرونا» (تحلیل روایت روزنامه‌نگاران بحران) پرداخت و در خصوص پژوهش خود متمرکز بر ارتباطات بحران سخن گفت. او توضیح داد: سال گذشته موانع فراوری کنش‌گری رسانه‌های رسمی در بحران کرونا را مطالعه و تحلیل کرده و با استفاده از مصاحبه با روزنامه‌نگاران بحران مطالعه خود را پیش برده است. ساعی قصد داشت تا در این سخنرانی، نتایج این مطالعه را متمرکز بر تعیین‌کننده‌های سیاسی و فرهنگی - اجتماعی ارائه کند که بر کنش روزنامه‌نگاران رسانه‌های رسمی اثر دارند. او ابتدا به شرح سه تعیین‌کننده سیاسی در این فرایند پرداخت و شرح داد:

بی‌اعتمادی اجتماعی انباشته تدریجی: این موضوع به قبل از بحران کرونا و تردید مردم درباره توانایی حکمرانی در کنترل بحران برمی‌گردد. از سال ۱۳۹۸ و سیل تا کرونا، بحران‌های متعددی داشتیم. ساعی گفت که ما جزء ۱۰ کشور بحران‌خیز طبیعی هستیم. در بحران کرونا، ناکارآمدی دولت در مدیریت بحران‌های پیشین موجب بی‌اعتمادی مردم به نهاد دولت می‌شود. تضاد منافع در جریان تولید و واردات واکسن کرونا در این دوره عامل دیگر است. برخی‌ها بدون داشتن تجربه واکسن‌سازی وارد بحث سودآوری از این قضیه شد. جامعه احساس بی‌پنهایی و قربانی بودن می‌کرد. یعنی برداشت جامعه این بود که برخی مسئولان به جای توجه به «مرگ و میر» به موارد اقتصادی و سودآوری توجه دارند. این مؤلفه‌ها موجب محدودسازی کنش‌گری رسانه شد.

عامل دوم سیاسی که پژوهش دکتر ساعی به آن دست یافته، انکار، عادی‌انگاری و کوچک‌شمردن بحران توسط دولت است: حکمرانی ما با تأخیر بحران را پذیرفت که موجب افزایش هزینه‌های ملی و خودش شد. پس از انکار، بحران را کوچک‌نمایی کردیم؛ درحالی‌که عادی نبود. عادی‌سازی توسط مسئولین انجام شد که سد راه ورود رسانه‌ها به عرصه نقد و ارزیابی برنامه‌های

دولت هم شدند. احتمالاً سردرگمی بین متولیان بحران موجب این عامل شد. هرچند ستاد ملی کرونا خیلی زود تأسیس شد، ولی به دلیل این عدم اعتماد، تبدیل به قرارگاه شده بود که نظامی‌سازی بحران را نشان می‌دهد. وقتی پاسخ تأخیری به بحران می‌دهیم، بحران کنترل ما را به دست می‌گیرد. این پاسخ مردم به بحران موجب توسعه بحران و مانع بسیج جامعه برای غلبه بر بحران می‌شود. دولت هم با کاهش توان عملیاتی و ظرفیت‌های اقتصادی مانند تحریم‌ها مواجه بود.

عامل سوم کاهش ظرفیت تصمیم‌گیری و پاسخ به‌هنگام دولت به بحران بود: علم پزشکی و تخصص برای یادگیری از سایر کشورها را نداشتیم. مدیریت کرونا علم‌محور نبود و می‌خواستیم فی‌البداهه و با رویکردهای سنتی مثل توصیه و سفارش عمل کنیم. غلبه پندارگرایی بر علم‌گرایی در بحران کرونا خیلی جدی بود. حکمرانی ما از گرفتن تصمیم‌های سخت هراس دارد و دلایل مذهبی و سیاسی نقش مهمی دارند. این وضعیت نشان می‌دهد که چالش سنت و حکمرانی را حل نکرده‌ایم. مصلحت‌اندیشی اقتصادی هم مهم بود. مثلاً مسافرت با مشکل دچار نبود و دولت هم با شفافیت نمی‌گفت من نمی‌توانم مسیر سفر و راه‌ها را ببندم و شما مرم با من هم‌دل شوید. درحالی‌که در پاکستان این اتفاق افتاد. یا در نیوزلند به دلیل توان حکمرانی، عده بسیار قلیلی فوت شدند. در ایران مسئله اصلی، اقتصاد بود و موجب عدم صداقت دولت با جامعه شد.

استادیار پژوهشگاه علوم انسانی به دلیل کمبود وقت در ادامه تنها به ذکر عناوین مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی اکتفاء کرد که عبارتند از:

- ۱- تبدیل شدن رسانه‌های رسمی به محور اطلاع‌رسانی
- ۲- انتقال مرجعیت رسانه به رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور
- ۳- رواج اینفودمی

### دین و رسانه

در ادامه سخنران سوم، دکتر معتمدی درخصوص حوزه تخصصی خود «دین و رسانه» صحبت کرد. وی در تشریح فعالیت‌های پژوهشی خود با طرح یک مثال گفت: درباره تلویزیون مذهبی «اوانجلسیت‌ها» از منظر نشانه‌شناسی و نحوه شکل‌دادن گفت‌وگوهایشان کار کرده‌ام. در سال جدید پروژه من به صورت ترجمه کتابی در حوزه دین دیجیتال است. کتاب «رسانه‌های دیجیتال، جوانان و دین؛ چشم‌انداز جهان» در سال

این استادیار پژوهشگر با اشاره به اهمیت «دین و فضای دیجیتال» بیان کرد: هویت در عدم تعامل با دیگران شکل می‌گیرد. هویت مذهبی مجموعه‌ای از اعمالی است که دارای معانی متفاوتی هستند و در تعریف خود از جایگاهش در جهان نقش دارند. هویت‌های مذهبی در خلاء اجتماعی و فرهنگی نیستند. مرتب در بستر فرهنگی و اجتماعی و به صورت داوطلبانه، ذهنی و برساختی شکل می‌گیرد. پس «خود» یک پروژه است و «معنویت خود» هم بخشی از پروژه «ساختن خود» می‌شود.

فرد مذهبی در آفلاین (برون‌خط) در فعالیت‌های مذهبی برخط نیز فعال‌تر است و دنبال محتواهایی هستند که با افکار آنها سازگار باشد. این امر موجب شکل‌گیری «خودهای شبکه‌ای مذهبی» می‌شود.

در فضای برخط، لایک‌ها و دنبال کردن‌ها، و اشتراک‌گذاری معنای جدیدی ایجاد می‌کنند و نقش و هویت‌سازی دارند، لذا در شبکه‌های اجتماعی نه تنها هویت اجرا می‌شود، بلکه قابلیت ویرایش هم دارد. در این فضا افراد راهبردهایی برای تعیین مرزها بین خود و دیگران دارند. مثل وبلاگ‌نویسان مسلمان که بحث حجاب را می‌کردند. اینان دچار تعارض‌های پیچیده بین مذهب و هویت مدرن شدند. در نتیجه، شکل جدیدی از هویت برای این جوانان ایجاد شد یا زنان آمریکایی بحث هویتی بی‌خدایی را مطرح کردند در آمریکایی که به شدت مسیحی است. آنها در یوتیوب در این باره بحث می‌کردند و هم به دیگران یاد دادند که با آنها چگونه تعامل کنند و هم «خود جدیدی» برای خود ساختند.

۲۰۲۰ توسط انتشارات روتلج منتشر شده است. این کتاب دو بخش نظری و تجربی (پروژه یارگ) دارد. بین افراد ۱۸-۳۰ سال انجام شده و آنها درباره تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر دین جوانان تحقیق کرده‌اند. در اینجا من مروری بر مباحث نظری می‌کنم.

دکتر معتمدی درباره اثر فناوری‌های دیجیتال بر دین گفت: ما با ساختار اجتماعی جدیدی (فضای مجازی) مواجهیم که بر ساختارهای اجتماعی دیگر از جمله دین اثر می‌گذارد. بحث ما این است که در این تعامل ساختار دین دچار چه تغییری شده است. سه مفهوم اصلی در این تحلیل وجود دارد و بستر اجتماعی موجب تغییر این سه مفهوم می‌شود. اما ابتدا باید گفت که مطالعات دین و رسانه چهار موج را طی کرده‌اند:

۱- موج‌های تحقیقات اکتشافی و نقشه‌برداری از محتوای دینی برخط

۲- نحوه پیکربندی جوامع و اعمال دینی برخط

۳- تأثیرپذیری زندگی برخط از پلتفرم‌های (زیرساخت‌ها) بر خط

۴- تعامل اعمال دینی برخط و آفلاین (برون‌خط) به‌ویژه با تلفن همراه برجسته شده است.

جوانان هم چون بومیان دیجیتال هستند دچار تغییرات گسترده‌تری شده‌اند.

این کتاب سه مفهوم اصلی را برای انجام تحلیل ذکر می‌کند.

مفهوم نخست کتاب که بر آن متمرکز بوده هویت است. هویت‌های دینی برای جوانان در فضای مجازی واجد طیف گسترده‌ای است. هویت همواره از طریق روابط اجتماعی و ارتباطات مستقیم و غیرمستقیم شکل می‌گیرد.



درواقع، به این ترتیب می‌توان گفت که جنگ در تصاویر تقبیح نمی‌شود، اما در دنیای مدرن است که جایگاه افسانه‌ای جنگ به صلح تغییر می‌یابد. دکتر تقی زادگان به سالوادوردالی و پیکاسو به‌عنوان نمونه‌هایی اشاره کرد که جنگ را تقبیح می‌کنند. این سخنران در ادامه به هنر عکاسی توجه کرد و توضیح داد: در عکاسی دوران مدرن، نخستین عکاس جنگی یعنی «راجرز فنتون» در جنگ کریمه حضور دارد ولی به دلیل سطح فنی پایین دوربین، افراد در شرایط جنگی نشان داده نمی‌شوند و رنج انسان جنگ‌زده دیده نمی‌شود، چون وسایل سنگین بوده‌اند. جنگ داخلی اسپانیا نخستین موردی است که عکاسان و رسانه‌ها حضور دارند و عکس‌های زیادی از دو طرف جنگ تولید و مخابره می‌شود. عکس‌هایی از لحظات جنگ و خرابی‌ها داریم.

استادیار پژوهشگر در ادامه با طرح این سؤال که آیا این تصاویر موجب صلح‌طلبی یا جنگ‌طلبی ما می‌شود؟ بیان کرد: پاسخ ساده نیست. هنگام جنگ ما همیشه در یک طرف یا طرفدار یک سو هستیم. عمده اتفاقات مثل اعلامیه جهانی حقوق بشر، سازمان پزشکان بدون مرز و روز جهانی کودکان بی‌گناه قربانی جنگ و خشونت ناشی از اثرات عکاسی جنگ هستند، اما همه عکس‌های جنگ صلح جهانی نیستند و گاهی می‌توانند تحریک‌کننده و انتقام‌گیرنده باشند. در جنگ‌ها شاهد غیرت‌سازی، ما/دیگری، هستیم تا بگوئیم ما آدم‌های برحق هستیم و راه حل، نظامی است. عکس‌ها تلاش می‌کنند تا حقانیت جنگ را ثابت کنند.

دکتر تقی‌زادگان توضیح داد: آثار ضد جنگ آثاری هستند که از غیرت‌سازی فراتر می‌روند و می‌توانند به ما کمک کنند. او به‌عنوان نتیجه‌گیری هنر را در ارتباط با جنگ به سه دسته تقسیم کرد: ۱- هنر جنگ: خودی/غیرخودی می‌سازد. ۲- هنر ضدجنگ: از دوگانه‌ها فراتر می‌رود و به انسان‌ها به صرف موجودیت‌شان توجه می‌کند. ۳- هنر برای صلح: در زمان جنگ بی‌معناست یعنی هنری که تکثرها را بپذیرد و تأیید کند که تکثرها می‌توانند آسیب‌ها را کاهش دهند. در زمان صلح است که قابل انجام است.

او در پایان تصاویری از مجموعه عکس‌های «جهان‌های موازی» را از یک عکاس ترک نشان داد.

این استادیار پژوهشگر مطالعات فرهنگی و ارتباطات تأکید کرد که این رویدادها تأثیرات مختلفی دارند که به بستر اجتماعی بستگی دارد و اتصال مفهوم دوم مورد تأکید کتاب است؛ اینکه در این فضا بین جوانان شکل می‌گیرد موجب شکل‌گیری فرهنگ مشارکتی می‌شود. رسانه‌های اجتماعی میانجی‌گری می‌کنند و ناپایداری هویت دیجیتال را مورد تأکید قرار می‌دهند. گروه‌های مذهبی می‌توانند براساس نیازها و علایق‌شان برای اتصال تصمیم بگیرند. طرح موضوعاتی مثل غذای حلال، تا کفن و دفن موجب پیوستگی با فضای روزمره زندگی می‌شود.

کتاب به‌عنوان مفهوم اصلی سوم بر اقتدار تمرکز می‌کند. فضای برخاسته از اقتدار دینی نهادهای سنتی را دچار چالش کرده است. فضای برخاسته، اقتدار جدیدی به نام «اقتدار فردی» را شکل داده که افراد در این فضای دموکراتیزه و مواجهه با انواع محتوای دینی دارند. مثلاً مجتهد برخاسته از نهاد سنتی مرجعیت را به چالش می‌کشد یا افرادی که ادعا می‌کنند صلاحیت تفسیر قرآن را دارند.

دکتر معتمدی بدر خاتمه سخنانش نتیجه‌گیری کرد که همه این رویدادها مبتنی متأثر از بستر اجتماعی هستند که بر فهم میزان و نحوه چالش‌های ایجاد شده توسط رسانه‌های اجتماعی در امر دینی اثر دارد.

### رسانه‌ها و تصویری شدن جنگ

سخنران چهارم این نشست، دکتر تقی‌زادگان به موضوع «رسانه‌ها و تصویری شدن جنگ» پرداخت و درباره تصویری شدن جنگ صحبت کرد. او سخنانش را با این مقدمه آغاز کرد که دیدن فاجعه و جنگ در حال عادی شدن است. تجربه جنگ عادی شده و همه ما جنگ‌دیده‌های جنگ نچشیده هستیم. وی در توضیح منظور خود گفت که تصاویر رسانه‌ای تعیین می‌کنند که چه چیزی را ببینیم و چگونه ببینیم و چگونه آن را قضاوت کنیم.

دکتر تقی‌زادگان در ادامه به طرح این سؤال پرداخت که با توجه به انعقاد پیمان‌های بین‌المللی صلح‌طلب و مشاهده فراوان جنگ، آیا ما صلح‌طلب هستیم؟ پاسخ خیر است. همه اسطوره‌های ما پر از تصاویر مجروح‌شدن و جنگ است. پس، جنگ قاعده زندگی بشر بوده است. ما همواره تاریخ را بر پایه جنگ روایت می‌کنیم. در نقاشی هم صحنه‌های بزرگی از رشادت‌ها و جنگ‌ها داریم. در همه تصاویر مرتبط با جنگ، امر قدسی حضور دارد. آبادانی حضور دارد و



### کنش‌گران فضاهای شهری در حال گذار

پنجمین و آخرین سخنران این نشست دکتر شاکری درباره «کنش‌گران فضاهای شهری در حال گذار» سخن گفت و شرح داد: در تحلیل فضا به‌عنوان عنصر سازنده ارتباطات شهری باید به عوامل زیر توجه کرد: مفصل‌بندی فضا، روح فضا، خاطرات مندرج در فضا، آرزوهای مجسم، توازن‌های زمانی، تداعی‌های فضا، مرزهای فضا و سازمان قدرت در فضا.

دکتر شاکری توضیح داد: شهرپژوهی روایی به نقش روایت‌ها در شکل‌دهی به درک و تجربه فضای شهری تمرکز دارد که توسط تحلیل و مطالعه داستان‌ها و روایت‌های افراد و گروه‌ها و رسانه‌ها درباره شهر انجام می‌شود. نتیجه، درک بهتر پویایی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شده است.

دکتر شاکری درباره فضای عمومی شهر توضیح داد: فضای عمومی، مکانی است که مادیت دارد و محل بحث عمومی شهروندان است و جایی است که مشکلات شناسایی می‌شوند و تضادها و منافع مشخص می‌شوند که با خوانش این فضاها می‌توان هویت اجتماعی- حقوقی و سیاسی شهر را فهمید، اما در شهرپژوهی، خوانش روایت‌های متن‌محور اهمیت دارد. روایت‌هایی که ساکنان ارائه کرده‌اند. این روایت‌ها و مستندات تاریخی موجب فهم تحولات ارتباطی شهر

می‌شود و نقش رسانه‌ها در ساخت و ترویج روایت شهرها و حافظه شهری است، لذا در این حوزه باید به تحلیل تجربیات فردی و جمعی پرداخت.

این استادیار پژوهشگاه در بخش پایانی سخنانش به فضاهای خاکستری یا گذار پرداخت و گفت: این فضاها امکان تبادل بین فضاهای خصوصی و عمومی را ایجاد می‌کند. در ساختار شهری، فضای نیمه‌باز، مانند بالکن‌ها، لابی‌ها و پاسیوها در خانه‌ها هستند که واجد یک فضای مرزی با فضای عمومی هستند و برای تعاملات اجتماعی هم کاربرد دارند. فضاهای خاکستری به‌عنوان یک فضا گذار، محل ملاقات‌های غیررسمی و اعمال مقاومت هستند که در شهرهای ما بسیار یافت می‌شوند. کارکرد اینها در ایران، ضد کارکرد در برابر گفتمان رسمی و تقویت تعاملات اجتماعی است. اینها، فضای مکث هستند. از جمله فضاهای خاکستری، کافه‌ها در شهرها هستند که در زندگی روزمره شهروندان ایجاد تنوع می‌کنند و جذابیت بصری را برای آنها افزایش می‌دهند و انعطاف‌پذیر و چندمنظوره هم هستند. کاروانسراها هم نمونه دیگری از فضاهای خاکستری هستند.

دکتر شاکری در پایان سخنانش تأکید کرد: با خوانش این فضاها می‌توان نقشه‌های روایی شهر را پیدا کرد و ماهیت فضاهای ارتباطی شهر را شناخت.

پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و ارتباطات | پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برکوز می‌کند

**جهش علوم انسانی و تمدن‌زایی**

از شترتارسانه

**گذر ارتباطی از امر واقع به امر ساخته شده**

سخنرانان:  
دکتر سیده زهرا اجاقی  
دکتر معصومه تقی زادگان  
دکتر منصور ساعی  
دکتر احمد شاکری  
دکتر بشیر معتمدی

لیکد ورید به لیسنس  
<https://webinar.i.hcs.ac.ir/rooms/1pg-wyn-a4o-jwujoin>

پنجمین نشست علمی  
هفتمین نشست علمی  
۱۴۰۳  
۲۸ و ۲۹ آذر

ساعت ۱۰ تا ۱۲  
۱۲۵۱۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
سالن آفون

## گفت‌وگویی فلسفی در باب پژوهش

دکتر کمالی‌زاده نتایج علمی و عملی این فرایند به‌نحو خلاصه شرح داد:

آسیب‌شناسی: نقاط ضعف و قوت پژوهش‌ها را مشخص می‌کند.

آینده پژوهی: بررسی انتقادی می‌تواند باب ورود به یک آینده پژوهی در حوزه مباحث فلسفه اسلامی باشد. مطالعات میان رشته‌ای و فرارشته‌ای. فلسفه به‌عنوان یک مطالعات بنیادی چقدر مورد توجه پژوهشگران سایر حوزه‌ها قرار گرفته است.

پراکندگی موضوع در میان نشریات مختلف می‌تواند نوعی ورود به مباحث میان‌رشته‌ای باشد. در حوزه فلسفه اسلامی، هنر و معماری، مطالعات اجتماعی، روان‌شناسی علوم تربیتی، مخصوصاً در حوزه تعلیم و تربیت، علوم سیاسی و اندیشه سیاسی بیشترین پراکندگی موضوعات فلسفه اسلامی بوده است.

### خودآگاهی و بدن‌آگاهی در نظریه ابن‌سینا

مرتضی جعفریان سخنران دوم این نشست، توضیحات خود را در مورد «خودآگاهی و بدن‌آگاهی در نظریه ابن‌سینا» چنین بیان کرد: خودآگاهی یا شعور انسان به خود، در رأی ابن‌سینا، به‌ویژه آن‌طور که در تجربه ذهنی انسان معلق مطرح شده، درکی بی‌میانجی، نامشروط، ابتدایی، مقوم خود، کمال اول، پیش از هر تجربه شناختی و فعالیت نیروها و توانایی‌های شناسنده است. بدین ترتیب خودآگاهی یک ویژگی ثابت یعنی دریافتی یکنواخت و تکرارناپذیر از خود است که

به‌مناسبت هفته پژوهش، نشست «گفت‌وگویی فلسفی در باب پژوهش» به همت پژوهشکده فلسفه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سوم دی‌ماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، برگزار شد.

### بررسی انتقادی پژوهش‌های فلسفی دوره معاصر

دکتر طاهره کمالی‌زاده، نخستین سخنران این نشست مباحث خود را پیرامون «بررسی انتقادی پژوهش‌های فلسفی دوره معاصر» بیان کرد و گفت: بررسی انتقادی پژوهش‌های هر حوزه‌ای می‌تواند پژوهش‌ها را روزآمد و حقیقی کند و منجر به جریان‌یافتن مباحث و مسائل و موضوعات و مانع از رکود علمی باشد. البته این نوع مطالعه، روش و الگوی مطالعاتی روشمندی را می‌طلبد. کمبود یا فقدان الگوهای علمی مناسب و بی‌توجهی به مقوله نقد درون‌گفتمانی از عوامل فقدان این نوع پژوهش‌ها در ایران است.

هدف از بررسی انتقادی روشمند از پژوهش‌های فلسفی معاصر، رسیدن به درکی صحیح از جهان فکری حاکم بر پژوهش‌های انتشار یافته در حوزه موضوعات فلسفی در ایران است و ترسیم یک تصویر بزرگ و جامع از جایگاه موضوعات و مسائل فلسفه اسلامی در پژوهش‌های دوره معاصر به‌شمار می‌رود.

از جمله روش‌های کارآمد در این نقد و بررسی جامع روش مرور نظام‌مند و فراتحلیل است که به دو صورت فراتحلیل کمی و کیفی انجام می‌شود و در واقع فراتحلیل کمی است و فراترکیب کیفی.



از خود در آن، به منزله آگاهی و شناختی بدنمند از خود است. بهای ترتیب خودآگاهی مندرج در دریافت دوم یعنی آگاهی از خود در جایگاه و نقش دریا بنده دیگری، گواه و دلیلی بر فراروی خودآگاهی ابتدایی انسان از درون بودی و بساطت اولیهای در دریافتهای آگاهانه آگاهی و یافت خود در دریافت دیگری و در نتیجه نوشوندگی و دگرگونی آن بر حسب «شناخت دیگری بماهو دیگری» است. افزون بر آن دریافت آگاهانه حسی متضمن دریافت و تصویری بدنی از خود و به بیان دیگر خودآگاهی بدنمند است. با این حال تبیین و بررسی خوانشهای متداول از نظریه انسان معلق و ارزیابی ناسازگاری یا سازگاری نظریه ابنسینا درباره شعور ابتدایی با گسترش آن در دریافت دوم در این نوشتار نمیگنجد و مجال دیگری میطلبد.

### پرسش از پژوهش در نسبت جامعه و دین

دکتر امیر صادقی، سخنران بعدی، به مبحث «پرسش از پژوهش در نسبت جامعه و دین» پرداخت و گفت: پژوهیدن روابط انسانی و ذی شعور همیشه در نسبت پژوهش درباره روابط بین اشیاء و حتی موجودات غیر انسانی و فاقد آگاهی در هر شرایطی از پیچیدگیها و دشواریهایی برخوردار است که دیگر پژوهشهای علمی کمتر با آن دست به گریبان هستند، اگر نگوئیم به طور کلی با این سنخ پیچیدگیها و دشواریها بیگانهاند، اما وقتی سخن از پژوهش در نسبت جامعه و دین به میان آید این دشواری صدچندان خواهد شد، چراکه از یکسو با جمعی از انسانها مواجه هستیم که هر کدام از آنها دنیایی پیچیده و منحصر به فرد دارند و از سوی دیگر سخن از پدیده‌های فرآیندی و در عین حال فرهنگی به میان است که با عنوان دین در تمامی تاریخ اندیشه بشر حضوری فعال و تأثیرگذار بر شکل گیری، تداوم و گاه اضمحلال جوامع داشته است. پاسخ به این پرسش که پژوهش در چنین نسبتی چگونه و از چه مسیری و با چه محتوایی می تواند سامان یابد، از این جهت که بر ارکان روابط فرهنگی و انسانی جوامع تأثیری بنیادین دارد، موضوعی است که بدون تردید می تواند بر شکل گیری مکاتب و دیدگاهها فلسفی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی تأثیر مستقیم داشته باشد.

در این مجال، نخست نگاهی کوتاه به تاریخچه نسبت پژوهش و به طور خاص پژوهشهای فلسفی با فرهنگ خواهیم داشت و سپس با توضیحی مختصر درباره فرهنگ و ربط آن با دین تلاش خواهیم کرد تا با نشان دادن جایگاه فرهنگ در ارکان جامعه به این

پیش، همراه و پس از تمامی کنشهای انسانی از جمله هرگونه دریافت و آگاهی از دیگری و خود جریان دارد و به دلیل خودبستگی ذاتی و جدایی از دریافتهای اکتسابی با دگرگونی و فزونی آنها، دگرگونی و فزونی نمی پذیرد. خودآگاهی بنیادی ابتدایی با وجود ضرورتش برای هویت و سرشت شناساگر انسان، بر حسب این خوانش، با ایده دیگر ابنسینا در مورد آگاهی و تصور بدنمند انسان از خودش ناهم ساز می نماید. این نوشتار با واکاوی مفهوم ادراک ادراک یا دریافت دریافت حسی (دریافت دوم) نشان می دهد که دریافت حسی درست و تمام به عنوان یکی از معانی یا گونه‌های دریافت دوم بنابر نگره ابنسینا، در بردارنده آگاهی از خود در جایگاه دریا بنده و به تعبیری علم به نسبت خود با چیزها و پدیده‌های عینی جسمانی در دریافت آنها و در نتیجه دریافتی بدنمند از خود در دریافت اجسام دیگر است. دریافت (صورت دریافتی) در رأی ابنسینا دو نما یا دو نسبت دارد؛ نما و نسبتی با دریافت شده و نما و نسبتی با دریا بنده. نمای نخست آن (نسبت دریافت با دریافت شده) خود پدیده عینی است که در دریافت اول در چهره پدیده عینی برای ما نمایان می شود و روی دوم آن (نسبت دریافت با دریا بنده) دریافت بودن یا یافته بودن آن پدیده عینی (روی نخست) برای ما و به تعبیری تعلق آن به ما همچون حالت یا دریافت ما از آن است که در دریافت دوم از آن هویدا می شود. بنابراین در دریافت دوم فاعل شناسا پدیده عینی را بر حسب نسبتش با خود یا پدیدایش برای او و از منظری دیگر خود را در نسبت با پدیده عینی در آن دریافت، یعنی در نقش دریا بنده آن می یابد و می شناسد.

دکتر جعفریان شرح داد: هر دریافتی نمایانگر ویژگی یا پدیده خاصی برای شخص خاصی است و دگرگونی و نوشتن آن برابر با دگرگونی و نوشتن نسبت دریا بنده با یافته‌ها و به تعبیری دگرگونی و نوشتن حالات دریا بنده در نسبت با دیگری است. به این ترتیب تجربه‌های شناختی آگاهانه مختلف (دریافتی تمام و درست چیز که همراه با دریافت دریافت آن است) از چیزهای مختلف، به شناختهای مختلف از خود بر حسب نسبتش با یافته‌ها و نحوه دریافتش می انجامد. از سوی دیگر دریافت حسی از چیزی در گرو برقراری نسبت‌های وضعی و زمانی و مکانی خاصی میان دریا بنده و آن پدیده عینی جسمانی بوده و بدین لحاظ یک کنش شناختی ابزارمند است و تنها از دریا بنده‌ای بدنمند برمی آید. پس رویداد شناخت حسی (یا هر احساس آگاهانه از پدیده‌های جسمانی)، رویداد حالت یا تعیین تازهای برای دریا بنده بدنمند است و آگاهی

برای توضیح اهمیت بعد دینی در یک نظریه جامعه‌شناختی استفاده کرد.

### مفهوم فرهنگ

در ادامه درباره ربط این تلقی از مفهوم فرهنگ با خود موضوع فهم، توضیح مختصری خواهیم داد، اما اکنون و با نظر به آنچه گفته شد، درباره «فرهنگ» به این نتیجه می‌رسیم که فرهنگ امری نیست که متعلق صدق و کذب یا باور و حتی تعریفی منطقی قرار گیرد، بلکه فرهنگ متعلق «فهم» است و از همین روی تلاش می‌کنیم تا به جای تعریف فرهنگ، مفهوم آن را موضوع بحث خود قرار دهیم.

جهان معنایی که از فرهنگ حکایت می‌کند جهانی فراگیر است و به مثابه زبانی است که بالقوه توانایی برقراری ارتباط و انسجام را در خود دارد، اجزائی مانند قوم‌شناسی، سیاست، اقتصاد، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی ارکانی از این زبان هستند که از بیرون قابل مشاهده‌اند، اما این جد و جدهای فرهنگی اگر در مقام عناصر فهم انسان از جهانش مورد پذیرش، تصدیق و پیگیری قرار نگیرند و به عبارت دیگر زبان مورد استفاده او نشود، بی‌فایده و ناکارآمد خواهد بود.

پرسش بپردازیم که چنین پژوهشی چه‌طور می‌تواند به سامان منجر شود و چگونه می‌تواند بر حیات فکری و زیستی بشر تأثیر گذار باشد؟

### تاریخچه مختصر نسبت فرهنگ و تاریخ

دکتر صادقی افزود: از همین‌روی لازم است پیش از ورود به بحث اصلی، نگاه مختصری به رابطه تاریخی تفسیر و تاریخ با فرهنگ بیندازیم. با مروری تاریخی بر این رابطه، خواهیم دید که با وجود ارتباط نزدیک تاریخ با دیگر علوم مرتبط با فرهنگ در قرن هجدهم که تا اوایل قرن بیستم هم می‌توان بقایای آن را در اندیشه‌های این دوره مشاهده کرد، در قرن نوزدهم و با گام‌های آهسته شاهد فاصله‌گرفتن نظریه‌پردازان علوم مرتبط با فرهنگ از تاریخ و دانش‌های تفسیری هستیم. این روند به‌نحوی پیش می‌رود که از اوایل قرن بیستم و بعد از آن بیشتر تحقیقات علوم فرهنگی معطوف به زمان حال و وضع موجود یک فرهنگ خاص می‌شود و به این ترتیب نگاه فلسفی، تاریخ‌مند و تفسیر از این علوم کنار گذاشته می‌شود. آنچه از این روند تاریخی مستفاد می‌شود این است که دانش تفسیر و تاریخ‌مندی روابط نزدیکی با دیگر علوم مرتبط با فرهنگ دارند و از مهمترین دلایل این نزدیکی می‌توان به سرعت گرفتن تغییرات اجتماعی و فرهنگی با شروع قرن بیستم اشاره کرد. اتفاقی که نخست از سوی اندیشمندان این حوزه تلاش شد با سیطره علوم تجربی تبیین این تغییرات را بدون نگاه به گذشته (کنار گذاشتن تاریخ‌مندی) و ربط عوامل مختلف دخیل در آن (کنار گذاشتن تفسیر)، در وضعیت موجود و با آمار و ارقام و آزمایش‌ها بر عهده معبد کنت بگذارند، اما نهایتاً ناگزیر شدند این تغییرات را در طول زمان (بازگشت به تاریخ‌مندی) مطالعه کنند و حتی برخی از آنها را به بسط تحقیق خود تا گذشته‌های بسیار دور و یافتن ارتباط علل و عوامل مرتبط با آنها (بازگشت به دانش تفسیر) وادار کرد.

چنانکه در ادامه مباحث توضیح داده خواهد شد مفهوم فرهنگ دقیقاً در طی همین روند پویا رخ می‌نماید، مفهومی که حاکی از صورت‌هایی از «زندگی» است که در درون فرهنگ تحقق یافته‌اند. در متن مکتوب این پژوهش به‌نحو مفصل نشان خواهیم داد که دین به‌عنوان یکی از ارکان «زندگی» انسان چه جایگاهی در روند پویای فرهنگ دارد و چگونه می‌توان از منظر فرهنگ که خود محل تضارب تفاوت‌ها و تکثر آراء است دین را درون فرهنگ جایابی کرد و از ظرفیت‌های فلسفی و جامعه‌شناختی این جایابی به بهترین‌وجه

**جهش علوم انسانی و تمدن‌زایی**

پژوهشکده فلسفه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند

## گفت‌وگویی فلسفی در باب پژوهش

سخنرانان:  
 دکتر مرتضی جعفریان  
 خودآگاهی و بدن آگاهی در نظریه ابن سینا  
 دکتر طاهره کمالی زاده  
 تحلیل انتقادی پژوهش‌های فلسفی معاصر  
 دکتر امیر صادقی  
 پرسش از پژوهش در نسبت جامعه و دین  
 دکتر مهدی اصفهانی  
 پرسش، پارسایی تفکر است  
 دکتر سیدمصطفی شهرابینی  
 پژوهش، امری فردی یا جمعی  
 دکتر محمدامین شاهجویی  
 در باب مطالعات میان‌رشته‌ای  
 مدیر جلسه: دکتر هادی وکیلی

لینک ورود به نشست:  
<https://webinar.ihs.ac.ir/rooms/1ks-n11-fmn-ouu/join>

دوشنبه ۳ دی‌ماه  
 ساعت ۱۵:۱۳  
 بزرگراه کرمان، خیابان ۶۴ غربی،  
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،  
 سالن اندیشه

جایگاه آن در ارکان جامعه به مثابه امری زیربنایی بود، پاسخ به این پرسش به ما کمک خواهد کرد تا از منظر فرهنگی جایگاه دین را در ربط و نسبتش با فرهنگ در جامعه بفهمیم.

### فرهنگ در حکم زیربنا

دکتر صادقی توضیح داد: ایده زیربنا بودن فرهنگ برای نظریه‌های اجتماعی در اینجا بیشتر متأثر از مباحثی است که «رابرتسون» در کتاب جهانی شدن و نظریه‌های اجتماعی طرح کرده است. او در فصل اول این کتاب بحثی تاریخی پیش می‌کشد و طی آن نشان می‌دهد قرن بیستم با قدرت گرفتن مفهوم فرهنگ در اندیشه انسان شروع می‌شود و مثال او برای زیربنا بودن فرهنگ به عنوان توانایی تبیین‌گری در اندیشه اثر شاخص ماکس وبر اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری است. رابرتسون برای کتاب وبر این شأن را قائل می‌شود که برای فرهنگ و به‌طور خاص ارزش‌های دینی به عنوان یکی از مهمترین ارکان فرهنگ قدرت تبیین‌کننده و تعیین‌بخش در نظر می‌گیرد. او در ادامه توضیح می‌دهد از سال ۱۹۲۰ و پس از مرگ وبر نگاه‌های مارکسیستی غالب می‌شود و تا سال ۱۹۶۰ منظر زیربنایی فرهنگ تقریباً به‌طور کامل از دیدگاه‌های اجتماعی حذف شده، به نحوی که برای مثال ترجمه کتاب جامعه‌شناسی دین ماکس وبر به عنوان یکی از شاخص‌های دیدگاه مورد بحث،

اگر بخواهیم درباره فرهنگ، پژوهشی فلسفی انجام دهیم، گریزی از در نظر گرفتن این نحوه مواجهه با آنکه مختصراً از آن سخن گفته شد، نداریم. به این معنا که وقتی دریافتیم دسترسی به امر بدیهی محض درباره فرهنگ و تفکیک چیزی به اسم ذات فرهنگ از موجودیت جهانی‌اش مقدور نیست و وقتی موضوع پژوهش خود را فرهنگ قرار می‌دهیم، ناچار به کنار گذاشتن معیارهای مطلق در شناخت هستیم، می‌بایست هر نوع نگرشی را که به امید قطعیت در شناخت به دنبال شاکله‌های تحویل‌گرایانه است، کنار گذاشته و عالم امکان و غنای فرهنگ را بپذیریم.

اکنون به این پرسش وارد می‌شویم که آیا هیچ پژوهشگری می‌تواند یا اساساً این امکان را دارد که نسبت فرهنگی و تاریخی که در آن زیسته را کنار گذاشته و در همین حال فهم خود از فرهنگ را هم عرضه کند؟ ورود به پاسخ این پرسش از مسیر هرمنوتیک عبور خواهد کرد که اشاره مختصری به آن خواهیم کرد. مباحث هرمنوتیک این بصیرت را در ما ایجاد کرده است که فهم دوسوی دارد و هرگاه خود را در مقام فهم یافتیم، علاوه بر توجه به موضوع و برابری ادراک خود، به نقش مدرک، جا و نسبت‌های او در ادراک هم توجه کنیم کسی که می‌خواهد فرهنگ را بشناسد، باید نسبت خود را با فرهنگی که در آن قرار گرفته و گستردگی دامنه آنچه می‌خواهد درک کند، در نظر آورد. (مصلح ۱۳۹۳: ۴۰)

با چنین مفهومی از فرهنگ می‌توان به دنبال یافتن



آکنده می‌گردد جز ظرف علم که به آمدن نور علم اتساع می‌یابد. در این بستر آنچه ما از امر نامحدود در می‌یابیم، توسعه موجودیت ماست و دقیقاً از این رو سؤال، پارسایی درخور به آستان امر نامحدود است، زیرا خود را به‌دستی کرانمند دیدن و بی‌کرانگی نامحدود را پارسایانه پاس داشتن است و مشتاقانه طالب بیکرانه بودن است.

حقیقت سؤال اما به فقر ما و غنای حق راجع است و از این رو عمیق‌ترین سؤال‌ها، سؤال ذوات ما برای هستی و حقیقت پریشی است که به اعطای استعداد منجر می‌شود.

دکتر اصفهانی توضیح داد: سؤال شاهد فقر است و از این رو شاخص جدایی خداوند از مخلوق این است که لایسئل عما یفعل و هم یسئلون. در بخش پایانی این گفتار به تدقیق در معنای سؤال‌هایی که حق پاسخ آنها را قریب می‌داند (اذا سئلک عبادی عنی فانی قریب) و سؤال‌هایی که اصلاً سؤال نیستند، بلکه کسی می‌خواهد آن را برای انسان به طلب تبدیل کند (بل سولت لکم انفسکم امرا) پرداخته شد.

### مطالعات میان‌رشته‌ای:

#### چالش معنا و امکان آن در حکمت متعالیه

محمدامین شاهجویی آخرین سخنران این نشست بود که سخنان خود را درباب «مطالعات میان‌رشته‌ای: چالش معنا و امکان آن در حکمت متعالیه» این‌گونه بیان کرد: بنیادگفتمان مسئولیت اجتماعی دانشگاه، گفتمان میان/فرارشته‌ای است (Inter/Trans/Poly Disciplinary Studies/). مسئولیت اجتماعی دانشگاهی، یعنی فراهم ساختن پشتیبان نظری و روشی از دانش‌های رشته‌های گوناگون برای پاسخ‌گویی به مسئله‌های فرارشته‌ای: پل زدن میان دیدگاه‌ها، نظریه‌ها، مفاهیم و روش‌ها برای صورت‌بندی کردن و حل مسئله‌های نوین. معرفی مفهوم فرارشته‌ای، نخستین بار توسط ادگار مورن (۱۹۲۱) (Edgar Morin) در مقاله‌ای با عنوان (Sur l'interdisciplinarité) انجام گرفت و خوشبختانه سالیانی است که در محافل دانشگاهی ما نیز اهمیت، ضرورت و دستاوردهای آن به‌تدریج شناخته شده است (نمونه: انتشار «فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی»). موضوع سخنرانی بنده، معنا و امکان چنین مطالعاتی در حکمت متعالیه صدرایی با توجه به مبانی حکمت مزبور، ازجمله نسبتی است که حکمت متعالیه، میان خود و علم کلام، حکمت (اعم از مشائی و اشراقی)، عرفان و دانش مربوط به قرآن و حدیث به‌ویژه با صبغه شیعی برقرار می‌کند.

تا این زمان به زبان انگلیسی انجام نمی‌شود و آثار پرتعداد او عموماً به صحن دانشگاه راه پیدا نمی‌کنند. بعد از این وقفه مارکسیستی مجدداً بحث فرهنگ و اهمیت مبنایی آن در نظریه‌های اجتماعی به جوامع دانشگاهی بازمی‌گردد، این بازگشت صرفاً مربوط به توجه به زمینه‌های تاریخی آن‌طور که وبر بر آن تأکید داشت نبود و به‌تدریج با باز شدن مباحث فرهنگی قاطعیتی که می‌رفت حاکمیتی بلامنازع در علوم نظیر اقتصاد، سیاست، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به‌دست آورد با چالشی جدی تحت عنوان فرهنگ مواجه شد. نکته جالب توجهی که در اینجا می‌تواند به‌عنوان حسن ختام برای روشن‌تر شدن وضعیت فرهنگ و نسبت آن با دین به ما کمک کند، رجوع به این واقعیت تاریخی است که دین از زمان تفسیر صاعقه به سخن گفتن امر ماورائی (خدا) با انسان تا به امروز آغشتگی مبنایی با فرهنگ داشته است و این دو سرنوشت به‌هم پیوسته‌ای را در سیر تاریخی خود داشته‌اند. چه آنجاکه فرهنگ از جایگاهی اسطوره‌ای و حیاتی برخوردار بود و چه آنجاکه فرهنگ به‌مثابه روئایی از برخی قوانین قطعی لحاظ شده بود، در هر صورت به‌هم پیوستگی این دو در تاریخ آشکار است.

### وظیفه علوم مرتبط با فرهنگ

دکتر صادقی در ادامه بحث خود یادآور شد: پژوهش در علوم مرتبط با فرهنگ با لحاظ نسبتی که بین جامعه و دین وجود دارد، دست‌کم می‌تواند به سه پرسش زیر پاسخ دهد:

تبیین کنش‌های انسانی

تبیین انسان فرهنگی در مقابل انسان طبیعی

تبیین نسبت فرهنگ با تاریخ و سنت

### پرسش پارسایی تفکر است، تأملی در حقیقت پرسش

دکتر مهدی اصفهانی چهارمین سخنران این نشست، مباحث خود را پیرامون «پرسش پارسایی تفکر است، تأملی در حقیقت پرسش» این‌چنین آغاز کرد و گفت: بی‌شک به‌رسمیت شناختن پرسشی که سامان اندیشه را به‌چالش می‌کشد پارسایی است. اما این گفتار تنها به این معنا اکتفا نکرده است و در گام بعد به جهت دیگری از پیوند عمیق پرسش و پارسایی می‌پردازد. حقیقت انسان دیدار است. چنانکه از معنای این کلمه یعنی مردمک چشم نیز همین معنی استفاده می‌شود و در قیامت نیز انسان به وجه و نظر مورد اشاره قرار گرفته شده است (وجوه یومئذ ناظره). در نهج‌البلاغه آمده است که هر ظرفی از آنچه در آن نهاده می‌شود،

صدرالمآلهین شیرازی، معروف به ملاصدرا در اثر مشهور خود «اسفار اربعه» معتقد است که با پی‌ریزی بنیان حکمت متعالیه، فلسفه را کمال بخشیده و حکمت را متمیم کرده است. پاره‌ای از شارحان حکمت متعالیه را در توضیح مبانی حکمت مزبور و ایضاح حکیم متأله، تعابیری است که تأثیر پذیرش آنها بر معنا و امکان پژوهش‌های میان‌رشته‌ای پس از ظهور حکمت متعالیه، موضوع تحقیق و بررسی سخنران در این سخنرانی واقع شده است؛ تعابیری مانند «حکیم متأله همان مؤمن حقیقی است، چه اینکه مؤمن واقعی، حکیم متأله است» و «حکمت متعالیه به منزله حقیقت بسیطه‌ای است که در اثر بساطت خود، همه کمال‌های علوم یادشده را به نحو احسن داراست و حکیم متأله، انسان کاملی است که در پرتو اطلاق وجودی خویش، واجد همه کمال‌های عرفا، حکما، متکلمان و محدثان خواهد بود»، که گمان می‌رود معنا و امکان مطالعات میان‌رشته‌ای را بین حکمت متعالیه و علوم‌ی که ادعا می‌شود حکمت مزبور در نتیجه اطلاق و بساطت خود، بهتر از خود آن علوم، شامل کمال آنهاست، با پرسش و چالش مواجه می‌سازد، اگر نگوییم ناممکن می‌کند.

اشاره اجمالی به پیشینه تاریخی حکمت متعالیه با بازگشت ویژه به مقطع تأسیس فلسفه اسلامی با ابونصر فارابی در اینجا سودمند خواهد بود. از میان آثار وی، کتاب «الجمع بین رأیی الحکیمین» کاشف از دغدغه خاطر وی نسبت به ایجاد تقارب میان دیدگاه‌های دو فیلسوف بزرگ یونانی در صدر تاریخ فلسفه یونان است که هر یک بر پهنه گسترده تاریخ اندیشه به گونه‌ای شگرف اثرگذار بوده‌اند؛ دغدغه‌ای که در مرحله بعد، با همسو کردن میان آراء همگرا شده آن دو فیلسوف با نگرش دینی، همسوئی فلسفه و دین را مآلاً برای نیل به حقیقت، به مثابه امری ذاتاً واحد، دنبال می‌کرده است تا کثرت ابتدایی بالمآل به وحدت بازگردد و تحیر ناشی از تخالف آراء فیلسوفان با یکدیگر و تنافر آن با دین در جان کاوشگران حقیقت مرتفع و با نوعی طمأنینه جایگزین شود. دغدغه مزبور با ادامه مسیر نزدیک‌سازی طرق گوناگون تحصیل معرفت (عقل، قلب و وحی) در ابوعلی حسین بن عبدالله ابن‌سینا، شهاب‌الدین یحیی سهروردی و محیی‌الدین ابن‌عربی با حفظ تفاوت‌های خرد و کلان موجود میان این صاحبان مکتب عمده تداوم می‌یابد و از جمله در این همانی برقرار شده میان عقل مُفَیض صُور علمی در نظریه اشراق حکمای اسلامی با مَلْکِ وحی (فرشته جبرائیل) در واژگان دینی، جلوه بارزی می‌یابد و تمامیت آن در حکمت متعالیه صدرالدین محمد شیرازی به منصفه ظهور می‌رسد و در شارحان حکمت یادشده بسط می‌یابد.



## مسائل روان‌شناختی در حوزه مطالعات خانواده

این چالش‌ها معمولاً به‌شکل تعارضات درونی و بیرونی برای نوجوانان بروز پیدا می‌کند. محققان مخالفت و تعارض نوجوانان با والدین را مهم‌ترین مصداق دست‌یابی به استقلال، خودمختاری و فردیت نوجوانان می‌دانند. تعارض بین والدین و نوجوان اصولاً به‌معنای عدم توافق و اختلاف نظر روی مسائلی مثل میزان استقلال، حریم شخصی، آزادی عمل، سبک زندگی، انجام مسئولیت‌های تحصیلی است که معمولاً با ناسازگاری همراه می‌شود.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه ادامه داد: در دوران نوجوانی، با وجود عدم امکان جدایی فیزیکی در اغلب نوجوانان، مسائل مربوط به استقلال عاطفی و شناختی از والدین برجسته می‌شود. نوجوانان اولین گام‌های درک «خود متمایز» خویش را با طغیان علیه باورها و دیدگاه‌های والدین برمی‌دارند. البته این طغیان در بسیاری موارد مطرح نمی‌شود و به‌شکل به‌هم ریختگی درونی، تشویش در نظام فکری و تردید در تصمیم‌گیری بروز می‌کند، اما آشکال آشکار آن معمولاً با جدل و تعارض در خانواده ظاهر می‌شود. این تعارضات صرفاً وجه منفی ندارند. کارکرد مثبت تعارضات نوجوانان با والدین یا همسالان نیز شامل تلاش برای مصالحه و حل اختلاف، و تمرین مهارت‌های حل مسئله و انعطاف‌پذیری در روابط میان‌فردی است. تعارض به ما امکان می‌دهد نظرات مخالف خود را به اشتراک بگذاریم و دانش و استدلال خود را برای حمایت از دیدگاه خویش به دیگران ارائه دهیم. ما باهم می‌توانیم این دانش و استدلال‌ها را بررسی و به‌طور بالقوه درک جدیدی از هر موضوع ایجاد کنیم. تحقیقات نشان می‌دهند رفتارهای تعارضی و محبت‌آمیز همواره بین والد-نوجوان به‌طور موازی پیش می‌رود و نوجوانان با وجود تلاش مجددانه برای استقلال، به‌دلیل اشتراک در طیف گسترده‌ای از ارزش‌های اصلی و مبادله مقدار قابل توجهی از محبت متقابل و احساسات مثبت، بازهم نوجوانان در تمام طول عمر خویش از پیوندهای صمیمانه و حمایتی با خانواده استقبال می‌کنند. حال سؤال این است که چنین رفتار و بینش حمایت‌گرانه‌ای از سوی والدین، چرا به جدل کشیده می‌شود؟

به‌مناسبت هفته پژوهش، هفتمین نشست علمی گروه پژوهشی مطالعات زنان و خانواده پژوهشگاه علوم اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با محور «مسائل روان‌شناختی در حوزه مطالعات خانواده» دوم دی‌ماه، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌دو صورت حضوری و مجازی برگزار شد. سخنرانان این نشست، دکتر مهنوش هدایتی و دکتر سیدنورالدین محمودی بودند و دبیری علمی نشست نیز بر عهده دکتر بهاره نصیری (هر سه از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) بود.

### حوزه تعارض والد و نوجوان



سخنران آغازین نشست دکتر مهنوش هدایتی بحث خود را با عنوان «حوزه تعارض والد و نوجوان» ارائه کرد و در راستای این بحث که یکی از مؤثرترین عوامل سلامت روان نوجوانان و وضعیت تعاملی والد-فرزند در خانواده است، شرح داد: این تعامل در نخستین و البته مهم‌ترین شکل از تعامل اجتماعی، بستری را فراهم می‌سازد که در آن نیازهای اساسی انسان از جمله نیاز به عشق، امنیت و صمیمیت اغناء می‌شود. علاوه‌بر این، تعامل والد-فرزند، نخستین و تأثیرگذارترین الگوی تعاملی است که بعدها انسان با خود به روابط اجتماعی گسترده تسری می‌دهد. این ارتباط به‌طور خاص در دوران نوجوانی با چالش‌هایی همراه است که در دوران قبل و بعد از آن کمتر مشاهده می‌شود.



## مشاوره فلسفی و زندگی معنادار در حوزه والدگری



سخنران دوم نشست، دکتر محمودی سخنانش را با موضوع «مشاوره فلسفی و زندگی معنادار در حوزه والدگری» ارائه کرد. دکتر محمودی با نگاه بر این مسئله که تمرکز بر معنای زندگی و فلسفه آن یکی از پیشایندهای روان‌شناختی است و نگرانی در مورد آن یکی از ویژگی‌های بشر متفکر است، گفت: هنگامی که بشر نتواند معنایی برای زندگی خویش بیابد دچار بحران وجودی می‌شود و این فرایند از نوجوانی به بعد که فرایند استقلال از والدین آغاز می‌شود، پررنگ‌تر می‌شود. خانواده و والدین اولین منبع منابع منبختی به زندگی نوجوانان هستند. در این میان مشاوره فلسفی واکنشی به سرگردانی انسان معاصر و شیوه زندگی وی در نتیجه سیاست‌زدگی و سلطه فناوری بر ابعاد زندگی وی است. این سرگردانی دارای مبنایی معرفتی است که خود را به سه شکل کاهش آگاهی انسان از خود، کاهش آگاهی از نیروهای ذهنی و معنوی و کاهش اراده و اختیار انسان در مقابل علم به واسطه نسبی‌گرایی نشان می‌دهد. گفت‌وگوی فلسفی و درمان مبتنی بر منطق وسیله برخورد با پیش‌فرضهای پنهان ما هست که زندگی را برایمان سخت و بی‌معنا کرده است. زیرا ما نمی‌توانیم بسیاری از مواقع را در زندگی کشف کنیم که چه چیزی می‌خواهیم و هدف ما چیست.

پاسخ را باید در تفاوت میان ساختار شناختی این دو گروه (نوجوانان و بزرگسالان) جست‌وجو کرد. به جرات می‌توان ادعا کرد که مهمترین عامل تعارض والدین و نوجوانان، جدل بر روی مسئله استقلال است. میل به خودمختاری در نوجوان از یک‌سو و تمایل اولیای تربیتی به حفظ اقتدار از سوی دیگر، در بسیاری از اوقات منجر به رفتارهای مبارزه‌جویانه با منابع قدرت در خانه و مدرسه یا حتی اجتماع می‌شود. به نظر می‌رسد اغلب نوجوانان از قوانین و مقررات بزرگسالان بیزار هستند (حتی اگر این احساس را ابراز نکنند)، اما این احساس بیش از آنکه به دلیل بی‌ارزشی قوانین و ارزش‌های بزرگترها باشد، حاصل یک نیروی طبیعی درونی در جهت اغناء احساس تمایز خویشتن و تعلق به نسل جدید است. درک ماهیت طبیعی این نیروی درونی کمک می‌کند که آن را از دریچه سالم‌تری ببینیم.

دکتر هدایتی افزود: نوجوانان نیاز دارند در کنار شناسایی علایق و عواطف شخصی، هنجارها را شناسایی کنند، قدرت همدلی را در خود پرورش دهند، و به‌طور کلی برای ساخت جهانی بهتر و ترویج خیر عمومی اهتمام به خرج دهند. در تفکر مراقبتی، ابعاد عاطفی تفکر در ارتباط کامل با فرایندهای شناختی قرار می‌گیرند، به طوری که کودکان و نوجوانان حیرت، کنجکاوی، لذت توافق یا ناامیدی ناشی از عدم توافق، سردرگمی، ابهام، تنازع و دلسردی را تجربه می‌کنند و می‌آموزند که در زندگی روزمره چگونه بر هیجانات، ناامیدی و خجالت خود مسلط شوند. یکی از ویژگی‌های شاخص این مهارت فکری مدیریت و تنظیم هیجانات است. در چنین فضایی نوجوانان یاد می‌گیرند از احساسات و هیجانات خود به‌عنوان یک راهنما برای اندیشه بیشتر، برای گوش سپردن فعال به یکدیگر و برای به اشتراک گذاری چشم‌اندازها بهره بگیرند. شاید آموزش تک‌تک والدین برای برقراری یک ارتباط مراقبتی با تمام مولفه‌هایش، آرمانی دست‌نیافتنی باشد، اما پرورش این مهارت در نهاد جامع و فراگیر مدرسه، معقول و ممکن به نظر می‌رسد. کودکان و نوجوانانی که این مهارت فکری را در حلقه‌های کلاس و کلاس مکرراً تمرین می‌کنند، به مرور آن را در اندیشه و رفتار خود جاری می‌سازند و ما را نسبت به جامعه‌ای از افرادی که ارزش‌ها و اخلاقیات را به واقع زندگی می‌کنند، و حتی نسلی از والدینی آینده که مسئولانه فرزندان خود را برای برقراری صلح و خیر جمعی پرورش می‌دهند، امیدوار می‌سازد.

**جهش علوم انسانی و تمدن زاینی**

از علم‌آشتی‌های گروه پژوهشی سلامت‌زنان خانواده

**مسائل روانشناختی در حوزه مطالعات خانواده**

دکتر مهرونوش هدایتی  
استادیار پژوهشگاه اخلاق و تربیت  
حوزه تعارض والد و نوجوان

دکتر امید نورالدین محمودی  
استادیار پژوهشگاه اخلاق و تربیت  
مشاره فلسفی و زندگی معنادر حوزه والدگری

دکتر بهاره تمیزی  
دانشیار پژوهشگاه علوم اجتماعی

پنجمه ۲۵ آذرماه  
ساعت ۱۰:۰۰  
لینک ورود به نشست  
<https://webinar.ihcs.ac.ir/rooms/Big-6ay-vds-m9f/Join>

مشاور فلسفی با تکنیک‌های روان‌شناختی و فلسفی وارد دنیای ما می‌شود و با تجربه کردن دنیای ما و شناخت و آگاهی نسبت به تنش‌هایی که نمی‌توانیم به زبان بیاوریم، کمک می‌کند موقعیت و جایگاه خود را بازبیینیم و سعی می‌کند آن‌چیزی که از دیدگان ما پنهان شده است را به تصویر بکشد تا درک درستی از ارتباطات و پیرامون خود داشته باشیم. مشاور فلسفی در دنیای ما و همراه ما قدم می‌زند و مسائل پنهان در ذهن ما را روشن و واضح می‌سازد و درک ما را از چیزهای نامشخص زندگی (که باعث وحشت و دلهره ما شده است) ارتقاء می‌دهد و معنا را به زندگی برمی‌گرداند.

دکتر محمودی در پایان سخنانش یادآور شد: ما مسیر خود را در زندگی، نقشه زندگی خود و حس هویت خود را از طریق پروژه‌ها، انتخاب‌ها و رفتارهای خود می‌سازیم. هر یک از ما باید دلیل خود را در زندگی پیدا کنیم که ما را به زندگی، پیشروی و تلاش برای تبدیل شدن به کسی که می‌خواهیم باشیم، تحریک کند. این به هر یک از ما بستگی دارد که باورها و ارزش‌های تحویل شده به ما را بررسی و مشخص کنیم کدام‌ها را خواهیم پذیرفت، اصلاح شده یا شاید حتی رد خواهیم کرد. معمولاً بیشتر از یک‌بار این فرآیند را پشت‌سر می‌گذاریم. هر یک از ما وظیفه داریم زندگی‌ای بسازیم که منعکس‌کننده حس خودمان، آرزوهایمان و حس صداقت‌مان باشد تا بتوانیم احساس رضایت کنیم.



## سخنرانی‌های پژوهشگرانه دانشنامه‌نگاری به مناسبت هفته پژوهش

### دکتر محسن بهلولی فسخودی

#### تعلیم و تربیت رهایی‌بخش

استعمار بیش و پیش از هر چیزی امری ذهنی است. استعمار فرهنگی و تربیتی آثاری بسیار دیرپا و مخرب‌تر از انواع استعمار سیاسی و اقتصادی به همراه دارد. نظام تعلیم و تربیت در کشورهای استعماری وارث نگاه برتری‌جویانه غرب بر اندیشه‌های بومی و محلی است این امر از طراحی برنامه درسی تا نظام تربیتی معلم و بی‌توجهی به دانش‌های غیرکمی نمایان می‌شود. تعلیم و تربیت رهایی‌بخش به دنبال نگرش انتقادی به مبانی معرفت‌شناختی و فلسفی دیدگاه استعماری در تعلیم و تربیت با هدف رهایی‌بخش ذهن و اندیشه انسان‌ها از بند انگارهای غربی است.

به مناسبت هفته پژوهش پژوهشگرانه دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوم دی‌ماه، سخنرانی‌هایی را با عنوان‌های مختلف برگزار کرد که در ادامه چکیده‌ای از سخنان ارائه‌شده از نظرتان می‌گذرد:

### دکتر محمدعلی سلمانی ندوشن

#### پرچین‌گویی‌ها در نگارش مقالات علمی

در نگارش مقالات علمی ظرافت‌های فراوانی وجود دارد و در هر قسمت از بخش‌های مختلف یک مقاله، ضروری است نویسنده از این ظرافت‌ها استفاده کند. یکی از ظرافت‌ها، استفاده صحیح از ادوات فراگفتمانی است و به‌طور خاص به‌کارگیری دقیق پرچین‌گویی‌ها. در این گفتار، چارچوب مفهومی پروفیسور هایلند درخصوص به‌کارگیری پرچین‌گویی‌ها در نگارش قسمت «بحث نتایج» در مقالات علمی به بحث گذاشته شد.



### دکتر گل اندام شریفی

#### نقش دانشنامه در تحقیقات علوم پایه (نمونه موردی)

دانشنامه جامع ویروس‌های گیاهی و قارچی دانشنامه یا دایره‌المعارف به دو گروه دانشنامه‌های عمومی و تخصصی تقسیم می‌شوند. عموم مردم در مواجهه با یک واژه ناآشنا و جدید برای کسب اطلاعات به دایره‌المعارف‌های عمومی مراجعه می‌کنند، لیکن، دانشنامه‌های تخصصی مخاطبان خاص خود را دارد و امکان استفاده از این‌گونه دانشنامه‌ها به جهت ویژگی‌های خاص این نوع مراجع برای همه گروه‌های مخاطب مقدور نیست. در این سخنرانی به نقش و ویژگی‌های دانشنامه‌های تخصصی در رشته‌های غیر از علوم انسانی و به‌طور خاص علوم پایه اشاره شد. یک نمونه از این دسته منابع، کتابی است در یکی از حوزه‌های تخصصی زیست‌شناسی و کشاورزی که ترجمه سخنران و حاصل یکی از طرح‌های موظفی وی است.

### دکتر اصغر اسمعیلی

#### تحلیل موضوعی دانشنامه‌های فارسی تا دهه ۱۳۹۰ ش.

این سخنرانی بر مبنای بررسی پیکره‌ای بالغ بر ۳۰۰ دانشنامه به زبان فارسی بود که ابتدا درباره کلان‌موضوعات آنها بحث شد؛ آن‌گاه ذیل هر موضوع، ساختار دانشنامه‌گی آثار، چگونگی چینش مدخل‌ها، ترجمه و تألیف و موضوعات فرعی دانشنامه‌ها بحث می‌شود تا خلأها و نیازهای موضوعی دانشنامه‌نویسی شناسایی شوند.

### دکتر مریم کامیار کارکرد هنر در محیط انسانی (خُلق مثبت و خُلق منفی)

بررسی تأثیر متقابل هنر بر انسان براساس سه محور اصلی؛  
- کارایی و فرایند شکل‌گیری هیجان Arousal و ارزش منفی یا مثبت هیجان.  
- تفکیک عکس‌العمل مخاطب به ذاتی و سرشتی بودن درک زیبایی و یا آموزشی بودن درک زیبایی و یا آموزشی بودن آن.  
- دریافت تعریف هنر و تبدیل جنبه‌های هنر به مفهومی عینی.  
این مفاهیم در سه گانۀ «هنرمند»، «اثر هنری» و «مخاطب»، دریافت می‌شوند و مورد بررسی قرار خواهند گرفت.



### دکتر افسانه زارعی دهباغی

### نگاهی فلسفی تربیتی به مفهوم عشق برگرفته از دیدگاه‌های هستی‌شناسانه

برای همه ما انسان‌ها دست‌کم یک‌بار این سؤال پیش آمده که به‌راستی عشق چیست؟ آیا می‌توان فهم خود از عشق را با زبانی ساده برای همگان توصیف کرد؟ با وجود دیدگاه‌های بسیار در این باره، ما عشق را به‌خوبی نمی‌شناسیم و دانشی که در این راه، به ما کمک می‌کند، بیشتر بر اساس تجربیات ما در زندگی بوده است. امروز تردید میان معلمان و متخصصان تعلیم و تربیت هم درباره گرایش به این موضوع وجود دارد؛ که آیا می‌توانیم در عرصه تربیت، با این مفهوم زندگی بهتری را تجربه کنیم یا به تصویر بکشیم؟ اگر تربیت فرایندی برای کمک به انسان‌ها است تا منحصربه‌فرد بودن خود را دریابند؛ در این راه اندیشه‌های هستی‌گرایانه با تأکید بر اصالت وجودی آدمی، شاید راه‌گشا باشد. در این مجال نگاهی تطبیقی به مفهوم عشق از دیدگاه دو فیلسوف اگزیستانسیالیست (هستی‌گرا) سارتر و یاسپرس و اندیشه‌های این دو را با نگاهی تربیتی واکاوی شد.

### دکتر مهلا آرین‌پور

### موانع و دشواری‌ها در تدوین دانشنامه زبان‌شناسی: تحلیل ساختاری و محتوایی

در این سخنرانی به بحث درباره مبحث ارزیابی دانشنامه‌ها و با یک رویکرد ویژه به دانشنامه‌های زبان‌شناسی انتشار یافته در دو دهه اخیر پرداخت. تردیدی نیست که ارزیابی دانشنامه‌ها یک ضرورت برای بهبود اثربخشی آنها در بدنه علمی دنیا و رفع کاستی‌های آنهاست. این نخستین گام در تدوین ابزار سنجش جامعی برای ارزیابی دانشنامه‌ها به‌شمار می‌رود. بنابراین ضروری است در این حوزه ابزارهایی جامع تدوین و طراحی شوند تا از یک‌سو جامعیت آنها تعیین شده و از سوی دیگر موانع و دشواری‌ها مشخص شوند. در این جستار دانشنامه‌های مذکور از منظر محتوایی و ساختاری مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.



## توسعه صنعتی در قرن اخیر تاریخ معاصر ایران

اقتصادی کنترل دولت بر اقتصاد از عوامل افول سرمایه‌گذاری صنعتی در این مقطع بود. از سویی رویکرد قانون اساسی به صنعت و بخش خصوصی سقوط جایگاه بورژوازی صنعتی در مناسبات نیروها ساخت دولت ایدئولوژیک در جامعه توده‌وار مصادره‌ها و تزلزل در حقوق مالکیت خصوصی و عدم امنیت در فعالیت‌های صنعتی ایدئولوژی چپ‌گرای ضدسرمایه، صنعتی ریسک (خطر) بالای سرمایه‌گذاری تسلط دولت بر اقتصاد، سیاست‌های متمرکز و درون‌گرای اقتصادی و روی کارآمدن سیاستمداران و مدیران کم تجربه را به دنبال داشت. پیامدهای اقتصادی و صنعتی مانند اشغال سفارت و انزوای بین‌المللی جنگ ایران و عراق، سقوط تولید ناخالص داخلی و سرانه، تولید رکود و کاهش فعالیت‌های مولد فرار نخبگان و سرمایه‌ها، کاهش قیمت و نفت خرابی‌های ناشی از جنگ، نرخ بالای بیکاری یا شاغلان، غیر مولد افزایش کسری بودجه تراز تجاری منفی، سرازیری پناهندگان افغانستانی و عراقی این دو دسته از عوامل ارتباط متقابل با یکدیگر در یک بستر تاریخی، فضایی را پدید آوردند که به انزوای بخش خصوصی، توقف فعالیت‌های صنعتی گسترده و افول شاخص‌های رشد و موقعیت صنعت در کشور منجر شد.

ششمین نشست تاریخ اقتصادی، به مناسبت هفته پژوهش با عنوان «توسعه صنعتی در قرن اخیر تاریخ معاصر ایران» دوم دی‌ماه، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این نشست دکتر قاسم خرمی با عنوان «افول صنعت در دهه ۶۰» و دکتر پوریا اسماعیلی (به صورت برخط) با عنوان «تاریخ‌نگاری انگلیسی-مارکسیستی» سخنرانی کردند. مدیریت جلسه نیز بر عهده دکتر علی سالاری شادی بود.

### افول صنعت در دهه ۶۰

دکتر خرمی در مورد افول صنعت در دهه ۶۰ با اشاره به ویژگی‌های این دهه؛ پایان درگیری‌های داخلی و تثبیت قدرت، آغاز و پایان جنگ ۸ ساله ایران و عراق، جابه‌جایی در طبقات بالای اقتصادی کشور و شکل‌گیری نهادهای جدید و تکوین یافته در فرایند تاریخی بعد از انقلاب اسلامی و رویدادهای تصادفی در بزرگراه‌های تاریخی را از مشخصه‌های این دهه برشمرد و یادآور شد: شکل‌گیری ایدئولوژی ضدسرمایه‌داری صنعتی و تجلی آن در قانون اساسی و سیاست‌گذاری‌ها مصادره‌سازی‌ها و سقوط بورژوازی صنعتی نوپای ایرانی همراه با قدرت‌یابی بورژوازی تجاری سنتی به‌عنوان بدیل بورژوازی صنعتی مدرن و شکل‌گیری دولت ایدئولوژیک و توده‌وار و بی‌اعتنا به بخش خصوصی و تشکل‌های



## مصادرها و القاء مالکیت خصوصی صنعت گران و شکل گیری نهاد مصادره‌ها

دکتر خرمی در ادامه بحث خود توضیح داد: طی ماه‌های نخست پس از انقلاب حدود ۶۰ مصوبه از سوی شورای انقلاب صادر شد که ماهیت آن متوجه تضعیف بخش خصوصی و تقویت بخش دولتی بود و نهایتاً در تیرماه ۱۳۵۸، حکومت موقت حفاظت از صنایع را به شورای انقلاب ارائه داد و تصویب شد. از محل همین مصادره‌سازی‌ها و دولتی‌سازی‌ها، سهم دولت از سرمایه و مالکیت صنعتی از ۳۹,۵ درصد به ۷۰,۷ درصد افزایش یافت در حالی که سهم بخش خصوص از ۴۴,۶ درصد به ۱۳,۴ سقوط کرد و قلمرو تعاونی و صنایع دستی همچنان در ۱۴ درصد ثابت ماند. چرخش در مناسبات نیروها و تغییر ماهیت اقتصاد سیاسی ایران از سال ۶۳ با خروج گروه‌های معارض زمینه را برای شکل‌گیری منازعه و جناح‌بندی جدیدی در بین نیروهای داخل بلوک قدرت پیرامون مالکیت خصوصی و حدود دخالت دولت در اقتصاد شکل داد. دکتر خرمی افزود: در نتیجه عواملی که بدان اشاره شد، نهادها و مناسبات اقتصاد سیاسی که پس از انقلاب اسلامی استقرار یافتند، سخت متأثر از سود ضد سرمایه‌داری بودند در شرایطی که انقلابیون نسبتاً محافظه‌کار از منظر آراء سنتی از مالکیت خصوصی و نه سرمایه‌داری دفاع می‌کردند اما دست‌بالا را حاملان ایدئولوژی رادیکال داشتند که سوار بر جو عمومی زمانه در فرایند غیرت‌سازی ایدئولوژیکی صنایع جدید و صاحبان صنایع را جزئی از متعلقات رژیم پیشین و از شمار «طاغوت و ابستگان» به دربار و یادی «امپریالیسم» می‌دانستند که با مونتاز» و واردات صنایع خارجی‌ها ایران را تبدیل به انبار کالاهای «خارجی کرده‌اند و به‌عنوان سرمایه‌داران زالوصفت» خون خلق مستضعف را مکیده‌اند (دفاع خسرو گل سرخی)

این رویکرد چپ‌گرایانه بی‌آنکه پشتوانه نظری محکمی در تحلیل اقتصادی و توسعه داشته باشد، به واسطه موقعیت برتر در بزنگاه شکل‌گیری نهادهای پسا انقلابی توانست در قانون اساسی و دیگر قوانین مهم و نهادهای رسمی تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، عینیت یافته و خود را به‌عنوان فرایندی بازتولیدشونده نهادینه کند. غلبه و نهادینه‌شدن این رویکرد ایدئولوژیک در کنار ایجاد تزلزل اساسی در بنیان مالکیت خصوصی به‌ویژه تحت تأثیر موج‌های مصادره اموال و کارخانه‌های صاحبان صنایع و دیگر شهروندان، سقوط بورژوازی صنعتی نوپای کشور به‌همراه تحقیر و تخفیف صاحبان صنایع جدید و غلبه بورژوازی تجاری در مناسبات اقتصادی

## نقش روشنفکران و آراء برخی اندیشمندان

دکتر خرمی در ادامه سخنانش درباره «نقش روشنفکران و آراء برخی اندیشمندان» یادآور شد: آراء جریان اندیشمندان حاکم بعد از انقلاب اسلامی مانند آیت‌الله محمد بهشتی، رئیس وقت دیوان عالی کشور در شهریورماه ۱۳۵۸ مبنی بر اینکه «صنایع مادر و بازرگانی خارجی باید دولتی باشند یا آیت‌الله مرتضی مطهری از نظریه‌پردازان اصلی مبنی بر (انقلاب مالکیت صنعتی دارای محدودیت‌هایی است و مالکان مجاز به انجام هر کاری با ثروت و سرمایه خود نخواهند بود و ابوالحسن بنی‌صدر واضع نظریه اقتصاد توحیدی که بورژوازی و صنایع جدید را عامل وابستگی بیشتر ایران به غرب می‌دانست) (خاطره اکبر لاجوردیان) و روشنفکرانی مانند جلال آل‌احمد که بحث مصرف‌زدگی و ضدیت ماشینی شدن زندگی را طرح کرد یا بوم‌گرایایی مانند شایگان و سنت گراهایی مثل سیدحسین نصر بر رد نظریه سرمایه‌داری صنعتی تأکید داشتند. از دیگر عوامل، تقاضای توده‌ها و کارگران برای برخورد یا کارخانه‌داران در شکل‌های زیر قابل توجه است: در جامعه توده وار، نخبگان تحت تأثیر توده‌ها قرار می‌گیرند. تأکید بر انتقام‌گیری و تاراج و باج‌گیری از یکدیگر و تاراج اموال اقلیت‌های دینی (خاطرات احمد توکلی فرمانده انقلابیون بهشهر). نافرمانی کمیته‌های انقلاب از رهبران انقلاب (خاطرات عزت‌شاهی فرمانده کمیته بهارستان) که گسترش دامنه نافرمانی به کارخانه‌ها و تعطیل‌سازی، اعتصابات و گروگان‌گیری مالکان کارخانه‌ها باب شد.

در خاطرات علی‌اصغر حاجی‌بابا از پیشگامان صنعت ریخته‌گری ایران و مدیر کارخانه شوفاژ کار در مورد آن شرایط می‌گوید: «یک روز دیدم حدود ۵۰۰ کارگر با کنترل کارخانه و شعار مرگ بر سرمایه‌دار با من درگیر شدند و سرم را شکستند. آنها قصد داشتند من را داخل کوره ذوب بیندازند و حتی مهدی بهار، مدیر کارخانه زاگرس را داخل بشکه قرار داده و در محوطه کارخانه غلطانده بودند!».



سخنران چنین می‌نمود که وی همانند مارکسیست‌ها با دیدگاهی کل‌گرایانه مرحله تکامل و سیر خطی در اندیشه «مارکس» را در هر نقطه جهان از جمله ایران صادق دانسته و بدین‌صورت آن را تعمیم داده است، اما «لمبتون» با آگاهی از وضعیت اقتصادی و اجتماعی ایران این اصطلاح را به‌کار نبرده است.

دکتر اسماعیلی افزود: «لمبتون» با تکیه بر سنت تاریخ‌نگاری انگلیسی و نیز بینش شرق‌شناسی و با بهره‌گیری از منابع متعدد تاریخی و جغرافیایی و در نهایت با شناختی که از فرهنگ و تمدن ایران داشت، آثار خویش را نگاشت و نظام زمین‌داری این خطه کهن را بررسی کرد، اما «پیگولوسکایا» با پیروی از مورخان شوروی همان زیربنای اقتصادی و اندیشه مارکسیستی را در نظام کشاورزی ایران مدنظر قرار داده است تا بدین طریق تاریخ این سرزمین را به‌سمت افکار کمونیستی در قالب اتحاد جماهیر شوروی (سابق) سوق دهد و با این اقدام علمی و فرهنگی در زمان جنگ سرد بتواند نقشی در سنت تاریخ‌نویسی بلوک شرق ایفاء کند.

به‌عنوان نیروی سنتی حامی انقلاب و استقرار دولت ایدئولوژیک کم‌اعتنا به نهادهای بخش خصوصی و باورمند به اقتصاد دولتی آرایش نهادی جدید در کشور پدید آورد.

### ویژگی‌های اساسی بزنگاه

شکل‌گیری نهادهای جدید پس از انقلاب شکل‌دهنده مسیری بودند که رویکرد و سیاست‌های دولت درباره صنعت را جهت داد. برآیند این عوامل نهادی ایدئولوژیک و عوامل پیشانهادی مسیر نهادی خود تقویت شونده‌ای را ایجاد و حمایت کردند که از جمله پیامدهای آن حرکت به‌سوی اقتصاد دولتی متزلزل نهادی مالکیت خصوصی بدبینی نسبت به سرمایه‌داری صنعتی و تمسک به الگوهای ایدئولوژیک برنامه‌ریزی خاصی مانند «راه رشد غیر سرمایه‌داری» و «خودکفایی» بود که نتایج آن را می‌توان در اقبال صنعت و موقعیت صاحبان صنایع و کوچک شدن اندازه اقتصاد و بخش صنعت به‌ویژه صنایع خصوصی جست‌وجو کرد.

### تاریخ‌نگاری انگلیسی - مارکسیستی

سخنران دوم این نشست دکتر اسماعیلی بود که سخنانش را با عنوان: «تاریخ‌نگاری انگلیسی - مارکسیستی» ارائه و به دیدگاه‌ها و نگرش‌های «پیگولوسکایا» نویسنده معروف روس و «ان لمبتون» ایران‌شناس بزرگ انگلیسی درباره اقتصاد کشاورزی و مالکیت ارضی در ایران به‌صورت تطبیقی اشاره کرد و شرح داد: مورخان فوق با اینکه از نظر موقعیت جغرافیایی به ترتیب در شوروی سابق و بریتانیا حضور داشتند، اما با بینشی متفاوت به نظام زمین‌داری و تحولات آن به‌خصوص در قرون میانه هجری قمری نگریستند به‌طوری‌که «لمبتون» با مسافرت به ایران در کنار رسالت سیاسی که در دولت انگلستان داشت به درک عمیقی از تاریخ و فرهنگ ایرانیان دست یافت و نیز متون بسیاری را گردآوری کرد. «پیگولوسکایا» هم منابع تاریخ ایران را با توجه به اهداف کمونیستی مطالعه و در واقع تلاش کرد تا تاریخ اقتصادی ایران زمین را با ایدئولوژی مارکسیستی پیوند دهد و به هر نحوی که شده نمونه اروپایی نظام فئودالیسم را بر اقتصاد کشاورزی ایران تحمیل کند. در همین راستا این سؤال مطرح شد که چرا «پیگولوسکایا» از واژه «فئودال» با وجود تفاوت آن با ساختار اقتصادی ایران در آثار خویش بهره برده، اما «لمبتون» به‌طور خاص استفاده نکرده است؟ فرضیه

**جهش علوم انسانی و تمدن‌زایی**

پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

**نشست تاریخ اقتصادی:**  
**توسعه صنعتی در قرن اخیر تاریخ معاصر ایران**

مدیریت جلسه: دکتر علی سالاری شادی  
سخنرانان:  
دکتر پوریا اسماعیلی  
**تاریخ نگاری انگلیسی - مارکسیستی**

دکتر قاسم خرمی  
**تاریخ اقتصاد سیاسی، افول صنعت در دهه شصت**

فریدون شیرین کام  
**توسعه سرمایه‌گذاری صنعتی، دولت یا بخش خصوصی در نیم قرن اخیر**

لینک ورود به نشست:  
<https://webinar.ihs.ac.ir/rooms/zmj-agq-sv6-df6/join>

یکشنبه ۲ دی ماه  
ساعت ۱۵:۱۳  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب



## تأملی بر تاریخ پرش «ما کیستیم» در ایران معاصر، از انقلاب مشروط تا انقلاب اسلامی

و زایش قدرت سیاسی می‌شود و جلال از جمله پیشروان این فضا است.

### تفکر در غیاب تاریخ

در ادامه، دکتر بنایی‌جهرمی (عضو هیأت علمی پژوهشکده فلسفه و رئیس پژوهشکده دانشنامه نگاری) سخنرانی خود با عنوان «تفکر در غیاب تاریخ» را آغاز کرد و گفت: جلال یک بهانه است و ما می‌خواهیم وضع تفکر خودمان در دوره معاصر را مورد توجه و تعمق قرار دهیم. مقدمه‌ای عرض می‌کنم که چرا عنوان تفکر در غیاب تاریخ را انتخاب کردم تا وجه این گزینش آشکارتر شود. آشکار شدن این وجه گام‌هایی در طرق تفکر است که از بحث ما جدا نیست. همه شنیده‌ایم فلسفه در باب وجود می‌اندیشد. این حرف بسیار سترگی است. اینکه فلسفه به وجود اشیاء می‌پردازد یعنی چه؟ نمی‌خواهم این را معنا کنم و فقط می‌خواهم بگویم توجه به وجود چه پیش‌زمینه‌ای برای یک فیلسوف دارد و از چه خاستگاهی این توجه برمی‌خیزد و جدیت پیدا می‌کند. شاید بشود وجوه متعددی برای آن ذکر کرد و یکی از وجوه عمده، بنیادین و تعیین‌کننده این است که کسی از میان آدمیان قادر می‌شود به

نشست «تأملی بر تاریخ پرش «ما کیستیم» در ایران معاصر، از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی» به مناسبت زادروز جلال آل‌احمد، با حضور دکتر مهدی بنایی‌جهرمی و دکتر حسین صافی از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، یازدهم آذرماه ۱۴۰۳ در این پژوهشگاه برگزار شد.

### مقدمه دبیر نشست

در ابتدا، دکتر فاطمه طاهرخانی (دبیر نشست) در مقدمه‌ای کوتاه گفت: مشروطه رویدادی برای حل مسائل درونی جامعه ایران از طریق کاربست روشی بیرون بود که رشدونمو کرد و آن شیوه ابتدای امر به اضطرار پذیرفته شد. با گذشت زمان و جلوتر رفتن کاربست اقتضائات نظری مشروطه پیچیده‌تر و جامعه ایرانی با مسائل بغرنج بیشتری روبه‌رو شد. در دهه ۳۰، مدرنیزاسیون و نوسازی بسیار جدی در کشور دنبال شد که رادیکالیسمی را به‌همراه داشت و نتیجه آن در جامعه نوعی میل به رجعت به درون و سنت بود که خود را در جریان اندیشه آن چند دهه نشان داد. این میل را مشخصاً می‌توان نوعی بحران هویت دانست که تا انقلاب اسلامی این وضعیت تداوم پیدا کرد. در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ این متن است که محل بروز



آن چیزی است که تاریخ‌نگاران می‌نویسند و به صحنه می‌آورند. این‌ها را گفتم تا مقداری آماده شویم و این توفیق را بیابیم تا با همدلی بیشتر شما بحث را پیش ببریم.

بنایی‌جهرمی در ادامه بحث خود را با این طرح این پرسش ادامه داد که چگونه می‌توان با رواج انبوهی از تاریخ‌نگاری‌هایی که اکنون در صحنه وجود دارد، سخن از کشف تاریخ یا غیاب تاریخ بگوییم؟ این چگونه با هم جمع می‌شود؟ برای تقرب به پاسخ یا در مقام آن، سخن هایدگر در باب نیچه را باید عرض کنم که او در کتاب «چیست آنچه تفکر می‌خواندش» حرفی را در مورد نیچه می‌زند که ندیده‌ام در مورد کسی دیگر گفته باشد. می‌گوید: اندیشه نیچه مانند قله‌هایی است که فرو رفته در و فرا رفته از ابرها. یعنی پایه‌های آن پیداست، اما آن قله‌ها پنهان است. آن بخشی که پیدا است مهم است یا بخشی که پنهان است؟ به گفته مولوی که می‌گوید:

ما همه شیریم شیران علم  
حمله‌مان از باد باشد دم به دم  
شیر پیدا هست و پنهان است باد  
جان فدای آن که ناپیداست باد

وجود توجه کند که مواجهه‌ای با عدن داشته باشد، یعنی هستی خودش را در معرض طوفان عدم ببیند و این بسیار هم هولناک است. فقط اشاره‌ای می‌کنم که توجه کنید بسیاری از متفکران، وقتی به آستانه تجربه این طوفان رسیدند، هستی خودشان را از میان برداشتند و نتوانستند تاب بیاورند. بسیار دشوار است.

دکتر بنایی‌جهرمی شرح داد: آنچه می‌گویم به اجمال و با اشاره‌هایی محو به آن پردازم و در حد یک تذکر است، بارقه‌هایی است که ما را متوجه امر عظیمی می‌کند؛ پدیدارشناسانه است. آنچه ارائه می‌کنم طرحی است از نوعی سلوک به کشف اقلیم‌هایی ناپیدا که اینجا اقلیم تاریخ است اندیشه در یوغ ناپیدایی‌شان بس نحیف و رنجور خواهد ماند. ما در مجال این طرح سخن و در مقام تأمل در آن، آهنگ سلوک در طریقتی داریم که روی به آن صدارت و بالادستی اندیشه دارد. آخرین گام مقدمه را عرض کنم که جنس سخن ما از نوع تحلیل یا نقد تاریخ‌نگاری‌ها نیست. فرض کنید تاریخ‌نگاری‌های معاصر ما هیچ نقضی ندارد. در حد اعلاء تاریخ‌نگاری انجام شده و ما به‌مدد تاریخ‌نگاری‌ها تصویر روشنی از تمام اتفاق‌هایی داریم که در دوره معاصر خیلی قبل‌تر از مشروطه شروع شده است. معاصر یعنی از زمانی که چیز تازه‌ای محور اندیشه قرار گرفته و هنوز هم هست. آن چیز از چه زمانی محور تازه اندیشه قرار گرفته است؟ از مشروطه نبوده، مشروطه حاصل آن توجه بوده، یعنی از جنگ چالدران و بیش از پنج قرن؛ جنگ چالدران براساس محور تاریخ و جغرافیای مان بر زمین اندیشه کوبیده شده که اصلاً به چه باید بیندیشیم. «شاه‌اسماعیل» یک لحظه در نگاه باید بیاید و یک لحظه خودمان را جای او قرار دهیم. این کاری پدیدارشناسانه است. این ما را متفکر می‌کند. زمانی را تصور کنید که ۴۰ هزار نفر از لشکر او تارومار شده‌اند و او به چیزی فراتر از مرگ ۴۰ هزار نفر می‌اندیشید و مجبور است بیندیشد، یعنی تفکر ما را دعوت نمی‌کند و بر ما آوار می‌شود. تفکر این‌گونه سراغ ما نمی‌آید که ما را آگاهانه دعوت کند که فکر کنیم. همان‌گونه که بحث عدم را گفتم فیلسوف در اثر عدم و طوفان آن پناه به اندیشه می‌برد. در جنگ چالدران تفکر بر شاه‌اسماعیل آوار می‌شود به چیزی که فراتر از تارومار شدن لشکر است باید بیندیشد و آن این است که این از کجا آمد؟ این سلاح‌های جدید از کجا آمده و خاستگاه آنها کجاست؟ خاستگاهشان تاریخ است. همان چیزی که ما نتوانستیم کشفش کنیم. خاستگاه این سلاح‌ها تاریخ تجدد است و این غیر از

پژوهشگاه مطالعات انقلاب اسلامی برقرار می‌نماید:

**سلسله نشست‌های تأملی بر تاریخ پرسش "ما کیستیم" در ایران معاصر**  
«از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی»

نست‌آور:  
**جلال آل احمد**

سخنران:  
**دکتر حسین صافی**  
جدال خودآگاهی و بی‌خویشی در جهان داستان‌های جلال

دکتر مهدی بنایی‌جهرمی  
تفکر در غیاب تاریخ

مدیر نشست:  
دکتر فاطمه طاهرخانی

زمان: یکشنبه ۱۱ آذر ماه ۱۴۰۲ ساعت ۱۰:۱۰ تا ۱۲:۵۰  
مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب  
لینک ورود به نشست:  
<https://webinar.ihs.ac.ir/rooms/rfp-yja-6d4-hwt/join>

این چیزی که تا اینجا گفتیم شرح همین یک وجه از آن تاریخ بالادست بود. یعنی وجه گفته شده این بود که آنچه در تاریخ پایین دست رخ می‌دهد از آن بالا می‌آید. اساس آنجاست و تا آن کشف نشود، این هم اصلاً نمی‌شود.

وی گفت: ما وقتی می‌پرسیم غرب چیست؟ غرب بالادست را به مثابه تاریخ بالادست داریم پرسش می‌کنیم یا این غرب روشن دیده شده از قرن شانزدهم و جنگ چالدران تا الان را؟ غرب یک وجه روشنی دارد که با زبان‌های مختلف با ما حرف زده و کل جهان را درگیر خودش کرده است. وقتی می‌پرسیم غرب چیست، ناظر به چه چیزی داریم صحبت می‌کنیم؟ جهت پرسش ما به کدام سمت است؟ آیا منظور همین وجه روشن غرب است؟ آیا داریم از کوهپایه سوال می‌کنیم؟ یا نه، فراتر داریم می‌رویم و چیزی را دنبال می‌کنیم؟ ما در تاریخ روشنفکری مان نتوانستیم حتی از آن وجه بالادست تاریخ غربی پرسش کنیم. با این نگاه، کتاب «غربزدگی» جلال آل احمد را باید بخوانیم. داوری آن با خود شما؛ کتاب بسیار تأثیرگذار و مهم است. اما داوری آن فقط در این سطح است. کتاب «غربزدگی» ناظر به کدام وجه غرب است؟ غرب به مثابه تاریخ؟ بله؛ غرب به مثابه تاریخی که در فرهنگ ظهور کرده؟ بله؛ اما کدام تاریخ و کدام فرهنگ؟ تاریخ تابع و فرهنگ تابع. آن تاریخ متنوع و آن تاریخ سابق و آن تاریخ بالادست و آن فرهنگ متنوع

چرا آن که ناپیداست همه چیز است و مهم است؟ آن قسمت پنهان اندیشه نیچه مهم‌تر از بخشی است که آشکار است و ما برای نیل به آن نیاز به اندیشه بالادست داریم. اندیشه پنهان را با اندیشه بالادست می‌شود کشف کرد. همین نشستن و تماشا کردن نیست. یک عقبه است. باید از عقبات بالاتر رفت و این ایمان‌ورزی‌های معمولی کفایت نمی‌کند. آن بخش بالا، وجه آسمان اندیشه آن کجا و آن وجه پایین آن کجا؟ پایین چیزی است که در دسترس آن را آسان می‌باییم. حالا باییم سراغ تاریخ؛ دقیقاً تاریخ چنین وضعی دارد؛ وجه آسان تاریخ که در دسترس است و چشم تاریخ‌نگاران آن را می‌نویسد و بر ما روایت می‌کند؛ اما هرچه در این وجه پایین رخ می‌دهد از آن بالا می‌آید و هر چه آن بالاست، صورتی در زیر دارد. یعنی چیزی که در بالاست را باید بیابی، آن است که غایب است و بخش غایب آن است. یعنی ابر حجاب ظواهر و امر توقف و اسارت ما در حوزه حجاب‌های ظواهر اجازه نمی‌دهد به آن بخش روین و آسمانی و بالادست تاریخ بیندیشیم. آن بخش است که پنهان است و آن بخش است که با درد تفکر و با پروای تاریخ داشتن آشکار می‌شود. حالا که اینها را نشان دادیم که چرا با وجود این همه تاریخ‌نگاری‌ها، موجه است از غیاب تاریخ سخن بگوییم، حالا می‌کوشم که مقداری در خصوص دشواری سلوک در کشف آن تاریخ بالادست سخن بگویم. آن تاریخ بالادست چیست؟ همه



خطیر می‌شویم. در قرآن آمده: «اتقوا الله»؛ یعنی پروا کنید. آخرین درخواست در مناجات شعبانیه آمده است: «خدایا مرا از کسانی قرار نده که امر تو را سبک بگیرند». باید با خشیت سراغ امر خطیر رفت. باید با پروا سراغ تاریخ رفت. باید تفکر در زبان دشوار را برعهده گرفت. باید زبان دشوار را به رسمیت شناخت و برای آن آغوش باز کرد تا بتوانیم به آن قله‌ها راه پیدا کنیم. دچار مکر آن امر خطیر می‌شویم. تاریخ مکر دارد. وقتی ما را با همین ظواهر مشغول و قانع می‌کند، وقتی تاریخ تفکر ما را می‌بندد که ما بدون آنکه بدانیم و پرسیم این امور از کجا آمد، با آنچه آمده سرگرم شویم و با آن مبارزه یا مقابله کنیم یا آن را اخذ کنیم. این همه یعنی فقر تفکر، اگر نپرسیم از کجا آمده است. پرسش «غرب چیست» به‌مثابه کشف آن تاریخ غایب، آن قله‌ای که به آشکارگی نیامده، آن تاریخ باطنی و آن تاریخ متبوع می‌تواند ما را از این فقر تاریخی بیرون بیاورد.

### جدال خودآگاهی و بی‌خویشتی در داستان‌های جلال



در ادامه دکتر حسین صافی (دانشیار پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی) سخنرانی خود با عنوان جدال خودآگاهی و بی‌خویشتی در داستان‌های جلال را با این مقدمه آغاز کرد که همه صحبت من در مورد نوع این تفکری است که دکتر بناپی در مورد آن صحبت کردند و دریدا از آن تحت عنوان «متافیزیک حضور» نام برده است. ولی صحبت من در مورد حضور و امر حاضر درباره اینکه این سنت تفکر غربی با تبعیضی که درباره حضور گفته و وانمود کرده که امر

و بالادست در حوزه تفکر ما وارد نشده و فیلسوفان ما کوشیده‌اند آن وجه سابق و بالادست را به عرصه تفکر ما وارد کنند. این اتفاق رخ نداده است و وقتی متفکری در خصوص عظمت تاریخ غرب سخن می‌گوید، ما او را یک غربزده می‌دانیم و البته که غربزده هست، همه ما غربزده‌ایم؛ اما غربزده سطحی فرهنگی دم‌دستی فرق دارد با کسی که در سطح تفکر استیلای غرب را می‌یابد. این نکته بسیار مهم است که غرب را حادثه و رخدادی در بیرون از هستی انسان نمی‌بینیم. این را باید توضیح بدهم که یک روزنی به تاریخ بالادست پیدا کنیم که از چه جنسی است. تاریخ زمینه تکوین هستی انسان جدید است. تغییر تاریخ وقتی رخ می‌دهد که ما با یک هستی تازه مواجه شویم.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تأکید کرد: یک صفحه از «غربزدگی» را که بخوانید می‌بینید که نیازی به استناد نیست و تمام مواردی که آل‌احمد به آن پرداخته در این حوزه است. از همان آغاز کتاب که او غربزدگی را یک بیماری می‌بیند، این مشخص است. البته این نکته را هم می‌گوید که غربزدگی به صورت پنهان هم می‌تواند ما را درگیر کند و این نکته بصیرت مهمی به ما می‌دهد. می‌خواهم بگویم این کتاب «غربزدگی» باوجود تمام اهمیتش، راه به قله تاریخ و فرهنگ غرب نمی‌برد و قله فرهنگ و تاریخ غرب، تقریباً می‌توان گفت بدون معارض مانده است. همه معارضه‌ها و مقابله‌ها در حوزه همین فرهنگ ظاهری است و ما داریم با آن می‌جنگیم. چرا غرب بدون معارض مانده است؟ چون آن نیاز به سمت بالا رفتن از عقبات تفکر دارد. ما به‌محض اینکه زبان سنگین شود، می‌ایستیم. کتاب «پدیدارشناسی روح هگل» را که باز می‌کنید، می‌بندید، چون دشوار حرف می‌زند؛ مثل این که ما قسم خورده‌ایم چیزی را که آسان است بخوانیم. این یعنی ما در کوهپایه می‌مانیم و حالا حالاها مانده‌ایم. تا زمانی که دشواری زبان حجاب و مانع کار است، می‌مانیم. یکی از دلایل غیاب تاریخ، توقف ما در مقابل دشواری زبان است. زبان دشوار پیام دارد. فیلسوفان دشوار سخن می‌گویند، چون تفکر اهمیت دارد و نه نتایج؛ شما باید ببینید. زبانی که بدون اندیشه در دسترس باشد تا به نتایج پردازشی، فرایند تفکر را از تو می‌گیرد. باید هم سخن فلسفی دشوار باشد. این دشواری منشاء تفکر ماست. ولی ما در مقابل این دشواری می‌ایستیم.

ما وقتی بدون تفکر به سراغ چیزی برویم و مثلاً سراغ خدا، دین و تاریخ برویم، دچار مکر آن امر

داریم تجربه‌های گذشته‌مان را نقد می‌کنیم در موضع خودآگاهی‌ایم و در غیاب تجربه و در غیاب خود امر واقع و تجربه داریم به آن فکر می‌کنیم، یعنی یک‌جور تقابل داریم. تقابل نوع اول تقابل فهم‌پذیری و تجربه است، یعنی تجربه هست من نیستم و وقتی که من هستم و حضور ذهنی دارم، دیگر مجال تجربه بسته شده است. خوب اینجا به آن حکم ضدکوگیتی می‌رسیم که من می‌اندیشم پس نیستم. دکارت گفته بود من می‌اندیشم پس هستم. اما این‌ها می‌گویند وقتی هستم که نمی‌اندیشم، پس ببینید آن تضاد، آن نگاه صفر و یکی و آن همه یا هیچ اینجا به هر نوع تجربه دیگری تعمیم پیدا می‌کند. خوب سؤال این است که هیچ‌راهی وجود ندارد برای این که ما مرگ یا هر تجربه دیگری را با دیگران در میان بگذاریم و سهیم شویم؟ پس چه جوری این همه درباره تجربه‌هایمان صحبت می‌کنیم؟ والتر بنیامین در پاسخ این پرسش می‌گوید قصه‌گویی! او می‌گوید درست است که ما خود مرگ یا هر تجربه دیگری را عیناً نمی‌توانیم بازبازی کنیم و باید همیشه با فاصله به آن نگاه کنیم و تأثیراتی که از آن پدیده می‌گیریم، فقط ممکن است در بهترین حالتش عایدمان شود. او می‌گوید قصه‌گویی اگرچه خود تجربه را در میان نمی‌گذارد، اما منبع گرمایی است که از مجرای تجربه مرگ دیگران به مخاطب منتقل می‌شود. بعد به ژان پل سارتر می‌رسیم که در برابر این نگاه موضع می‌گیرد و اول یک مثال می‌زند و می‌گوید قصه‌گویی که بنیامین دارد در مورد آن صحبت می‌کند، اصلاً چه هست؟ او می‌گوید نمونه‌اعلای قصه‌گویی را در کارهای

حاضر در دسترس است، اما چیزی که نگفته این است که این امر حاضر در تقابل با غیاب معنی می‌دهد. همان چیزی که دکتر بنایی فرمودند و این سنت تفکر «تقابل‌بنیاد» است. یعنی اگر یک چیزی هست، غیابش نیست و اینها با همدیگر تضاد تکمیلی دارند. درباره همین نوع تفکر می‌خواهم صحبت کنم. من صحبت‌هایم را از این گفته دکتر بنایی آغاز می‌کنم که گفتند ما نمی‌توانیم از حضور صحبت کنیم مگر اینکه از غیاب صحبت کنیم.

دکتر صافی ادامه داد: به نام خدایی که فرمود: «کل نفس ذائقه الموت»، یعنی از نیستی و عدم و مرگ آغاز می‌کند. کسی نیست که بالاخره طعم مرگ را نچشد. هایدگر به این حکم قاطع خداوند یک عبارت تعریضی اضافه می‌کند که: «کل نفس ذائقه الموت». هایدگر از مرگ استفاده می‌کند که چیز دیگری را بگوید، یعنی همه طعم مرگ را خواهند چشید، اما به‌تنهایی و نوبت‌به‌نوبت، یعنی هرکس در تنهایی محض خودش و این قابل‌پیش‌بینی است. اگر کسی طعم مرگ را چشیده باشد هرگز نمی‌تواند درباره آن صحبت کند و مرگ را با دیگران در میان بگذارد، یعنی کسی که درباره مرگ صحبت می‌کند، منطقیاً طعم مرگ را هنوز نچشیده و اینجا یک تقابل بین مرگ و زندگی وجود دارد. اما این تقابل و این نگاه صفر و یک را که دوسویه طرفین تقابل مانع‌الجمعند، می‌توانیم به هر تجربه زیسته‌ای غیر از مرگ تعمیم بدهیم. براساس تقابل بین بی‌خویشی و خداآگاهی به این معنا که ما وقتی در موضع تجربه کردنییم بی‌خویشیم و وقتی که



خلق شده برای دنیای در شرف فروپاشی و نابودی و شکل‌های تازه‌ای که برای پاسخگویی به یک وضع جدید پدید می‌آید. در تمام موارد، از همان ابتدا رمان روال مشابهی را در پی می‌گیرد. در وهله نخست، رمان می‌خواهد تا روایتی دوباره از شکل‌های سنتی، یعنی حکایت، قصه و امثال این‌ها در داستان‌های تاریخی یا داستان‌های عاشقانه‌ای باشد که اغلب خصلت داستان‌های کهن را حفظ کرده است. سپس، رمان تاریخی به وجود می‌آید و در تمام موارد تنها چند صباحی پس از آن، گرایش‌های گوناگون رمان گسترش می‌یابد و در ادبیات نوین ایران نیز رمان تحت‌تأثیر همین شرایط و به‌همین دلایل ظهور می‌کند.

وی بیان کرد: منتقدانی در ایران در همین پرده دوباره اعتراض کرده‌اند و نواخته‌اند و یکی از این نویسندگان آگزیستانسیالیست جلال است و نمونه‌ای بهتر از آن نمی‌توان پیدا کرد. جلال هم آگزیستانسیالیست و هم ضداجتماعی است. مثلاً در «در خدمت و خیانت روشنفکران» خود جلال به صراحت تأکید می‌کند و روشنفکران را در یک فصل به دو قسمت تقسیم می‌کند و می‌گوید ما روشنفکران نویسنده دوگونه هستیم. یکی نویسنده‌ای که کمپرادور است، یعنی همپالگی حکومت‌هاست. حکومت‌هایی که خودشان همدست سرمایه‌داری جهانی هستند، سرمایه‌داری جهانی که منابع طبیعی ما انسان جنوب‌نشین را همواره در خام‌ترین حالت آن می‌خواهد و منابع انسانی ما را همواره در پخته‌ترین حالت می‌خواهد. این روشنفکر کمپرادور می‌شود، یعنی نویسنده‌ای که همدست نظام سرمایه‌داری جهانی‌اند.

دکتر صافی توضیح داد: جلال از طرف دیگر می‌گوید ما روشنفکرانی داریم که خودی هستند و من از این خودی‌ها هستم. یعنی من هم جزء آنها هستم. آن روشنفکری که همدستی نمی‌کند و می‌خواهد حقوق ضعفا را بگیرد و در واقع دم از رهایی‌بخشی در ادبیات می‌زند و می‌گوید ادبیات متعهد، ادبیاتی است که حقوق ستمدیدگان را استیفا کند. یعنی او یک نگاه اوتوپیاپی دارد و دقیقاً همین‌انگ بی‌کنش بودن و منفعل بودن به خود جلال نیز وارد می‌شود از دیدگاه منتقدانی که اتفاقاً رئالیسم آگزیستانسیالیستی را نقد می‌کنند. یک نمونه از این منتقدان دکتر علی تقوی است که در کتاب «رئالیسم در ادبیات داستانی ایران» می‌گوید رئالیسم آگزیستانسیالیستی یک پناهگاه برای آل‌احمد شد. مفهوم تعهد ادبی را او از سارتر گرفت و جانشین رسالت ادبی کرد. این یک اتهام است و اتهامی است که باید یا درست آن را بپذیریم و یا

گی دو مویاسان می‌توانیم ببینیم و در کتاب «ادبیات چیست». سارتر دارد در مورد رئالیسم صحبت می‌کند. بعد رئالیسمی را پیشنهاد می‌کند که بنیانگذارش خود سارتر است و آن رئالیسم آگزیستانسیالیستی است، یعنی تجربه مرده را می‌خواهد در این قالب احیا کند، در قالب رئالیسم آگزیستانسیال؛ اعتراض او به قصه‌گویی سنتی مبتنی بر روح زمانه است که این نوع قصه‌گویی را دیگر نمی‌پذیرد و منقضی شده است. حالا داریم به جلال نزدیک می‌شویم. این‌ها مقدمه‌هایی است که باید درباره ملاحظات فلسفی گفت. من می‌خواهم از داستان‌های جلال کمک بگیرم. چون غرزدگی و در خدمت و خیانت روشنفکران راهی به تاریخ نمی‌برد، چون قالبشان داستان‌گویی نیست.

من می‌خواهم از داستان‌های جلال کمک بگیرم و بگویم این نگاه تقابل بنیاد که حتی در نگاه سارتر هم همچنان هست و او می‌گوید که مدیوم را باید عوض کرد نه نگاه را، یعنی داستان‌پردازی رئالیستی در این دوره زمانه جواب می‌دهد. کریستوف بالایی در کتاب «پیدایش رمان فارسی» همین‌ها را دقیقاً تأیید کرده و گفته اعجاب و شگفتی در روزگار ما محو می‌شود و جای خود را به تصور و واقعیت می‌سپارد. تصویری که اساساً بر توصیف زندگی روزمره استوار است؛ همین توصیف وقایع و جزئیات ریز در صحنه. زمان به مقیاس عالم صغری اختصار می‌یابد. زمان حال کمال مطلوب، زیرا آینده‌ای آرمانی را مجسم می‌کند. تأکید بر زمان حال در مکتب آگزیستانسیالیسم است، یعنی تأکید بر حضور به‌طور ایجابی؛ آن‌ها همان حضور را دوباره می‌خواهند بر کرسی بنشانند، اما این بار با تبعیض مثبتی که به نفع حضور قائل می‌شوند در برابر آن تبعیض منفی که در برابر غیاب قبلاً تعریف می‌شد و تجربه را در برابر مرگ تعریف می‌کردند. اما باز دوباره اصالت را حضور می‌دادند. اما اینجا در مفهوم حالیت، خود تجربه را می‌خواهند توصیف کنند. او ادامه می‌دهد و درباره فارسی می‌گوید. در متن اصلاحات و تحولات سیاسی و اجتماعی است که شکل‌های جدید ادبی و در درجه اول رمان رشد می‌کند و در درجه اول شکل‌های قدیمی مورد انکار قرار می‌گیرند و این نکته بسیار پرمعناست، زیرا این ادبیات همگی در از سنت‌های پابرجا برخوردارند، فارسی مثلاً او تأکیدش روی فارسی است که سنت‌های ریشه‌داری دارد و نمی‌شود به این راحتی کنار گذاشت و ادبیات رئالیستی آن هم از نوع آگزیستانسیالیست را ترجیح داد. او می‌گوید زمان زاده بحران است؛ بحرانی که بین شکل‌های

لایه‌های دیگر کشف و بازخوانی شود.» در پی این سوال بود که جلال حریم امن خودش را ترک کرد و آن نگاه سنتی متحجر به قول خودش و آن خانواده را جای گذاشت و خطر کرد و رفت و از آن ور بوم که نزدیک بود بیفتد و از تحجر به سمت تحزب رفت و از تحزب برگشت و راه میانه‌ای به اسم بازگشت به خویشتن که همین نگاه پالمسیستی است را به خود گرفت و این در داستان‌های جلال و البته نه در رویه آنها نمودار است. یک نمونه خیلی گل‌درشت آن را مثلاً از «نفرین زمین» می‌خوانیم: «آن شب، شب دیگری بود؛ آسمان به قدری نزدیک بود که به طالع‌بینان حق می‌دادم و درد پلنگ‌ها را فهمیدم و نیز درد عاشقان را؛ از چنان آسمانی هر چه می‌گفتی برمی‌آمد، اگر به زیارت رفته بودم و به نماز حاجت برخاسته، فردا به راحتی چو می‌انداختم که آسمان نورباران شده بود. اما اینجا مدرسه ده بود. انگار چیزی به چهار چشم از جام خالی درها و از درون تاریکی کلاس‌ها مرا می‌پایید. این تازه‌وارد بی‌خویش شده چراغ به‌دست راه، که دنیای سکوت و ابدیت شبانه یک قبرستان را می‌آلود و ترس سایه‌ای گذرا را بر خاطر م‌افکند. همچون گذر سایه یک گنجشک دیرکرده نیمروز تابستان در دشتی بایر. اما حضور نامرئی ده و آن آسمان عمیق و بلند و آن ستاره‌های در دسترس آویخته و این گورستان تحول‌یافته و سگی که رانده بودمش...» ببینید همه‌اش حس است. یعنی جلال می‌خواهد ما را در آن تجربه و آن خلصه‌ای که به آن راوی دست داده راه بدهد: «و سگی که رانده بودمش، چنان به هم نزدیک بودند و چنان تنگ هم نشسته بودند که هیچ جایی برای ترس نبود.» یعنی این تجربه بی‌درز و ترک است. «برای ترس این معلم غریبه چراغ به‌دست و هیچ درزی، هیچ گوشه فراموش‌شده‌ای، هیچ سوراخی، همه جا پر بود؛ پر از چیزی و رای قبرستان و مدرسه، پر از چیزی برتر از مقایسه‌ها و غم‌ها و دردسرها و چه تسلایی! و چنان عظیم که خجالت کشیدم به دستاویز طلائی و زرد چرکین یک فتیله نفتی بیاویزم. چراغ را کشتم و در نور ستارگان به استحال‌های تن دادم که از قبرستانی مدرسه‌ای می‌سازد و از ستاره‌ای شعری و از درویشی معلمی.» این همان شعرگونگی‌ای است که هایدگر خیلی دنبال آن بود که آدم را در خودش غرق می‌کند.

جلال دو کار کرده است که منفی در منفی و نفی دوگانه‌ای است: اینکه تجربه‌های واژگانی شیء‌ء‌واره را که ما دیگر به آن فکر نمی‌کنیم، مثلاً به آن می‌گوییم عشق، گویی همه می‌دانیم عشق چیست

درست با استناد به غربزدگی و حرف‌های خود جلال بگوییم این اتهامات به جلال نمی‌چسبند. همان‌طور که سی‌چهل سال است این بحث را داریم. یعنی باقی‌مانده‌ای از جلال برجاست که نه این‌وری‌ها می‌توانند هضمش کنند و نه آن‌وری‌ها؛ این بحث دائماً روی دور می‌افتد که جلال اگزستانسیالیست است، پس ضداجتماعی و ضدتاریخ است و تخدیر می‌کند. از آن سو نیز می‌گویند جلال یک متافیزیسیست است که ایدئولوگ دینی، مذهبی و قشری است و اینها دائم ادامه دارد. یعنی با استناد به صحبت‌های خود جلال نمی‌توان از او دفاع کرد. باید ببینیم چه کار کرده است. در داستان‌هایش چه کرده و برای دیدن آن باید نگاهی غیر از نقد زندگی‌نامه‌ای به آن پرداخت. نقدهایی که ما می‌بینیم بیشتر زندگی‌نامه‌ای است و آن چیزهایی که خود فرد گفته را می‌آورند و می‌گویند اینگونه بوده است. این که دیگر نقد نمی‌شود. این روخوانی است.

یک نوع نگاه دیگری می‌خواهد که فلوروسکویی به آن می‌گویند؛ یعنی تمام دیدگاه‌های ادبی فلسفی را ببینید و اما در ته داستان اگر نور بتاباند و بتواند آن نگاه فلسفی را در خود داستان ببیند، می‌توانیم حرف داشته باشیم. فلوروسکویی ادبی-داستانی پرده‌برداری از نقش نویسنده در القای اسطوره حضور با الگوبرداری از سنت متافیزیکی غرب است. در توضیح طرح القای توهم حضور در فلوروسکویی، می‌توانیم این پاره روایت زیر را از رمان «رذل» آندره ژید بخوانیم که این فلوروسکویی پالمسیس آن را دید. یعنی متن اصلی انگار چرک‌نویسی بر آن اصل متن است که آن زیر مانده است و پالمسیس (نسخه‌شناسی) از آن فلوروسکویی استفاده می‌کند. شخصیت اصلی در رمان «رذل» خیلی لحن و فحوای حرفش شبیه جلال است. می‌گوید: «آدم گناهکاری بودم رانده از بهشت؛ همه چیز در اطرافم از دفتر و معلم گرفته تا خانواده و حتی خود خودم چندان لایه به لایه بر من آوار شده بود که هر چند دشوار و دشوارتر می‌شد، آن من پیش از تباهی‌ام را از پس این همه رونوشت به جا آورد، بایستگی و ارزش بازخوانی‌اش در نظرم افزون می‌شد تا جایی که دیگر از آن وجود عادت‌زده غرقه در بحر تحصیل به تنگ آمدم. دیگر باید تمام آن لای و لرد را از خودم می‌زدودم. خودم را به چشم مشعوف یک باستان‌شناس، نسخه‌ای بسیار نفیسی از یک متن کهن می‌دیدم که بر آن چندین نسخه دیگر چرک‌نویس شده است. اما آن نسخه پیش‌نویس نخستین چه می‌توانست بود؟ و خود آیا نمی‌بایست از زیر این

به گزارش فرهیختگان این عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در بخش پایانی سخنانش تصریح کرد: کاش فرصت بیشتر بود تا یکی دو نمونه از آن فروختن روح به کارفرما را مثال بزنیم. مثلاً کسی به اسم زیره‌چی می‌گوید نمی‌دانم چرا هر وقت تفنگ می‌بینم به خلسه می‌روم و از خود بی‌خود می‌شوم! نمی‌دانم این چه حالی است. او اول سوال مطرح می‌کند. اسم داستان هم «سودای قدرت» است. او مثلاً در خیابان یک سرباز را که می‌بیند می‌خکوب سر جایش می‌ایستد. می‌گوید این چه حسی است و بعد کم‌کم در این احساسات خودش غور می‌کند و جلال او را دستمایه احساسات خود قرار می‌دهد که بگوید این احساس، احساس شیفتگی به قدرت است که تفنگ نماد آن است. بعد آن فرد را به جرم اینکه می‌خواسته اسلحه بدزدد دستگیر می‌کنند و به زندان می‌اندازند و بعد که آزاد می‌شود می‌گوید من آرزوی داشتن یک تفنگ دارم و یک سرنیزه به من ارث رسیده که آن را در صندوقچه اسرار نهان خودم در زیرزمین قایم‌ش کرده‌ام و می‌رود آنجا دنبالش بگردد که نکند آنجا نباشد. زیره‌چی می‌رود و می‌بیند سرنیزه او را برده‌اند. یعنی سرنیزه‌ای را که شیء‌واره شده آن حس قدرت‌طلبی انسان است. ببینید چطور از خرد کردن احساساتی که همه ما با آن آشنا هستیم، یک تعریف مجدد از خود ارائه می‌کند. جالب است که جلال رمان نمی‌نویسد؛ داستان کوتاه و یا داستان بلند می‌نویسد؛ رمانی که طبق دستور آشپزی سارتر، نمونه اصلی اگزیستانسیالیسم را در آن قالب می‌توان گنجانند. او داستان کوتاه می‌نویسد که نواده قصه است. داستان بلند می‌نویسد که در آن اصلاً قالب قصه دارد؛ مثلاً «نون والقلم» و «سرگذشت کندوها» را اصلاً از «یکی بود یکی نبود» شروع می‌کند. یعنی می‌داند که بار قصه روی ذهن و روی نوع تفکر انسان ایرانی، ریشه‌دارتر از این است که بتوان از خیرش به‌راحتی گذشت. جلال از آن قالب استفاده می‌کند، ولی محتوای اگزیستانسیالیستی را در آن جای می‌دهد، نه برای اینکه کنش‌گریز باشد و ما را به خلسه ببرد؛ برای اینکه به خودمان برگرداند، یعنی خودش را برگرداند. آن سرگذشتگی جلال تا آخر عمر، مانع شده تا ما او را در یک قالب بگنجانیم که تماماً به آن قالب تن بدهد، از همان سرگذشتگی بود و از سوال‌هایی بود که از خودش داشت و تا آخر عمر هم دنبال آنها دویید. یعنی برای آن برگزشتن از طریق راه سوم به خویشتن در نوسان بود. ثم الینا ترجعون؛ یعنی او دائماً در نوسان بود.

و مثلاً می‌گوییم ترس، خشم، تنفر و... همه این عواطف را چون واژگانی شده‌اند و چون داد و ستد می‌شوند در این معناها، باید شیء‌واره شوند. آنها به قدری شیء‌واره می‌شوند که حتی در بازار به‌عنوان کالا و مثل کالای مادی خرید و فروش می‌شوند. مثلاً مهماندار باید لبخند بزند. یا یک بانکدار مثلاً احساس و تجربه زیسته‌اش را باید به کارفرما بفروشد و مهم نیست که آن لحظه چه فکر می‌کند و باید مثل چرتکه عمل کند و نشان بدهد وظیفه‌شناس و جدی است. خود ما نمی‌توانیم پژوهش را به زمانی موقوف کنیم که حال پژوهش کردن را داشته باشیم. چون سر ماه به ما پول نمی‌دهند. ما حسمان و عواطفمان و امکان تجربه اصیل حضور در واقعیت را فروخته‌ایم در ازای حقوقی که گرفته‌ایم. پس واقعیت شیء‌واره شده است. جلال در یک حرکت این مفاهیم شیء‌واره شدن را که در جامعه کالایی و داد و ستد می‌شوند و پول در ازای آنها پرداخت می‌شود را اول در توصیف‌هایی که برایتان خواندم خرد می‌کند و آنها را به حواس تجزیه می‌کند و بعد که این کار را کرد و آشنایی زدایی کرد، دوباره آنها را در قالب تمثیل به یک تعریف و فهم تازه‌ای از خود برمی‌گرداند. یعنی آنها را بازیابی می‌کند و بعد به آن نگاه تقابلی‌بنیاد برمی‌گردد و جلال باید بین دو طرف تقابل و بین طرفین باید به‌جای نگاه صفر و یکی، یک پیوستاری بین شور و شعف و دلمردگی از طرف دیگر برقرار کند و یک پیوستار مدرجی از تفاوت‌های جزئی که این دو سرطیف را به همدیگر وصل کند. یک نگاه کم‌وبیشی اعمال می‌کند. یعنی تجزیه تجربه‌ها به اتم‌هایشان این اجازه را می‌دهد که بین دو طرف تقابل در آن تفکر تضادبنیاد و سیاه و سفید، یک طیف ایجاد کنیم و بعد احساسات را طیف‌شناسی کنیم و بعد بتوانیم آنها را دوباره سرهم‌بندی کرده و به فهم جدیدی از خویشتن برسیم. اینجاست که کل نفس ذائقه الموت می‌آید و بعد می‌گوید: ثم الینا ترجعون. یعنی کسی که مرگ را عمیقاً چشیده باشد می‌تواند به سمت ما باز گردد. این بازگشت به خویشتنی که جلال دائم از آن دم می‌زند و همچنان در همین جامعه امروز ما در حادث‌ترین شکل خودش نه تنها فیصله پیدا نکرده، بلکه نمودهای آن را داریم می‌بینیم. یعنی از قبل از جلال تا الان، ما داریم بحث می‌کنیم که بالاخره این نگاه ماتریالیستی یعنی غرب‌گرایی درست است یا آن نگاه متافیزیکی درست است؟ این نگاه کم‌وبیشی را اگر می‌خواهید ببینید، باید داستان‌های جلال را فلوروسکویی کنیم.



## اقتصاد بازار اجتماعی و حقوق و اقتصاد

یک «اقتصاد بازار تنظیم شده» طبقه‌بندی می‌شود و تلاش می‌کند تعادلی بین نرخ رشد اقتصادی بالا، تورم پایین، نرخ پایین بیکاری، شرایط کاری مطلوب، رفاه اجتماعی و خدمات عمومی برقرار کند.

بخش اجتماعی آن اغلب با سوسیالیسم اشتباه گرفته می‌شود. عنصر اجتماعی آن، به دنبال فراهم کردن فرصت‌های برابر و حمایت از کسانی است که قادر به ورود به نیروی کار نیستند. برخی کشورهایی که دارای اقتصاد بازار اجتماعی هستند: اتریش، جمهوری چک، کرواسی، لهستان، ژاپن، چین و آلمان هستند. یکی از موارد موفقیت عملی اقتصاد بازار اجتماعی، در آلمان بوده است. تعدادی از محققان معتقدند توسعه اقتصادی مثبت در آلمان غربی تا حد زیادی نتیجه این رویکرد خاص اقتصادی بوده است. به دلیل بررسی مکتب فرایبورگ، اقتصاد بازار اجتماعی آلمان به عنوان عنصر مهم آن، در اینجا بررسی می‌شود.

وی افزود: اقتصاد بازار اجتماعی آلمان: پس از جنگ جهانی دوم، ایده‌های مکتب فرایبورگ و اردولیرالیسم در شکل‌دهی به نظام اقتصادی آلمان غربی تاثیرگذار بودند. اعضای مکتب فرایبورگ در توسعه اقتصاد بازار اجتماعی نقش داشتند. ایده‌های آنها الهام‌بخش دو سیاستمداری بود که مستقیماً مسئول اجرای سیاست اقتصادی در آلمان پس از جنگ بودند، لودویگ ارهارد

نشست «اقتصاد بازار اجتماعی» و «حقوق و اقتصاد» به مناسبت هفته پژوهش و با همت پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با سخنرانی دکتر سیدحسین میرجلیلی و دکتر سیدمحمدرضا امیری‌طهرانی‌زاده از اعضای هیأت علمی این پژوهشگاه یکم دی‌ماه، برگزار شد.

### اقتصاد بازار اجتماعی

در ابتدا دکتر میرجلیلی در سخنرانی خود با موضوع «اقتصاد بازار اجتماعی» به بیان پرسش اصلی بحث خود پرداخت و گفت: یکی از چالش‌های اقتصاد ایران، نظام اقتصاد مختلط و بینابین گفته شده است که می‌تواند تخصیص منابع را مختل سازد و رشد و رفاه را کاهش دهد. حال سؤال این است که «آیا نظام‌های اقتصادی بینابین و میانه همواره ناموفق بوده‌اند»؟

دکتر میرجلیلی شرح داد: اقتصاد بازار اجتماعی نوعی نظام بینابین و راه سوم بین سرمایه‌داری لسه فر و سوسیالیسم دولتی است که توانسته عملکرد قابل قبولی از خود به جا بگذارد. آگاهی از تجربه آن می‌تواند برای اقتصاد بومی ما مفید باشد.

اقتصاد بازار اجتماعی ترکیبی از اقتصاد بازار به همراه سیاست‌های اجتماعی و تنظیمات کافی برای ایجاد رقابت منصفانه در بازار است. گاهی اوقات به عنوان



اقتصادی پایدار و ثبات اقتصاد کلان باید تمایل دائمی شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاری را تحریک کند. علاوه بر این، توانایی مصرف‌کنندگان برای تصمیم‌گیری‌های مصرفی بلندمدت بهبود خواهد یافت.

۸- در حوزه اجتماعی، بازتوزیع درآمد و ثروت برای ایجاد یا حفظ «صلح اجتماعی» در یک جامعه را ضروری می‌دانند. این بازتوزیع باید از طریق سیستم‌های تأمین اجتماعی سازگار با بازار (مانند بهداشت و بیمه بیکاری و بازنشستگی)، و یک نظام مالیاتی مبتنی بر عملکرد انجام شود.

دکتر میرجلیلی در بخش پایانی سخنانش تصریح کرد: اصول اقتصاد بازار اجتماعی، مانند قانون رقابت، ثبات پولی، مالکیت خصوصی مسئولانه، و تنظیم دقیق بازارها، و نظام تأمین اجتماعی کارآمد می‌تواند به‌عنوان راهنمایی برای توسعه نهادی در کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شوند. سیاست‌های بازار کار و رونق بازار کار در آلمان باعث شد تا عموم مردم قدردانی بیشتری از اقتصاد بازار اجتماعی داشته باشند.

و آلفرد مولر-آرماک. ارهارد از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۳ وزیر امور اقتصادی جمهوری فدرال آلمان بود.

این اندیشمندان معتقد بودند که تعادلی میان کارایی اقتصادی و حمایت اجتماعی لازم است. لحاظ کردن شرایط اجتماعی برای بازارها لازم است و بر مسئولیت دولت برای بهبود فعال شرایط بازار و هم‌زمان دستیابی به توازن اجتماعی تأکید دارد. اساساً جنبه «اجتماعی» تأکید می‌کند که بازار درون چارچوب سیاست‌های اجتماعی عمل می‌کند که هدفش ارتقای رفاه همگانی، کاهش نابرابری و تضمین این است که پیشرفت اقتصادی به همه نفع می‌رساند. تعهد به اقتصاد بازار اجتماعی در ماده سه پیمان اتحادیه اروپا گنجانده شده است. عناصر اصلی «اقتصاد بازار اجتماعی» در مکتب فرایبورگ عبارتند از:

۱- اقتصاد بازار که شامل عناصر مرکزی اقتصاد بازار مانند مالکیت خصوصی، تجارت آزاد، تبادل کالا و شکل‌گیری آزاد قیمت‌ها است.

۲- دولت منفعل نیست و به‌طور فعال اقدامات تنظیمی اجرا می‌کند. برخی از عناصر مانند بیمه بازنشستگی، بهداشت عمومی و بیمه بیکاری بخشی از سیستم تأمین اجتماعی هستند. این بیمه‌ها از طریق ترکیبی از مشارکت کارمندان، مشارکت کارفرمایان و یارانه‌های دولتی تأمین مالی می‌شوند.

۳- اهداف سیاست‌های اجتماعی شامل سیاست‌های اشتغال، مسکن و آموزش و همچنین تلاش برای تعادل اجتماعی از طریق بازتوزیع درآمد است.

۴- علاوه بر این، مقرراتی برای محدودسازی بازار آزاد وجود دارد (مانند قوانین ضد انحصار و قوانین علیه سوءاستفاده از قدرت بازار و عاری از امتیازات خاص). قانون رقابت آلمان تا حد زیادی به‌عنوان الگویی برای مقررات اروپایی تبدیل شد. یکی از اجزای مهم اقتصاد بازار اجتماعی، قانون رقابت آلمان است که در سال ۱۹۵۸ اجراء شد.

۵- یک سیستم حقوقی کارآمد با دولت قوی و سیستم قیمت‌گذاری انعطاف‌پذیر برای اجرای نظمی رقابتی لازم است. «ثبات پولی»، مهم‌ترین عامل برای موفقیت اقتصاد بازار اجتماعی است. تنها در یک محیط عمدتاً غیرتورمی، عملکرد اقتصاد بازار تضمین می‌شود، زیرا تنها در این شرایط است که قیمت‌ها می‌توانند نقش اطلاعاتی و هماهنگ‌کننده خود را ایفاء کنند.

۶- احترام به مالکیت خصوصی مسئولانه، انگیزه کار و کارآفرینی و نوآوری را فراهم می‌کند.

۷- اهمیت سیاست‌های اقتصادی بلندمدت، از جمله ثبات اقتصاد کلان را مطرح می‌کنند. اعتماد پایدار سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان به یک چارچوب



پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

**«اقتصاد بازار اجتماعی» و «حقوق و اقتصاد»**

ساختار آن:

دکتر سیدحسین میرجلیلی | دکتر سیدمحمدرضا امیری پهرانی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی | رئیس هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تاریخ: روز سه شنبه ۱۳ آذر ۱۴۰۳

لینک ورود به نشست: <https://webinar.ihcs.ac.ir/rooms/bfx-4qs-jtm-wr5ljoin>

شماره ۱ دی ماه | سالک ۱۰ | ۱۳۸۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی | سالن ادب

بود. آنان پاسخ خود را نزد فیلسوفان قرن شانزدهم و هفدهم همچون هابز، لاک، روسو در زمینه قرارداد اجتماعی و قانون طبیعی جویا می‌شدند. رویکرد دوم مکتب شیکاگو است که رویکردی ابزارانگارانه به حقوق خصوصی و کاربرد نظریه و تحلیل اقتصادی در دیگر عرصه‌های غیربازاری در جامعه مثل حقوق، سیاست و علوم اجتماعی دارد. به رویکرد مکتب شیکاگو نقدهای متعددی وارد شده است همچون این که کارایی نمی‌تواند مبناء و بنیان توزیع در حقوق مالکیت باشد؛ نظریه کارایی ابطال‌پذیر نیست؛ آموزه و نظریه کارایی غیرتاریخی است؛ کارایی به ارزش‌های ذهنی مربوط می‌شود؛ و اینکه نظریه کارایی یک انتخاب است و هر انتخابی ناگزیر امری ذهنی و ارزشی به‌شمار می‌رود.

### سه بخش تاریخچه حقوق و اقتصاد

دکتر امیری‌طهرانی‌زاده در ادامه درخصوص تاریخچه حقوق و اقتصاد بیان کرد: تاریخچه حقوق و اقتصاد را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: ۱. حقوق خصوصی و اقتصاد (۱۸۵۰-۱۹۱۴) با ویژگی‌های تأکید بر برابری صوری در برابر قانون، اهمیت استقلال فردی، و این که هدف اصلی حقوق، حفاظت از مالکیت شخصی و آزادی مبادلات فردی است. ۲. حقوق عمومی و اقتصاد (۱۹۰۰-۱۹۶۸) با تأکید بر حقوق اجتماعی، عدالت اجتماعی، ایده حقوق به عنوان ابزاری برای پی‌گیری اهداف اجتماعی، و تعریف حقوق اجتماعی به عنوان تکمله‌ای بر روابط بازار. ۳. حقوق اساسی (حقوق طبیعی یا حقوق بشر) و اقتصاد (۱۹۴۵- تاکنون) با تأکید بر حقوق اساسی یا حقوق بشر، عدم تبعیض، سیاست‌گذاری اقتصادی سازگار با حقوق اساسی، عدم مداخله در سازوکار بازار. در این رویکرد، حقوق اساسی نه صرفاً به عنوان ابزار یا بستر فعالیت و توسعه اقتصادی بلکه به جایگاه هدف ارتقا می‌یابد. وی در بخش پایانی سخنانش نتیجه‌گیری کرد: حقوق و اقتصاد به عنوان اموری اجتماعی درهم‌تنیده‌اند و از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند و همان‌طور که اسمیت و حتی «هایک» باور داشت، حقوق بستر و چارچوب اقتصاد را تشکیل می‌دهد، البته با تأکید بر این که: ۱. چارچوب حقوقی خنثی وجود ندارد (اعم از حقوق خصوصی، حقوق عمومی و حقوق اساسی)، ۲. این‌گونه نیست که حقوق خصوصی و به‌ویژه «کامن‌لا» انتزاعی و بی‌طرف باشد، ۳. حقوق خصوصی همان‌قدر ارزشی است که حقوق عمومی و حقوق اساسی.

البته نقدهایی به اقتصاد بازار اجتماعی وارد شده مانند اینکه یافتن موازنه مناسب میان بازار و رفاه اجتماعی آسان نیست، یا اینکه مسئولیت اجتماعی دولت، بار مالی ایجاد می‌کند. با این حال، عملکرد مناسب این اقتصادها و موازنه اجتماعی ایجاد شده، آن‌را به الگویی نسبتاً موفق تبدیل کرده است. بررسی تجربه اقتصاد بازار اجتماعی در چین و ژاپن نیز می‌تواند مفید باشد. هر جامعه‌ای می‌تواند بر اساس این اصول، نسخه‌ای بومی شده متناسب با شرایط خاص خود اجرا کند.

### حقوق و اقتصاد

دکتر امیری‌طهرانی‌زاده دیگر سخنران این نشست، بحث خود را با موضوع «حقوق و اقتصاد» آغاز کرد و گفت: درخصوص ربط حقوق و اقتصاد؛ اساسی‌ترین پرسش این است که پدیده‌ها و رفتارها و کنش‌های اقتصادی امری طبیعی است یا اجتماعی؟ پاسخ‌های آدم اسمیت و هگل متفاوت است.

اسمیت در تحلیل اقتصاد و بازار بر نفع شخصی و رفتار سودجویانه فردی تأکید می‌کند. درحالی‌که هگل به جای «فرد» به‌عنوان جزء تشکیل دهنده اجتماع، بر «رابطه» میان افراد برای شکل‌گیری جامعه تأکید دارد. هگل هستی و چیستی جامعه و پدیده‌های اجتماعی را به روابط اجتماعی نسبت می‌دهد نه به افراد. بنابراین از دیدگاه هگل، اقتصاد و به‌طور مشخص بازار به‌عنوان یک پدیده کلان اجتماعی، کاملاً امری اجتماعی است و نه طبیعی. به‌نظر می‌رسد که موضع اسمیت به‌نحوی ناسازنا یعنی پارادوکسیکال باشد. از سویی اقتصاد و بازار را حاصل رفتار و کنش آزادانه افراد می‌داند که آشکارا اموری اجتماعی هستند و از سوی دیگر اقتصاد یا بازار را یک برساخت اجتماعی تلقی نمی‌کند. اسمیت برای حل این ناسازنا از مفهوم دست‌نارمائی استفاده می‌کند. هایک نیز برای توضیح برساخت اجتماعی نبودن بازار یا به تعبیری طبیعی بودن آن، از مفهوم نظم‌خودجوش بهره می‌برد.

اسمیت و هایک و به‌طور کلی اندیشه لیبرالیسم اقتصادی، با وجود نفی برساخت اجتماعی بودن بازار و اقتصاد، اما به‌ضرورت بستر حقوقی لازم برای کارکرد درست بازار اذعان دارند. از دیدگاه اسمیت علم اقتصاد بر «کامن‌لا» و به‌ویژه اصل مالکیت خصوصی به‌عنوان قواعد رفتار اقتصادی استوار است. بدون پیش‌فرض حقوق خصوصی اصولاً بازار آزاد و شرایط رقابت شکل نمی‌گیرد.

دو رویکرد به حقوق و اقتصاد وجود دارد. رویکرد نخستین از آن نهادگرایان (قدیم) است که پرسش اصلی آنان درباره چگونگی و چیستی حقوق مالکیت خصوصی

## بازار کار در اقتصاد ایران؛ سبای اشتغال و تأمین اجتماعی زنان

سومین نشست تخصصی پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به مناسبت هفته پژوهش با عنوان کلی «بازار کار در اقتصاد ایران؛ سبمای اشتغال و تأمین اجتماعی زنان» با سخنرانی دکتر جلال منتظری شورکچالی (بررسی وضعیت بازار کار در ایران)؛ دکتر لیلا سادات زعفرانچی (سبمای بازار کار زنان در کشور)؛ دکتر نرگس اکبرپور روشن (وضعیت تأمین اجتماعی زنان در ایران) از اعضای هیأت علمی پژوهشکده اقتصاد، هشتم دی ماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

سومین نشست تخصصی پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به مناسبت هفته پژوهش با عنوان کلی «بازار کار در اقتصاد ایران؛ سبمای اشتغال و تأمین اجتماعی زنان» با سخنرانی دکتر جلال منتظری شورکچالی (بررسی وضعیت بازار کار در ایران)؛ دکتر لیلا سادات زعفرانچی (سبمای بازار کار زنان در کشور)؛ دکتر نرگس اکبرپور روشن (وضعیت تأمین اجتماعی زنان در ایران) از اعضای هیأت علمی پژوهشکده اقتصاد، هشتم دی ماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

### جمعیت و بازار کار در ایران: بازتعریفی بر نرخ بیکاری در ایران

در سخنرانی نخست با عنوان «جمعیت و بازار کار در ایران: بازتعریفی بر نرخ بیکاری در ایران»، دکتر منتظری با اشاره به مهم‌ترین شاخص‌های جمعیتی کشور، دو مسئله «خالص مهاجرت مثبت» و «نرخ رشد جمعیتی کند» در کشور را بسیار قابل تأمل توصیف کرد. دکتر منتظری ادامه داد: بر اساس ساعت‌شمار جمعیتی مبتنی بر داده‌های سازمان ملل، ایران در حدود ۹۲ میلیون نفر تا تاریخ ۱۹ نوامبر ۲۰۲۴ در رتبه ۱۱۷ کشورهای جهان ایستاده که نرخ تولد و مرگ و میر روزانه نیز در ایران به ترتیب ۳۱۵۱ و ۱۱۹۲ نفر گزارش شده است. بر اساس همین ساعت‌شمار جمعیتی، خالص مهاجرت در کشور ۵۲۱ نفر گزارش شده که این مسئله می‌تواند ریشه در ساماندهی شتاب‌زده اتباع غیرمجاز در کشور داشته باشد که به نظر می‌رسد این موضوع به دلیل تبعات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی نیازمند توجه ویژه‌ای از سمت تصمیم‌سازان این حوزه است. نکته دوم قابل تأمل در خصوص ساختار جمعیتی کشور این است که بر اساس پیش‌بینی جمعیتی سازمان ملل، جمعیت ایران در سال ۲۰۵۲ به حداکثر تاریخی خود یعنی حدود ۱۰۲ میلیون نفر خواهد رسید و از این سال به بعد ایران با نرخ رشد جمعیتی منفی روبه‌رو خواهد شد. اگرچه نرخ رشد جمعیت ایران در سال ۲۰۲۴ نیز تنها حدود ۱/۰۲ درصد بوده که از نرخ رشد متوسط جهانی جمعیت یعنی عدد ۱/۱۴ درصد به صورت محسوسی کمتر بوده است. دکتر منتظری در بخش دوم سخنانش با مقایسه وضعیت جمعیت فعال در ایران و جهان، «موضوع تبعیض

پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

### بازار کار در اقتصاد ایران

### سبمای اشتغال و تأمین اجتماعی زنان

سخنرانان:

- دکتر جلال منتظری شورکچالی (عضو هیأت علمی پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
- دکتر لیلا سادات زعفرانچی (عضو هیأت علمی پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
- دکتر نرگس اکبرپور روشن (عضو هیأت علمی پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

شنبه ۸ دی ماه  
ساعت ۱۰ تا ۱۲  
آدرس: تهران، خیابان کرمانشاه، پلاک ۳۳، طبقه اول  
پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
سالن ادبی

لینک ورود به نشست:  
<https://webinar.i.hcs.ac.ir/rooms/ypk-1dv-vbp-ebv/join>

باید به این رقم، اختلاف معنادار بین جمعیت فعال در کشور با متوسط جهانی را به عنوان بیکاری پنهان اضافه کرد تا به یک بیکاری ملموس‌تری به نام «نرخ بیکاری مؤثر» برسیم که در حقیقت جمع دو بیکاری آشکار و پنهان مورد بحث است.

بنابراین نرخ بیکاری مؤثر در اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۳ را باید عددی حدود ۲۷ درصد دانست که ۹ درصد آن بیکاری آشکار و حدود ۱۸ درصد آن بیکاری پنهان است.

دکتر منتظری در جمع‌بندی سخنانش با اشاره به چالش‌های جمعیتی و بازار کار کشور نظیر: جمعیت در حال پیر شدن، خالص مهاجرت مثبت، تفاوت فاحش جمعیت فعال کشور با متوسط جهانی، نرخ بیکاری مؤثر (آشکار شده + پنهان) بیش از ۲۷ درصدی کشور، مشارکت اقتصادی پایین زنان در بازار کار کشور و روند نزولی محسوس ارزش حقوق و دستمزد در ایران، بیان کرد: برای حل این معضلات، نه تنها باید سیاست‌های اثرگذار بر ساختار جمعیتی و بازار کار کشور دچار تحولی اساسی شود بلکه باید در ورای آن، «الگوهای حکمرانی اقتصادی کشور» که در دل آن این سیاست‌ها جا دارد و اثر می‌پذیرد، دست‌خوش تحولات ساختاری و نهادی شود.

ریشه‌های این انفعال جمعیت بانوان در کشور را باید در مسائل اقتصادی، فرهنگی، تاریخی و قانونی جست‌وجو کرد و ریشه‌های اقتصادی آن را باید در ساختار سنتی توسعه اقتصادی کشور یافت که طی دهه‌های گذشته با الگوهای توسعه جدید خدمات‌محور کشورهای توسعه‌یافته دنیا انطباق نداشته است.

این عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در بخش سوم از سخنرانی خود با اشاره به اختلاف معنادار ۱۸ درصدی بین جمعیت فعال در کشور با متوسط جهانی در سال ۲۰۲۳، بیان کرد: نرخ بیکاری گزارش شده مبتنی بر استانداردهای ILO نمی‌تواند واقعیت‌های بیکاری در بازار کار ایران را شرح دهد. بنابراین باید سراغ مفاهیم جدیدی نظیر «بیکاری پنهان» رفت که به‌نظر می‌رسد این نخستین بار است که این اصطلاح توسط این عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی مطرح شده است.

### نرخ بیکاری مؤثر

دکتر منتظری توضیح داد: اگرچه بر اساس گزارش بانک جهانی، نرخ بیکاری در ایران ۹ درصد گزارش شده (بیکاری آشکار)، اما برای رسیدن به رقم بیکاری واقعی‌تر که اثر آن بر اقتصاد ایران قابل لمس باشد



## سیمای بازار کار زنان در کشور

دومین سخنران این نشست، دکتر لیلاسادات زعفرانچی (عضو هیأت علمی و رئیس پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه)، سخنرانی خود با عنوان «سیمای بازار کار زنان در کشور» را با اشاره به سه بخش کلی مربوط به: پیشران‌های آینده در بازار کار جهان، مروری بر سیمای بازار کار زنان در یک روند ۱۰ ساله و درنهایت ارائه ملاحظاتی برای سیاست‌گذاران بازار کار زنان در آینده، ارائه کرد. وی درخصوص پیشران‌های آینده بازار کار زنان به محورهای: اقتصاد کلان و مسائل جهانی شدن بازار کار، تغییرات جمعیتی، تغییرات فرهنگی، سبک زندگی و هویتی زنان، تغییرات اقلیمی و مباحث فناوری اشاره داشت.

دکتر زعفرانچی ادامه داد: براساس برآورد سازمان ملل متحد تا سال ۲۰۵۰، تعداد نیروی کار دنیا (افراد بین ۲۰ تا ۶۴ سال) احتمالاً به ۵٫۳ میلیارد نفر خواهد رسید که حدود ۷۰٪ ساکن کشورهای هستند که به‌عنوان اقتصادهای نوظهور شناخته می‌شوند. همچنین گزارش سازمان جهانی کار (ILO) درخصوص تغییرات اقلیمی نشان می‌دهد که تنها اقتصاد سبز می‌تواند منجر به ۲۴ میلیون فرصت شغلی جدید در رابطه با انرژی پاک و کاهش آلودگی تا سال ۲۰۳۰ شود. وی با توجه به تحولات فناورانه به‌عنوان اصلی‌ترین رویداد آینده در بازار کار و با استناد به گزارش مؤسسه «مک‌کنزی» عنوان کرد که هوش مصنوعی تا سال ۲۰۳۰ در حدود ۱۳ تریلیون دلار، یا حدود ۱۶ درصد تولید ناخالص داخلی تجمعی بالاتر از امروز را به ارمغان خواهد آورد. دکتر زعفرانچی در بخش دوم سخنرانی خود با مرور شاخص‌های اصلی و ویژگی‌های بازار کار زنان در کشور بیان کرد: در سال ۱۴۰۳ حدود ۲۸ میلیون نفر از زنان ۱۵ ساله و بیشتر کشور از منظر شاخص‌های بازار کار، غیرفعال شناخته می‌شوند. بازارکار زنان در ایران، شرایط خاص و دوگانه‌ای را تجربه می‌کند ازجمله هم‌زمانی پایین‌بودن نرخ مشارکت اقتصادی زنان در کنار بالابودن آمار بیکاری زنان است که نشان می‌دهد حتی در جمعیت محدود خواهان ورود به بازار کار زنان، جمع محدودتری به فرصت شغلی دست پیدا کرده و مابقی به خیل بیکاران پیوسته و یا ناامیدانه از جمعیت فعال، خارج می‌شوند. وی با اشاره به تحصیلات زنان شاغل ایرانی به بالاتر بودن آمار شاغلین شهری و افت اشتغال زنان روستایی در طی ۱۰ ساله اخیر اشاره کرد. تغییر الگوی گروه‌های سنی زنان شاغل و حضور زنان در بخش رسمی و غیر رسمی اقتصاد ایران و مدرک تحصیلی زنان شاغل از دیگر جنبه‌های مرور انجام‌شده وی در فضای اشتغال زنان بود.

این عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با اشاره به سهم بالای شاغلین متأهل زن، به‌لزاماً به‌کارگیری سیاست‌هایی در ارتباط با تناسبات کار-زندگی تأکید داشت. وی درخاتمه سخنانش با اشاره به فرصت‌ها و تهدیدهای بازار کار آینده زنان در کشور از جمله: استفاده از فرصت پنجره جمعیتی، فرصت اقتصاد نقره‌ای و اقتصاد سبز، روند شهرنشینی، مهاجرت و سالمندی جمعیت، لزوم پرداختن به حضور زنان در رشته‌های علوم فناوری، مهندسی و ریاضیات (STEM) به‌جهت تحولات فناوری و جمعیت بالای زنان جوان غیر فعال (NEET) به لزوم توجه سیاست‌گذاران بازار کار در کشور به ملاحظات ذکرشده اشاره داشت.

## وضعیت بیمه‌های بازنشستگی زنان

در سومین سخنران این نشست، دکتر نرگس اکبرپور روشن (عضو هیأت علمی پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) بحث خود را با موضوع «وضعیت بیمه‌های بازنشستگی زنان» آغاز کرد و با اشاره به ضرورت پیوستن به طرح‌های بازنشستگی، به تعامل متقابل تأمین اجتماعی و اشتغال پرداخت و توضیح داد: نظام بیمه بازنشستگی در کشور عمدتاً مبتنی بر اشتغال و به‌ویژه رابطه کارگری و کارفرمایی است.

دکتر اکبرپور روشن در ادامه با تأکید بر اینکه درحال حاضر ۱۸ طرح بازنشستگی در کشور فعالیت دارند، شرح داد: سهم سه طرح تأمین اجتماعی، صندوق بازنشستگی کشوری و صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر از کل بیمه‌شدگان کشور بیش از ۹۰ درصد است و از این رو، به‌دلیل دشواری یا عدم دسترسی به اطلاعات سایر صندوق‌ها، می‌توان در تحلیل به اطلاعات صندوق‌های یادشده بسنده کرد. با در نظر گرفتن این نکته، وی اطلاعاتی درباره میزان پوشش زنان در طرح‌های بازنشستگی ارائه کرد. زنان می‌توانند به‌طور مستقیم به‌عنوان بیمه‌پرداز، مزایابگیر، بیمه‌شده حمایتی کمیته امداد یا سازمان بهزیستی و مقرری‌بگیر بیکاری تحت پوشش خدمات نظام بیمه‌ای قرار داشته باشند یا اینکه به‌طور غیرمستقیم از طریق رابطه تبعی با بیمه‌پرداز و مزایابگیر هر یک از این صندوق‌ها از خدمات آن‌ها بهره‌مند شوند. با توجه به نبود اطلاعات جامع در ارتباط با جنسیت افراد تبعی بیمه‌پردازان و مزایابگیران صندوق‌های بازنشستگی، تأکید در سخنرانی بر آن گروه از زنانی است که به‌طور مستقیم تحت پوشش قرار دارند.

بازنشستگی بین زنان و مردان پرداخت که به‌طور خلاصه عبارتند از:

- میانگین دستمزد بیمه‌شدگان برای مردان بیشتر از زنان است.
- میانگین چگالی پرداخت حق‌بیمه برای مردان بیشتر از زنان است.
- میانگین سن برقراری بازنشستگی برای مردان بیشتر از زنان است.
- میانگین سن فعلی بازنشستگان برای مردان بیشتر از زنان است.
- متوسط سابقه بازنشستگان برای مردان بیشتر از زنان است.
- متوسط مستمری برای زنان به دلیل سابقه و چگالی کمتر از مردان است.

این عضو هیأت علمی پژوهشکده اقتصاد، سپس، به بیان علل پوشش پایین زنان در طرح‌های بازنشستگی پرداخت و در این راستا به چهار دسته علت مهم اشاره کرد و یادآور شد: عدم اشتغال بخش زیادی از زنان در سن کار، ماهیت و کیفیت اشتغال زنان، انعطاف‌ناپذیری قوانین بیمه‌ای برای پوشش بخش غیررسمی، و مسائل فرهنگی درخصوص ضرورت بیمه‌شدن زنان. وی باتوجه‌به نرخ مشارکت بالای زنان دارای تحصیلات عالی از یک‌سو، و انتظار تداوم افزایش سطح تحصیلات بانوان در آینده از سوی دیگر، ابراز امیدواری کرد که در آینده نرخ مشارکت کلی زنان بهبود خواهد یافت. این مسئله باید همراه با ایجاد بستر لازم برای افزایش تقاضا برای نیروی کار زن باشد تا در نهایت به افزایش اشتغال زنان و نقش‌آفرینی آن‌ها در اقتصاد منجر شود. دکتر اکبرپور روشن، در نهایت، به راهکارهای افزایش پوشش بیمه‌ای زنان اشاره کرد و سیاست‌های تحریک رشد اقتصادی و تقاضای کار، سیاست‌های تشویق عرضه کار زن، سیاست‌های کنترل اندازه بخش غیررسمی، اصلاحات در طرح‌های بازنشستگی موجود و معرفی طرح‌های جدید باتوجه‌به ماهیت اشتغال زنان و سیاست‌های تشویق بیمه‌پردازی زنان را در زمره سیاست‌هایی قلمداد کرد که می‌توانند به افزایش ضریب پوشش بیمه‌ای به‌طور کلی و ضریب پوشش زنان به‌طور ویژه کمک کنند.

بنا به اطلاعات ارائه‌شده در این سخنرانی مبتنی بر آمار سال ۱۴۰۲، بیش از ۴,۵ میلیون نفر از زنان بیمه‌پرداز سه صندوق مورد اشاره هستند و بالغ بر ۲,۸ میلیون نفر از مزایابگیران این صندوق‌ها را زنان تشکیل می‌دهند.

همچنین، سهم زنان از مجموع بیمه‌پردازان و مزایابگیران این صندوق‌ها به ترتیب ۲۴ و ۴۳ درصد است. سهم بالای زنان در کل مزایابگیران مربوط به این واقعیت است که عمده بهره‌مندان از مزایای بازماندگان زنان هستند. با تقسیم مجموع بیمه‌پردازان و مزایابگیران زن بر کل جمعیت زنان ۱۵ ساله و بیشتر، ضریب پوشش در حدود ۲۳ درصد محاسبه می‌شود. با در نظر گرفتن ۱۵ صندوق بازنشستگی دیگر، شاید بتوان گفت حدود ۲۵ درصد از زنان ۱۵ ساله و بیشتر به‌طور مستقیم تحت پوشش بیمه‌های بازنشستگی هستند.

از طرف دیگر، باتوجه‌به اینکه برخی از گروه‌های بیمه‌پرداز سازمان تأمین اجتماعی (مانند زنان خانه‌دار، دانشجویان، مددجویان کمیته امداد و بهزیستی، و مقرری‌بگیران بیکاری) شاغل محسوب نمی‌شوند و از آنجایی که بیمه‌پردازی در صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر منوط به اشتغال نیست، تعداد زنان بیمه‌پرداز شاغل در حدود ۳,۳ میلیون نفر برآورد می‌شود که با تقسیم بر جمعیت شاغل زنان (۳,۹ میلیون نفر)، ضریب نفوذ در حدود ۸۵ درصد برآورد می‌شود.

دکتر اکبرپور روشن، سپس بر این نکته تأکید کرد که امکان دارد این رقم دارای بزرگ‌نمایی باشد؛ چون مبنای محاسبه و گزارش جمعیت شاغل و تعداد بیمه‌پردازان صندوق‌ها متفاوت است و از آنجایی که برآورد یادشده مبتنی بر اطلاعات ثبتی نیست، این احتمال وجود دارد که ضریب نفوذ محاسبه‌شده با مقدار واقعی تفاوت داشته باشد. وی با اشاره به تعداد مزایابگیران زن بازنشسته و از کارافتاده بیان کرد که می‌توان با تقریبی، سهم این افراد را به‌عنوان سهم بیمه‌پردازان زن در سال‌های گذشته در نظر گرفت و با مقدار کنونی مقایسه کرد. بر این اساس، به نظر می‌رسد سهم زنان از بیمه‌پردازان صندوق‌های بازنشستگی در طول زمان افزایش یافته است. وی همچنین، به مقایسه سایر مؤلفه‌های طرح‌های

## حد نوسان قیمت طلا در بورس به عنوان مانعی در برابر توسعه مالی در ایران

### پیامدهای حد نوسان برای تعمیق مالی

- ۱- کوتاه مدت شدن افق سرمایه‌گذاری
- ۲- کم‌رنگ شدن نقش بورس در تشویق و افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی
- ۳- تأخیر در کشف قیمت، کاهش درجه نقدشوندگی بازار سهام و در نتیجه، کاهش جذابیت بازار
- ۴- کاهش جذابیت خرید و فروش سهام با هدف کسب بازدهی قیمتی و رونق بازار دارایی‌های نامولد
- ۵- غفلت مسئولان و ناظران بورسی از اهمیت توسعه بازارها و تأثیر فساد
- پیامدهای حد نوسان برای آزادسازی مالی
- ۶- ایجاد امکان دست‌کاری قیمت‌ها و افزایش فاصله میان ارزش بازار و ارزش جایگزینی شرکت‌ها
- ۷- اثر ربایشی و بیش‌واکنشی قیمت‌ها
- ۸- ساقط شدن بورس از ایفای نقش‌نماگری اقتصاد
- پیامدهای حد نوسان برای مدیریت ریسک
- ۹- افزایش ریسک
- ۱۰- ایجاد هیجان کاذب و غلبه رفتار گله‌ای بر تحلیل‌های عقلایی و معقول پیامدهای حد نوسان برای نوآوری مالی
- ۱۱- کاهش کارایی قیمت و کارایی بازار
- ۱۲- کاهش کارایی ابزارهای مشتقه و اختیارات و در نتیجه، افزایش ریسک
- ۱۳- ایجاد رانت سرخطی و شبه‌لاتاری
- در نهایت، پیشنهادهاى اصلاحی به شرح زیر ارائه شد:
- ۱- حذف محدودیت دامنه نوسان روزانه قیمت سهام و استفاده از مکانیزم‌های دیگر
- ۲- افزایش موقت حجم مبناء

دومین نشست پژوهشکده اقتصاد به مناسبت هفته پژوهش، با عنوان «حد نوسان قیمت‌ها در بورس به عنوان مانعی در برابر توسعه مالی در ایران» دوم دی‌ماه ۱۴۰۳ با سخنرانی دکتر ابراهیم التجائی و دکتر محمدعلی ابوترابی از اعضای هیأت علمی پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. خلاصه مطالب ارائه شده در این سخنرانی به شرح زیر است:

سال‌های متمادی است که دادوستد سهام و واحدهای صندوق‌های سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران و نیز اغلب معاملات در بورس کالای ایران تابع محدودیت‌های شدید تا نسبتاً شدید دامنه نوسان روزانه در ترکیب با حجم مبناء است و هرازگاهی این محدودیت‌ها بیشتر یا کمتر می‌شود، به گونه‌ای که معمولاً در شرایط تشدید تنش‌ها و ریسک‌های سیاسی که قیمت سهام تمایل به کاهش دارد این محدودیت بیشتر و با فروکش کردن تنش‌ها، دامنه نوسان بازتر و به عبارتی محدودیت کمتر می‌شود. برای ایجاد این محدودیت دلایل متفاوتی مانند جلوگیری از نوسان شدید قیمت‌ها و متضرر شدن سهام‌داران خرد و جلوگیری از دست‌کاری قیمت سهام ذکر شده است. در این سخنرانی، ضمن تشریح کانال‌های گذار به توسعه مالی شامل تعمیق مالی، آزادسازی مالی، مدیریت ریسک و نوآوری مالی، برخی از پیامدهای محدودیت دامنه نوسان قیمت سهام در بورس و فرابورس ایران از لحاظ تأثیرگذاری بر کانال‌های گذار به توسعه مالی عبارتند از:





## فلسفه تطبیقی و فلسفه میان‌فرهنگی؛ وجوه تشابه و تمایز

۴. مرکزیت‌گرا بودن من تطبیق‌دهنده: از نظر منتقدان من تطبیق‌دهنده نمی‌تواند به‌درستی با دیگری مواجه شود و او را دریابد چون خودش در دام مرکزیت‌گرایی است.

از سوی دیگر پژوهشگران فلسفه تطبیقی نیز نقدهایی به فلسفه میان‌فرهنگی وارد می‌کنند: نخست اینکه فلسفه میان‌فرهنگی که منتقد اروپامحوری است خود خاستگاهی غربی دارد و همچنان از ابزارهای غربی برای فهم دیگری استفاده می‌کند. دوم فلسفه میان‌فرهنگی اصلاً فلسفه نیست و صرفاً یک نگرش اخلاقی است. سوم فلسفه میان‌فرهنگی نسبی‌گراست و حقیقت در آن به چالش کشیده می‌شود.

دکتر یعقوبیان پس از بیان پاسخ‌هایی که هریک از متعاطیان دو طرف به یکدیگر دادند، منظر سوم را این‌چنین مطرح کرد:

ج. دیدگاه «ترابط» میان فلسفه تطبیقی و فلسفه میان‌فرهنگی: از این منظر این دو فلسفه با یکدیگر ارتباط دارند و اساساً به یکدیگر نیازمندند. همان‌گونه که «رام ادهرمال» فیلسوف میان‌فرهنگی می‌گوید: مثل این دو، مثل کور و لنگ است. فلسفه تطبیقی پا است و فلسفه میان‌فرهنگی چشم. تطبیقی بدون میان‌فرهنگی کور است و میان‌فرهنگی بدون تطبیقی لنگ. سرانجام این جلسه نیز با گفت‌وگو و تبادل نظر سخنرانان و حاضران به پایان رسید.

نشست «فلسفه تطبیقی و فلسفه میان‌فرهنگی؛ وجوه تشابه و تمایز» با سخنرانی دکتر محمدحسن یعقوبیان، دکتر حسین شقاقی و دکتر مالک شجاعی به‌مناسبت هفته پژوهش، ۲۴ آذرماه، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در آغاز نشست دکتر یعقوبیان توضیح مختصری در مورد پیشینه فلسفه تطبیقی و فلسفه میان‌فرهنگی ارائه داد و گفت: درخصوص شباهت‌ها و تفاوت‌های فلسفه تطبیقی و فلسفه میان‌فرهنگی دو دیدگاه کلی وجود دارد: دیدگاه یکسان‌انگاری و دیدگاه نایکسان‌انگاری.

از منظر دیدگاه یکسان‌انگاری این دو فلسفه اساساً یکی هستند و تمایزی ندارند، اما در دیدگاه نایکسان‌انگاری، این دو ضمن داشتن برخی شباهت‌ها با یکدیگر متفاوتند.

### نایکسان‌انگاران سه دسته هستند: شمول، تقابل و ترابط

الف. شمول: برخی متفکران و استادان فلسفه میان‌فرهنگی را ذیل فلسفه تطبیقی می‌دانند و از نظر ایشان فلسفه تطبیقی اعم از فلسفه میان‌فرهنگی است و فلسفه میان‌فرهنگی را بعد اخلاقی فلسفه تطبیقی می‌پندارند. ب. تقابل: از منظر برخی متفکران دوران فلسفه تطبیقی به‌سر آمده و این نگرش دیگر تناسبی با شرایط و مناسبات عالم ما ندارد و زمانه ما، زمانه فلسفه میان‌فرهنگی است.

دکتر یعقوبیان شرح داد: در این دیدگاه چهار نقد کلی به فلسفه تطبیقی طرح می‌کنند:

۱. نقد خاستگاه پیدایش فلسفه تطبیقی: این دیدگاه از اساس در مقابل اروپامحوری طرح شده و در جهت اثبات خویش است و نه در پی یافتن حقیقت.
۲. ابهام در روش و تعریف: از نظر منتقدان فلسفه تطبیقی در تعریف، رویکرد و روش تعیین ندارد.
۳. عدم توجه و تناسب با مناسبات جهان کنونی: منتقدان با تأکید بر تمایزها و تکثر موجود در جهان امروز معتقدند تکثر، مرزهای درهم‌تنیده و فضای معاصرت و مناسبات آن در فلسفه تطبیقی درک نشده است.



## نشست اول «پژوهش‌ورزی در عصر هوش مصنوعی»

مولد، قابلیت‌های چند هوش مصنوعی در عرصه تولید علم و بعد در بخش چهارم یعنی گذار از علم عادی به علم پسا‌عادی، نظریات آینده‌پژوهان مطرحی همچون ضیاء‌الدین سردار مطرح شد. بخش پنجم که به پیدایش رویکردها و مفاهیم نوین در اکتشافات علمی متأثر از توسعه هوش مصنوعی اختصاص داشت معطوف به فرایند پژوهش، در هر یک از مراحل کارکرد و قابلیت هوش مصنوعی به‌عنوان دستیار پژوهشی بررسی شد. در نهایت در دو بخش آخر ضمن اشاره به چالش‌های استفاده از هوش مصنوعی در پژوهش، موضوعات اخلاقی و نیز حقوق مالکیت فکری، در جمع‌بندی به پیشنهادهایی چون اهتمام به تربیت و جذب نیروهای متخصص، ماهر، آموزش‌دیده و مستعد، برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی و مهارت‌افزایی و توجه به فهم الگوی بلوغ در هوش مصنوعی اشاره کرد.

نشست نخست روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی؛ پژوهش‌ورزی در عصر هوش مصنوعی، یکم دی‌ماه ۱۴۰۳ توسط گروه پژوهشی مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. هم‌آفرینی دانش در عصر هوش مصنوعی: همکاری انسان‌ها و ماشین‌ها در گشایش مرزهای علمی



در ابتدای نشست دکتر محمد حسینی مقدم، (عضو هیأت علمی گروه مطالعات آینده‌نگر پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی) با موضوع «هم‌آفرینی دانش در عصر هوش مصنوعی: همکاری انسان‌ها و ماشین‌ها در گشایش مرزهای علمی»، سخنان خود را در هفت بخش شامل (۱) مفروضات، (۲) ارکان هوش مصنوعی، (۳) ابزارهای هوش مصنوعی، (۴) گذار از علم عادی به علم پسا‌عادی، (۵) پیدایش رویکردها و مفاهیم نوین در اکتشافات علمی متأثر از هوش مصنوعی، (۶) چالش‌ها و (۷) جمع‌بندی و پیشنهادها، ارائه کرد. وی در بخش ابتدایی، به مفهوم علم نافع و استاندارد ایزو ۲۶ هزار مشتمل بر استانداردهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌ها در توسعه پایدار و شاخص‌های آن پرداخت. در ادامه با اشاره به سیر تحول فناوری، نظم نوین جهانی را در پرتو توسعه هوش مصنوعی تبیین کرد و مفاهیمی همچون دیتالیزم و دیتاکراسی را به‌عنوان مفاهیمی نوظهور در سپهر سیاسی به نقد گذاشت. در بخش دوم که به موضوع هوش مصنوعی، ارکان و رویکردها و آثار اختصاص داشت، وی با پرداختن به ویژگی برهم‌زندگی این فناوری، سخت‌افزار، نرم‌افزار و داده را سه رکن آن برشمرده و مقایسه‌ای از قابلیت‌های این فناوری در سه رکن با فناوری‌های دیگر داشت. در بخش سوم با عنوان استفاده از هوش مصنوعی

گروه پژوهشی مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

روشن‌سازی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی:  
**پژوهش‌ورزی در عصر هوش مصنوعی**

سخنرانان:  
دکتر فرزانه میرشاه ولایتی  
(عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)  
چشم‌انداز عرض‌اندام هوش مصنوعی در ساحت پژوهش:  
اقتدار یا افول پژوهشگر

دکتر محمد حسینی مقدم  
(عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی اجتماعی و تمدنی)  
هم‌آفرینی دانش در عصر هوش مصنوعی:  
همکاری انسان‌ها و ماشین‌ها در گشایش مرزهای علمی

دکتر الهام فراهانی درمنگی  
(عضو هیأت مدیره انجمن ملی هوش مصنوعی)  
نقشه راه پژوهش در عصر هوش مصنوعی:  
از هم‌زیستی تا تحول

شنبه ۱ دی‌ماه  
ساعت ۱۳:۱۰  
مکان: آمپاد، بلوار فرهنگ، ساختمان دانش‌نگار، یخ‌خانه چهارم  
سالن جلسات

لینک ورود به نشست:  
<https://webinar.ihs.ac.ir/rooms/wu3-08k-ggn-96c/join>

## چشم‌انداز عرض‌اندام هوش مصنوعی در ساحت پژوهش: اقتدار یا افول پژوهشگر



دکتر میرشاه‌ولایتی موضوعات مهم پژوهش را شامل جهانی‌شدن، جهانی‌شدن فرهنگی، هویت ملی، نابرابری اجتماعی، عدالت اجتماعی، تغییرات اجتماعی، تحولات فرهنگی، سیاست، حکمرانی، دموکراسی، توسعه و نیز توسعه پایدار برشمرد و اشاره کرد که به‌نظر می‌رسد طی ده سال آتی موضوعاتی به‌شرح زیر در مرکز توجه پژوهشگران و با دستیاری هوش مصنوعی قرار گیرد.

• جهانی‌شدن، محلی‌گرایی، هویت فرهنگی در عصر دیجیتال

• نابرابری دیجیتال، نابرابری جنسیتی، نابرابری نژادی

• تغییرات آب و هوایی، مهاجرت، سلامت روان در عصر

دیجیتال

• سیاست، حکومت‌داری، دموکراسی در عصر دیجیتال، مشارکت شهروندی

• توسعه پایدار، اقتصاد سبز، شهرهای هوشمند

وی در ادامه به تغییر ذائقه پژوهشی با تمرکز بر

موضوعات زیر اشاره کرد:

• تعاملات بین جهانی‌شدن و محلی‌گرایی، نقش فناوری در شکل‌دهی هویت

• گسترش مفهوم نابرابری به حوزه‌های جدید مانند

دیجیتال، تمرکز بیشتر بر گروه‌های آسیب‌پذیر

• گسترش دایره موضوعات به حوزه‌های مرتبط با

محیط زیست، سلامت و فناوری

• تمرکز بیشتر بر نقش فناوری در سیاست و

حکومت‌داری، دموکراسی دیجیتال

• گسترش مفهوم توسعه پایدار به حوزه‌های جدید

مانند اقتصاد سبز و شهرهای هوشمند

میرشاه‌ولایتی همچنین به موضوع تغییر در منابع

تأمین مالی و مهارت‌های پژوهشی جدید تأکید و با

اشاره به کاربردها و آثار مختلف هوش مصنوعی در

پژوهش، باردیگر ضرورت به‌روزرسانی و بازنگری در

مهارت‌های تحقیقی را یادآور شد.

سخنران دوم این نشست دکتر فرزانه میرشاه‌ولایتی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) بود که بحث خود را با موضوع «چشم‌انداز عرض‌اندام هوش مصنوعی در ساحت پژوهش: اقتدار یا افول پژوهشگر» ارائه کرد.

وی در ابتدا ضمن اشاره به عدم قطعیت و خطر، ابهام و ابهام، حقایق واقعیت‌های ناقص، مدل‌ها و نقطه‌نظرهای مختلف، دیدگاه‌های گوناگون و البته، میزان زیادی احساسات، تمایلات و گرایش‌ها به‌عنوان ویژگی‌های لاینفک آینده، با بیان روندهای آینده‌ساز و ویژگی‌های انقلاب صنعتی ۵، تغییرات تحول‌آفرین فناوری تا ۲۰۳۰ را بیان کرد که براساس مستندات، در میان فناوری‌هایی که تا سال ۲۰۳۰ تأثیرات آشکاری خواهند داشت، هوش مصنوعی به‌عنوان پیشران مهم، در خط مقدم توسعه فناوری قرار دارد. با این توصیف مسئله به ارکان پژوهش اعم از موضوعات و مسائل پژوهشی، منابع مالی پژوهش، منابع علمی و پژوهشی و بالاخره روش‌ها و ابزارهای پژوهش کشیده شد.



## نشست دوم «پژوهش‌ورزی در عصر هوش مصنوعی»

نشست دوم گروه مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به مناسبت هفته پژوهش (پژوهش‌ورزی در عصر هوش مصنوعی) چهارم دی‌ماه ۱۴۰۳ برگزار شد

مصنوعی و حکمرانی را کاهش دهد، بلکه فرصت‌های تازه‌ای برای بهبود عملکرد و افزایش کارایی نظام‌های حکمرانی فراهم آورد.

### بیان مسئله و تحلیل

دکتر براتلو در بیان مسئله و تحلیل بحث خود توضیح داد: در رویکرد سنتی حکمرانی، دانش به‌عنوان پایه اصلی تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، عمدتاً در اختیار نخبگان، متخصصان، و مدیران عالی قرار داشت. این گروه‌ها با تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات، سیاست‌ها و برنامه‌ها را طراحی می‌کردند. با ظهور فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی (AI)، فرآیند تولید و بهره‌برداری از دانش در سازمان‌ها دچار تحولات عمیق شده است. هوش مصنوعی با ویژگی‌های متمایزی همچون خودکارسازی (Automation) و وظایف، تحلیل کلان‌داده‌ها (Big Data)، و پیش‌بینی روندها، نه تنها به بهبود تصمیم‌گیری کمک می‌کند، بلکه بر ساختار قدرت و توزیع اختیارات نیز تأثیر می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین ابعاد هوش مصنوعی در حکمرانی، تغییر در دانش و بینش سازمانی است که اغلب در ساختارهای دیوانسالارانه به آن کمتر توجه می‌شود. نظریه «قدرت-دانش» میشل فوکو چارچوب مناسبی برای تحلیل تأثیرات هوش مصنوعی ارائه می‌دهد. بر اساس این نظریه، قدرت و دانش به‌طور هم‌زمان هنجارها (آنچه «نرمال» یا «غیرنرمال» تلقی می‌شود) و سوژه‌های انسانی (افراد تابع ساختارها) را تولید می‌کنند. با این حال، در تولید دانش توسط هوش مصنوعی، بسیاری از الگوریتم‌ها به‌مانند «جعبه سیاه» عمل می‌کنند؛ یعنی فرآیندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری آن‌ها برای کاربران و حتی سیاست‌گذاران غیرشفاف است. پیچیدگی فنی این سیستم‌ها نیز باعث شده که تنها گروه‌های خاصی توانایی درک و کنترل آن‌ها را داشته باشند. علاوه بر این، هوش مصنوعی با تحلیل داده‌ها، روندهایی را شناسایی می‌کند که از چشم انسان پنهان می‌مانند و می‌تواند دانشی تولید کند که مشروعیت قدرت موجود را تقویت کند.

### حکمرانی و هوش مصنوعی: بازتأملی در نسبت قدرت، دانش و فناوری



در این نشست، ابتدا دکتر فاطمه براتلو (دانشیار و مدیر گروه مستقل مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) به عنوان سخنران نخست نشست سخنان خود را با موضوع «حکمرانی و هوش مصنوعی: بازتأملی در نسبت قدرت، دانش و فناوری» آغاز و بیان کرد: در عصر دیجیتال، هوش مصنوعی (AI) به یکی از اصلی‌ترین عوامل تحول در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی بدل شده است و پیش‌بینی می‌شود که نقش آن در حکمرانی آینده به‌طور چشمگیری افزایش یابد. این فناوری با کاربردهای گسترده در سیاست‌گذاری عمومی، تصمیم‌سازی، مدیریت دولتی، امنیت ملی، ارتقای عدالت اجتماعی و قضایی، مدیریت بلایا و تغییرات اقلیمی، و بهبود خدمات عمومی، توانسته است تأثیرات عمیقی بر نظام‌های حکمرانی داشته باشد. با این حال، بهره‌گیری موفق از ظرفیت‌های هوش مصنوعی نیازمند توجه به چالش‌های متعدد و الزامات اساسی است. از جمله این موارد می‌توان به لزوم بازتعریف رابطه میان دانش، قدرت، و فناوری اشاره کرد. این بازتعریف می‌تواند نه تنها چالش‌های مرتبط با هم‌زیستی هوش

به‌عنوان محصولی از محاسبات شناختی، به تغییرات اساسی در «وضعیت انسانی» منجر شود. این دیدگاه‌ها بر لزوم بازاندیشی معرفتی و اخلاقی درباره تأثیرات این فناوری بر تغییرات بنیادین در مفهوم «اتوس» انسانی تأکید دارند.

دکتر براتلو در خاتمه سخنانش شرح داد: برای بهره‌گیری بهینه از هوش مصنوعی در حکمرانی، ضروری است که فراتر از تکنیک‌های محاسباتی به ابعاد انسانی، اجتماعی، و معرفتی آن توجه شود. گرایش انسان به ساده‌سازی و اتکا بر فرآیندهای مکانیکی شناخت، گاهی منجر به تأثیرات منفی در سیاست‌های مرتبط با این فناوری شده و ارزش‌های انسانی و اجتماعی را به حاشیه رانده است. بنابراین، تأکید بر توازن میان دانش فنی، اخلاق فلسفی، و ارزش‌های انسانی در حکمرانی مبتنی بر هوش مصنوعی حیاتی است تا از تقلیل ارزش‌های انسانی به بهره‌وری صرف جلوگیری شود. در حوزه سازمان و مدیریت نیز استفاده از الگوریتم‌ها و مدل‌های پیش‌بینی، جایگزین تصمیم‌گیری‌های سلسله‌مراتبی شده است. در حکمرانی دیجیتال، دانش حاصل از این فناوری شامل تحلیل الگوهای رفتاری، پردازش کلان‌داده‌ها، و پیش‌بینی‌های آینده‌پژوهانه است. این نوع دانش، با در نظر گرفتن رابطه قدرت و دانش، نیازمند بازاندیشی اخلاقی و معرفت‌شناختی عمیق است تا بتوان از آن به‌صورت مسئولانه و مؤثر استفاده کرد.

### هوش مصنوعی و کلان‌داده؛ تحلیل رفتارهای سازمانی



سخنران بعدی نشست، دکتر الهام ابراهیمی (دانشیار و عضو هیأت علمی گروه مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) سخنانش را با موضوع «هوش مصنوعی و کلان‌داده؛ تحلیل رفتارهای سازمانی»

در چارچوب نظریه «شبکه بازیگران» برونو لاتور، هوش مصنوعی به‌عنوان یک «کنشگر مستقل» در شبکه‌های حکمرانی عمل می‌کند و می‌تواند ساختار تصمیم‌گیری، توزیع قدرت، و روابط میان سیاست‌گذاران، شهروندان، و سازمان‌ها را بازتعریف کند. این تأثیرات می‌توانند بسته به نحوه طراحی و مدیریت سیستم‌های هوش مصنوعی، مثبت یا منفی باشند.

تجربه نشان می‌دهد مواجهه با فناوری‌های نوظهور غالباً با شوک آغاز شده و به تدریج به هم‌زیستی و استحاله منجر می‌شود. این فرایند برای افراد و جوامع مختلف متفاوت است، اما پیش از این هم‌زیستی، پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی باید به لایه‌های پنهان و معرفت‌شناختی این فناوری‌ها توجه عمیق داشته باشند. بررسی مقالات برجسته در این حوزه نشان می‌دهد که موضوعاتی نظیر ارتباط اپیستمولوژی و هوش مصنوعی، ابعاد انسانی و اجتماعی هوش مصنوعی، سوگیری‌های معرفتی، نقش فرهنگ، الگوهای اخلاقی، و نقد فناوری‌های داده‌محور از چالش‌های اصلی مورد توجه محققان علوم انسانی و اجتماعی هستند.

این یافته‌ها ضرورت توجه به ابعاد معرفت‌شناختی و اجتماعی هوش مصنوعی را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که برای بهره‌برداری مؤثر و اخلاقی از این فناوری در حکمرانی، رویکردی میان‌رشته‌ای و انتقادی ضروری است. به موجب مطالعات:

استفاده نامناسب از واژه «هوش» برای توصیف هوش مصنوعی، تفاوت‌های اساسی میان هوش انسانی و هوش ماشینی را محو کرده و منجر به نادیده گرفتن بسیاری از مسائل و نقدهای اجتماعی، اخلاقی و فلسفی مرتبط با این فناوری می‌شود. این کاربرد نادرست مفاهیم کلیدی مانند «هوش» می‌تواند پیامدهای قابل توجهی در توسعه، استفاده، و نظارت بر هوش مصنوعی به همراه داشته باشد. برای مثال، معرفی هوش مصنوعی به‌عنوان یک موجود هوشمند مشابه انسان ممکن است به تصمیمات اشتباه در مورد نحوه توسعه و به‌کارگیری این فناوری منجر شود. با این حال، برخی تحقیقات اخیر به پیشرفت‌های هوش مصنوعی پرداخته و نقدهای مربوط به امکان‌پذیری هوش عمومی مصنوعی را به چالش کشیده‌اند.

هوش مصنوعی همچنین می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تقویت دانش اجتماعی و تسهیل تصمیم‌گیری جمعی عمل کند، اما این امر مستلزم توسعه سیاست‌هایی مبتنی بر رویکردهای میان‌رشته‌ای است که شفافیت را ارتقا داده و سوگیری‌های معرفتی را کاهش دهد. در عین حال، برخی محققان نگرانند که هوش مصنوعی،

آغاز کرد. او مباحث خود را در قالب پنج محور بیان کرد.

۱. یادگیری ماشین و تحلیل گری کلان داده‌ها: چستی و گونه‌شناسی
  ۲. نمونه‌ای از تحلیل گری کلان داده‌ها- پروژه اکسیژن گوگل
  ۳. نمونه‌ای از تحلیل گری کلان داده‌ها- پروژه بازاریابی داخلی
  ۴. نمونه‌ای از تحلیل گری کلان داده‌ها- ترک خدمت کارکنان
  ۵. تأثیر هوش مصنوعی بر کمیت مشاغل
- دکتر ابراهیمی در ادامه به تفاوت مفاهیم در بحث هوش مصنوعی و انواع کارکرد یادگیری ماشین پرداخت. وی به تعریف چهار نوع تحلیل گری توصیفی، تحلیل گری پیش‌بین، تحلیل گری تشخیصی، تحلیل گری تجویزی پرداخت و بیان کرد: در تحلیل گری توصیفی داده‌های خام را به شکل داده‌های تاریخی و گذشته‌نگر تلخیص کرده و به کشف الگوهای کمک می‌کند که می‌توانند بینشی برای توضیح دلایل وقوع یک رخداد ارائه دهند. تحلیل‌گری پیش‌بین، تلاش برای پیش‌بینی رخدادها قبل از وقوع آنهاست. درحالی‌که تحلیل‌گری توصیفی به آنچه هست و آنچه بوده، مربوط می‌شود، تحلیل‌گری پیش‌بین به آنچه خواهد بود، می‌پردازد. تحلیل‌گری توصیفی و پیش‌بین در مورد حالات بودن (چه «بود»، چه «هست» و چه «خواهد بود»)، اطلاعات می‌دهند، در صورتی‌که تحلیل‌گری تشخیصی به «چرایی» می‌پردازد. تحلیل‌گری تجویزی فراتر از پیش‌بینی است و بر ترسیم سناریوهای مختلف، تحلیل گزینه‌های موجود و بهینه‌سازی راهکارها تمرکز دارد. تحلیل‌گری تجویزی از الگوریتم‌های بهینه‌سازی و شبیه‌سازی برای پاسخ به این سؤال استفاده می‌کند.

### پروژه اکسیژن گوگل

ابراهیمی در ادامه به تعدادی از پروژه‌های مرتبط با تحلیل‌گری از جمله پروژه اکسیژن گوگل اشاره کرد و شرح داد: در پروژه اکسیژن گوگل گام‌هایی به شرح زیر طی شد:

- اقدام: تغییر فرآیندها یا سیاست‌ها؛ برنامه‌های جدید تعریف می‌شوند.
- بینش: هدایت به سمت اقدام؛ به تصمیم‌گیری مبتنی بر داده کمک می‌کند.
- تحلیل: شناسایی ارتباطات، روندها یا جمعیت‌های خاص؛ به ایجاد بینش مبتنی بر داده کمک می‌کند.
- سنجه: نسبت، تعداد، روند؛ طی زمان تکراری و کم‌معنا می‌شود.

داده: ساختارمند اما خام؛ به سادگی قابل فهم نیست.

عقیده: مبتنی بر شهود، بر اساس تجربه؛ «ما فقط

می‌دانیم که...».

دکتر ابراهیمی در ادامه و بر اساس نتایج پروژه اکسیژن گوگل، هشت رفتار مدیران بزرگ را برشمرد:

- یک مربی خوب است.
- تیم را توانمند می‌کند و خرد-مدیریتی نمی‌کند.
- علایق و دغدغه‌ها اعضای تیمش را برای رسیدن به موفقیت و رفاه فردی، تصریح می‌کند.
- بهره‌ور و نتیجه‌گراست.
- به‌خوبی ارتباط برقرار می‌کند، می‌شنود و اطلاعات را تسهیم می‌کند.
- در توسعه کارراهه شغلی به اعضای تیم کمک می‌کند.
- چشم‌انداز/ استراتژی روشنی برای تیم دارد.
- مهارت‌های فنی مهمی دارد که به او کمک می‌کنند به تیمش مشاوره دهد.

دکتر ابراهیمی در انتهای نشست در پاسخ به این سؤال که آیا هوش مصنوعی تعداد مشاغل را کم می‌کند؟ به سه حوزه اشاره کرد: آیا در مجموع تعداد مشاغل کاهش می‌یابند؟ آیا مشاغل جایگزین می‌شوند؟ کدام مشاغل احتمال حذف یا جایگزینی دارند؟

گروه پژوهشی مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

روشن‌بانی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی؛  
پژوهش‌ورزی در عصر هوش مصنوعی

سخنرانان:  
دکتر فرزانة میرشاه ولایتی  
(عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)  
چشم‌انداز عرض‌اندام هوش مصنوعی در ساحت پژوهش:  
اقتدار یا افول پژوهشگر

دکتر محمد حسینی مقدم  
(عضو هیات علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی اجتماعی و تمدنی)  
هم‌آفرینی دانش در عصر هوش مصنوعی:  
همکاری انسان‌ها و ماشین‌ها در گشایش مرزهای علمی

دکتر الهام فراهانی درمنگی  
(عضو هیات مدیره انجمن ملی هوش مصنوعی)  
نقشه راه پژوهش در عصر هوش مصنوعی:  
از هم‌زیستی تا تحول

شنبه ۱ دی‌ماه  
ساعت ۱۷:۱۰  
مکان: آمادگاه آژاد، بوار فرهنگ  
خیابان استاد داوود رشیدی، پل ست دانش،  
ساختمان دانشنامه‌نگاری، طبقه چهارم  
سالن جلسات

لینک ورود به نشست:  
<https://webinar.ihcs.ac.ir/rooms/wu3-o8k-ggn-96c/join>

## نقش علوم انسانی در تمدن نوین اسلامی با تأکید بر آینده پژوهی

بودن تمدن پژوهی، دوم، فقدان تأمل روش‌شناختی جان‌مایه‌دار در جوانب و زوایای مختلف تمدن پژوهی، سوم. ناتوانی در ایجاد نسبتی مؤثر میان تمدن پژوهی و مقوله زمان (که خود شامل رویکرد به سنت و گذشته از یک‌سوی، زمان حال و اکنون از سوی دیگر و زمان آینده و پیش‌روی از جانب سوم می‌شود)، چهارم، ایجاد روندها و رویه‌های بعضاً غیردانشی در ارتباط با مقوله تمدن (که گاه ادبیات معطوف به این حوزه را دست‌مایه مناسبات قدرت و گاه ترجمه‌ای و فارغ از ارتباطی جدی با اینجا و اکنون ما ساخته است). از جمله روش‌شناسی‌های سودمند در رویکرد به مقولات تمدنی و مؤثر در فهم امکان‌های منجر به امر تمدنی تاریخی ایرانی بر روی بردار زمان (و به شیوه‌ای نسبت‌مند با گذشته، اکنون و آینده) «دیالکتیک هگل» است.

دکتر مبلغی تأکید کرد: من بر این باور نیستم که بتوان از روش‌شناسی‌ها به‌مثابه بسته‌های پایان‌یافته بهره گرفت، همچنان‌که اساساً دیالکتیک هگل معرف چنین بضاعت یا ظرفیت روش‌شناختی و به یک معنا تاریخی‌ای نیست. به باور بنده باید به الهام‌پذیری روش‌شناسانه روی آورد. رویکرد به هگل در تمدن پژوهی معطوف به تاریخ و نظام آگاهی ایرانی از دو جهت بسی مغتنم و حائز اهمیت است: از یک‌سوی منطق دیالکتیکی هگل، برخلاف نگاه‌های مدرن استعلایی امری پیشینی را بر چندوچون فهم موقعیت‌ها حاکم نمی‌کند (و از این روی راهی به‌سمت سنت در معنای مؤثر کلمه می‌تواند بگشاید) و از سوی دیگر برخلاف نگاه‌های پست‌مدرن اساساً موقعیت‌ها را به شیوه‌ای

نشست «نقش علوم انسانی در تمدن نوین اسلامی با تأکید بر آینده پژوهی» با سخنرانی دکتر محمدتقی موحدابطحی، دکتر یاسر جبرائیلی و دکتر عبدالمجید مبلغی، چهارم دی‌ماه برگزار شد. دبیر علمی این نشست نیز دکتر محمد هاتفی (همگی از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) بودند.

### اقتصاد در افق تمدنی اسلام، مردمی است

در این نشست علمی که به‌مناسبت هفته پژوهش در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد، ابتدا دکتر جبرائیلی به ارائه مباحث خود پرداخت و گفت: اقتصاد در افق تمدنی اسلام، مردمی است؛ به این معنی که آحاد مردم امکان فعالیت آزاد اقتصادی را دارند. در این اقتصاد مردمی، نه دولت به شکل یک کارفرمای بزرگ درمی‌آید، نه اقلیت سرمایه‌دار بر اقتصاد مسلط می‌شود. در چارچوب نظامات اقتصادی سرمایه‌داری و کمونیستی، اقتصاد مردمی قابل تحقق نیست و الگوی خاص خود را می‌طلبد.

### تمدن پژوهی به‌مثابه یک دیسپلین دانشگاهی

در ادامه دکتر مبلغی سخنان خود را آغاز کرد و گفت: تمدن پژوهی به‌مثابه یک دیسپلین دانشگاهی مؤثر متأسفانه چندان میان ما گسترش نیافته است. در آسیب‌شناسی دلایل منجر به ناکامی مزمن تنیده به پای این دیسپلین پراهمیت دانشگاهی، باید به چند مسئله مهم اشاره کرد: یکم، چندوجهی و چندکانونه



### نسبت علوم انسانی و تمدن

سخنران بعدی نشست دکتر موحدابطحی سخنان خود را این چنین آغاز کرد و گفت: مطالعات فلسفی، اجتماعی، تاریخی و... درباره علم نشان‌دهنده ارتباط تحولات علمی با تحولات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی است. در ارتباط با نسبت علوم انسانی و تمدن برخی تحول در علوم انسانی را مقدمه پدیدآمدن تمدنی جدید بر می‌شمارند و برخی شکل‌گیری تمدن جدید را مقدمه پدیدآمدن علوم انسانی جدید می‌دانند و بهتر آن است که به رابطه دیالکتیکی بین این دو باور داشته باشیم. در ارتباط با علوم انسانی اسلامی و تمدن نوین اسلامی نیز همین بحث قابل طرح است.

دکتر موحدابطحی در ادامه به ضرورت تأملات هم‌زمان آینده‌پژوهانه در ارتباط با علوم انسانی اسلامی و تمدن نوین اسلامی اشاره کرد و مشخصاً به برخی از دلالت‌های این امر در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های پژوهشگاه پرداخت.

کمابیش منعزل از یکدیگر (و فارغ از سنت در معنای تداوم‌یافته و تاریخی آن) نمی‌فهمد. این رویکرد در کنه وجودشناختی خود تاریخ‌نگر و معطوف به لحاظ سنت چونان ظرفیتی منجر به بالیدن و بضاعت مؤثر در زایش و پردازش آگاهی تاریخی است. به باور من رویکرد به تمدن ایرانی با لحاظ صیورورت تاریخی آن ذیل بازگشتی این‌گونه بدان سودمند و کارگشا است. بر این اساس بر ماست که به جوانب مختلف روش‌شناختی چنین بازگشتی به منطق دیالکتیک هگل در ارتباط با سنت ایرانی و نسبت آن با اکنون و آینده پردازیم. ذیل چنین رویکردی می‌توان نشان داد که بازگشتی از این‌دست به سنت، در کانون تمدن ایرانی قرار دارد. چنین بازگشتی همچنین ما را قادر به فهم بهتر آنچه اکنون داریم می‌سازد و مشخصاً در تقریر نسبت نحوه بودن اینجا و اکنون‌مان با آینده محتمل (و نه محتوم) به‌شیوه‌ای کمابیش نظام‌مندتر از دیگر دستگاه‌های فکری مؤثر واقع خواهد شد. به یک معنا چنین رویکردی به ما کمک می‌کند که دریابیم چگونه گذشته در آینده و امروز به‌شیوه‌ای تعیین‌کننده حضور به‌هم می‌رساند.





## پژوهش و نویسندگی، خلوت‌گزینی یا جلوت‌گری باورداشت:



دکتر زینه عرفت‌پور  
عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کمال می‌رسد و عدم حضور در اجتماع، سبب غفلت از زیست اجتماعی انسان می‌شود. در این میان برخی از عرفا، راه وسط را برگزیده و بین خلوت و جلوت را (حضور اجتماعی انسان) جمع کرده و خلوت‌گزینی و جلوت‌گری را مکمل هم قلمداد کرده‌اند.

با همین نگاه می‌توان مقوله پژوهش و نویسندگی را مورد تأمل و مذاقه قرار داد و طبقه‌بندی کرد. در واقع گاهی پژوهش و نویسندگی، پژوهشگر یا نویسنده را چنان در دام خود گرفتار می‌سازند که در فضای خانواده و محل کار نیز، تنهایی‌اش از میان نمی‌رود، می‌خواهد هم در آغوش گرم خانواده باشد و هم غرق راحتی تنهایی و عزلت، می‌خواهد هم در محل کار حضور داشته باشد و هم کسی سرک به‌کارش نکشد، به عبارتی هر روز در سکوت کامل به کنجی بخزد و در دنیای بحث و تحقیق خود غور کند و قلم بزند و در زندگی روزمره خود نیز از حضور در جمع‌هایی که دیدارشان موجب ملال و دلزدگی است، سر باز می‌زند و بیشتر ترجیح می‌دهد صدایش از لابه‌لای سطور نوشته‌هایش به گوش مخاطبان برسد؛ گویی که حضری است همیشه غایب.

پژوهش و نویسندگی دو فعالیت‌هایی هستند که اغلب با تصویری از فردی تنها در اتاقی ساکت و آرام در ذهنمان مجسم می‌شود، اما آیا این دو فعالیت الزاماً با خلوت‌گزینی و دوری از جمع همراهند؟ یا اینکه می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای ارتباط با دیگران و ایجاد شبکه‌های فکری عمل کنند و به عبارتی جلوت‌گری نیز داشته باشند؟

پیش از پاسخ‌گویی به این دو پرسش ضروری است که توضیح مختصری درباره اصطلاح خلوت و جلوت ارائه دهیم. در میان آموزه‌های عرفانی مفهوم خلوت از اهمیت زیادی برخوردار است؛ خلوت عارفانه، دوری‌گزیدن از خلق برای متوجه‌ساختن دل‌وجان به حضرت حق و سخن‌گفتن با او برای رسیدن به مقام قرب است. برخی از عرفا خلوت را بر معاشرت با مردم ترجیح داده و تکامل انسان را در گرو خلوت و دوری از خلق برشمرده‌اند. اما از آنجا که انسان فطرتاً موجودی اجتماعی است و برای تداوم حیات و رفع نیازهای خویش ناگزیر است با جامعه پیرامونی خود تعامل داشته باشد، برخی دیگر به جلوت یا همان معاشرت با خلق گراییده و بر این باور بوده‌اند که بخشی از ابعاد وجودی عارف در سایه مصاحبت با خلق به

پژوهشگران و نویسندگان نیازمند است؛ چه هر یک از آنان به نوعی نیاز مخاطبان خود را برطرف می‌سازند، اما اگر پژوهشگر بخواهد در جامعه خود تغییر و تحول شایسته‌ای ایجاد کند، باید به وقت پژوهش و نوشتن، قدری از شلوغی و هیاهوی محیط پیرامونی فاصله گیرد تا خلوتی برای اندیشه‌ورزی و تأمل فراهم آید و تراوشات ذهنی‌اش را به شکل دلپذیری بر روی کاغذ جاری سازد و زمانی که در پی برده‌برداری از زوایای تاریک و مبهم بحث خود، نور حقیقت تابیدن می‌گیرد، از خلوت به جلوت می‌رسد و عصاره کدوکاوهای خویش را در طبق اخلاص می‌گذارد و در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد و این جلوت و رخ‌نمایی در پایان کار با مناقشه فرهیختگان و علاقه‌مندان، سبب می‌شود که هم ارزش‌های علمی پژوهش بیشتر آشکار و هم کاستی‌ها و خلأهایش نمایان شود و این امر یعنی همان تحقق تکامل پژوهشگر و نویسنده از راه خلوت‌گزینی و جلوت‌گیری.

به هر روی پژوهشگر اگر بخواهد در کار پژوهش و نویسندگی موفق باشد و در عین حال از آنها لذت ببرد و دلزدگی و ملال سراغش نیاید، باید میان خلوت و جلوت در آمدوشد باشد تا هم به نحو احسن اندیشه‌ورزی کند و ماحصل کدوکاوهای خود را در قالب زیبایی بریزد و هم کار خود را با افراد جامعه به اشتراک بگذارد و مسئولیت اجتماعی خود را انجام دهد.

اما بالعکس کسانی هم در این میان هستند که در پیج‌وخم فعالیت‌های گوناگون خود می‌خواهند پژوهشی هم داشته باشند و سریعاً مواد پژوهشی خود را در زودپژ مغز خود بپزند و بر تخت سخنوری تکیه زنند و دستاوردهای شتاب‌زده خود را به خورد دیگران بدهند. اینان غالباً به مدد اصطلاحات پرزرق‌وبرق نظریه‌های غرب و شرق که هر از گاهی نوکی به آنها می‌زنند، رگباروار تحلیل‌های سطحی خود را به رخ مخاطبان می‌کشند و آنان را به سرابی از دانش دل‌خوش می‌کنند. به عبارتی می‌توان گفت که این دسته از پژوهشگران و نویسندگان بیشتر به جلوت و حضور در جمع مخاطبان گرایش دارند تا به خلوت و دوری‌گزیدن از جمع و تأمل و اندیشه‌ورزی عمیق.

دسته سومی هم هستند که بخت یارشان می‌شود تا میان خلوت‌گزینی و جلوت‌گیری حد وسطی را اختیار کنند، اینان به وقت پژوهش، در فضایی دنج و آرام با کنج‌کاوی سیری‌ناپذیری در پی حقیقتند و با دقت و وسواس خاصی در مراجع و منابع موضوع مورد بحث خود غور و تفحص می‌کنند و با استفاده از تشکیک و استحصال یقین، محتوای خود را در قالبی مناسب می‌ریزند و هر زمان که به نتایج قانع‌کننده‌ای می‌رسند، از کنج خلوت خود بیرون می‌آیند و حاصل تعمق و تفحص خود را در جمع، از پشت پرده غیبت بیرون می‌کشند و در معرض قضاوت و داوری قرار می‌دهند تا صیقل بخورد و ناهمواری‌هایش زدوده شود. شاید بتوان گفت که جامعه به این سه دسته از



## یادداشت به مناسبت ولادت حضرت علی (ع) میدان آزمون و مسابقه بزرگ از نگاه امام علی (ع)

دکتر زینه عرفت پور  
عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

که در میدان مسابقه، لیاقت و نکویی دویدن اسب‌ها معلوم می‌شود، در میدان حکومت‌داری و ریاست هم اخلاق، رفتار، تدبیر و مدیریت افراد آشکار می‌شود. انسان‌ها در طول حیاتشان در عرصه‌های مختلفی مورد آزمایش و امتحان قرار می‌گیرند؛ دسته‌ای در حالت تنعم و رفاه، دسته‌ای در حالت فقر و تنگدستی و دسته‌ای دیگر در مصیبت‌های و شداید روزگار. ولی در میان میدان‌های امتحان و مسابقه، پرخطرترین میدان، میدان حکمرانی و ریاست است؛ چراکه موقعیت قدرت، موقعیتی سخت و پر از وسوسه‌های شیطانی است. درواقع می‌توان گفت در چنین جایگاهی، جلوه‌های فریبنده دنیا، انواع امیال و هوس‌ها بیشتر خودنمایی می‌کنند و صاحب مقام را با چشاندن طعم شیرین و خوشایند قدرت‌طلبی و زورگویی به او، برای اعمال قدرت و زور و وسوسه می‌کنند و اینجاست که هویدا

امام علی علیه‌السلام در حکمت ۴۴۱ (نسخه صبحی صالح) در قالب یک جمله کوتاه به یکی از مهم‌ترین روش‌های آزمودن انسان‌ها اشاره کرده، می‌فرماید: **الْوَلَايَاتُ مَضَامِيرُ الرَّجَالِ: مَنْصَبُهَايَ حُكُومَتِي، مِيْدَانُ اَزْمُونِ وَ مَسَابِقَةُ مَرْدَانِ اَسْتُ.**

در این حکمت واژه «مضامیر» جمع «مضمار» از ماده «ضَمور» به معنای لاغر و نحیف‌شدن، مشتق شده و مضمار در زبان عربی به میدانی اطلاق می‌شده است که اسب‌ها را جهت تمرین دادن و آمادگی یافتن برای مسابقه اسب‌سواری به آنجا می‌آوردند و با تمرین‌های پی‌درپی، آنها را لاغر و چالاک می‌ساختند؛ بنابراین مضمار به معنای میدان تمرین است و گاه به میدان مسابقه نیز اطلاق می‌شود که البته در این حکمت به معنای میدان آزمون و مسابقه به کار رفته است. درواقع امام علیه‌السلام در این حکمت می‌فرماید: همان‌طور



می‌شود چه کسانی را غرور و سرمستی فرا می‌گیرد و چه کسانی فریفته مظاهر دنیوی نمی‌شوند، چه کسانی برای مال‌اندوزی و منفعت‌جویی از طریق حکومت و ریاست، به دیگران ظلم و ستم روا می‌دارند و چه کسانی با همه (طرفداران و مخالفان)، جانب عدالت و انصاف را نگاه می‌دارند و البته قطعاً کسی می‌تواند در این جایگاه پیروز شود که در نهایت صداقت و فروتنی، خود را در برابر دیگران مسئول بداند و توان و قدرت خویش را در جهت خدمت‌گزاری به آنان به‌کارگیرد، اما کسی که به دنبال هوس‌های نفسانی خویش باشد و این قدرت و ریاست را فرصتی برای جاه‌طلبی، منفعت‌جویی و حمایت از طرفداران و حذف مخالفان قلمداد کند و برای تأمین مصالح خویش، حق را نبیند و بر باطل صحه گذارد، آنجا که باید در دفاع از حق زبان نگشاید و با کلام و رفتار خویش، باطل را مورد تأیید قرار دهد، قطعاً در این دنیا متاعی زودگذر برای خود و هم‌قطاران‌ش به‌چنگ می‌آورد، اما چه سود که او در این میدان مسابقه خسران اخروی را برای خود رقم زده است.

در مجموع می‌توان گفت که انسان‌ها بعد از دست یافتن به موقعیت‌های بالا، به‌شدت در معرض خطر تغییر و دگرگونی در اخلاق و رفتار خود هستند و تنها با تکیه بر ارزش‌مداری و اخلاق‌گرایی است که همچون معصومین (علیهم‌السلام) در شرایط متفاوت، اخلاق و رفتارشان کمترین تغییری پیدا نمی‌کرد، می‌توانند در میدان‌های سخت و آزمون‌های دنیوی سربلند و پیروز بیرون آیند، همچنان‌که امیرمؤمنان علی (ع) آن سال‌هایی که خانه‌نشین شده بودند و موقعیت حکومت نداشتند، بسیار ساده و به‌دور از زرق‌وبرق دنیا می‌زیستند و زمانی که به حکومت و قدرت رسیدند، همان زندگی ساده و بی‌آلایش را ادامه دادند و هیچ‌گاه از موقعیت خود برای خانواده و اطرافیان خود سوءاستفاده نکردند و آنجا که باید، کلام حق را می‌گفتند و در هیچ شرایطی، چه با قول چه با عمل، با باطل هم‌ساز و هم‌نوا

نمی‌شدند، بلکه با تمام قوای خود به جنگ باطل می‌رفتند؛ چراکه خوب می‌دانستند که از یک‌سو نباید فریب این دنیایی را خورد که پیرامونش را انواع شهوات و امیال نفسانی فراگرفته است و برای انسان‌ها شیرین، زیبا و پر طراوت به‌نظر می‌رسد، همچنان‌که در خطبه ۱۱۱ در مقام برحذر داشتن انسان‌ها از دنیا می‌فرماید: ... إِنَّهَا حَلْوَةٌ خَضْرَاءُ حُقَّتْ بِالشَّهَوَاتِ و ازسوی دیگر نباید به موقعیت قدرت و حکومت و ریاست دل بست که این موقعیت برای هیچ‌کس پایدار نمی‌ماند، همچنان‌که در بخش دیگری از همین خطبه امام (ع) می‌فرماید: سلطانتها دول: حکومت آن [دنیا] ناپایدار است و دست‌به‌دست می‌چرخد.

البته شایان ذکر است که در این حکمت، واژه رجال یا مردان از باب تغلیب به‌کاررفته است؛ به دیگر بیان هرچند بر اساس اصل غلبه جنس مذکر بر مؤنث در زبان عربی، به‌ظاهر روی سخن امام (ع) به مردان است اما در واقع گستره پیام هم مردان و هم زنان را شامل می‌شود. بنابراین افراد اعم از زن و مرد در مسئولیت‌های اجتماعی و شغلی خود، باید وظایف خود را به‌خوبی انجام دهند و از موقعیت خویش در جهت ارضاء امیال و شهوات شخصی، کسب موقعیت‌های نابه‌حق برای خود و اطرافیان، انتقام‌جویی، زورگویی و ... بهره نبرند، بلکه این موقعیتی را که به‌دست آورده‌اند را فرصتی برشمرند که از طریق آن ویژگی‌های درونی و توانمندی‌های خود را به‌بوت‌آزمایش بگذارند و آنها را در راستای ارتقاء حوزه فعالیت خویش به‌کار بندند و به دیگران خدمت کنند و توانایی‌های خود را تقویت کنند، در این صورت آن مسئولیتی که به‌عنوان امانت به دست آنان سپرده شده است، از یک‌سو سربلندی و سرفرازی را در این دنیا و سعادت و نیک‌فرجامی را در آخرت برایشان رقم می‌زند.



## انتصاب

دکتر نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طی احکامی جداگانه،

دکتر علی سالاری شادی را به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی تاریخ سیاسی ایران»

دکتر محمدمیر احمدزاده را به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی تاریخ فکری و فرهنگی ایران»

دکتر صفورا برومند را به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران»

دکتر سمیه کریمی را به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی مطالعات مسائل اجتماعی ایران»

دکتر بهاره نصیری را به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی مطالعات زنان و خانواده»

دکتر سمیه‌سادات شفیعی را به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی جامعه‌شناسی نظری»

دکتر ریما مرشد را به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی علوم طبیعی»

دکتر محمدعلی سلمانی ندوشن را به‌عنوان «سرپرست گروه پژوهشی علوم انسانی»

دکتر مریم کامیار را به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی مطالعات میان رشته‌ای»

دکتر گل‌اندام شریفی را به‌عنوان «سرپرست گروه پژوهشی علوم تجربی»

دکتر محسن بهلولی فسخودی را به‌عنوان «سرپرست معاونت پژوهشکده دانشنامه‌نگاری»

دکتر ابراهیم التجائی را به عضویت «شورای تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه»

و دکتر سیده‌سپیده میرمجیدی هشجین، دکتر مهدی معین‌زاده، دکتر لیلاسادات زعفرانچی، مهندس زهره

عطائی آشتیانی، دکتر هادی وکیلی و دکتر فاطمه براتلو را

به‌عنوان اعضای «شورای رشد، نوآوری و فناوری پژوهشگاه»

همچنین دکتر هادی وکیلی، دکتر فرزانه گشتاسب، دکتر محمدعلی فتح‌الهی و دکتر صفورا برومند را

به عضویت در کمیته «کرسی‌های علمی و نظریه‌پردازی»

و دکتر روح‌اله سلگی را به مدت دو سال

به‌عنوان «مدیر گروه مستقل مطالعات راهبردی سیاست و امنیت»

و دکتر عزیز نجف‌پور آقابیگلو را

به‌عنوان «نماینده رئیس پژوهشگاه در دبیرخانه اعتلای علوم انسانی پژوهشگاه»

منصوب کرد.

## سایر نشست‌های برگزار شده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

**جهش علوم انسانی و تمدن‌زایی**  
هوش مصنوعی و علوم انسانی

پژوهشگاه زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

### فلسفه و ظهور تمدن‌ها

سخنرانان:  
دکتر روح‌الله کریمی  
نقش فلسفه در آموزش نوین  
دکتر سیدعلی اصغری  
گزارش پژوهش؛ روشنگری در مقابل امپراطوری  
دکتر مهرنوش هدایتی  
کندوکاو به مثابه سبکی از زندگی  
دبیر نشست: دکتر سیدنورالدین محمودی

لینک ورود به نشست:  
<https://webinar.ihs.ac.ir/rooms/gpj-8ku-ta3-zay/join>

یکشنبه ۲ دی‌ماه  
ساعت ۱۵:۱۳  
بزرگراه کرمان، خیابان ۶۴ فریب  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن اندیشه

**جهش علوم انسانی و تمدن‌زایی**  
هوش مصنوعی و علوم انسانی

پژوهشگاه زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

### زبان طبیعی و هوش مصنوعی

سخنرانان:  
دکتر حسین صافی  
هومودیتالیس بی‌زبان  
دکتر آنوسا رستم‌بیک  
ادراک فرهنگی و هوش مصنوعی:  
با حضور افتخاری چت‌جی‌بی‌تی و گوگل جمینای  
دکتر مسعود قیومی  
درک و تولید زبان با کمک هوش مصنوعی  
دکتر مصطفی عاصی  
ما و هوش مصنوعی: امروز و فردا  
دبیر علمی نشست: دکتر حمیدرضا دالوند

لینک ورود به نشست:  
<https://webinar.ihs.ac.ir/rooms/4wr-m55-bj8-wdb/join>

یکشنبه ۲ دی‌ماه  
ساعت ۱۰ تا ۸  
بزرگراه کرمان، خیابان ۶۴ فریب  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن اندیشه

**جهش علوم انسانی و تمدن‌زایی**  
هوش مصنوعی و علوم انسانی

گروه جامعه‌شناسی نظری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

### شعردمانی

#### استباطات جامع‌شناختی و رواشناختی از شعرایرانی

سخنران:  
دکتر سید بیوک محمدی

لینک ورود به نشست:  
<https://webinar.ihs.ac.ir/rooms/xit-xe5-1a6-1yt/join>

سه‌شنبه ۴ دی‌ماه  
ساعت ۱۱ تا ۱۰  
بزرگراه کرمان، خیابان ۶۴ فریب  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن حکمت

**جهش علوم انسانی و تمدن‌زایی**  
هوش مصنوعی و علوم انسانی

پژوهشگاه زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

### کدام پژوهش به جهش علوم می‌انجامد؟

سخنرانان:  
دکتر سیدعلی اصغری  
گزارش پژوهش؛ روشنگری در مقابل امپراطوری  
دکتر روح‌الله شهابی  
هوش مصنوعی و پژوهش‌های روانشناسی  
دکتر روح‌الله کریمی  
نقش فلسفه در آموزش نوین  
دکتر سیدنورالدین محمودی  
پژوهش به عنوان اکتشاف ابعاد مختلف وجود انسانی  
دبیر نشست: دکتر سیدنورالدین محمودی

لینک ورود به نشست:  
<https://webinar.ihs.ac.ir/rooms/ici-y9g-3xc-au7/join>

چهارشنبه ۵ دی‌ماه  
ساعت ۱۵ تا ۱۳  
بزرگراه کرمان، خیابان ۶۴ فریب  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب

## سایر نشست‌های برگزار شده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گروه مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

### نقش و کاربرد آینده‌نگاری در توسعه نوآوری دفاعی

دکتر فرزانه میرشاه‌ولایتی  
(عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

دکتر فرهاد نظری‌زاده  
(عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی مالک اشتر)

مدیر نشست: دکتر الهام ابراهیمی

چهارشنبه ۵ دی‌ماه ۱۴۰۳ ساعت: ۱۲:۳۰ تا ۱۴  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن حکمت

پیوند ورود به نشست:  
<https://webinar.ihs.ac.ir/rooms/vem-rqv-apc-ft4/join>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### جهش علوم انسانی و تمدن‌زایی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری گروه مطالعات زنان انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات برگزار می‌کند:

### تغییر صورتبندی‌های خانواده و لزوم اتخاذ رویکردهای محله‌محور در ارتقای سلامت اجتماعی زنان سالمند

مدیر جلسه: دکتر سمیه سادات شقیعی  
عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سخنرانان:  
دکتر محیا شعبانی  
دانش آموخته جامعه‌شناسی و رئیس اداره سلامت سالمندی اداره کل سلامت شهرداری تهران

مهم‌محلان:  
دانش آموخته جامعه‌شناسی و کارشناس حوزه سالمندی

لینک ورود به نشست:  
<https://webinar.ihs.ac.ir/rooms/iy4-n30-kic-y16/join>

شنبه ۱۱ دی‌ماه  
ساعت ۱۲:۳۰ تا ۱۴  
به صورت مجازی

گروه مطالعات مسائل اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

### رونمایی، نقد و بررسی کتاب نظریه دولت در ایران

دولت در دوره پهلوی اول

سخنرانان:  
دکتر علیرضا ملایی‌توانی  
دکتر سلمان صادقی‌زاده

با حضور مؤلف:  
دکتر محمدسالار کسرابی

زمان: سه‌شنبه ۱۳ آذرماه ۱۴۰۳ ساعت: ۱۰ تا ۱۲  
مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب

پیوند ورود به نشست:  
<https://webinar.ihs.ac.ir/rooms/fmw-t3z-15n-h6x/join>

گند و کاوی پیرامون کتاب «خار و میخک»: بازخوانی روایت یحیی السنوار از «محور مقاومت»

با حضور: خالد القدومی (نماینده ویژه حماس)

محمدجواد ادبی	سیدمهدی سجادی	عباس ملکی
رسول اسماعیل‌زاده	کریم شنی	هومن نائینیان
علی افشاری	سمیه عالمی	ناصر نقویان
بهمن اکبری	بیژن عبدالکریمی	سیدجواد میری
جابر انصاری	زینب عرفت‌پور	
نرگس انصاری	محمدعلی فتح‌اللهی	
علی‌یرادو	مریم مطهری‌راد	
یاقوب توکلی		
سمیه جدالی		
محمد خانی		
ابراهیم اکبری دیزگاه		
صافی زینا کلام		
سعید زینا کلام		

زمان: شنبه ۱۵ دی‌ماه ۱۴۰۳ ساعت: ۹:۳۰ تا ۱۷  
مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن آذربایجان

پیوند ورود به نشست:  
<https://webinar.ihs.ac.ir/rooms/ugk-5kt-uzt-ezd/join>

## سایر نشست‌های برگزار شده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

حلقه مطالعاتی ایران شناسی  
بررسی و نقد شرق‌شناسی

### گسست تاریخی

پیشگامان اندیشه‌های نوین در شرق آسیا

دکتر یحیی فوزی (رئیس هیأت علمی پژوهشگاه، نقاب‌نمایی)

دکتر موسی نجفی (رئیس هیأت علمی پژوهشگاه علوم سیاسی)

دکتر مهدی معین زاده (رئیس هیأت علمی پژوهشگاه تاریخ و فلسفه علم)

دکتر طبرضا ملایی (رئیس هیأت علمی پژوهشگاه تاریخ ایران)

دکتر سیدچراغ میری (رئیس هیأت علمی پژوهشگاه علوم اجتماعی)

دکتر محمدعلی فتح‌اللهی (رئیس هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل، خلیج)

حضور برای علاقه‌مندان آزاد است.

زمان: یکشنبه ۱۶ دیماه ۱۴۰۳ ساعت: ۱۰ تا ۱۲  
مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن آندیشه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

پژوهشگاه مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل و حقوق و با همکاری پژوهشگاه علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

### نشست علمی

### بررسی نقش گروه‌های تروریستی و حامیان آن‌ها در آینده سوریه

سخنران:  
دکتر ابراهیم متقی (رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)

دکتر محمد علی فتح‌اللهی (رئیس پژوهشگاه مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل و حقوق)

مدیر نشست:  
دکتر روح‌اله سلگی (هیأت علمی پژوهشگاه علوم سیاسی)

زمان: دوشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۳ ساعت ۱۴ تا ۱۶  
مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن آندیشه

پیوند ورود به نشست:  
<https://webinar.ihcs.ac.ir/rooms/ihc-riz-w9q-kwr/join>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

گروه فلسفه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

### تأملی در تأسیس فلسفه در عالم اسلامی و چالش امر سیاسی

سخنران:  
دکتر حمید طالب‌زاده

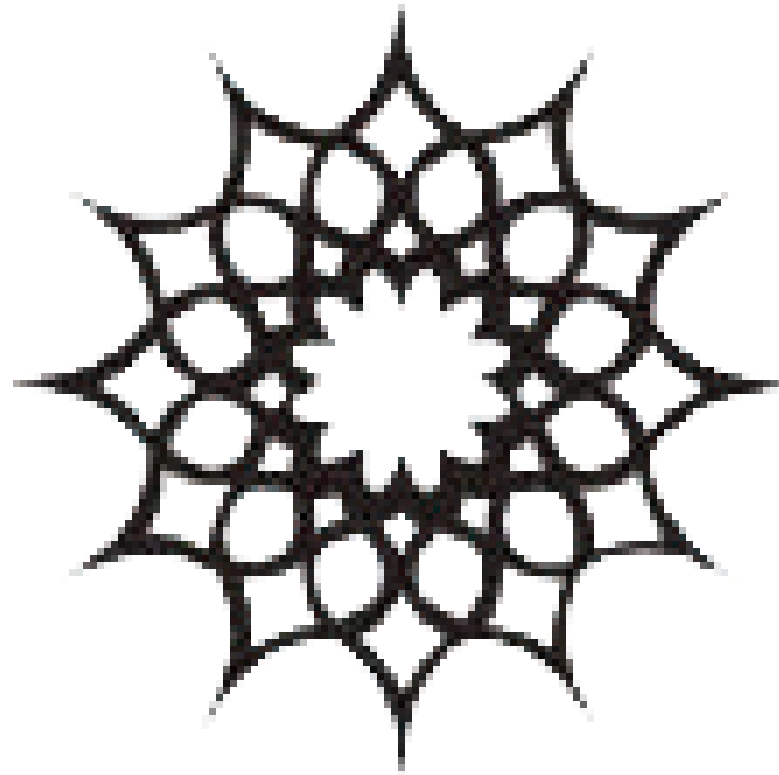
مدیر جلسه: دکتر محمدحسن نیلی

یکشنبه ۳۰ دی ماه ۱۴۰۳ ساعت: ۱۰ تا ۱۲

مکان: پوزگراه کردستان، خیابان دکتر آینه‌وند (۶۴ غربی) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، اتاق ۱۲۶

پیوند ورود به نشست:  
<https://webinar.ihcs.ac.ir/rooms/dpz-p1q-cye-z4f/join>





ثرو، شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



## آرشیو خبرنامه در وبگاه پژوهشگاه

**فراخوان مقاله**

انجمن زبان‌شناسی ایران با همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دانشگاه پیام نور، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) و نشرنومه پاریس برگزار می‌کند:




**سومین همایش ملی  
مطالعات نام‌شناسی ایران**

دبیر علمی: دکتر بهمن زندی  
دبیران اجرایی: دکتر ناطقه عطیسی فرد و دکتر حوریه احدی

**موضوعات ارائه مقاله:**

- مطالعات نام‌شناسی و زبان‌شناسی خرد (آرا شناسی، واج‌شناسی، صوفه، معناشناسی، تحلیل گفتار)
- مطالعات نام‌شناسی و زبان‌شناسی اجتماعی
- مطالعات نام‌شناسی و زبان‌شناسی اجتماعی
- مطالعات نام‌شناسی و فرهنگ و زبان‌های باستانی
- مطالعات نام‌شناسی، رسانه‌ها، فناوری و شبکه‌های اجتماعی
- مطالعات نام‌شناسی و جغرافیای تاریخی، تاریخ فرهنگی، باستان‌شناسی و تاریخ اجتماعی
- مطالعات نام‌شناسی و مردم‌شناسی
- مطالعات نام‌شناسی هنری
- مطالعات نام‌شناسی دینی
- مطالعات نام‌شناسی ادبی

**تاریخ‌های مهم:**

- مهلت ارسال اصل مقاله و چکیده انگلیسی: ۳۱ خرداد ۱۴۰۴
- اعلام نتایج داوری: ۱۵ شهریور ۱۴۰۴
- زمان برگزاری همایش: ۱۶ مهر ۱۴۰۴

**معرفی همایش**

نام‌شناسی در قالب مطالعاتی میان‌رشته‌ای، شاخه‌ای از زبان‌شناسی اجتماعی است که با رویکردی هم‌زمانی، نام‌شناسی را از دانشی کهن گرا به دانشی برای بررسی جامعه معاصر تبدیل کرده است که با مطالعات اجتماعی زبان، هویت، شناخت، جامعه‌شناسی ادبیات و جغرافیا پیوند دارد.

خواهشمند است مقالات به وبگاه ارسال شود. [hamayesh@isi.ir](mailto:hamayesh@isi.ir)

**سردبیر:** حوریه احدی  
**دبیر تحریریه:** شهرام اصغری  
**هیأت تحریریه:** محسن باباخانی، سعیده زندی و صادق کیا  
[ravabet1@ihcs.ac.ir](mailto:ravabet1@ihcs.ac.ir)  
[www.ihcs.ac.ir](http://www.ihcs.ac.ir)  
**پیام‌رسان‌ها:** @ihcss, @pajoheshgah